

درک کتاب مقدس

دوره کامل

چهل درس

کلیسای کریستادلفین

فهرست مطالب

- درس اول: چگونه از این کتاب استفاده کنیم؟ ۷
- درس دوم: کریستادلفین ها چه کسانی هستند؟ ۱۳
- درس سوم: کتاب مقدس راهنمای ما ۱۹
- درس چهارم: انجیل ۲۶
- پرسش های بخش اول ۳۳
- درس پنجم: خدا و آفرینش ۳۶
- درس ششم: عشق فراوان خدا به جهان ۴۳
- درس هفتم: بازگشت عیسی مسیح به زمین ۵۰
- درس هشتم: نشانه های بازگشت عیسی مسیح ۵۸
- پرسش های بخش دوم ۶۵
- درس نهم: پادشاهی تو بیاید ۷۰
- درس دهم: دید خدا نسبت به تاریخ ۷۷
- درس یازدهم: پادشاهی خدا - صلح و سلامتی بر زمین ۸۴
- پرسش های بخش سوم ۹۲
- درس دوازدهم: وعده های خدا به ابراهیم ۹۶
- درس سیزدهم: یهودیان در تاریخ (بخش اول) ۱۰۴
- درس چهاردهم: یهودیان در تاریخ (بخش دوم) ۱۱۲
- درس پانزدهم: وعده های خدا به داوود ۱۲۱
- پرسش های بخش چهارم ۱۲۹
- درس شانزدهم: پدر و پسر ۱۳۶
- درس هفدهم: زندگی مسیح ۱۴۴
- درس هجدهم: مرگ مسیح ۱۵۱
- درس نوزدهم: رستاخیز و عروج عیسی مسیح ۱۵۹

۱۶۷	پرسش های بخش پنجم
۱۷۳	درس بیستم: روح القدس خدا
۱۸۱	درس بیست و یکم: عطایای روح القدس
۱۸۹	درس بیست و دوم – گناه و عواقب آن (قسمت اول)
۱۹۶	درس بیست و سوم: گناه و عواقب آن (قسمت دوم)
۲۰۴	پرسش های بخش ششم
۲۰۹	درس بیست و چهارم: فیض، عامل نجات
۲۱۷	درس بیست و پنجم: رستاخیز از مردگان
۲۲۵	درس بیست و ششم: روز داوری
۲۳۳	درس بیست و هفتم: زندگی جاودان
۲۴۰	پرسش های بخش هفتم
۲۴۶	درس بیست و هشتم: فرشتگان
۲۵۴	درس بیست و نهم: دیو و شیطان
۲۶۲	درس سی ام: ابلیس و گناه
۲۷۱	درس سی و یکم: تعمید
۲۷۹	پرسش های بخش هشتم
۲۸۴	درس سی و دوم: ازدواج مسیحی
۲۹۲	درس سی و سوم: رویارویی با مشکلات در ازدواج
۳۰۰	درس سی و چهارم: وظایف ما در قبال قوانین کشور
۳۰۸	درس سی و پنجم: دعا
۳۱۶	پرسش های بخش نهم
۳۲۰	درس سی و ششم: زندگی تازه در مسیح
۳۲۸	درس سی و هفتم: مطالعه روزانه کتاب مقدس
۳۳۶	درس سی و هشتم: مشارکت با هم ایمانان

۳۴۴	پرسش های بخش دهم
۳۴۹	درس سی و نهم: خلاصه ای از تعالیم کتاب مقدس
۳۵۸	درس چهلم: قدم بعدی
۳۶۵	پرسش های بخش یازدهم

درس اول: چگونه از این کتاب استفاده کنیم؟

مطالعه: مزامیر باب ۱۹

کتاب مقدس - کلام خدا

این دوره آموزشی کریستادلفین برای درک بهتر کتاب مقدس تهیه و تنظیم شده است. کتاب مقدس کلام زنده خداست و این تنها کتاب قابل اعتمادی است که به ما درباره خدا و نقشه های او برای زمین و انسانهای ساکن بر آن سخن می گوید که شامل وعده های خدا برای برکت گرفتن و رستگاری کسانی است که این کلام را خوانده و به آن عمل می کنند.

داشتن یک نسخه از کتاب مقدس امتیاز بزرگی است. برای درک این کتاب آموزشی نیاز به داشتن یک کتاب مقدس کامل است و داشتن کتاب عهد جدید به تنهایی کافی نیست. اگر در حال حاضر به این کتاب دسترسی ندارید، می توانید از مراکز مختلف آن را با قیمت بسیار مناسب خریداری کنید و تقریباً در تمامی کشورها شعبه های مختلفی وجود دارد.

درباره این کتاب

این کتاب آموزشی کتاب مقدس، از ۴۰ درس تشکیل شده است که در ۱۱ قسمت گنجانده شده است. در انتهای هر قسمت، یک بخش پرسش و آزمون وجود دارد. در صورت داشتن یک آموزگار یا مربی، می توانید جواب پرسش های هر بخش را برای او فرستاده تا در صورت وجود هر گونه ابهام و یا اشکالی، مربی به رفع موارد نادرست شما کمک خواهد کرد. اگر هر گونه سوالی در رابطه با این کتاب و یا کتاب مقدس در ذهن شما وجود دارد، فقط می توانید با مربی خود و یا برادران مسئول سی بی ام^۱ در میان گذاشته و جواب درست را دریافت نمایید.

برای دریافت کتاب مقدس آنلاین می توانید از لینک زیر استفاده کنید:

<https://www.bible.com/fa/bible/118/GEN.1.tpv>

این کتاب آموزشی کاملاً رایگان بوده و هدف از تهیه آن کمک به شما برای درک بهتر کتاب مقدس و لذت بردن از خواندن آن می باشد. ما می خواهیم که شما به پیغام خدا برای رستگاری در نام عیسی مسیح پی ببرید. بعد از اتمام ۴۰ درس، به شما گواهینامه ای داده نخواهد شد، ولی در صورت نیاز کتاب های تکمیلی دیگری برای کمک به شما ارسال خواهد شد.

¹ Christadelphian Bible Mission (CBM)

منابع استفاده شده در این کتاب

آدرس منابع برگرفته از کتاب مقدس به صورت زیر تعریف می شود:

پیدایش ۱ = کتاب پیدایش، باب اول

پیدایش ۱: ۱ و ۳ = کتاب پیدایش، باب اول، آیات ۱ و ۳

پیدایش ۱: ۱-۷ = کتاب پیدایش، باب اول، آیات ۱ تا ۷

شما می توانید با رجوع به کتاب مقدس به صحت دروس این جزوه پی ببرید و صرفاً به موارد این جزوه اکتفا نکنید. برای همین منظور در تمامی دروس این جزوه، تعداد بسیاری از آیات کتاب مقدس به شما بعنوان منبع معتبر داده شده است.

چگونه درس ها را مطالعه کنیم؟

سعی کنید در هر هفته یک درس را مطالعه کنید و تا درک کامل یک درس به مطالعه درس بعدی نروید. خواندن سه بار از روی هر درس می تواند بسیار مفید واقع شود:

- اولین بار - مطالعه هر درس می تواند به شما برای درک ایده کلی آن درس کمک کند.
- دومین بار - به آیات مربوطه هر درس در کتاب مقدس خود رجوع کنید و پاسخ پرسش های خود را در کتاب مقدس پیدا کنید.
- سومین بار - از ابتدا مطالب درس را همراه با آیات مربوطه در کتاب مقدس مطالعه کنید و جواب هایتان را مقایسه کنید.

در انتهای هر درس آیات دیگری نیز برای یادگیری بهتر به شما نشان داده شده است که به شما در راستای زندگی شخصی کمک خواهد کرد.

پاسخ به پرسش های درس

پاسخ پرسش های هر درس را می توانید برای مربی خود فرستاده و یا برای یادگیری بهتر خود را امتحان کنید. بیشتر پاسخ ها در متن دروس و نیز آیات مربوطه موجود است. حتماً پاسخ ها را خودتان جواب دهید و فقط از روی جزوه کپی نکنید. این به شما کمک خواهد کرد تا درک بهتری به دست آورید و اگر سوالی در ذهن شما وجود دارد با ما در جریان گذاشته و جواب خود را دریافت کنید.

مطالعه کتاب مقدس با دعا

قبل از شروع خواندن کتاب مقدس و یا مطالعه دروس، از خدا در قالب دعا بخواهید که به شما در درک کلام خود کمک کند. در اینجا دعایی از کتاب مزامیر داریم:

"چشمان مرا بگشا تا از شریعت تو شگفتی ها ببینم" (مزامیر ۱۱۹: ۱۸).

اگر از خدا بخواهیم، او چشمان ما را باز می کند و به ما در درک کلام خود کمک خواهد کرد. ما هر روز باید کتاب مقدس را مطالعه کنیم.

نگرفتن پاسخ از شما

اگر از شما پاسخی دریافت نکنیم، به این معناست که شما دیگر تمایلی به ادامه مبحث نداشته و دروس بعدی برای شما ارسال نخواهد شد. با توجه به تعداد زیاد افراد تحت آموزش و علاقمند در سراسر دنیا، ما قادر به ارسال دروس به افرادی که پاسخی نمی دهند، نخواهیم بود.

اگر مشکلی در ارسال جواب های خود دارید، به ما اطلاع داده تا ضمن کمک در حل مشکل، قادر به ادامه ارسال دروس و کمک به آموزش شما باشیم.



چهل درسی که در این کتاب می خواهیم:

۲۱. عطایای روح القدس	۱. چگونه از این کتاب استفاده کنیم؟
۲۲. گناه و عواقب آن - بخش اول	۲. کریستادلفین ها چه کسانی هستند؟
۲۳. گناه و عواقب آن - بخش دوم	۳. کتاب مقدس، راهنمای ما
پرسش های بخش ششم	۴. انجیل
۲۴. فیض، عامل نجات	پرسش های بخش اول
۲۵. رستاخیز از مردگان	۵. خدا و آفرینش
۲۶. روز داوری	۶. عشق فراوان خدا به جهان
۲۷. زندگی جاودان	۷. بازگشت عیسی مسیح به زمین
پرسش های بخش هفتم	۸. نشانه های بازگشت عیسی مسیح
۲۸. فرشتگان	پرسش های بخش دوم
۲۹. دیو و شیطان	۹. پادشاهی تو بیاید
۳۰. ابلیس و گناه	۱۰. دید خدا نسبت به تاریخ
۳۱. تعمید	۱۱. پادشاهی خدا - صلح و سلامتی بر زمین
پرسش های بخش هشتم	پرسش های بخش سوم
۳۲. ازدواج مسیحی	۱۲. وعده های خدا به ابراهیم
۳۳. رویارویی با مشکلات در ازدواج	۱۳. یهودیان در تاریخ - بخش اول
۳۴. وظایف ما در قبال قوانین کشور	۱۴. یهودیان در تاریخ - بخش دوم
۳۵. دعا	۱۵. وعده های خدا به داوود
پرسش های بخش نهم	پرسش های بخش چهارم
۳۶. زندگی تازه در مسیح	۱۶. پدر و پسر
۳۷. مطالعه روزانه کتاب مقدس	۱۷. زندگی عیسی
۳۸. مشارکت با هم ایمانان	۱۸. مرگ عیسی
پرسش های بخش دهم	۱۹. رستاخیز و عروج عیسی مسیح
۳۹. خلاصه ای از تعالیم کتاب مقدس	پرسش های بخش پنجم
۴۰. قدم بعدی	۲۰. روح القدس خدا
پرسش های بخش یازدهم	

یک باب از کتاب مقدس جهت مطالعه:

پیدایش باب اول - اولین باب از کتاب مقدس

"در آغاز، خدا آسمانها و زمین را آفرید. زمین بی‌شکل و خالی بود و تاریکی بر روی ژرفا؛ و روح خدا سطح آبها را فرو گرفت. خدا گفت: روشنایی باشد و روشنایی شد. خدا دید که روشنایی نیکوست و خدا روشنایی را از تاریکی جدا کرد. خدا روشنایی را روز و تاریکی را شب نامید. شامگاه شد و بامداد آمد، روز اول.

و خدا گفت: فلکی باشد میان آبها، و آبها را از آبها جدا کند. پس خدا فلک را ساخت و آبهای زیر فلک را از آبهای بالای فلک جدا کرد. و چنین شد. خدا فلک را آسمان نامید. شامگاه شد و بامداد آمد، روز دوم.

و خدا گفت: آبهای زیر آسمان در یک جا گرد آیند و خشکی پدیدار شود و چنین شد. خدا خشکی را زمین و اجتماع آبها را دریا نامید و خدا دید که نیکوست. آنگاه خدا گفت: زمین نباتات برویاند، گیاهانی که دانه تولید کنند و درختان میوه‌ای که بر حسب گونه خود میوه دانه‌دار بیاورند، بر روی زمین و چنین شد. زمین نباتات رویانید، گیاهانی که بر حسب گونه خود دانه تولید می‌کردند، و درختانی که بر حسب گونه خود میوه دانه‌دار می‌آوردند. و خدا دید که نیکوست. شامگاه شد و بامداد آمد، روز سوم.

و خدا گفت: نورافشانها در فلک آسمان باشند تا روز را از شب جدا کنند، و تا نشانه‌ها باشند برای نمایاندن زمانها و روزها و سالها و نورافشانها باشند در فلک آسمان تا بر زمین روشنایی بخشند و چنین شد. خدا دو نورافشان بزرگ ساخت، نورافشان بزرگتر را برای فرمانروایی بر روز، و نورافشان کوچکتر را برای فرمانروایی بر شب، و نیز ستارگان را. خدا آنها را در فلک آسمان نهاد تا بر زمین روشنایی بخشند و بر روز و بر شب سلطنت کنند و نور را از تاریکی جدا سازند. و خدا دید که نیکوست. شامگاه شد و بامداد آمد، روز چهارم.

و خدا گفت: آبها از انبوه جانداران پر شود و پرندگان بر فراز زمین در فلک آسمان پرواز کنند. پس خدا موجودات بزرگ دریایی و همه جانداران را که می‌جنبند و آبها را پر می‌سازند، بر حسب گونه‌هایشان، و همه پرندگان بالدار را بر حسب گونه‌هایشان آفرید. و خدا دید که نیکوست. خدا آنها را برکت داد و گفت: بارور و کثیر شوید و آب دریاها را پر سازید، و پرندگان نیز بر زمین کثیر شوند. شامگاه شد و بامداد آمد، روز پنجم.

و خدا گفت: زمین جانداران را بر حسب گونه‌هایشان بر آوزد، چارپایان و خزندگان و وحوش زمین را، بر حسب گونه‌هایشان و چنین شد. پس خدا وحوش زمین را بر حسب گونه‌هایشان بساخت، و

چارپایان را بر حسب گونه‌هایشان، و همهٔ خزندگان روی زمین را بر حسب گونه‌هایشان. و خدا دید که نیکوست.

آنگاه خدا گفت: انسان را به صورت خود و شبیه خودمان بسازیم، و او بر ماهیان دریا و بر پرندگان آسمان و بر چارپایان و بر همهٔ زمین و همهٔ خزندگانی که بر زمین می‌خزند، فرمان براند. پس خدا انسان را به صورت خود آفرید، او را به صورت خدا آفرید؛ ایشان را مرد و زن آفرید.

خدا ایشان را برکت داد، و خدا بدیشان فرمود: بارور و کثیر شوید و زمین را پر سازید و بر آن تسلط یابید. بر ماهیان دریا و بر پرندگان آسمان و بر هر جاننداری که بر زمین حرکت می‌کند، فرمان برانید. آنگاه خدا گفت: اینک همهٔ گیاهان دانه‌دار را که بر روی تمامی زمین است و همهٔ درختان دارای میوهٔ دانه‌دار را به شما بخشیدم تا خوراک شما باشد و به همهٔ وحوش زمین و همهٔ پرندگان آسمان و همهٔ خزندگان روی زمین که جان در خود دارند، همهٔ گیاهان سبز را برای خوردن بخشیدم و چنین شد و خدا هرآنچه را که ساخته بود دید، و اینک بسیار نیکو بود. شامگاه شد و بامداد آمد، روز ششم."

درس دوم: کریستادلفین ها چه کسانی هستند؟

مطالعه: یوحنا باب ۱۵

کریستادلفین ها

این دوره آموزشی در مورد کتاب مقدس می باشد. به هر حال، شما ممکن است بخواهید بدانید که کریستادلفین ها چه کسانی هستند. لذا اطلاعاتی درباره کریستادلفین ها برای شما تهیه شده است.

کریستادلفین ها یک مجموعه از افراد در سرتاسر دنیا هستند که کتاب مقدس را به طور کامل مطالعه می کنند و کلیات کتاب مقدس را کلام خدا می دانند. کریستادلفین ها به هر دو عهد جدید و عهد عتیق و وعده های آن درباره عیسی مسیح و آینده دنیا اعتقاد دارند. آنها در انتظار بازگشت عیسی مسیح از آسمان هستند تا پادشاهی خدا را بر روی زمین برقرار سازد.

کلمه کریستادلفین برگرفته از دو نام در زبان یونانی است که به معنی "برادران در مسیح" می باشد. (کولسیان ۱: ۲). این عبارت از کتاب عهد جدید برگزیده شده که در اصل به زبان یونانی نوشته شده است.

کریستادلفین ها در کجا زندگی می کنند؟

کریستادلفین ها در بسیاری از قسمت های دنیا وجود دارند. برای مثال در بریتانیا و قسمت هایی از اروپا، بسیاری از کشورهای آفریقایی، در آسیای شرقی از هندوستان تا اندونزی، استرالیا، نیوزیلند، جزایر اقیانوس آرام، آمریکای شمالی و جنوبی از کانادا تا آرژانتین، و در جزایر دریای کارائیب. این مجموعه از بسیاری نژادها و فرهنگ های مختلف تشکیل شده است.

کریستادلفین ها به چه چیزی اعتقاد دارند؟

اساس اعتقادات کریستادلفین ها بر عقاید و آموزه های عیسی مسیح و رسولانش که در حدود ۲۰۰۰ سال پیش ایجاد شده، می باشد. هیچ تغییری در پیغام صحیح مسیحیت ایجاد نشده و همیشه گروه هایی وجود داشته اند که پیرو آموزه های درست کتاب مقدس بوده اند. هر چند که بسیاری از کلیساهای مسیحی به انسان محوری تبدیل شده اند. کریستادلفین ها با مطالعه کل کتاب مقدس، به حقایق کلام خدا ایمان دارند. برنامه مطالعه روزانه به آنها کمک می کند که تمامی عهد عتیق را یکبار در سال و نیز عهد جدید را دو بار در سال مطالعه کنند.

چگونه مجموعه کریستادلفین ها شکل گرفت؟

در سال ۱۸۳۲ میلادی دکتری انگلیسی به نام جان توماس، برای سکونت پدرش در آمریکا سوار بر کشتی عازم شهر نیویورک شد. کشتی آنها با یک توفان سهمگین مواجه شد و دکتر توماس در این فکر بود که در این حادثه خواهد مُرد. او به این نتیجه رسید که اطلاعات او درباره آینده بسیار اندک است و عهد کرد که اگر به خشکی برسد، خود را وقف یافتن حقایق زندگی پس از مرگ کند. پس از رسیدن به نیویورک پانزده سال بعدی زندگی خود را صرف مطالعه دقیق کتاب مقدس و بررسی آموزه های بسیاری از گروه های مسیحیت کرد. زمانیکه او مطمئن شد که درک کاملاً درستی از کلام خدا در عهد عتیق و عهد جدید درباره عیسی مسیح و پادشاهی خدا در زمین بدست آورده، تصمیم به تعمید بصورت کاملاً غوطه ور در آب را گرفت. او به موعظه در آمریکا و بریتانیا پرداخت و نشریات و کتاب های مذهبی منتشر کرد.

در میان تمام کسانی که به تعلیمات کتاب مقدس او اعتقاد داشتند و در این راه پیوسته با او بودند، شخصی به نام رابرت رابرتز وجود داشت. او به افزایش تعداد هم ایمانان در قالب گروه های محلی کوچک یا "اکلژیا" کمک کرد. اکلژیا نامی یونانی برای کلیسا در کتاب مقدس است و به معنی "مجموعه ای از افراد که فرا خوانده شده اند" می باشد. کریستادلفین ها ترجیح می دهند که کلمه اکلژیا را به جای کلیسا به کار ببرند چرا که امروزه کلیسا بیشتر به معنای یک ساختمان برداشت می شود تا جمع به خصوصی از افراد.

نام "کریستادلفین" برای اولین بار در سال ۱۸۶۴ میلادی به کار برده شد. در آن زمان آمریکا درگیر جنگ داخلی بود و ایمانداران از دولت درخواست کردند که عذر آنها برای خودداری از پیوستن به ارتش را بپذیرد. برای تفکیک پیروان این گروه از سایر کلیساهای، نیاز به یک اسم دیده شد و جان توماس در آن زمان نام "کریستادلفین" را برگزید. کریستادلفین های قرن نوزدهم به موعظه در نقاط مختلف دنیا پرداختند و در اواخر این قرن گروه های بسیاری از پیروان در کشورهای مختلف شکل گرفت.

کریستادلفین ها چگونه خود را سازماندهی می کنند؟

کمیته های متعددی برای سازماندهی امور اجرایی و نگهداری و محافظت از اعضای بیمار، مسن و تنها وجود دارد. ما در تعداد محدودی از کشورها دفاتری برای چاپ و انتشار مجلات و کتاب ها داریم. اگرچه ما هیچ خادم دستمزدی و کشیش در این مجموعه نداریم (عیسی مسیح که هم اکنون در آسمان است، تنها کشیش ماست و اعضای تعمید گرفته در قالب دعا از طریق نام عیسی مسیح به

گناهان خود اعتراف می کنند). کریستادلفین ها هیچ سازمان مرکزی ندارند. ولی اعضای آن با داشتن اعتقاد، امید و راه زندگی یکسان، همانند یک مجموعه واحد پیوند خود را نشان می دهند. امور مربوط به سازماندهی، توسط کمک های داوطلبانه اعضا پشتیبانی مالی می شود.

هر اکلژیا بطور مستقل مسئولین خود را توسط قرعه کشی (معمولا سالانه) انتخاب می کند. کسانی که انتخاب می شوند، در امور مختلفی به اکلژیا مانند دبیر یا منشی، خزانه دار، مباشر و ریاست جلسات خدمت می کنند و هیچ گونه مبلغی برای این سمت ها دریافت نمی کنند. کریستادلفین ها هرگز ساختمان های عظیم و کلیساهایی با جزئیات خاص بنا نمی کنند. البته تعدادی از اکلژیا ها، سالن و یا اتاق مخصوص جلسات خود را دارند ولی مابقی در خانه و یا سالن های اجاره ای و یا کلاس های مدرسه دور هم جمع می شوند.

ایمان یکسان

تمامی کریستادلفین ها کتاب مقدس را مطالعه کرده و اعتقادات ضروری یکسانی را آموزش دیده و دارا می باشند. برای بیش از ۱۰۰ سال کریستادلفین ها اساسنامه ای از ایمان خود (خلاصه ای از تعالیم کتاب مقدس) داشته اند که تمامی اعضا آنرا بعنوان اصول قبول کرده و بر این اساس به عبادت می پردازند. قبل از اینکه هر شخصی تعمید بگیرد و عضوی از کریستادلفین شود، باید درک کاملی از تعالیم مهم کتاب مقدس بدست آورده و با اعتقادات و تعالیم ما که بر اساس کتاب مقدس است، موافق باشد. این نکته ایست که کریستادلفین ها را به هم پیوند می دهد.

"یک بدن ...، یک خداوند، یک ایمان، یک تعمید" (افسیان ۴: ۴-۵).

و این کریستادلفین ها را قادر می سازد که در هر کجای دنیا که زندگی می کنند، با نشاط و خلوص کامل عضو یک مجموعه واحد باشند.

تلاش می کنیم افرادی باشیم که ...

همه ما به یاری خدا نیازمندیم. از این رو هر روز کتاب مقدس را مطالعه می کنیم. این امر همچون خوراک روزانه برای ما مهم است. همچنین دعا نیز برای ما اهمیت ویژه ای دارد. ما در هفته یک بار دور هم جمع می شویم و با خوردن تکه ای نان و نوشیدن جرعه ای شراب، مرگ عیسی مسیح را یادآوری می کنیم. کریستادلفین ها افرادی شاد هستند و دارای ایمانی قاطع و کاربردی، ولی در شیوه زندگی خود بسیار جدی می باشند. عیسی مسیح بزودی به زمین باز خواهد گشت و آرزوی ما این است که برای این امر مهم آماده باشیم. به این معنا که پاک و درست زندگی کنیم. یعنی از نوشیدنی های سنگین و قمار کردن و هر گونه عادات زشت دوری می کنیم و نیز تنها یک همسر خواهیم داشت

و از برقراری رابطه جنسی قبل و خارج از قالب ازدواج خودداری می کنیم. (قابل درک است که بعضی از خوانندگان و افراد تحت آموزش این جزوه ممکن است بیش از یکبار ازدواج کرده باشند. در این مورد در درس ۳۳ بیشتر خواهیم خواند). کریستادلفین ها انسان های مطیع قانون در کشور خود هستند. همیشه در تلاش هستند که کار درست را انجام دهند. ولی به هیچ وجه در سیاست دخالت نکرده و در جنگ شرکت نمی کنند و از کسی در دادگاه شکایت نخواهند کرد.

ماموریت سازمان سی بی ام^۲

هدف و ماموریت این سازمان گسترش و موعظه اخبار خوب در مورد پادشاهی خدا در سرتاسر دنیا می باشد. این سازمان به انتشار جزوات و کتابچه ها مشغول بوده و هماهنگی های لازم برای بازدیدها و امور اجرایی را انجام می دهد. کارمندان سی بی ام، کریستادلفین های داوطلبی هستند که برای این کار دستمزدی نمی گیرند. ولی وظیفه خود را به خوبی یک کارمند حقوق بگیر انجام می دهند. این افراد در تلاشند تا به دیگران در یادگیری کتاب مقدس، گرفتن تعمیم و پیروی از اصول عیسی مسیح و رسولان او کمک کنند و آنها را به توبه تشویق نمایند.

ما می خواهیم اعتقادات واقعی، امید و شادی را با شما تقسیم کنیم

کریستادلفین ها با خلوص کامل معتقدند که ایمان آنها معرف کاملاً درستی از انجیل است و این از تمام کتاب مقدس برگرفته شده است. امیدواریم که شما هم از یافتن حقایق لذت ببرید. این حقایق کاملاً شما را قانع خواهد کرد و به زندگی شما شادی و امید خواهد بخشید. خدا به شما در راه بررسی حقایق کتاب مقدس برکت دهد.

² Christadelphian Bible Mission (CBM)

برخی از تعالیم مهم کتاب مقدس

- کتاب مقدس تنها پیام صحیح از جانب خداست.
- تنها یک خدا وجود دارد که خالق است و همه امور دنیا تحت کنترل اوست.
- عیسی مسیح پسر خداست که از مریم باکره به دنیا آمد. او گناه نکرد و بر روی صلیب کشته شد تا کسانی را که به او ایمان دارند، نجات دهد. او از قبر برخاست و زندگی جاودان یافت. او اکنون در آسمان در کنار پدر آسمانی خویش است.
- عیسی مسیح به زودی از آسمان باز خواهد گشت. او پادشاهی خدا را بر روی زمین برقرار خواهد کرد و بعنوان پادشاه زمین بر آن حکمرانی خواهد کرد. پایتخت او اورشلیم در اسرائیل خواهد بود.
- حتی اگر بسیاری از یهودیان این موضوع را درک نکنند، اما باز هم شاهدان خدا در راستای اهداف او هستند. خدا به ابراهیم و داوود وعده هایی داد که هنگام بازگشت عیسی مسیح به زمین محقق خواهد شد.
- مرگ مجازاتی است برای گناه و همه ما گناهکاریم. تنها امید ما به زندگی پس از مرگ، رستخیز جسمانی از قبر در هنگام بازگشت عیسی مسیح است.
- یک روز معین برای داوری وجود خواهد داشت. پیروان ایماندار و واقعی عیسی مسیح در پادشاهی خدا جای داده خواهند شد و زندگی ابدی خواهند داشت.
- ما باید به کتاب مقدس ایمان داشته باشیم، برای گناهانمان توبه کنیم و تعمید بگیریم. اگر تمام تلاش خود را برای اطاعت از دستورات خدا انجام دهیم و در هنگام ناکامی برای بخشش از جانب خدا دعا کنیم، با فیض و رحمت خدا نجات خواهیم یافت.
- پیشگویی های کتاب مقدس در رابطه با گذشته و حال همگی به حقیقت پیوسته است. نشانه هایی که در کتاب مقدس آمده به ما می گوید که بازگشت عیسی مسیح بر زمین بسیار نزدیک است. به همین دلیل باید مطالعه کتاب مقدس خود را از همین حالا شروع کنید.

(یوحنا ۱۵: ۱۳-۱۴) "محبتی بزرگتر از این وجود ندارد که کسی جان خود را در راه دوستانش فدا کند. دوستان من شما را اگر آنچه به شما حکم می‌کنم، انجام دهید."

مزامیر ۱۱۹: ۱۳۰

"باز شدن کلام تو نور می‌بخشد و ساده لوحان را فهمیم می‌گرداند."

مرقس ۱۶: ۱۵-۱۶

"آنگاه بدیشان فرمود: به سرتاسر جهان بروید و خبر خوش را به همهٔ خلایق موعظه کنید. هر که ایمان آورد و تعمید گیرد، نجات خواهد یافت. اما هر که ایمان نیاورد، محکوم خواهد شد."

یوحنا ۱۷: ۳

"و این است حیات جاویدان، که تو را، تنها خدای حقیقی، و عیسی مسیح را که فرستاده‌ای، بشناسند."

درس سوم: کتاب مقدس راهنمای ما

مطالعه: مزامیر باب ۲۲

کتاب مقدس، کلام خدا

کتاب مقدس کلام خداست. خود کتاب می گوید: "تمامی کتب مقدس الهام خداست" (۲ تیموتائوس ۳: ۱۶). در بعضی از نسخه های کتاب این گونه می خوانیم: "تمام قسمت های کتاب مقدس را خدا الهام فرموده است". کلمه "الهام" در کتاب مقدس به معنای نفس یا دم خداست. خدا پیغام خود را از طریق نفس خود در ذهن افرادی که کتاب را می نوشتند، دمید. پس اینگونه کلام خدا نوشته شد. بنابراین خدا نویسنده حقیقی کتاب مقدس است. در موارد بسیاری از کتب انبیای عهد عتیق می خوانیم: "بنابراین خدا گفت ...". اگر کتاب مقدس کلام خدا نبود، نوشتن این موضوع اهمیت خاصی نداشت. بنابراین از آنجایی که این کتاب به واقع کلام خدا برای نسل بشر است، بسیار حیاتی است که آنرا بخوانیم و به گفته هایش عمل کنیم. وقتی ما کتاب مقدس را نادیده بگیریم، در واقع خالق هستی را نادیده گرفته ایم.

از کجا می دانیم که کتاب مقدس حقیقی است؟

۵ دلیل برای صحت کتاب مقدس:

- کتاب مقدس از آینده سخن می گوید.
 - باستان شناسان مدارک زیادی را یافته اند که در کتاب مقدس به آنها اشاره شده است.
 - کتیبه های یافت شده در دریای سیاه نشان می دهد که متن کتاب مقدس با مرور زمان تغییری نکرده است.
 - عیسی مسیح به عهد عتیق ایمان داشت.
 - یهودیان هنوز هم وجود دارند!
- حال به بررسی جزئیات هر یک از دلایل بالا می پردازیم.

۱- کتاب مقدس از آینده سخن می گوید

ما نمی توانیم مطمئن باشیم که فردا چه اتفاقی می افتد. در حالیکه در بسیاری از بخش های کتاب مقدس از پیش گفته شده که در آینده چه اتفاقاتی خواهد افتاد. این پیشگویی ها با تمام جزئیات به حقیقت پیوسته اند. انبیایی که این سخنان را نوشته اند، توسط خدا الهام گرفته اند. در اینجا نمونه هایی از پیشگویی های کتاب مقدس را می بینیم:

الف) تولد عیسی مسیح

عیسی مسیح در بیت لحم به دنیا آمد. در انجیل متی باب ۲ می خوانیم که مرد خردمندی نزد هیرودیس (حاکم اورشلیم) رفت و پرسید: "کجاست آن نوزاد که پادشاه یهود است؟". وقتی هیرودیس این سوال را از سران کاهنان پرسید، آنها جواب دادند: "در بیت لحم یهودیه". آنها چطور می دانستند؟ از آنجا که تولد مسیح صدها سال پیش در کتاب عهد عتیق پیشگویی شده بود (میکاه ۵: ۲).

ب) مرگ عیسی مسیح

در کتاب "مزامیر باب ۲۲" یک پیشگویی از به صلیب کشیده شدن مسیح وجود دارد. در انتهای آیه ۱۶ می خوانیم: "دستها و پاهایم را سفته اند". کتاب مزامیر باب ۲۲ تقریباً ۱۰۰۰ سال پیش از مصلوب شدن مسیح نوشته شده است. در آن دوره به صلیب کشیدن شناخته نشده بوده و مجرمان محکوم به مرگ، سنگسار می شدند. نویسنده مزامیر مسلماً تحت الهام خدا این متن را نوشته که قادر به پیشگویی چنین جزئیاتی از مرگ مسیح بوده است. در ادامه در آیه ۱۸ می خوانیم: "جامه‌هایم را میان خود تقسیم کرده‌اند و بر تن‌پوش من قرعه افکنده‌اند". یوحنا ۱۹: ۲۳-۲۴ نشان می دهد که این اتفاق دقیقاً به دست سربازان، بعد از مصلوب کردن مسیح افتاده است.

"و جامه زیرین او را نیز ستانند. اما آن جامه درز نداشت، بلکه یکپارچه از بالا به پایین بافته شده بود. پس به یکدیگر گفتند: این را تکه نکنیم، بلکه قرعه بیفکنیم تا ببینیم از آن که شود. بدین‌سان گفته کتب مقدس به حقیقت پیوست که: جامه‌هایم را میان خود تقسیم کردند و بر تن‌پوش من قرعه افکندند. پس سربازان چنین کردند" (یوحنا ۱۹: ۲۳-۲۴).

ج) پیشگویی واقعه بزرگ

"و بابل که جلال ممالک و مایه فخر گلدانیان است، همچون سدوم و عموره به دست خدا واژگون خواهد گردید. دیگر هرگز آباد نخواهد شد، و نسل اندر نسل مسکون نخواهد گردید. اعراب در آنجا خیمه نخواهند زد و شبانان گله‌های خویش را در آنجا نخواهند خوابانید" (اشعیا ۱۳: ۱۹-۲۰).

زمانیکه اشعیای نبی این سخنان را در مورد شهر بابل گفت، این شهر پایتختی ثروتمند و با قدرت در یکی از بزرگترین ملت های آن زمان بوده است. امروزه در عراق، در مکانی که بابل در آن واقع بوده، ویرانه‌هایی در یک منطقه شبه صحرائی باقی مانده است. این پیشگویی اشعیای نبی نیز به حقیقت

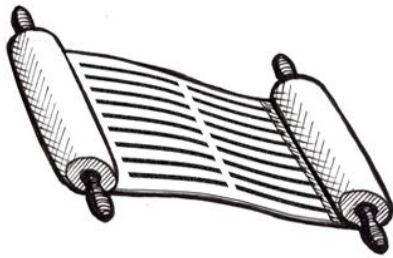
پیوست. فقط خدا قادر به دانستن این موضوع بوده که بابل ویران خواهد شد و دیگر کسی هرگز در آن زندگی نخواهد کرد.

پیشگویی های بسیاری از این قبیل وجود داشته که به حقیقت پیوسته است. فقط خود خدا می تواند از آینده مطلع باشد. پیشگویی های کتاب مقدس ثابت می کند که این کتاب، کلام خداست.

۲ - باستان شناسان مدارک زیادی را یافته اند که در کتاب مقدس به آنها اشاره شده است.

باستان شناسان دریافته اند که شهرهای سدوم و عموره (پیدایش باب ۱۹) وجود داشته است. آنها همچنین به وجود بسیاری از مناطق دیگری که در کتاب مقدس نام برده شده، پی برده اند. همچون: عای، اشکلون، بیت شمس، بیت ئیل، جبعه، حاصور، جریکو، لایخیش، مجدو، سامره و شکیم. بطور مشابه، باستان شناسان مدارکی از وجود اشخاصی که در عهد عتیق به آنها اشاره شده پیدا کرده اند. برای مثال این چهار پادشاه از ملت های مختلف: بیهو، میشا، کوروش و نبوکدنصر.

۳ - کتیبه های یافت شده از دریای سیاه نشان می دهد که متن کتاب مقدس به مرور زمان تغییری نکرده است.



کتب عهد عتیق حدود ۲۰۰۰ سال پیش بر روی کتیبه هایی با دقت بسیار بازننگاری شده و در غارهای نزدیک دریای سیاه، در جنوب سرزمین اسرائیل پنهان بوده اند و تا سال ۱۹۴۷ میلادی کشف نشدند. کتیبه حاوی کتاب اشعیا با کتاب مقدس امروزی مقایسه شده و کلمات نوشته شده در هر دو تا حد زیادی دقیقا یکسان بوده است. متن کتاب خدا با مرور زمان تغییر نکرده است.

۴ - عیسی مسیح به عهد عتیق ایمان داشت.

در حال حاضر اشخاصی هستند که وجود واقعی آدم و حوا و یا ساختن کشتی توسط نوح و سوار کردن تمام حیوانات در آن را به سخره می گیرند. آنها بر این باورند که دانتر از آنند که داستان بلعیده شدن یونس توسط یک ماهی بزرگ را باور کنند. ولی عیسی مسیح به تمامی اینها باور داشت!

آیاتی در مورد ایمان مسیح به عهد عتیق:

آدم و حوا	متی ۱۹: ۴-۵
نوح و توفان	لوقا ۱۷: ۲۶-۲۷
لوط و همسرش	لوقا ۱۷: ۲۹-۳۲
ابراهیم، اسحاق و یعقوب	متی ۸: ۱۱
داوود و سلیمان	متی ۱۲: ۳ و ۴۲
یونس و ماهی بزرگ	متی ۱۲: ۴۰

ما نمی توانیم آموزش های عیسی مسیح را نادیده بگیریم. او توسط خدا ۳ روز بعد از مرگش به زندگی بازگردانده شد. معجزات این چنینی تنها با قدرت خدا اجرا می شود.

۵- یهودیان هنوز هم وجود دارند!

خدا مردم اسرائیل (یهودیان) را بعنوان قوم ویژه خود انتخاب کرد (خروج ۱۹: ۵). او گفت که آنها هرگز بطور کامل نابود نخواهند شد (ارمیا ۳۰: ۱۱، رومیان ۱۱: ۱-۲). آنها بسیار شریک بوده و حتی پسر خدا را به راه مرگ کشاندند، اما امروزه بعد از حدود ۳۰۰۰ سال هنوز وجود دارند. این ویژگی برای انسانهای باستانی دیگر صدق نمی کند.

برخی حقایق در مورد کتاب مقدس

- کتاب مقدس در یک بازه زمانی حدوداً ۱۶۰۰ ساله نوشته شده است.
- دارای ۶۶ کتاب است - ۳۹ کتاب در عهد عتیق و ۲۷ کتاب در عهد جدید.
- خدا از چوپانان، پادشاهان، ماهیگیران، طبیب، چادر ساز و سایرین برای نوشتن آن استفاده کرد.
- تمامی نویسندگان ها یک داستان واحد را به ما نشان می دهند - داستان نقشه خدا برای انسان.
- تقریباً تمامی نویسندگان یهودی بودند - بسیاری از مطالب کتاب مقدس در مورد یهودیان است.

راهنمایی سریع و مختصر برای بخش های مختلف کتاب مقدس

عهد عتیق

کتاب	محتوا
پیدایش	آغاز جهان، اولین انسان و شروع نسل یهود
خروج تا تثبیه	این کتاب ها به ما در مورد چگونگی انتخاب قوم یهود بعنوان قوم برگزیده از طرف خدا و خروج آنها توسط خدا از مصر و دادن سرزمین (کنعان) بعنوان سرزمین خود می گوید.
یوشع تا استر	ادامه تاریخ زندگی یهودیان در این کتاب ها وجود دارد.
مزامیر تا غزل غزلهای سلیمان	این ها کتاب هایی حاوی شعر و فضیلت هستند.
اشعیا تا ملاکی	کتب انبیا. آنها به یهودیان درباره چگونگی اطاعت از خدا و همچنین در مورد بسیاری از وقایع مهم که در طول تاریخ جهان اتفاق می افتد، گفته اند. بعضی از این وقایع تا این زمان اتفاق افتاده و بعضی در آینده به وقوع خواهد پیوست.

عهد جدید

کتاب	محتوا
متی، مرقس، لوقا، یوحنا	این کتب، چهار داستان مجزا از زندگی، مرگ و رستاخیز عیسی مسیح هستند. این چهار کتاب معمولاً انجیل نیز خوانده می شوند.
اعمال رسولان	کتابی در مورد کلیساهای اولیه (اکلثایها) و چگونگی شکل گیری آنهاست.
رومیان تا نامه یهودا	نامه های گوناگون برای کمک به اکلثایهای تازه شکل گرفته
مکاشفه یوحنا	کتاب پیشگویی همراه با نماد ها و زبان تصویری

شما می توانید لیست کاملی از این کتب را در فهرست کتاب مقدس مشاهده کنید.

آیا آیات نوشته شده دیگری از جانب خدا وجود دارند؟

جواب این سوال "خیر" می باشد و کتاب مقدس تنها کتاب قابل اعتمادی است که با آن می توانیم در مورد خدا و اهدافش یاد بگیریم. با این حال مذاهب بسیاری در دنیا وجود دارند که هر کدام "کتاب مقدس" خود را دارند. برای مثال مسلمانان قرآن را دارند. کلیسای مورمون ها کتابی به نام مورمون دارند که ادعا می کنند از جانب خدا برای آنها فرستاده شده است. بعضی از این کتاب ها بخشی از تعلیمات خود را از کتاب مقدس گرفته اند. بعضی نیز نصیحت های خردمندانه و معقولی ارائه می دهند. اما در بسیاری از موارد پیام این کتاب ها با کتاب مقدس یکی نیست. واضح است که خدا در هر کتاب پیام متفاوتی نمی دهد. فقط یکی از آنها می تواند الهام گرفته از کلام خدا باشد و کتاب مقدس مدعی این امر است.

کتاب مقدس - راهنمایی برای زندگی ما

خدا ناامیدی و اندوه حاصل از ارتکاب گناه را در زندگی مردان و زنان دید و پسر خود، عیسی مسیح را فرستاد تا بر روی صلیب بمیرد تا بخشیده شدن گناهان ما را ممکن سازد. کتاب مقدس راه رستگاری را به ما نشان می دهد و به ما امید داشتن یک زندگی شگفت انگیز را در آینده و در زمان بازگشت عیسی مسیح بر روی زمین هدیه می دهد.

عیسی به ما نشان داد که راه زندگی درست از نظر خدا چیست. کتاب مقدس شامل مثال هایی از افرادی است که بعضی چگونه موفق شدند تا خدا را خشنود سازند و چگونه بعضی شکست خوردند. داستان یهودیان به ما کمک می کند تا از اشتباهات آنها درس بگیریم. کتاب مقدس یک راهنما برای زندگی ماست و به ما نشان می دهد که برای خشنود کردن خدا چگونه زندگی کنیم.

در آخر

این تفکری شگرف است که خدای آسمانی کتابی را در اختیار ما قرار داده تا بتوانیم او را بشناسیم و طوری زندگی کنیم که از ما خواسته است. همچنین خدا به ما درباره دلیل آفرینش زمین و اتفاقات آینده گفته است. کتاب مقدس به ما درباره رابطه خدا با انسان از آفرینش اولین بشر تا زمانیکه جهان از شکوه خدا پر می شود، سخن می گوید.

کتاب مقدس راهنمایی است که خدا به ما داده است. هیچ کتاب دیگری مانند آن وجود ندارد. این فقط یک متن بی جان نیست، بلکه کلامی زنده است و هدیه ایست از جانب خدا به ما. اگر ما هر روز

این کتاب را با دقت و همراه با دعا مطالعه کنیم، زندگی ما را بطور کامل به سمت خشنود سازی خدا تغییر خواهد داد.

خلاصه

۱. کتاب مقدس کلام خداست و پیامی از جانب خدا برای مردان و زنان.
۲. کتاب مقدس تنها راه قابل اعتمادی است که می توان در مورد خدا و اهداف او آگاهی کسب کرد. هیچ کتاب دیگری مانند این کتاب وجود ندارد.
۳. کتاب مقدس به ما راه زندگی در راستای خشنود کردن خدا را نشان می دهد. این کتاب به ما امید داشتن یک زندگی شگفت انگیز را در آینده و در زمان بازگشت عیسی مسیح بر روی زمین هدیه می دهد.
۴. شواهد بسیاری مبنی بر صحت کتاب مقدس وجود دارد. برای مثال تاریخچه این کتاب توسط اکتشافات جدید اثبات شده و شامل پیشگویی های فراوانی است که به انجام رسیده است.
۵. عیسی مسیح به عهد عتیق ایمان داشت.
۶. کتاب مقدس هدیه ای از جانب خدا به ماست و ما هر روز باید آن را بخوانیم.

آیاتی جهت مطالعه:

(۲ تیموتائوس ۳: ۱۶-۱۷) "تمامی کتب مقدس الهام خداست و برای تعلیم و تأدیب و اصلاح و تربیت در پارسایی سودمند است، تا مرد خدا به کمال برای هر کار نیکو تجهیز گردد."

مزامیر باب ۱

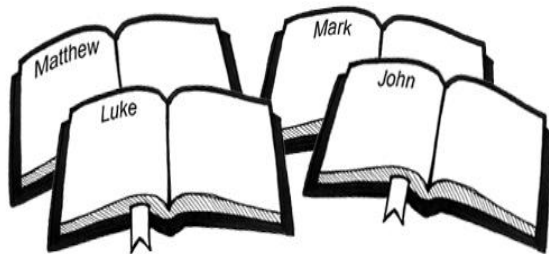
"خوشا به حال کسی که در مشورت شریران گام نزنند و در راه گنهکاران نایستند و در محفل تمسخرگران ننشینند؛ بلکه رغبتش در شریعت خداوند باشد و شبانه روز در شریعت او تأمل کند. او بسان درختیست نشانده بر کناره جویبار، که میوه خویش در موسمش آرد به بار، و برگش نیز پژمرده نشود و در هر آنچه کند کام یابد. لیکن چنین نیستند شریران بلکه همچو کاهند که دست باد می رانندشان. پس شریران را در داوری تاب ایستادن نیست و نه گنهکاران را در جمع پارسایان. زیرا خداوند راه پارسایان را می پاید اما طریق شریران به نابودی می انجامد."

درس چهارم: انجیل

مطالعه: اشعیا باب ۵۵

خبر خوش

هر کسی از شنیدن خبر خوش لذت می برد و پیام انجیل خبری خوش است. در واقع کلمه "انجیل" به معنای "خبر خوش" می باشد.



چهار کتاب نخست عهد جدید معمولاً به نام "انجیل" شناخته می شوند و به دلیل وجود خبرهای خوش در مورد عیسی مسیح در این کتاب ها به آن "انجیل" گفته می شود.

این چهار کتاب تنها بخشی از خبرهای خوش کتاب مقدس هستند.

عیسی مسیح پسر خداست. مادر او مریم باکره بود. با این حال زندگی عیسی مسیح شخصیت خدا و مخصوصاً عشق و محبت او را به ما نشان داد. او همچنین قدرت خدا را به وسیله انجام معجزات به ما نشان داد. ولی شگفت انگیزترین ویژگی در مورد مسیح این بود که به هیچ وجه گناه نکرد. حتی زمانی که در راستای زندگی خویش مورد وسوسه قرار گرفت. یکی از بزرگترین وسوسه ها، نادیده گرفتن شرمساری و زجر فراوان مسیح برای مرگ بر روی صلیب بود. اما عیسی این را بعنوان اراده خدا (بخشی از نقشه ی خدا) قبول کرد. عیسی می دانست که در صورت پیروزی در مبارزه علیه گناه، خدا او را از قبر بیرون خواهد کشید و به او زندگی جاودان خواهد داد. عیسی مسیح تنها شخصی است که از مرگ برخاست و زنده ماند.

این خبر خوبیست! عیسی مسیح راهی را برای ما گشود که توسط آن، گناهانمان بخشیده شد و زندگی جاودان دریافت کردیم. او تماماً بی نقص زندگی کرد و برای اطاعت از خواست خدا مرد تا این امر را برای ما ممکن سازد. پیغام خوش این است که خدا راهی را برای ما فراهم ساخته که توسط آن از گناه و مرگ نجات یابیم. این دلیل خوبی است برای سپاسگزاری از خدا.

هنوز تمام نشده

پس از اینکه عیسی مسیح از مرگ برخاست، به آسمان صعود کرد (اعمال رسولان ۱: ۹-۱۱) تا در کنار پدر خویش باشد و هنوز هم همان جاست. با این حال به زودی به زمین باز خواهد گشت. در مکاشفه ۱: ۷ در مورد بازگشت عیسی مسیح می خوانیم:

"هان با ابرها می‌آید، هر چشمی او را خواهد دید، حتی چشم آنان که نیزه به او زدند و همه طوایف زمین به سوگش خواهند نشست. آری چنین خواهد بود. آمین" (مکاشفه ۱: ۷).

وقتی که عیسی مسیح باز گردد، پادشاهی خدا را بر روی زمین برقرار خواهد کرد. پادشاهی خدا تمام زمین را خواهد پوشانید و دنیا به مکانی متفاوت تبدیل خواهد شد و سرانجام اینگونه خواهد شد:

- دیگر جنگی نخواهد بود.

- دیگر درد و شکنجه ای نخواهد بود.

- دیگر اندوه و غم نخواهد بود.

- دیگر گناهی نخواهد بود.

- دیگر مرگی نخواهد بود.

اشعیا ۲۵: ۸ در مورد آن زمان به ما می‌گوید:

"او مرگ را تا به ابد فرو خواهد بلعید؛ خداوندگار یهوه اشک‌ها را از هر چهره خواهد زدود و ننگ قوم خویش را از تمامی زمین بر خواهد گرفت زیرا که خداوند سخن گفته است" (اشعیا ۲۵: ۸).

خدا به ما جایی در پادشاهی خود بر روی زمین پیشنهاد کرده است که بسیار شگفت‌انگیز است و او از ما می‌خواهد که این را قبول کنیم. البته شرایطی نیز وجود دارد و ما باید کلام خدا، که همان کتاب مقدس است را بخوانیم تا دریابیم که خدا از ما در زندگی امروزمان چه توقعی دارد.

انجیل برای انسان‌هایی که در عهد عتیق بودند، شناخته شده بود

انجیل حاوی اخبار خوشی از پادشاهی خدا و عیسی مسیح است. عهد جدید به ما می‌گوید که انجیل به ابراهیم بشارت داده شده بود:

"کتاب چون پیشتر دید که خدا غیر یهودیان را بر پایه ایمان پارسا خواهد شمرد، از این رو پیشاپیش به ابراهیم بشارت داد که همه قومها به واسطه تو برکت خواهند یافت" (غلاطیان ۳: ۸).

خدا به ابراهیم به خاطر ایمان و اطاعت او وعده‌هایی داد. به ابراهیم گفته شد که وارث همیشگی سرزمین اسرائیل خواهد بود. ولی او پیر شد و مُرد بدون آنکه تکه‌ای از آن سرزمین موعود را دریافت کند!

ولی می‌دانیم که خدا تمامی وعده‌هایش را عملی می‌کند. به منظور دستیابی به سرزمین موعود،

ابراهیم می بایست از مرگ بر خیزد و ما می دانیم که او به رستاخیز ایمان داشته است.

"ابراهیم چنین اندیشید که خدا قادر است حتی مردگان را زنده کند و می توان گفت که به نوعی اسحاق را از مرگ بازیافت" (عبرانیان ۱۱: ۱۹).

همچنین بمنظور دریافت سرزمین اسرائیل برای همیشه، ابراهیم می بایست زندگی ابدی می داشت. سرزمین اسرائیل مرکز پادشاهی خدا در آینده خواهد بود. ابراهیم از مرگ رستاخیز خواهد یافت و در پادشاهی خدا بر زمین در زمان بازگشت عیسی مسیح جای خواهد داشت. پس ابراهیم اخبار خوش در مورد زندگی پس از مرگ را می دانست و مشتاق رسیدن پادشاهی خدا بود:

"زیرا چشم انتظار شهری بود با بنیاد، که معمار و سازنده اش خداست" (عبرانیان ۱۱: ۱۰).

در مورد وعده های خدا به ابراهیم در درس های آینده بیشتر خواهیم خواند.

چه زمانی عیسی مسیح به زمین باز خواهد گشت؟

ما زمان دقیق بازگشت عیسی مسیح به زمین را نمی دانیم. با این حال، به خاطر حوادثی که امروزه در دنیا رخ می دهد، می دانیم که به زودی مسیح خواهد آمد. برای حدود ۲۰۰۰ سال یهودیان سرزمینی برای خود نداشتند و در میان ملت های مختلف دنیا پراکنده بودند. امروزه بسیاری از یهودیان به سرزمین اسرائیل بازگشته اند. هزاران سال پیش، کتاب مقدس بازگشت یهودیان به سرزمین اسرائیل، پیش از بازگشت مسیح را پیشگویی کرده است.

دنیای امروز سرشار از جرم و خشونت است و انسانها بدون هیچ گونه کنترل بر نفس خویش فقط کارهایی را انجام می دهند که خوشی آنها را فراهم کند. جنگ، قحطی و بیماری های وحشتناک تمام دنیا را پوشانده است و انسان ها از آینده وحشت زده هستند. عیسی مسیح گفت: "مردم از تصور آنچه باید بر دنیا حادث شود، از فرط وحشت بی هوش خواهند شد، زیرا نیروهای آسمان به لرزه در خواهد آمد" (لوقا ۲۱: ۲۶). او همچنین گفت وقتی تمام این حوادث رخ دهد، آمدن او نزدیک می باشد. در این مورد در درس های آینده بیشتر خواهید خواند.

عیسی مسیح باز خواهد گشت تا پادشاه جهان شود

عیسی مسیح به پیلاتس، حاکم رومیان گفت که او برای پادشاه شدن به دنیا آمده و بر سر صلیب او نوشته شده بود: "این است عیسی ناصری، پادشاه یهود". ولی زمانیکه عیسی باز گردد تنها پادشاه یهود نخواهد بود، بلکه پادشاه تمام دنیا خواهد شد. خدا این را هزاران سال پیش به ما گفته است. نویسنده کتاب مزامیر باب ۷۲ در این مورد نوشته است. در آیه ۸ می خوانیم:

"باشد که از دریا تا به دریا فرمان براند و از نهرتا به کران های زمین" (مزامیر ۷۲: ۸).

شهر اورشلیم در اسرائیل، پایتخت پادشاهی آینده خدا خواهد شد. عیسی مسیح حکمرانی خود را بعنوان پادشاه از اورشلیم شروع و به تمام دنیا گسترش خواهد داد. داوود، دومین پادشاه اسرائیل، در انتظار روزی بود که کسی از نسل او یعنی عیسی مسیح، سلطنت خود را از اورشلیم آغاز کند.

در زمان بازگشت عیسی مسیح به زمین چه اتفاقی می افتد؟

عیسی مسیح کسانی را که پیام انجیل را درک کرده اند، از مرگ رستخیز خواهد داد. سپس تمام کسانی را که انجیل را درک کرده اند، داوری خواهد کرد. هم کسانی را که در زمان آمدن او زنده هستند و هم کسانی که از مرگ رستخیز یافته اند. فقط کسانی که طبق اراده خدا زندگی کرده اند، زندگی ابدی خواهند یافت و در پادشاهی خدا جای خواهند گرفت. پادشاهی خدا مکانی سرشار از شادمانی خواهد بود، ولی نه تا زمانیکه عیسی مسیح تمام دشمنان خدا را شکست دهد. فقط در آن زمان است که دیگر مرگ و گناهی وجود نخواهد داشت. خدا در برگیرنده همه چیز خواهد بود و در آن زمان جهان ایده آل می شود، دقیقا به شکلی که از آغاز در نقشه خدا بود. عیسی به شاگردان خود گفت که باید دعا کنند:

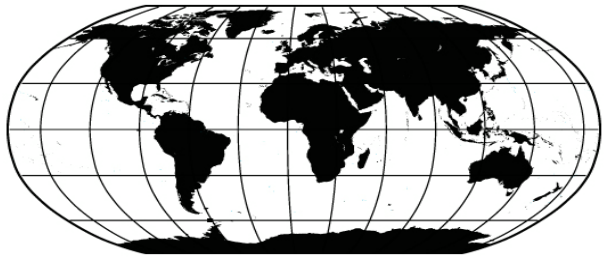
"پادشاهی تو بیاید. اراده تو چنانکه در آسمان انجام می شود بر زمین نیز به انجام رسد" (متی ۶: ۱۰).

توجه داشته باشید که انجیل به ما درباره رفتن به آسمان بعد از مرگ نمی گوید و این از تعالیم کتاب مقدس نیست. خبر خوش در مورد زندگی ابدی بر روی زمین است.

پولس رسول در انتظار این واقعه گفت:

"اکنون تاج پارسایی برایم آماده است، تاجی که خداوند، آن داور عادل، در آن روز به من عطا خواهد کرد، نه تنها به من، بلکه به همه آنان که مشتاق ظهور او بوده اند" (۲ تیموتائوس ۴: ۸).

"زیرا همان گونه که آبها دریا را می پوشاند، جهان از معرفت جلال خداوند مملو خواهد شد" (حقوق ۲: ۱۴).



پیام شگفت انگیز انجیل این است که ما می توانیم در پادشاهی خدا حضور یابیم.

چطور می‌توانیم در پادشاهی آینده خدا بر روی زمین جایی داشته باشیم؟

لازم است که ما تصدیق کنیم چقدر گناهکار بوده و برای آن کاری انجام دهیم. وقتی که پولس رسول در آتن بود گفت:

"در گذشته، خدا از چنین جهالتی چشم می‌پوشید. اما اکنون به همه مردمان در هر جا حکم می‌کند که توبه کنند. زیرا روزی را مقرر کرده که در آن به واسطهٔ مردی که تعیین کرده است، جهان را عادلانه داوری خواهد کرد، و با برخیزانیدنش از مردگان، همه را از این امر مطمئن ساخته است" (اعمال رسولان ۱۷: ۳۰-۳۱).

خدا به همه دستور داد که توبه کنند. این به معنای تصمیم برای تغییر زندگی خویش است و اینکه باید به جای خودمان، خدا را خشنود سازیم. همه ما گناهکاریم. پس همه باید توبه کرده و در آب تعمید بگیریم. ما باید تلاش کنیم تا آنگونه که عیسی مسیح به ما نشان داد زندگی کنیم و کسانی که این راه را پیش بگیرند، عیسی مسیح در زمان بازگشت خود، به آنها زندگی جاویدان خواهد بخشید.

خلاصه

- کلمه "انجیل" به معنای "خبر خوش" است. خبر خوب این است که خدا راهی را برای ما برای نجات از گناه و مرگ فراهم کرده است.
- انسان ها در زمان عهد عتیق و جدید، از "انجیل" باخبر بوده اند.
- عیسی مسیح بی نقص زندگی کرد و برای اطاعت از خواست خدا مُرد تا راه نجات را برای ما ممکن سازد.
- خدا عیسی مسیح را از مرگ رستاخیز داد و به او زندگی ابدی داد. او به آسمان صعود کرد تا کنار پدر خویش باشد و هنوز هم در آنجا حضور دارد.
- عیسی مسیح از آسمان باز خواهد گشت تا پادشاهی خدا را بر روی زمین برقرار سازد.
- او تمام کسانی را که انجیل را فهمیده اند، داوری خواهد کرد. کسانی که مورد قبول واقع می شوند، زندگی جاودان خواهند یافت و در پادشاهی خدا جای خواهند گرفت.
- اگر ما می خواهیم که در پادشاهی خدا قرار داشته باشیم، باید توبه کرده و در آب تعمید بگیریم و تلاش کنیم همانگونه که عیسی مسیح به ما نشان داد، زندگی کنیم.

آیاتی جهت مطالعه:

(اشعیا ۲۵: ۸) "او مرگ را تا به ابد فرو خواهد بلعید؛ خداوندگارُ بیهوشه اشک ها را از هر چهره خواهد زدود و ننگ قوم خویش را از تمامی زمین بر خواهد گرفت زیرا که خداوند سخن گفته است."

(اشعیا ۴۵: ۱۸) و (اشعیا ۵۵: ۱-۱۱)

(زکریا ۹: ۹) - این آیه پیشگویی می کند که عیسی مسیح سوار بر الاغی به اورشلیم می رسد و نیز روزی پادشاه خواهد شد.

(متی ۲۵: ۳۱-۳۴) - این آیات به داوری مسیح پس از بازگشت او به زمین اشاره می کند.

پرسش های بخش اول

درس ۱: چگونه از این کتاب استفاده کنیم؟

۱-۱ چرا می خواهید کتاب مقدس را بخوانید؟

۲-۱ چه زمان هایی باید کتاب مقدس را مطالعه کنیم؟

الف) هر روز ب) هفته ای یکبار پ) ماهی یکبار

ت) چند بار در سال ث) موارد دیگر (لطفا مشخص کنید)

۲-۱ قبل از شروع هر درس باید چکار کنیم؟

۴-۱ در مزامیر ۱۱۹: ۱۰۵ نویسنده می گوید که کلام خدا نوری برای پاهایش است. به نظر شما منظور او چیست؟

درس ۲: کریستادلفین ها چه کسانی هستند؟

۱-۲ کلمه "اکلژیا" به چه معناست؟

۲-۲ چرا باید زندگی پاک و صادق داشته باشیم؟

۳-۲ تنها کشیش یا کاهن ایمانداران واقعی کیست؟

۴-۲ مسیح چگونه عشق بزرگ خود را نشان داد؟ (یوحنا ۱۵: ۱۳-۱۴ را ببینید، که در درس هم بیان شده است).

درس ۳: کتاب مقدس راهنمای ما

- ۱-۳ کتاب مقدس چه تفاوتی با کتاب های دیگر دارد؟
- ۲-۳ چه کلمه ای برای توصیف روشی که خدا نویسندگان کتاب مقدس را راهنمایی کرد بکار برده شده است؟
- ۳-۳ مزامیر باب ۲۲ چگونه به شما کمک می کند که باور کنید کتاب مقدس توسط خدا نوشته شده است؟
- ۴-۳ کدام آیات نشان می دهند که عیسی مسیح ایمان داشت خدا آدم و حوا را خلق کرده است؟
- ۵-۳ آیا تنها راه قابل اعتماد در مورد یادگیری خدا و اهدافش مطالعه کتاب مقدس است؟
- ۶-۳ کتیبه های دریای سیاه به ما چه چیزی را نشان می دهند؟
- ۷-۳ کتاب مقدس چند سال طول کشید تا نوشته شود؟
- ۸-۳ مطالعه هر روزه و همراه با دعای کلام خدا چه کاری برای ما انجام می دهد؟
- ۹-۳ ۲ تیموتائوس ۳: ۱۶-۱۷ به ما درباره فواید مطالعه کتاب مقدس چه می گوید؟

درس ۴: انجیل

۱-۴ الف) کلمه "انجیل" به چه معناست؟

ب) این خبر خوش چیست؟

۲-۴ الف) به ابراهیم وعده به ارث بردن چه چیزی تا به ابد داده شد؟

ب) ابراهیم اکنون مرده است. چگونه می تواند این وعده را دریافت کند و هنگام بازگشت عیسی مسیح بخشی از پادشاهی خدا باشد؟

۳-۴ حدافل چهار چیزی که در مورد عیسی مسیح می دانید را بنویسید.

۴-۴ دنیا چگونه بعد از بازگشت عیسی مسیح و برقراری پادشاهی خدا بر زمین تغییر خواهد کرد؟
مثال بزنید.

۵-۴ چرا باید توبه کنیم؟

درس پنجم: خدا و آفرینش

مطالعه: پیدایش باب ۱ و پیدایش ۲: ۱-۷

آفرینش

باب اول کتاب پیدایش به ما در مورد آفرینش زمین و آسمان توسط خدا می گوید. در ابتدا زمین خالی، تاریک و پوشیده از آب بود. پس از آن، در مورد هفت روز پیدایش می خوانیم. نمودار زیر اتفاقات هر روز را نمایش می دهد:

نور درخشید - روز از شب مجزا شد		روز اول
	آب ها تقسیم شدند و آسمان پدیدار شد	روز دوم
خشکی ها پدیدار شدند و درختان و گیاهان شروع به روئیدن کردند		روز سوم
	خدا خورشید، ماه و ستارگان را آفرید	روز چهارم
ماهی ها و پرندگان آفریده شدند		روز پنجم
	حیوانات آفریده شدند و در آخر خدا اولین مرد و زن را آفرید	روز ششم
خدا استراحت کرد		روز هفتم

حتما متوجه شده اید که همه چیز چقدر منظم است. برای مثال، درختان و گیاهان تا روز سوم و تا پدیدار شدن خشکی برای آن‌ها، آفریده نشده بودند. حیوانات نیز تا روز ششم و قبل از مهیا شدن غذا برای آنها آفریده نشدند.

"و خدا هر آنچه را که ساخته بود دید و اینک بسیار نیکو بود. شامگاه شد و بامداد آمد، روز ششم" (پیدایش ۱: ۳۱).

همه روزه ما شاهد کارهای بی نظیر خدا پیرامون خود هستیم. انسان‌ها چیزهای شگفت‌انگیزی اختراع کرده‌اند همچون هواپیما، داروهای درمانی، تلفن همراه و کامپیوتر. ولی تمام اینها از نظر مهارت مورد نیاز، در مقایسه با قدرت خدا که جهان را آفریده است، هیچ به نظر می‌رسد. فقط کفایت بیان‌دیشیم که چطور گردش زمین و حرکت آن به دور خورشید هرگز تغییر نمی‌کند و به واسطه آن روز به شب و فصلی به فصل دیگر تبدیل می‌شود.

هر چیزی را که خدا طراحی کرده بی نظیر و پیرو اهداف او بوده است. حتی کوچکترین گل دارای جزئیات بی نظیری است که از دانه خود تشکیل شده است. پرنده‌گان بال‌های بی نظیری برای پرواز دارند و حتی بعضی از آنها در سراسر دنیا هزاران کیلومتر برای کوچ زمستانی خود پرواز می‌کنند.

"ای خداوند، کارهای تو چه بسیار است. آنها را جملگی به حکمت خویش به عمل آورده‌ای. زمین از مخلوقات تو آکنده است" (مزمیر ۱۰۴: ۲۴).

خدایانی که خدا نیستند

در سرتاسر تاریخ، انسانها شگفتی‌هایی از طبیعت دیده‌اند. ولی به جای پرستش خدایی که همه آن شگفتی‌ها را آفریده، به پرستش چیزهای آفریده شده پرداختند! انسانها خورشید، ماه و ستارگان را پرستش می‌کردند. آنها تصور می‌کردند که در آب و باد ارواحی وجود دارد و به پرستش آنها می‌پرداختند. مردم حتی مجسمه‌هایی از حیوانات را می‌پرستیدند که از سنگ و چوب ساخته شده بود و آنها تصور می‌کردند که روحی در آنها زندگی می‌کند. پولس رسول در این مورد در رومیان ۱: ۲۰-۲۳ گفته است. به آیه ی ۲۳ بیشتر توجه کنید:

"و جلال خدای غیر فانی را با تمثال‌هایی شبیه انسان فانی و پرنده‌گان و حیوانات و خزندگان معاوضه کردند" (رومیان ۱: ۲۳).

پرستش خدایان دروغین و بتها اشتباه بوده و از سوی خدا محکوم شده است. کتاب مقدس به ما می گوید که خدای آسمانی ما تنها خدای زنده و حقیقی است. وقتی که مردم به آن خدایان دروغین دعا می کردند، جوابی نمی گرفتند. چرا که آن سنگها زنده نبوده و نمی توانستند فکر کنند. خدایان دروغین و بتها تنها در تصور انسان ها بوده و وجود خارجی ندارند. پرستش خدایان دروغین و بتها گناهی بزرگ بوده و در گذشته مردم را به شیوه های شریانه ای همچون سوزاندن فرزندان در آتش هدایت کرده است. حتی یهودیان با اینکه خدا قوانین عادلانه ای به آنها داده بود، بت ها را می پرستیدند. خدا به آنها در کتاب تثنیه ۴: ۱۵-۱۹ هشدار داد.

حزقیال ۱۴: ۳-۵:

"ای پسر انسان! این مردان بتهای بی ارزششان را در دل خود جای داده و سنگ لغزش گناه خویش را در برابر خود نهاده اند. پس آیا حال از من مشورت بطلبند؟ بنابراین، ایشان را خطاب کرده بگو، خداوندگار یهوه چنین می فرماید: هر کس از خاندان اسرائیل که بتهای بی ارزش خود را در دلش جای دهد و سنگ لغزش گناه خود را در برابر خود بنهد و آنگاه نزد نبی آید، من که خداوندم به او که آمده است، فراخور انبوه بتهایش پاسخ خواهم داد. آری، چنین خواهم کرد تا دلهای خاندان اسرائیل را که جملگی به سبب بتهایشان از من مرتد شده اند، دوباره تسخیر کنم."

(حزقیال ۱۴: ۱-۸) - در آیه ۳ می گوید این بت پرستان "بتهای بی ارزششان را در دل خود جای داده اند". امروزه نیز ما ممکن است این کار را انجام دهیم. نه اینکه بتهایی از سنگ و چوب را پرستش کنیم، بلکه اگر چیزی در زندگی ما از خدا برای ما مهمتر باشد، همانند بتی در قلب ماست که آن را می پرستیم. سپس برای مثال وقتی ما زمان زیادی را صرف کسب درآمد، بازی کردن فوتبال و یا تماشای تلویزیون کرده و زمانی برای خواندن کتاب مقدس نیابیم، این موارد به بتهایی در قلب ما تبدیل خواهد شد.

اگر می خواهیم که خدا را خشنود سازیم، پس نباید کاری با بتها داشته باشیم. پس کسانی را هم که در زندگی شان بت هایی دارند را بعنوان دوست قبول نمی کنیم. پولس رسول در ۲ قرن تیان ۶:

۱۵-۱۶ می گوید:

"... مؤمن و بی ایمان را چه شباهتی؟ و معبد خدا و بتها را چه سازگاری است؟..." (۲ قرن تیان ۶: ۱۵-۱۶).

پرستش هر چیز دیگری به جز خدای حقیقی کتاب مقدس و پسر او، بسیار اشتباه است. نامه اول تسالونیکیان ۱: ۹-۱۰ خطاب به ایمانداران می گوید:

"زیرا آنان خود از استقبال گرم شما از ما سخن می‌گویند و از اینکه چگونه از بتها دست کشیده، به سوی خدا بازگشتید تا خدای زنده و حقیقی را خدمت کنید و در انتظار آمدن پسر او از آسمان باشید، که از مردگان برخیزانیدش، یعنی عیسی، که ما را از غضب آینده رهایی می‌بخشد" (۱ تسالونیکیان ۱: ۹-۱۰).

آغاز جهان

امروزه بسیاری از انسان‌ها بر این باورند که این جهان شگفت‌انگیز بر اساس یک اتفاق بوجود آمده است. این ایده، تئوری تکامل نامیده می‌شود. آنها بر این باورند که جرعه‌ای از زندگی اتفاق افتاده و از شروع آن، همه چیز به آهستگی تغییر یافته است و سپس این جهان با نظم شگفت‌انگیزی که امروزه می‌بینیم پدیدار شده است. آنها ادعا می‌کنند که تمام چیزهای حیرت‌آوری که وجود دارند، همچون چشم‌ما، گوش و مغز پیچیده انسان بر حسب اتفاق بوجود آمده! آنها همچنان معتقدند که نسل بشر از میمون‌ها تولید شده است. ولی کتاب مقدس به وضوح می‌گوید که خدا اولین انسان را از خاک زمین آفرید. کتاب مقدس به صراحت می‌گوید:

"در آغاز، خدا آسمانها و زمین را آفرید" (پیدایش ۱: ۱).

اگرچه کتاب مقدس به ما درباره آفرینش همه چیز توسط خدا می‌گوید، ولی چگونگی این آفرینش را در این کتاب نمی‌خوانیم. اگر هم کتاب مقدس به ما در مورد چگونگی آفرینش می‌گفت نمی‌توانستیم درک کنیم. ما باید کلام خدا را با ایمان کامل قبول کنیم. ما نمی‌توانیم آموزش‌های کتاب مقدس را در مورد آفرینش جهان و همه چیز توسط خدا قبول کرده و همزمان، بوجود آمدن اتفاقی زمین را نیز باور کنیم.

"به کلام خداوند آسمانها ساخته شد و همه لشکر آنها، به دم دهان او" (مزامیر ۳۳: ۶).

جهانی که توسط انسانها نابود شده است

پرستش بتها و باور کردن ایجاد اتفاقی زمین، بسیار اشتباه و شریرانه است. همچنین نابودی دنیایی که توسط خدا آفریده شده، خطا می‌باشد.

در آغاز دنیای ما به شدت زیبا بود. اما انسان‌ها کارهای زیادی را در راستای نابودی آن انجام دادند. درختان بسیاری قطع شدند و صحرا جایگزین جنگل شد. هوا و رودخانه‌ها توسط مواد شیمیایی آلوده شد. دانشمندان معتقدند که با استفاده حریصانه از نفت و ذغال سنگ، دی اکسید کربن زیادی تولید کرده ایم که باعث گرم شدن کره زمین گردیده که این امر موجب ایجاد مشکلات زیادی در محیط

زیست شده است. از این راه و راه های بسیار دیگری، کره زمین به سوی نابودی می رود.

اما هنوز دنیا به خدا تعلق دارد و او به ما اجازه نابودی آن را نمی دهد. در اعمال رسولان ۱۷: ۳۱ پولس رسول به ما می گوید: "زیرا روزی را مقرر کرده که در آن به واسطهٔ مردی که تعیین کرده است، جهان را عادلانه داوری خواهد کرد و با برخیزانیدنش از مردگان، همه را از این امر مطمئن ساخته است." آن روز زمانی فرا خواهد رسید که خدا عیسی مسیح را بر روی زمین فرستاده تا پادشاه کل جهان گردد. احکام خردمندانه و قوانین عادلانه او سرانجام این دنیا را به مکانی ایده آل تبدیل خواهد کرد و این امر موجب تکمیل وعده خدا به ما خواهد شد که گفت: "تمام زمین از جلال یهوه پر خواهد شد" (اعداد ۱۴: ۲۱).

خدای قادر مطلق

این دنیای شگفت انگیز، قدرت و دانایی خدا را به ما نشان می دهد، ولی در مورد خود خدا به ما چیزی نمی گویند. هیچ کس تا به حال خدا را مشاهده نکرده است. برای آشنایی با خدا، باید کتاب مقدس را مطالعه کرده و بخصوص به زندگی عیسی مسیح و مثال های زندگی او توجه کنیم. کتاب مقدس تمام چیزی را که نیاز است از خدا بدانیم، به ما گفته است. این تنها راه قابل اعتماد برای شناخت خدا و اهداف او برای زمین است.

۱ تیموتائوس ۶: ۱۵-۱۶

"که خدا این را در وقت خود به انجام خواهد رسانید، همان خدای متبارک که حاکم یکتا و شاه شاهان و رب ارباب است. او را که تنها وجود فناپذیر است و در نوری سکونت دارد که نتوان به آن نزدیک شد، او را که هیچ کس ندیده و نتواند دید، تا ابد حرمت و توانایی باد. آمین."

مزامیر ۹۰: ۲ می گوید: "از ازل تا به ابد تو خدایی". این چیزی است که ذهن ما توانایی درک کامل آن را ندارد. ما می دانیم که در زندگی هر چیزی آغاز و پایانی دارد. ما با تولد و مرگ آشنایی داریم. ولی خدای ما همیشه وجود داشته و تا ابد وجود خواهد داشت. او فناپذیر و جاودان است. در رساله اول تیموتائوس باب ۶ می خوانیم که جاودانگی فقط از خدا می آید.

کتاب مقدس به ما در مورد یکتا بودن خدا می گوید. او قدرت مطلق بوده و بر همه چیز آگاه است. او کامل بوده و نمی تواند گناه کند. او خدای بخشش و محبت است و در عوض از ما توقع دارد که او را عزت داده و از او اطاعت کنیم. او خدایی بخشنده و دیر خشم است. ولی کسانی را که از عزت دادن و اطاعت کردن او خود داری می کنند، مجازات خواهد کرد. خدا خود را برای موسی چنین توصیف می کند:

"خداوند از برابر موسی گذشت و چنین ندا کرد: یهوه، یهوه، خدای رحیم و فیاض، دیر خشم، و آکنده از محبت و وفا، پایدار در محبت برای هزار پشت و آمرزنده تقصیر و نافرمانی و گناه. اما تقصیرکار را هرگز بی سزا نمی گذارد بلکه جزای تقصیرات پدران را به فرزندان و فرزندان فرزندان تا پشت سوم و چهارم می رساند" (خروج ۳۴: ۶-۷).

ذات خدا	شخصیت خدا
<ul style="list-style-type: none"> • او همیشه وجود داشته و هرگز نخواهد مُرد. • او سرچشمه تمام هستی است. • او ایده آل بوده و گناه نمی کند و تحت وسوسه گناه نیز قرار نمی گیرد. • او در آسمان بوده ولی در همه جا حضور معنوی دارد. 	<ul style="list-style-type: none"> • او مقدس و عادل است. • او بخشنده، رئوف، صمیمی و دیرخشم است. • او گناهکارانی را که توبه می کنند می بخشد. ولی کسانی را که از اطاعت و عزت دادن به او امتنا می کنند، مجازات خواهد کرد.

ما بخشی از آفرینش خدا هستیم

"بیایید تا پرستش و سجده کنیم و در پیشگاه آفریننده خویش، خداوند، زانو زنیم" (مزمیر ۹۵: ۶).

توانایی پرستش و ستایش خدا، امتیازی بزرگ است. بشر از مخلوقات ویژه خدا بوده و او همیشه به دنبال رابطه ای خاص با مردان و زنان است. عیسی مسیح در مورد ایمانداران واقعی که خدا را با تمام وجود و با صداقت پرستش می کنند، می گوید: "زیرا پدر جوایز چنین پرستندگانی است" (یوحنا ۴: ۲۳-۲۴). خدا در جستجوی افرادی است که به او ایمان داشته و از او اطاعت کرده و در دنیایی که خدا برای آنها ساخته شادی می کنند.

خدا از ما می خواهد که کتاب مقدس را خوانده تا در مورد او و اهدافش بیشتر بیاموزیم و او را همین حالا پرستش کرده و به او خدمت کنیم. خدا چنین اشخاصی را برای خدمت ابدی به او، در زمان بازگشت مسیح بر زمین آماده می کند. اگر ما کلام خدا را خوانده و به او عزت داده و همین حالا از او اطاعت کنیم، در روز مقرر، ما از جمله کسانی خواهیم بود که خدا گفته:

"در آن روز خواهند گفت: هان این خدای ما است که منتظر او بودیم تا نجاتمان بخشد. این خداوند است که منتظر او بودیم، پس در نجات او وجد و شادی کنیم" (اشعیا ۲۵: ۹).

خلاصه

- خدای قادر در کتاب مقدس، تنها خدای زنده و حقیقی موجود است. او جهان و همه چیز درون آن را آفریده است.
- ما باید خدا را پرستش کنیم و هرگونه خدای دروغین و بت را از زندگی خود بیرون سازیم.
- خدا همیشه وجود داشته و نابود نخواهد شد. او کامل بوده و گناه نمی کند. او قدرت مطلق بوده و بر همه چیز آگاه است. خدا بخشنده و مهربان است. ولی کسانی را که از عزت دادن و اطاعت از او سر باز می زنند را مجازات خواهد کرد.
- عیسی به زمین باز خواهد گشت تا پادشاه جهان شود. دستورات خردمندانه و قوانین عادلانه اش سرانجام این دنیا را ایده آل می سازد. سپس دنیا از جلال خدا برای همیشه پر خواهد شد.
- اگر ما کلام خدا را خوانده و به او عزت داده و از او اطاعت کنیم، قادر خواهیم بود در زمان آمدن عیسی بر زمین، تا ابد به او خدمت کنیم.

آیاتی جهت مطالعه:

(عبرانیان ۱۱: ۳) "به ایمان در می یابیم که کائنات به وسیله کلام خدا شکل گرفت، بدان گونه که آنچه دیده می شود از چیزهای دیدنی پدید نیامد".

۱) تیموتائوس ۱: ۱۷) - آیه ای جهت ستایش خدا

(مزمیر ۱۳۹: ۱-۴) - این آیات نشان می دهند که خدا بر همه چیز آگاه است، حتی از تفکرات ما

(پیدایش ۲: ۷) - این آیه درباره خلقت اولین انسان به ما می گوید

(تثنیه ۴: ۱۵-۱۹) - موسی به مردم اسرائیل در مورد پرستش بت ها و خدایان دروغین هشدار می دهد.

همچنین (رومیان ۱: ۱۸-۲۳) را نیز بخوانید.

درس ششم: عشق فراوان خدا به جهان

مطالعه: اشعیا باب ۵۳

مشکل این دنیا چیست؟

بطور واضح این دنیا دارای مشکلات بسیاری برای زندگی همه ماست. هر روزه اخباری از جنایت و خشونت به گوش می رسد. بسیاری از مناطق دنیا درگیر جنگ بوده و یا خطر جنگ وجود دارد. بیماری های وحشتناک به سرعت گسترش می یابد. بسیاری در اثر گرسنگی می میرند در حالیکه دیگران غذای بسیاری برای خوردن دارند. بسیاری از رهبران دنیا نگران رفاه مردم خود نیستند.

چرا این موارد اتفاق می افتد؟ کتاب مقدس می گوید که خدا این دنیا را "بسیار خوب" آفرید (پیدایش ۱: ۳۱). خدا جهان را مکانی فوق العاده برای زندگی ما آفرید و چیزی بهتر از این دنیای پر از مشکل و بلا تکلیف را برای ما در نظر گرفت. گناه ریشه تمامی مشکلاتی است که در دنیا وجود دارد.

آغاز مشکلات دنیا

خدا آدم و حوا را آفرید و آنها را در باغ زیبای عدن جای داد. خدا به آدم راه درست را آموخت و همچنین یک قانون ساده برای او قرار داد. همچون پدری که توقع دارد فرزندان از او اطاعت کنند، خدا نیز چنین توقعی از آدم داشت و به او گفت:

"و یهوه خدا آدم را امر کرده، گفت: تو می توانی از هر یک از درختان باغ آزادانه بخوری؛ اما از درخت شناخت نیک و بد زنهار نخوری، زیرا روزی که از آن بخوری به یقین خواهی مرد" (پیدایش ۲: ۱۶-۱۷).

آدم نافرمانی را انتخاب کرد. او گناه کرد و قانون خدا را شکست. نافرمانی آدم او را به مجازات مرگی هدایت کرد که خدا به او از قبل گفته بود. آدم و حوا در همان لحظه نمردند. ولی به انسان هایی فانی تبدیل شدند و همچنین پس از آن انجام گناه برای آنها آسان شد.

توجه داشته باشید که آدم مُرد چون گناه کرد. خدا به آدم و حوا وعده رفتن به آسمان پس از مرگ را نداد. این می توانست همچون جایزه ای برای آنها باشد. آنها محکوم به مرگ شدند و این یک مجازات بود نه یک جایزه.

ما ذات آدم را به ارث برده ایم

از زمان تولد، ما تمام اثرات گناه آدم را به ارث برده ایم. دقیقا همانند کودکی که چیزهایی همچون رنگ پوست و رنگ چشم از پدر و مادر خود به ارث می برد. پس ما همه ذات خود را از آدم به ارث برده ایم. این ذات انسانی بر عکس ذات خدا است.

ذات بشر	ذات خدا
تمام انسان ها به راحتی گناه می کنند. نسل بشر از زمان تولد فانی می باشد.	خدا گناه نمی کند و مورد وسوسه قرار نمی گیرد. خدا فناپذیر است و هرگز نمی میرد.

ما نیز برای گناهانمان مجازات می شویم

از همان زمانی که آدم در ۶۰۰۰ سال پیش از خدا نافرمانی کرد، تک تک انسان ها که همه از نسل او هستند (به غیر از عیسی مسیح) گناه کردند. همه ما از نسل آدم هستیم و ما نیز به خاطر گناهان خود خواهیم مُرد (رومیان ۵: ۱۲). پولس رسول می گوید:

"می دانم که در من، یعنی در نفس من، هیچ چیز نیکویی ساکن نیست. زیرا هرچند میل به انجام آنچه نیکوست در من هست، اما نمی توانم آن را به انجام رسانم" (رومیان ۷: ۱۸).

پولس می دانست که گناهکار است. حتی با وجود اینکه تمام تلاش خود را کرد تا کارهای درستی انجام دهد. خیلی از انسان ها حتی نمی خواهند کار درست را انجام دهند. ارمیای نبی به ما می گوید که بشر گناهکار است:

"دل از همه چیز فریبنده تر است و بسیار بیمار؛ کیست که آن را بشناسد؟" (ارمیا ۱۷: ۹).

اشعیا ۵۳: ۶ می گوید که همه ما راه خود را می رویم، نه راه خدا را:

"همه ما چون گوسفندان، گمراه شده بودیم و هر یک از ما به راه خود رفته بود" (اشعیا ۵۳: ۶).

همه ما گناهکاریم. پس همه ما مستحق مرگ هستیم. ولی مرگ تنها مجازات گناه نیست. در ابتدا آدم از رابطه خاص با خدا لذت می برد. این رابطه خاص بواسطه گناه آدم تمام شد. گناه، ما را از خدا دور می کند. پس ما بعنوان یک گناهکار نمی توانیم با خدا رابطه ویژه برقرار کنیم. ما هیچ کاری برای نجات خود نمی توانیم انجام دهیم.

نجات توسط فیض خدا

کتاب مقدس به ما در مورد بخشش و عدالت خدا که از ویژگی های ذات اوست می گوید. چرا که خدا تنها کسی است (تنها عادل است) که باید حکم مرگ برای گناه را صادر کند. از آنجا که خدا بخشنده است، نمی خواهد که انسان ها بمیرند و برای همیشه در قبر باقی بمانند. خدا با عشق خود راهی برای ما فراهم کرده که ما بتوانیم تا ابد زندگی کنیم. او راهی برای غلبه بر حکم مرگ فراهم کرده است. در یوحنا ۳: ۶ می خوانیم:

" زیرا خدا جهان را آنقدر محبت کرد که پسر یگانه خود را داد تا هر که به او ایمان آورد
هلاک نگرده، بلکه حیات جاویدان یابد" (یوحنا ۳: ۱۶).

پولس رسول نیز می گوید:

" زیرا به فیض و از راه ایمان نجات یافته‌اید و این از خودتان نیست، بلکه عطای خداست"
(افسیان ۲: ۸).

فیض خدا هدیه ایست رایگان برای عشق و محبت به تمام مردان و زنان و این هدیه به صورت فوق العاده ای در عیسی مسیح نشان داده شده که بواسطه آن بخشش از گناه و رستگاری حاصل می شود. ما لایق رستگاری نبوده و قادر به دستیابی آن نیستیم. بلکه به خاطر فیض خدا بود که عیسی مسیح را برای ما آورد و راهی برای ما گشود تا به موارد زیر دست یابیم:

- بخشش گناهانمان در حال حاضر
- ایجاد رابطه خاص با خدا در حال حاضر
- زندگی جاودان در آینده

افسیان ۲: ۸ به ما می گوید که ما می توانیم از راه ایمان از نعمت فیض خدا لذت ببریم. ایمان داشتن به خدا به معنای اعتماد و باور داشتن خدا و اهداف او می باشد. اگر ما به کلام خدا ایمان نداشته باشیم، غیر ممکن است فیض او شامل حال ما شود:

" و بدون ایمان ممکن نیست بتوان خدا را خشنود ساخت، زیرا هر که به او نزدیک می شود،
باید ایمان داشته باشد که او هست و جویندگان خود را پاداش می دهد" (عبرانیان ۱۱: ۶).

قربانی شدن عیسی مسیح

عیسی مسیح همچون ما ذاتی انسانی داشت و همانند ما مورد وسوسه قرار گرفت ولی برعکس ما هیچوقت گناه نکرد. عیسی مسیح کارهایی را انجام می داد که موجب خوشنودی خدا می شد و از هر لحاظ ایده آل بود و با این حال مصلوب شد. خدا او را از مرگ وحشتناکش نجات نداد. در آیه ۶ از کتاب اشعیا باب ۵۳ این موضوع را می خوانیم:

"... اما خداوند تقصیر جمیع ما را بر وی نهاد" (اشعیا ۵۳: ۶).

بواسطه زندگی بی نقص عیسی مسیح و مرگ او بر روی صلیب در راستای اطاعت از خواسته پدر، راهی برای بخشیده شدن گناهان برای ما میسر شد. پس می توانیم به داشتن یک زندگی فوق العاده ابدی امیدوار باشیم.

نکته شگفت انگیزی در اینجا وجود دارد: محبت خدا که یگانه فرزندش را برای ما داد و محبت عیسی مسیح در بخشیدن زندگی خویش که در راستای اطاعت عاشقانه از خواسته پدرش بود. کاری که عیسی مسیح کرد و زندگی خود را بخشید، در کتاب مقدس بعنوان فداکاری خوانده می شود. فداکاری عیسی مسیح شامل این موارد است:

- یک زندگی عاری از گناه، او خواسته ها و علایق خود را رها کرد (یا فدا کرد) و از خواسته های پدر خود با تمام وجود پیروی نمود.
- بخشیدن (یا فدا کردن) زندگی خود با مُردن بر روی صلیب.

پس راه رستگاری به واسطه عیسی مسیح است و به خاطر فداکاری او امکان پذیر شد. ما باید باور داشته باشیم که عیسی مسیح برای ما مُرد و خود را قربانی ما کرد. اگر ما به خدا و پیشنهاد رستگاری او به واسطه عیسی مسیح ایمان داشته باشیم، می توانیم امیدوار به داشتن یک زندگی رها از هر گونه مشکل در آینده در این دنیا باشیم. این امیدی بزرگ است که انجیل به ما مژده داده و ما هیچ کاری انجام نداده ایم که سزاوار آن باشیم.

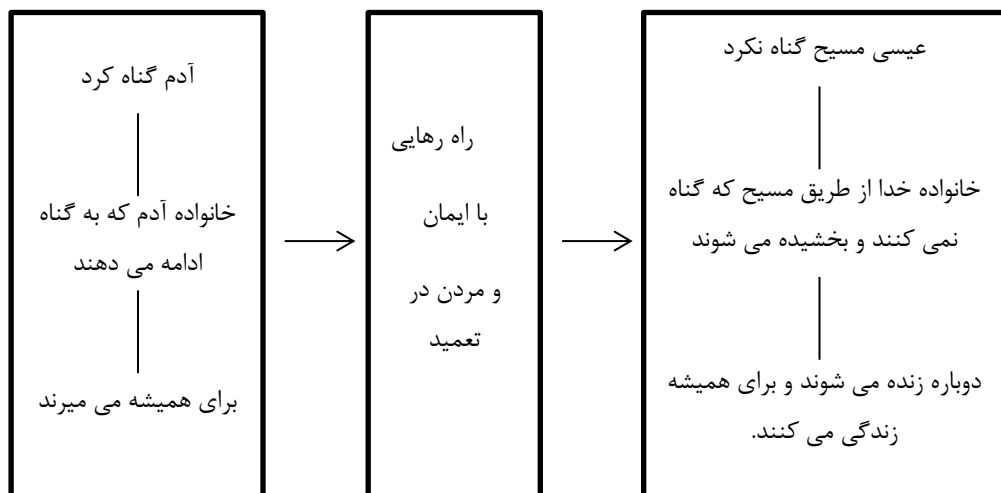
به کدام خانواده تعلق داریم؟

یکی از راه های در نظر گرفتن رستگاری این است که به خانواده ها بیاندیشیم. ما همه از نسل آدم به دنیا آمده ایم چرا که تمام انسان ها از نسل او می باشند. آدم گناه کرد که مرگ را برای نسل بشر به همراه داشت. عیسی مسیح به واسطه فداکاری خود، خانواده جدیدی تشکیل داد. این خانواده شامل کسانی است که نمی خواهند به خانواده آدم تعلق داشته باشند و در تلاش هستند تا به خدا باز گردند.

کتاب مقدس کسانی را که بواسطه عیسی مسیح به خانواده خدا تعلق دارند، "در مسیح" و کسانی را که به خانواده فانی آدم تعلق دارند را "در آدم" تعریف می کند:

"زیرا همانگونه که در آدم همه می میرند، در مسیح نیز همه زنده خواهند شد" (۱ قرنیتیان ۲: ۲۲).

پس دو خانواده وجود دارد: خانواده آدم و خانواده خدا بواسطه مسیح. ما همه در خانواده آدم به دنیا می آییم و اگر تلاشی نکنیم، در خانواده آدم مرده و برای همیشه نابود خواهیم شد. عیسی مسیح از ما می خواهد که به خانواده خدا بپیوندیم. ما می توانیم در مورد عیسی مسیح و اهداف خدا بیشتر بیاموزیم و سپس تعمید بگیریم. تعمید غوطه ور شدن کامل در آب است. رفتن کامل به زیر آب یا غوطه ور شدن کامل در آب نمادی از مرگ است. بالا آمدن از آب نمادی از شروع یک زندگی جدید در خانواده خدا است. ما خانواده آدم را با مرگ در تعمید رها کرده و بعنوان عضوی از خانواده خدا از آب بیرون می آییم. پس ما در خانواده آدم می میریم و در خانواده خدا به واسطه عیسی مسیح دوباره بر می خیزیم. ما باید از خدا و عیسی مسیح سپاسگزار باشیم، زیرا برای ما راهی را ممکن ساختند تا بتوانیم از خانواده آدم رهایی یابیم.



ایمان و اطاعت

حتما همه ما متوجه هستیم که برای خشنود ساختن خدا، باید به خدا ایمان داشته و به کارهایی که برای ما در راستای قربانی کردن مسیح انجام داده اعتقاد داشته باشیم. (یوحنا ۳: ۱۶) می گوید: "... تا هرکه بر او ایمان آورد هلاک نگردد بلکه حیات جاودانی یابد". این به آن معنا نیست که ما فقط ذکر

کنیم که "من به خدا و عیسی مسیح ایمان دارم" و از گناه و مرگ نجات یابیم. اگر ما واقعا به چیزی ایمان داریم، باید به آن عمل کنیم. اگر کودکی بیمار است و خانواده او معتقدند که دکتر می تواند به آنها کمک کند، فقط نمی گویند "ما به دکتر ایمان داریم" و کودک را رها نمی کنند تا عذاب بکشد. خانواده کودک به دنبال دکتر می روند و چون به او ایمان دارند، از هر کاری که او بگوید اطاعت خواهند کرد.

این دقیقا همانند اعتقاد داشتن به خداست. اگر ما واقعا ایمان داشته باشیم، متوجه خواهیم شد که خدا از ما چه توقعاتی دارد و با تمام توان خود آن را انجام خواهیم داد. ما باید خدا را اطاعت کنیم و برای این کار باید شروع به وقف کردن زندگی خود در راه پیروی از عیسی مسیح کنیم و این با گرفتن تعمیم آغاز خواهد شد. فقط کسانی که ایمان واقعی دارند می توانند امیدوار باشند که در میان افرادی قرار می گیرند که "نابود نمی شوند و زندگی جاودان خواهند داشت".

بسیار مهم است که از خدا اطاعت کنیم:

- آدم از خدا اطاعت نکرد و گناه و مرگ را به دنیا آورد.
- عیسی از خدا اطاعت کرد و برای کسانی که سعی در اطاعت خدا دارند، زندگی دوباره را به ارمغان آورد.

پاداش زندگی جاودان

نعمت یک زندگی فوق العاده که تا ابد ادامه دارد، پاداش خدا به کسانی است که به کلام او ایمان داشته و سخت در تلاشند که از او اطاعت کنند. کسانی که به آنها این پاداش بزرگ داده شده، تغییر خواهند کرد. آنها دیگر ذات انسانی خود را نداشته و ذات خدایی را دریافت خواهند کرد:

- ذهن آنها تغییر خواهد کرد و دیگر هیچوقت قادر به انجام گناه نخواهند بود.
- بدن های فانی آنها تبدیل به جسمی فناپذیر می شود. آنها هیچوقت خسته و بیمار نشده و درد و مرگ را احساس نخواهند کرد.

زندگی جاودان، بهترین پاداشی است که تنها به کسانی اهدا خواهد شد که با ایمان کامل منتظر بازگشت عیسی مسیح هستند و در تلاشند طوری زندگی کنند که خدا از آنها خواسته است. کسانی که اینگونه دعا می کنند:

"پادشاهی تو بیاید. اراده تو، چنانکه در آسمان انجام می شود، بر زمین نیز به انجام رسد"

(متی ۶: ۱۰).

خلاصه

- گناه ریشه تمام مشکلاتی است که در دنیا وجود دارد.
- ما همه گناه می کنیم. پس همه ما سزاوار مرگ هستیم. مرگ یک مجازات است.
- خدا با محبت خود راهی را فراهم کرده تا بواسطه آن گناهان ما بخشیده شده و از مرگ ابدی رهایی یابیم.
- ما نمی توانیم خود را نجات دهیم. ما توسط فیض خدا نجات می یابیم. رستگاری یک هدیه است.
- راه رستگاری به واسطه عیسی مسیح است و توسط فداکاری او محقق شده است.
- وظیفه ما این است که به خدا و اهداف او ایمان، باور و اعتماد داشته باشیم.
- کسانی که ایمان واقعی دارند تعمید خواهند گرفت و سخت تلاش خواهند کرد که از خدا بوسیله پیروی از عیسی مسیح، اطاعت کنند.
- زندگی جاودان پاداشی است از جانب خدا برای کسانی که به کلام او ایمان داشته و در تلاشند که از خدا اطاعت کنند.

آیاتی جهت مطالعه:

(یوحنا ۳: ۱۶) "زیرا خدا جهان را اینقدر محبت نمود که پسر یگانه خود را داد تا هر که بر او ایمان آورد هلاک نگردد بلکه حیات جاودانی یابد".

(کولسیان ۱: ۲۱-۲۳) - پولس رسول به ایمانداران یادآوری می کند که گناهان آنها با مرگ مسیح بخشیده شده است:

(افسیان ۲: ۴-۱۰) - عشق و بخشش عظیم خدا به گناهکاران نشان داده شده است. کسانی که ایمان بیاورند با فیض خدا بخشیده می شوند.

همچنین (پیدایش ۲: ۱۵ و ۳: ۲۴) را بخوانید.

درس هفتم: بازگشت عیسی مسیح به زمین

مطالعه: اعمال رسولان باب ۱

۲۰۰۰ سال پیش

عیسی مسیح به صلیب کشیده شد. شاگردان مبهوت و نا امید بودند. تمام امیدشان به او بود و حالا او مرده بود. اما بعد از سه روز در قبر، خدا مسیح را از مرگ برخیزانید. شاگردانش تا زمانی که او را ندیده بودند این را باور نمی کردند و سپس حرفی که مسیح قبل از مرگ زده بود به خاطرشان آمد:

"آمین، آمین، به شما می گویم، شما زاری و ماتم خواهید کرد، اما جهان شادمان خواهد شد؛ شما غمگین خواهید بود، اما غم شما به شادی بدل خواهد شد" (یوحنا ۱۶: ۲۰).

و آنها زمانی که بار دیگر سرورشان را دیدند از شادی لبریز شدند.

"شاگردان با دیدن خداوند شادمان شدند" (یوحنا ۲۰: ۲۰).

عیسی مسیح به آسمان برده شد

۸ آیه اول باب ۱ اعمال رسولان را بخوانید. شاگردان (شاگردان مخصوص عیسی مسیح) در ۴۰ روزی که عیسی مسیح دوباره با آنها بود بسیار خوشحال بودند. در انتهای ۴۰ روز آنها در کنار سرور خود بر روی کوه زیتون ایستاده بودند. ناگهان عیسی مسیح از میان آنها به سمت آسمان برده شد. آنها همانطور که او به سمت آسمان می رفت و پشت ابرها پنهان می شد او را مشاهده می کردند. عیسی مسیح باز از آنها گرفته شده بود، اما این بار محزون و مبهوت نبودند.

لوقا به ما می گوید که عیسی مسیح:

"در همان حال که برکتشان می داد از آنان جدا گشته، به آسمان برده شد. ایشان او را پرستش کردند و با شادی عظیم به اورشلیم بازگشتند" (لوقا ۲۴: ۵۱-۵۲).

رمز شادی آنها

چرا شاگردان این بار بسیار خوشحال بودند؟ قسمتی از این خوشحالی به این سبب بود که گناهانشان به واسطه مرگ عیسی مسیح بخشیده شده بود و آنها می توانستند از این به بعد پیام رستگاری را تعلیم دهند. اگر چه این تنها دلیل شادی آنها نبود. هنگامی که شاگردان به بالا رفتن عیسی مسیح به سمت آسمان نگاه می کردند دو فرشته به سمت آنها آمدند تا به آنها پیامی بدهند. آنها گفتند:

"ای مردان جلیلی، چرا ایستاده به آسمان چشم دوخته‌اید؟ همین عیسی که از میان شما به آسمان برده شد، باز خواهد آمد، به همین‌گونه که دیدید به آسمان رفت" (اعمال رسولان ۱: ۱۱).

هنگامی که شاگردان به اورشلیم برگشتند، بدون هیچ شکی می‌دانستند که عیسی مسیح باز به زمین بر می‌گردد و در پادشاهی خدا فرمانروایی می‌کند. رستاخیز عیسی مسیح ضمانتی بود که خدا برای این واقعه داد.

عیسی مسیح درباره بازگشت خود به زمین سخن می‌گفت.

"آنگاه پسر انسان را خواهند دید که با قدرت و جلال عظیم در ابری می‌آید" (لوقا ۲۱: ۲۷)

این اتفاقات حدود ۲۰۰۰ سال پیش افتاد و مسیح هنوز باز نگشته است. ولی باز خواهد گشت، زیرا خود این را گفته است. در لوقا باب ۲۱ عیسی مسیح از آمدن در ابر همراه با جلال و قدرت سخن می‌گوید. به این نکته دقت کنید که مسیح در ابر به آسمان رفت و فرشتگان گفته بودند که دقیقاً به همین شکل باز خواهد گشت (اعمال رسولان ۱: ۹-۱۱).

بسیاری از مَثَل‌های عیسی مسیح در مورد بازگشت او سخن می‌گویند، مَثَل باکره‌ها، (متی ۲۵: ۱-۱۳) داستان دامادی را می‌گویند که به جشن عروسی می‌آید. در این مَثَل داماد عیسی مسیح است و این داستان به ما هشدار می‌دهد که وقتی او می‌آید افراد زیادی آماده حضور او نیستند. بازگشت او حتمی است و ما باید خود را آماده کنیم ولی نمی‌دانیم که این بازگشت چه زمانی است. مسیح مَثَل خود را با این هشدار به پایان می‌رساند:

"پس بیدار باشید، چون از آن روز و ساعت خبر ندارید" (متی ۲۵: ۱۳).

پطرس رسول در مورد بازگشت مسیح تعلیم می‌دهد

در کتاب خواندیم که کمی بعد از بازگشت عیسی مسیح به آسمان پطرس به سمت معبد در اورشلیم رفت. او شجاعانه در مورد مرگ و رستاخیز مسیح با یهودیانی که مسیح را به دام مرگ کشانده بودند، سخن گفت. در اعمال رسولان ۱۳: ۱۹-۲۱ به آنها می‌گوید:

"پس توبه کنید و به سوی خدا بازگردید تا گناهانتان پاک شود و ایام تجدید قوا از حضور خداوند برایتان فرا رسد و تا خدا، عیسی، یعنی همان مسیح را که از پیش برای شما مقرر

شده بود، بفرستد، که باید آسمان پذیرای او می‌شد تا ایامی که همه چیز بنا بر آنچه خدا از دیرباز به زبان همهٔ پیامبران مقدّس خود گفته است، احیا گردد" (اعمال رسولان ۳: ۱۹-۲۱).

افراد زیادی امروزه بر این باورند که مسیح باز نخواهد گشت. اما خدا وعده بازگشت عیسی مسیح را به ما داده است و ما بر این باوریم که خدا به عهد خود وفا خواهد کرد. پطرس می‌گوید که خدا منتظر است که افراد بیشتری توبه کنند.

"برخلاف گمان برخی، خداوند در انجام وعده‌اش تأخیر نمی‌ورزد، بلکه با شما بردبار است، چه نمی‌خواهد کسی هلاک شود بلکه می‌خواهد همگان به توبه گرایند. اما روز خداوند چون دزد خواهد آمد، که در آن آسمانها با غریوی مهیب از میان خواهد رفت و اجرام سماوی سوخته شده فرو خواهد پاشید، زمین و همهٔ کارهایش عیان خواهد شد" (۲ پطرس ۳: ۹-۱۰).

پولس رسول در مورد بازگشت مسیح می‌نویسد

در عهد جدید دو نامه توسط پولس رسول به ایمانداران تسالونیکیه در یونان نوشته شده است. در هر باب از این نامه‌ها پولس بازگشت عیسی مسیح از آسمان را متذکر می‌شود. در ذیل ۲ مثال را می‌بینید:

<p>(۲ تسالونیکیان ۱: ۷-۱۰)</p> <p>"... زمانی واقع خواهد شد که خداوند عیسی ... از آسمان ظهور کند. او خدانشناسان و نافرمانان به انجیل خداوند ما عیسی را کیفر خواهد داد... در آن روز که او می‌آید تا در مقدسین خود تمجید شود و در میان همهٔ آنان که ایمان آورده‌اند، مایهٔ شگفتی گردد"</p>	<p>(۱ تسالونیکیان ۴: ۱۶)</p> <p>"زیرا خداوند، خود با فرمانی بلندآواز و آوای رئیس فرشتگان و نفیر شیپور خدا، از آسمان فرود خواهد آمد. آنگاه نخست مردگان در مسیح، بر خواهند خاست."</p>
---	---

- ۱ تسالونیکیان ۴: ۱۶ در مورد زنده شدن مردگان به هنگام بازگشت مسیح سخن می‌گوید.
- ۲ تسالونیکیان ۱: ۷-۱۰ نشان می‌دهد که هنگام بازگشت مسیح تعدادی سرزنش می‌شوند و بقیه با آغوشی باز او را می‌پذیرند.

هنگام بازگشت مسیح چه اتفاقی خواهد افتاد؟

دومین بازگشت عیسی مسیح رویدادی بزرگ خواهد بود. مرده ها زنده می شوند و زندگی تمام افرادی که در آن زمان زنده اند نیز تغییر خواهد کرد. برای بعضی ها زمان شادی است، به خصوص وقتی که خدا داوری اش را در دنیا اعمال کند. غم انگیز است، اما ضروریست. بدون داوری خدا گناه و عواقبش هرگز از بین نخواهد رفت.

عیسی مسیح کسانی که کلام را می شناختند دوباره زنده خواهد کرد. افرادی که بدون شناخت کلام خدا مردند بر خیزانده خواهند شد و افرادی که به کلام ایمان آوردند داوری خواهد شد (رومیان باب ۲ آیه ۱۶). کسانی که هرگز از کلام چیزی نشنیده بودند داوری نمی شوند و اگر مردند پس برای همیشه مرده اند. آنها "چارپایان را مانند که از میان می روند" (مزمیر ۴۹: ۲۰).

بعد از رستاخیز دو گروه بر زمین به وجود می آیند:

- کسانی که کلام را می شناختند (هم کسانی که دوباره زنده شدند و هم کسانی که هنگام بازگشت مسیح زنده بودند).

- کسانی که هنگام بازگشت مسیح زنده هستند ولی از مسیح چیزی نمی دانند.

و حال نگاهی به اتفاقاتی که برای این دو گروه می افتد می اندازیم.

کسانی که کلام را شناختند

عیسی مسیح تک تک افرادی که کلام را می شناختند داوری می کند (تمام کسانی که دوباره زنده شدند و تمام کسانی که در زمان بازگشت او زنده اند)

الف: ایمانداران واقعی زندگی جاودان دریافت خواهند کرد - ایمانداران تعمیدی که وفادارانه تلاش کردند تا از دستورات عیسی مسیح پیروی کنند جایی در پادشاهی خدا بر روی زمین دریافت خواهند کرد و شادی عظیم به وجود خواهد آمد. آنها ذاتی همانند ذات خدا بدست خواهند آورد، ذاتی که هرگز گناه نمی کند و هرگز نمی میرد و هیچ درد و عذابی هم بر او نیست.

ب: افرادی که کلام را می شناختند ولی از قبول کردن آن سر باز زدند، رد خواهند شد - اینها کسانی هستند که به طور کامل کلام را می شناختند اما تصمیم بر پیروی نکردن از عیسی مسیح گرفتند. آنها جایی در پادشاهی خدا نخواهند داشت چون تصمیم گرفته بودند که به پیام کتاب مقدس بی اعتنا باشند. آنها با شرمساری از داوری جدا می شوند و می دانند که از برکات پادشاهی خدا هیچ سهمی ندارند. آنها برای همیشه می میرند.

دانیال نبی در عهد عتیق در مورد پاداش درستکاران و جزای شریران می گوید:

"و بسیاری از آنان که در خاکِ زمین خوابیده‌اند بیدار خواهند شد، اما اینان برای زندگی جاودان و آنان برای خجالت و حقارت جاودان" (دانیال ۱۲ : ۲).



افراد زنده ای که هنگام بازگشت مسیح از کلام چیزی نمی دانند.

خداوند به واسطه رحمت خود از تمامی قوم ها به بعضی از افراد فانی اجازه خواهد داد که در پادشاهی خود که عیسی مسیح بر آن حکمرانی خواهد کرد زندگانی کنند، بقیه مجازات شده و می میرند.

۱. یهودیان

الف- برخی از یهودیان عیسی مسیح را بعنوان پادشاه خود انتخاب می کنند - زمانیکه قوم اسرائیل در بدترین شرایط خود است، عیسی مسیح باز خواهد گشت. عیسی مسیح با قدرت خود تمامی دشمنان را شکست خواهد داد و آن موقع است که تعداد زیادی از یهودیان در نهایت متوجه می شوند که مسیح به واقع پادشاه وعده داده شده آنها است. از گناه قومشان در به صلیب کشیدن مسیح توبه می کنند و با شوق فراوان او را بعنوان پادشاه خود انتخاب می کنند. زکریای نبی می گوید:

"و بر خاندان داوود و بر ساکنان اورشلیم روح فیض و دعاهاى ملتسمانه را خواهم ریخت و بر من که نیزه‌ام زدند خواهند نگریست و برای من مانند کسی که به جهت تنها فرزندش به سوگ نشیند، سوگواری خواهند کرد و همچون کسی که به جهت نخست‌زاده‌اش بگرید، به تلخی خواهند گریست" (زکریا ۱۲ : ۱۰).

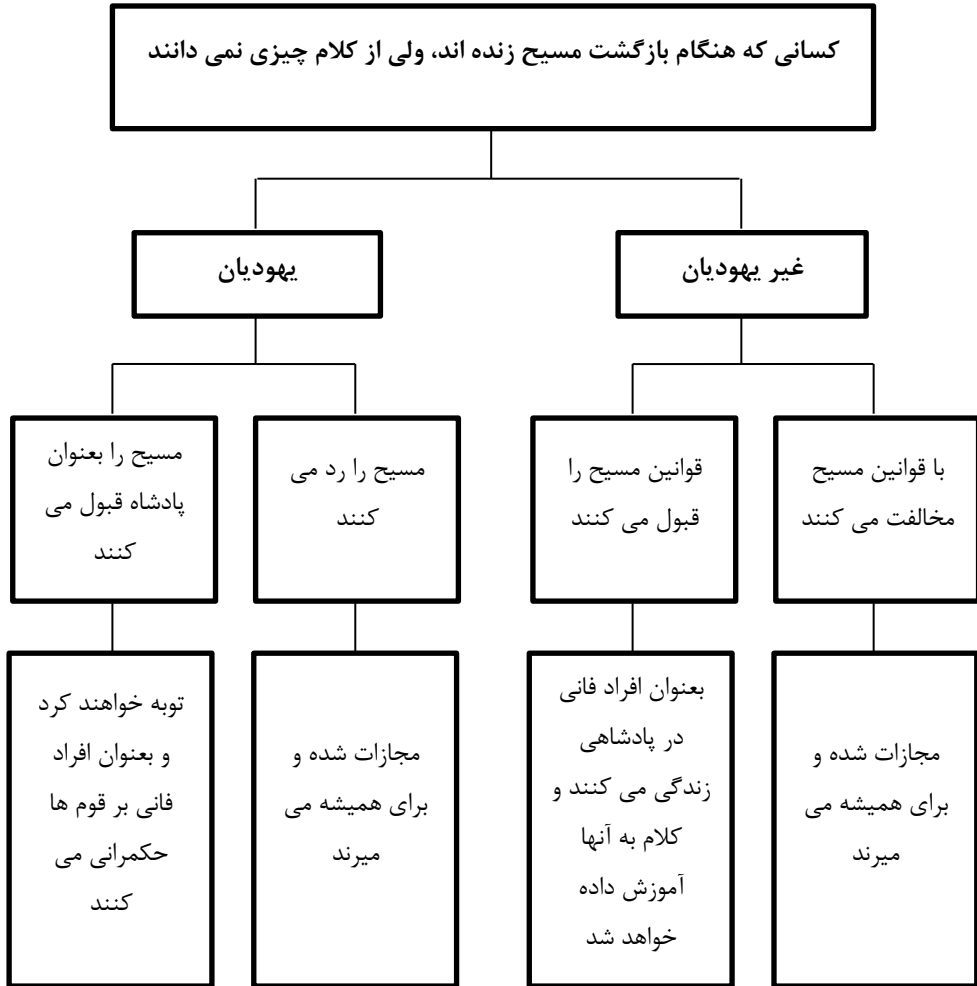
این یهودیان قادر خواهند بود در پادشاهی خدا هنگامی که عیسی مسیح فرمانروا است بعنوان افراد فانی زندگی کنند. آنها در سرزمین اسرائیل زندگی خواهند کرد و رهبر ملت ها خواهند شد. پایتخت اسرائیل، اورشلیم، پایتخت دنیا خواهد شد. اورشلیم برای تمام کسانی که می خواهند در پادشاهی خدا زندگی کنند مرکز پرستش خواهد بود. بعد از تمامی رنج هایشان این زمان بزرگی برای شادمانی همه یهودیان خواهد بود. بعنوان افراد فانی آنها هنوز ذات بشری دارند و قادر به گناه هستند، پیر می شوند و می میرند. این فرصت به آنها داده خواهد شد که عیسی مسیح را بعنوان نجات دهنده خود بپذیرند و به بعضی از آنها بعدا زندگی جاودان داده خواهد شد.

ب- یهودیانی که عیسی مسیح را بعنوان پادشاه خود نمی کنند مجازات خواهند شد -
اسرائیلی هایی که عیسی مسیح را رد می کنند توسط خدا داوری می شوند و از بین می روند و هرگز قادر به زندگی کردن دوباره نیستند.

۲. غیر یهودیان

الف- برخی از غیر یهودیان قوانین مسیح را قبول خواهد کرد - خدا به این غیر یهودیان اجازه خواهد داد که بعنوان افراد غیر فانی در پادشاهی او که عیسی مسیح فرمانروای آن است زندگی کنند. آنها راه و روش خدا را توسط عیسی مسیح و رهبروان جاودانه اش یاد خواهند گرفت. شانس قبولی مسیح بعنوان نجات دهنده به آنها نیز داده خواهد شد. بعضی از آنها بعدا جاودانه می شوند.

ب- غیر یهودیانی که نمی خواهد عیسی مسیح بر آنها حکمرانی کند مجازات خواهند شد -
قوم غیر یهودی که نمی خواهند عیسی مسیح بر آنها حکمرانی کند با او مبارزه خواهند کرد. مجازات خداوند بر سر این افراد نازل می شود و بلایای زیادی بر زمین نیز نازل می شود. بعد از زجر کشیدن از غضب خدا آنها کاملا نابود خواهند شد. ولی نه اینکه برای همیشه در آتش بسوزند. همانطوری که در درس های بعدی می خوانید این از آموزه های کتاب مقدس نیست.



چه بر سر من و شما می آید؟

- اگر در عیسی مسیح تعمید بگیریم (درس ۳۱ در مورد تعمید است) و بر او ایمان بیاوریم او هنگام بازگشت خود ما را در پادشاهی قبول خواهد کرد. او ذات ما را همانند ذات خود تغییر خواهد داد و ما برای همیشه زندگی خواهیم کرد و قادر به گناه نخواهیم بود.
- اما اگر تعمید نشویم و امروز به او ایمان نیاوریم، او نیز هنگام بازگشت خود ما را پس خواهد زد و برای همیشه می میریم. قسمتی از مجازات ما این خواهد بود که جلال پادشاهی خدا را ببینیم اما بمیریم و هرگز قسمتی از آن نباشیم.

خلاصه

- عیسی مسیح به زمین باز خواهد گشت. هنگامی که می آید به ایمانداران واقعی زندگی جاودان خواهد داد و آنها در پادشاهی خدا سهیم خواهند بود.
- افرادی که کلام را می شناختند ولی از اطاعت کردن آن سر باز زدند رد شده و خواهند مرد.
- یهودیانی که زنده هستند و عیسی مسیح را بعنوان پادشاه در زمان بازگشت او قبول می کنند حق زندگی در پادشاهی خداوند بعنوان انسان های فانی به آنها داده خواهد شد. مسیح آنها را رهبر قوم ها می کند. یهودیانی که او را رد کردند مجازات می شوند و می میرند.
- غیر یهودیانی که قوانین مسیح را پذیرفتند اجازه خواهند داشت تا در پادشاهی خدا بعنوان انسان های فانی زندگی کنند. راه و روش خداوند توسط عیسی مسیح و ایمانداران جاودانه اش به آنها آموخته خواهد شد.
- غیر یهودیانی که با عیسی مسیح می جنگند نابود خواهند شد.

آیاتی جهت مطالعه:

(اعمال رسولان ۱: ۱۱) "ای مردان جلیلی، چرا ایستاده به آسمان چشم دوخته‌اید؟ همین عیسی که از میان شما به آسمان برده شد، باز خواهد آمد، به همین گونه که دیدید به آسمان رفت."

متی ۲۵: ۱-۱۳

اول تسالونیکیان باب ۴

درس هشتم: نشانه های بازگشت عیسی مسیح

مطالعه: لوقا باب ۲۱

عیسی به زمین باز می گردد

کتاب مقدس به طور واضح نشان می دهد که عیسی مسیح به زمین باز می گردد. بازگشت دوباره او قسمتی از نقشه خدا برای جهان است. او پادشاهی خدا را بر زمین برپا خواهد کرد. "او پادشاه پادشاهان" خواهد بود و از تخت خود در اورشلیم در سرزمین اسرائیل بر دنیا فرمانروایی خواهد کرد. این عهدی بود که خدا با یهودیان در عهد عتیق بست و همچنین پیام عهد جدید نیز می باشد. یاران اولیه عیسی مسیح منتظر آمدن روزی بودند که:

"زیرا خداوند، خود با فرمانی بلندآواز و آوای رئیس فرشتگان و نفیر شیپور خدا، از آسمان فرود خواهد آمد. آنگاه نخست مردگان در مسیح، بر خواهند خاست" (۱ تسالونیکیان ۴: ۱۶).

دومین بازگشت عیسی مسیح اتفاق بزرگی خواهد بود که زندگی تمام کسانی که آن موقع زنده هستند نیز دگرگون خواهد شد.

بازگشت عیسی مسیح چه زمانی خواهد بود؟

ما تاریخ دقیق بازگشت عیسی مسیح را نمی دانیم. عیسی خود گفته است:

"هیچ کس آن روز و ساعت را نمی داند جز پدر؛ حتی فرشتگان آسمان و پسر نیز از آن آگاه نیستند" (متی ۲۴: ۳۶).

زمانی که مسیح به شاگردانش گفت که معبد اورشلیم نابود خواهد شد، آنها پرسیدند:

"به ما بگو این وقایع کی روی خواهد داد و نشانه آمدن تو و پایان این عصر چیست؟" (متی ۲۴: ۳).

معبد دقیقا ۴۰ سال بعد نابود شد (یعنی ۷۰ سال پس از میلاد مسیح). زمانی که ارتش رم به اورشلیم حمله کردند و هزاران یهودی را کشتند. اگر چه مسیح در جوابش هیچ تاریخی برای این نابودی نداد اما قبل از به وقوع پیوستن این اتفاق، به شاگردانش هشدار داده بود. کسانی که کلام مسیح را می شناختند و در مورد افکارش به دقت فکر می کردند پیش گویی او به منزله هشدار بود که به طبع آن می توانستند از اورشلیم قبل از قتل عام وحشتناک ساکنانش فرار کنند.

علاوه بر هشدارها در مورد نابودی معبد، مسیح در مورد نشانه هایی که در دنیا قبل از بازگشت خود اتفاق می افتد نیز سخن گفته بود. این کار به این منظور انجام شد تا ایماندارانی که در این زمان زندگی می کنند برای بازگشت او آماده باشند. او پاسخش را اینگونه به پایان رسانید:

"به همین سان، هر گاه این چیزها را ببینید، درمی یابید که او نزدیک، بلکه بر در است" (متی ۲۴: ۳۳).

ما بر این باوریم که در زمانی زندگی می کنیم که بازگشت عیسی مسیح نزدیک است. کتاب مقدس این برحه از زمان را "ایام آخر" می نامد. همانطور که با عمل کردن به کلام مسیح شاگردان توانستند از قتل عام در اورشلیم فرار کنند، پس ما نیز باید شاهد نشانه های بازگشت دوم او باشیم و خود را آماده کنیم.

چه علائمی نشانگر روزهای آخر است؟

۱. نشانه ای در مورد یهودیان:

کتاب مقدس می گوید که روزهای آخر قبل از بازگشت مسیح:

الف: یهودیان به سرزمین اسرائیل باز می گردند.

ب: یهودیان در سرزمین خود باز یک ملت می شوند.

ج: اورشلیم از دست دشمنان آزاد خواهد شد.

الف: یهودیان به سرزمین اسرائیل باز می گردند.

یهودیان ۱۳۵ سال بعد از میلاد مسیح در میان امت ها در دنیا پراکنده شدند و این تقریباً ۱۰۰ سال بعد از به صلیب کشیدن مسیح اتفاق افتاد. بعد از آن زمان، برای حدود ۲۰۰۰ سال آنها هیچ سرزمینی برای خود نداشتند. اما تقریباً ۱۵۰ سال پیش آنها شروع به بازگشت به سرزمین خود کردند. این واقعه باعث به حقیقت پیوستن این پیشگویی کتاب مقدس می شود:

"زیرا خداوند می فرماید اینک ایامی می آید که سعادت را به قوم خود اسرائیل و یهودا باز خواهیم گردانید و ایشان را به سرزمینی که به پدرانشان بخشیدم، باز خواهیم آورد تا آن را به تصرف آورند؛ این است فرموده خداوند" (ارمیا ۳۰: ۳).

ب: یهودیان در سرزمین خود باز یک ملت می شوند:

در ماه می ۱۹۴۸ با وجود مخالفت های شدید بر این عقیده، دولت اسرائیل تشکیل شد. بنابراین بار دیگر اسرائیل در سرزمین خود یک ملت شد. قبل از میلاد مسیح خدا گفته بود این اتفاق خواهد افتاد:

"بدیشان بگو خداوندگار یهوه چنین می فرماید: اینک من بنی اسرائیل را از میان ملت‌هایی که به میان آنها رفته‌اند، برگرفته، ایشان را از هر طرف جمع خواهم کرد و به سرزمین خودشان باز خواهم آورد و آنها را در آن سرزمین، بر کوه‌های اسرائیل، یک ملت خواهم ساخت و یک پادشاه بر آنان سلطنت خواهد کرد و دیگر دو ملت نخواهند بود و به دو مملکت تجزیه نخواهند شد" (حزقیال ۳۷: ۲۱-۲۲).

ج: اورشلیم از دست دشمنان آزاد خواهد شد:

اورشلیم امروزه پایتخت دولت اسرائیل است. کلام مسیح را در مورد پراکنده کردن یهودیان در لوقا ۲۱: ۲۴ بخوانید:

"به دم شمشیر خواهند افتاد و در میان همه قوم‌های دیگر به اسارت برده خواهند شد و اورشلیم لگدمال غیریهودیان خواهد گشت تا آنگاه که دوران غیریهودیان تحقق یابد" (لوقا ۲۱: ۲۴):

او می گوید که اورشلیم توسط غیر یهودیان پایمال خواهد شد. تا زمانی که غیر یهودیان به حقیقت بییوندند (هر کسی که یهودی زاده نیست غیر یهودی می باشد). برای حدود ۲۰۰۰ سال اسرائیل تحت کنترل ملت های مختلف بود و یهودیان بسیار کمی آنجا زندگی می کردند. زمانی که در سال ۱۹۴۸ دولت اسرائیل تشکیل شد پایتخت آن شهر ساحلی تل آویو بود. اگر چه در ژوئن ۱۹۶۷ یهودیان در یک جنگ ۶ روزه توانستند قسمتی از اورشلیم را از دست ملت های غیر یهود آزاد کنند. این واقعه اجازه می دهد که اورشلیم پایتخت شود. این نشان می دهد که زمان غیر یهودیان (در آخر) به وقوع پیوسته است و نشانه کاملاً واضحی است از نزدیک بودن بازگشت عیسی مسیح.

۲. نشانه هایی در مورد دنیای ما

الف: افرادی که خدا را قبول ندارند.

افراد زیادی هستند که نمی خواهند حقیقت نوشته شده در کتاب مقدس را بشنوند. آنها نمی خواهند در مورد بازگشت عیسی مسیح بر روی زمین برای برپایی پادشاهی خداوند چیزی بدانند و ترجیح می

دهند که به راه خودشان بروند. آنها فقط به کسانی گوش می دهند که حرف های مورد علاقه شان را می زنند. پولس رسول به ما می گوید:

"زیرا زمانی خواهد آمد که مردم به تعلیم صحیح گوش فرا نخواهند داد، بلکه بنا به میل خویش، معلّمان بسیار گرد خود خواهند آورد تا آنچه را که گوشه‌هایشان طالب شنیدن آن است، از آنان بشنوند و از گوش فرا دادن به حقیقت رویگردان شده، به سوی افسانه‌ها منحرف خواهند گشت" (۲ تیموتائوس ۴: ۳-۴).

پطرس رسول می گوید که در روزهای آخر قبل از بازگشت عیسی مسیح مردم کلام خدا را به تمسخر خواهند گرفت. او می گوید:

"قبل از هر چیز، بدانید که در ایام آخر استهزاکنندگانی ظهور خواهند کرد که پیرو امیال پلید خود خواهند بود و استهزاکنان خواهند گفت: پس چه شد وعده آمدن او؟ از زمانی که پدران ما به خواب رفتند، همه چیز همان گونه است که از بدو آفرینش بود" (۲ پطرس ۳: ۳-۴). این همان حرفی است که امروزه مردم می گویند. ما در ایام آخر هستیم.

ب: تنزل معیارهای اخلاقی

پولس رسول چگونگی دنیا را در ایام آخر توصیف کرده است:

"اما آگاه باش که در روزهای آخر، زمان های سخت پیش خواهد آمد. مردمان خودپرست، پول دوست، لافزن، متکبر، ناسزاگو، نافرمان به والدین، ناسپاس، ناپاک، بی عاطفه، بی گذشت، غیبت گو، بی بندوبار، وحشی، دشمن نیکویی، خیانتکار، بی مبالات و خودپسند خواهند بود. لذت را بیش از خدا دوست خواهند داشت" (۲ تیموتائوس ۳: ۱-۴).

امروزه دقیقا همین گونه است و این نتیجه بی توجهی مردم به خدا و قوانین اوست. مردم کنترل خود را از دست داده اند. آنها حریص شده اند. (کتاب مقدس این را آزمند می خواند) آنها تا زمانی که به دنبال قدرت و ثروت هستند، عذاب دیگران برایشان اهمیتی ندارد.

ج: دشواری های که رهبران قادر به حل آنها نیستند:

مسیح می دانست که هنگام بازگشت او مشکلات زیادی در دنیا خواهد بود. به لوقا باب ۲۱: ۲۵-۲۸ نگاه کنید. مسیح در مورد نشانه ها در خورشید و ماه و ستاره ها می گوید. شاید این گفته ها تحت اللفظی باشد اما اجرام آسمانی گاهی در کتاب مقدس نشانگر دولت ها و سازمان ها در دنیای ما هستند. به طور مشابه غرش دریا در این متن ممکن است تحت اللفظی باشد. مانند سونامی که هزاران

نفر را در سال ۲۰۰۴ کشت و همچنان می تواند اشاره به نا آرامی ها در میان ملت های مختلف در دنیا داشته باشد (همچنین اشعیا باب ۵۷: ۲۱-۲۲ را ببینید).

مسیح می گوید که ملت ها در حیرت خواهند بود. کلمه حیرت به معنی "بدون راه چاره" است و در مورد مشکلات امروزی کاملا صدق می کند. مردم هیچ راه چاره ای برای آن نمی توانند پیدا کند. این مشکلات عبارتند از:

- مشکلات آلودگی
- افزایش تقاضا برای انرژی و کاهش منابع طبیعی (ما به سرعت از مواد معدنی و نفت که هرگز جایگزینی ندارد استفاده می کنیم)
- خشونت و جنگ باعث به وجود آمدن عذاب و مرگ شده است
- مشکلات مرتبط با تروریست و بمب گذاری انتحاری
- بیماری هایی از قبیل ایدز که افراد زیادی را تحت تاثیر قرار می دهد
- گرسنگی میلیون ها انسان در حالی که افراد زیادی در رفاه کامل هستند

"نشانه هایی در خورشید و ماه و ستارگان پدید خواهد آمد. بر زمین، قومها از جوش و خروش دریا پریشان و مشوش خواهند شد. مردم از تصور آنچه باید بر دنیا حادث شود، از فرط وحشت بی هوش خواهند شد، زیرا نیروهای آسمان به لرزه در خواهد آمد. آنگاه پسر انسان را خواهند دید که با قدرت و جلال عظیم در ابری می آید. چون این امور آغاز شود، راست بایستید و سرهای خود را بالا بگیرید، زیرا رهایی شما نزدیک است" (لوقا ۲۱: ۲۵-۲۸).

مسیح همچنین گفته است که دقیقا پس از بازگشت او افراد زیادی از ترس اتفاقاتی که در دنیا می افتد ضعف خواهند کرد. هیچ شکی نیست که مردمان زیادی نگران آینده زمین هستند و هیچ راه چاره ای برای این مشکلات نمی بینند.

پس به نظر می رسد که روزی جواب تمام این مشکلات پیدا خواهد شد. پسر انسان (یعنی عیسی مسیح) با قدرت و شکوه فراوان باز خواهد گشت (لوقا ۲۱: ۲۷). ما به زمان بازگشت عیسی مسیح بسیار نزدیک هستیم. دانیال نبی از زمان ما اینگونه یاد می کند: "آنگاه چنان ایام مصیبتی خواهد بود که نظیر آن از زمانی که قومی به وجود آمد تا آن روز نبوده است" و ما می دانیم که این یک تصویر کاملا صحیح از دنیای امروزی است. دقت کنید که زمان تنگی در این متن به ایام آخر (زمان قبل از بازگشت مسیح) اشاره دارد. چون متن از زنده شدن مردگان نیز سخن می گوید و این همان کاری

است که عیسی مسیح بعد از بازگشت خود از آسمان انجام خواهد داد. این آیات نشان می دهد که بازگشت مسیح بسیار نزدیک است.

"آنگاه چنان ایام مصیبتی خواهد بود که نظیر آن از زمانی که قومی به وجود آمد تا آن روز نبوده است. در آن زمان قوم تو رهایی خواهد یافت، یعنی هر آن که نامش در کتاب نوشته شده باشد و بسیاری از آنان که در خاک زمین خوابیده‌اند بیدار خواهند شد، اما اینان برای زندگی جاودان و آنان برای خجالت و حقارت جاودان" (دانیال ۱۲ : ۱-۲).

اسرائیل و ملت ها

یهودیان همیشه شاهدان خداوند هستند (اشعیا ۴۳ : ۱۰) و همینطور قسمت مهمی از نقشه خدا برای جهان. اتفاقات مربوط به اسرائیل همیشه در صدر خبرهاست و بهتر است که ما همیشه در جریان اتفاقات مربوط باشیم. زیرا بلافاصله پس از بازگشت عیسی مسیح در اسرائیل تغییر بزرگی ایجاد خواهد شد. دولت اسرائیل امروزی یکی از مهمترین نشانه های ماست.

اسرائیل توسط دشمنانش محاصره شده است. ملت های غربی خواستار نابودی کامل اسرائیل و باز پس گیری سرزمین هایی که ادعا و مالکیت آن را دارند، هستند. به طور مداوم در مرزهای اسرائیل نا آرامی و مشکلات وجود دارد.

اعراب بر این باورند که سرزمین اسرائیل متعلق به آنهاست. اما خدا وعده اسرائیل را مدت ها پیش به یهودیان داده است و جنگ بین اعراب و یهودیان ادامه داده می شود. در نهایت همه ملت ها در مقابل اسرائیل می جنگند. زکریا ۱۴ : ۲-۴ در مورد این پیشگویی از کتاب مقدس که هنوز به حقیقت نپیوسته است به ما می گوید. اما موقعی که این اتفاق بیفتد عیسی مسیح باز خواهد گشت و به مردمانش، یعنی یهودیان کمک خواهد کرد.

"زیرا من تمامی قومها را گرد خواهیم آورد تا با اورشلیم بجنگند. شهر تسخیر خواهد شد؛ خانه‌ها تاراج و زنان بی عصمت خواهند گشت. نیمی از اهالی شهر به تبعید برده خواهند شد، اما باقیمانده قوم از شهر منقطع نخواهند گردید. آنگاه خداوند بیرون آمده، بر ضد آن قومها خواهد جنگید، آن گونه که در روز نبرد می‌جنگد. در آن روز، پاهای او بر کوه زیتون که مقابل اورشلیم به جانب شرق است خواهد ایستاد..." (زکریا ۱۴ : ۲-۴).

در آن زمان عیسی مسیح به تمامی کسانی که برای بازگشت دوباره او وفادارانه آماده شده اند، زندگی جاودان خواهد داد. از آنجا که این زمان نزدیک است ما باید آماده شویم. همانطور که در ۲ پطرس ۳ : ۱۱ می خوانیم:

"پس حال که همه اینها بدین سان فرو خواهد پاشید، شما چگونه مردمان باید باشید؟ بر شماس است که زندگی مقدس و خداپسندانه‌ای داشته" (۲ پطرس ۳: ۱۱).

این سوالی است که همه باید در مورد خودمان بپرسیم و به آن پاسخ دهیم.

خلاصه

ما زمان دقیق بازگشت عیسی مسیح از آسمان به زمین را نمی دانیم، اما نشانه های زیادی مبنی بر نزدیک بودن این زمان وجود دارد:

- بازگشت یهودیان به سرزمین خود
- به رسمیت شناختن دولت اسرائیل در سال ۱۹۴۸
- اورشلیم پایتخت اسرائیل از سال ۱۹۶۷
- باور نداشتن خدا توسط مردم
- تنزل معیارهای اخلاقی
- مشکلات دنیا
- ترس مردم از آینده
- دشمنان اسرائیل در انتظار حمله به او

آیاتی جهت مطالعه:

(لوقا ۱۲: ۴۰) "پس شما نیز آماده باشید، زیرا پسر انسان در ساعتی خواهد آمد که انتظار ندارید."

متی ۲۴: ۱-۱۴

متی ۲۴: ۲۴-۲۷

متی ۲۴: ۲۹-۳۰

متی ۲۴: ۴۴

پرسش های بخش دوم

درس ۵: خدا و آفرینش

- ۱-۵ زندگی بر روی زمین چگونه آغاز شد؟
- ۲-۵ پنج چیز که در مورد خدا می دانید را بگویید؟
- ۳-۵ به نظر شما چرا زن و مرد خلق شدند؟
- ۴-۵ آیا پرستش چیزهایی که خدا ساخته است درست است؟
- ۵-۵ حزقیال ۱۴: ۳-۵ به ما چه می گوید؟
- ۶-۵ الف) امروزه مردم چه بت هایی را می پرستند؟
ب) کدامیک از آنها شما را وسوسه می کنند؟
- ۷-۵ آیا باید نظریه تکامل را باور کنیم (که زندگی به خودی خود رشد کرده است)؟
- ۸-۵ الف) پیدایش ۱: ۳۱ در مورد هر چیزی که خدا آفریده است، چه می گوید؟

ب) خدا چگونه مطمئن می شود که انسان ها به تخریب دنیا تا به ابد ادامه نمی دهند (اعمال رسولان ۱۷ : ۳۱)؟

درس ۶: عشق فراوان خدا به جهان

۱-۶ صحیح یا غلط بودن جملات زیر را مشخص کنید:

الف) ما همه گناهکاریم.

ب) ایمان یعنی باور

پ) آدم چون گناه کرد، مُرد.

ت) آدم پس از مرگش به آسمان رفت.

ث) مسیح تنها کسی است که هرگز گناه نکرد.

ج) مردان و زنان ذاتا خوب هستند و تنها نیاز دارند که بهتر شوند.

چ) مردان و زنان گم شده اند و باید پیدا شده و نجات یابند.

ح) افرادی که درست زندگی می کنند می توانند رستگاری خدا را دریافت کنند.

خ) ما همه می میریم چون بخشی از خانواده آدم هستیم.

۲-۶ چرا همه ما لایق مرگ هستیم؟

۳-۶ عیسی مسیح برای پاک شدن گناهانمان چه کرد؟

۴-۶ ارمیا ۱۷: ۹ در مورد ذات انسانی ما چه گفت؟

۵-۶ چگونه می توانیم بخشی از خانواده خدا شویم؟

۶-۶ ایمان به مسیح یعنی چه؟

۷-۶ اشعیا باب ۵۳ مرگ و رنج مسیح را توضیح می دهد: برای اینکه به سوالات زیر بتوانید پاسخ دهید، باید این باب را بطور کامل مطالعه کنید.

الف) سه چیز که در مورد عیسی مسیح گفته شده است را بگویید.

ب) دو موردی که درباره ما می گوید را بنویسید.

پ) به نظر شما این کلام چه زمانی نوشته شده است؟

درس ۷: بازگشت عیسی مسیح به زمین

۱-۷ در روز سوم پس از مرگ عیسی مسیح چه اتفاقی برای او افتاد؟

۲-۷ در هنگام صعود عیسی مسیح به آسمان فرشته ها چه گفتند؟

۳-۷ تقریباً چند سال پیش عیسی مسیح به آسمان برده شد؟

۴-۷ آیه ای بیاورید که نشان دهد ایمانداران واقعی زمان بازگشت عیسی مسیح از مرگ برخیزانده می شوند؟

۵-۷ حداقل دو راهی که می توان از طریق آن برای آمدن عیسی مسیح آماده شد را بنویسید؟

۶-۷ الف) آیا زمانی که مسیح باز می گردد یهودیان متوجه گناه امت خود در به صلیب کشیدن او می شوند؟

ب) آیا یهودیان متوجه می شوند که او پادشاه وعده داده شده آنهاست؟

درس ۸: نشانه های بازگشت عیسی مسیح

۱-۸ عیسی مسیح پادشاهی خدا را از کجا برقرار می کند؟

۲-۸ به نظر شما مهمترین نشانه نزدیک بودن بازگشت عیسی مسیح به زمین کدام است؟ دلیل خود را توضیح دهید.

۳-۸ کدام قسمت از کتاب که در درس آمده جمات زیر را نشان می دهد؟

الف) یهودیان به سرزمین خود بازخواهند گشت.

ب) زمانی می آید (همانند زمان ما) که اکثر مردم به تعالیم کتاب مقدس گوش نمی دهند.

پ) تنها خدا زمان بازگشت عیسی مسیح را می داند.

۴-۸ لوقا ۱۲: ۴۰ در مورد چه چیزی به ما هشدار می دهد؟

۵-۸ پایتخت اسرائیل کجاست؟

۶-۸ غیر یهودیان چه کسانی هستند؟

۷-۸ الف) کلمه کتاب مقدسی "آزمندی" به چه معناست؟

ب) مردم امروزه چگونه می توانند آزمند باشند؟

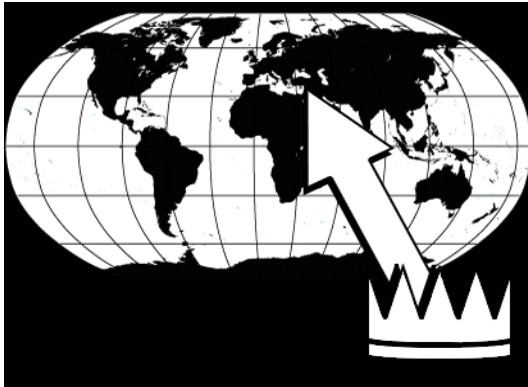
۸-۸ پولس در مورد چگونه مردمانی در روزهای آخر سخن می گوید؟

درس نهم: پادشاهی تو بیاید

مطالعه: ۱ تواریخ باب ۲۹

"پادشاهی تو بیاید. اراده تو، چنانکه در آسمان انجام می شود، بر زمین نیز به انجام رسد."

چند بار این کلمات را گفته و یا شنیده اید؟ این کلمات را می توانید در متی ۶: ۱۰ ببینید. این قسمتی از دعایی است که مسیح به شاگردانش یاد داد. این دعا نشان می دهد که پادشاهی خدا می آید و اراده او همانند آسمان بر زمین نیز اجرا می شود. پس می آموزیم که پادشاهی خدا بر روی زمین خواهد بود.



سرزمینی برای پادشاهی خدا

هزاران سال پیش خدا سرزمین اسرائیل را بعنوان مرکز پادشاهی آینده خود انتخاب کرد. اورشلیم پایتخت اسرائیل است و در زمان فرمانروایی عیسی مسیح در پادشاهی خدا، پایتخت دنیا خواهد بود. عیسی مسیح گفت:

"اما من به شما می گویم، هرگز سوگند نخورید، نه به آسمان، زیرا که تخت پادشاهی خداست و نه به زمین، چون کرسی زیر پای اوست، و نه به اورشلیم، زیرا که شهر آن پادشاه بزرگ است" (متی ۵: ۳۴-۳۵).

بعضی از این کلمات از مزامیر باب ۴۸ گرفته شده که نشان می دهد مسیح عهد عتیق را می خواند. پس ما نیز باید همین کار را انجام دهیم. آیه دوم همین مزمور می گوید:

"کوه صهیون، زیبا در بلندی اش، شادمانی تمام جهان است. همچون بلندترین ارتفاعات صفون است آن شهر پادشاه بزرگ" (مزامیر ۴۸: ۲).

کوه صهیون، تپه ای در شهر اورشلیم، جایی است که معبد داوود بر آن بنا شد. دقت کنید که اینگونه توصیف شده است: "شادی تمام جهان".

در مزامیر ۲: ۶ خدا می گوید: "من پادشاه خود را نصب کرده ام، بر کوه مقدس صهیون". این یک پیشگویی از مزامیر در مورد فرمانروایی مسیح از کوه صهیون است.

در ۲ تواریخ ۶: ۶ خداوند اورشلیم را محلی برای بردن نامش قرار داد. "اما اورشلیم را برگزیدم تا نام من در آن باشد . . ."

اشعیا ۶۲: ۱-۷ و ۶۵: ۱۷-۲۵ را نیز ببینید. خدا هدف خود را بر اورشلیم قرار داده است.

در زمان عهد عتیق پادشاهی خدا بر زمین بود

مسیح به شاگردانش آموخت که برای پادشاهی آینده خدا بر زمین دعا کنند. اما پادشاهی خدا در زمان عهد عتیق بر زمین بود. اگر چه آن پادشاهی بی نظیری که مسیح برای آن دعا می کرد نبود و فرمانروایی شگفت انگیز عیسی مسیح را نداشت و مردمانش به ندرت ایماندار به خدا و قوانین او بودند. این پادشاهی خدا بر زمین در زمان عهد عتیق، همان پادشاهی اسرائیل بود. داوود پادشاه دوم اینگونه گفت:

"و از میان تمامی پسرانم - چراکه خداوند مرا پسران بسیار بخشیده است - پسر سلیمان را برگزید تا بر تخت پادشاهی خداوند بر اسرائیل بنشیند" (۱ تواریخ ۲۸: ۵).

این نشان می دهد اگرچه پادشاهی اسرائیل در عهد عتیق پادشاهی زمینی داشت ولی پادشاه اصلی خدا بود.

پادشاهی شامل این موارد می شود:

- مردم
- سرزمینی که مردم در آن زندگی کنند
- قوانینی برای فرمانروایی بر مردم
- پادشاهی که بر مردم فرمانروایی کند

پادشاهی اسرائیل پادشاهی خدا بود زیرا:

- خدا مردم اسرائیل را بعنوان **مردمان** خاص خود انتخاب کرد (خروج ۱۹: ۵)
- خدا به آنها **سرزمین** اسرائیل را برای زندگی داد
- خدا به آنها **قوانینی** برای زندگی داد
- خدا **پادشاه** واقعیشان بود (اگرچه پادشاهان زمینی بر آنها حکومت می کردند)

پادشاه داوود به طور واضح متوجه این موضوع بود که پادشاهی اسرائیل پادشاهی خداست.

"ای خداوند، پادشاهی از آن توست و تو بر همگان چون سر متعال هستی" (۱ تواریخ ۲۹: ۱۱).

اشعیای نبی نوشت که خدا پادشاه واقعی اسرائیل بود:

"خداوند چنین می فرماید، خداوند لشکرها، که پادشاه اسرائیل و ولی ایشان است: من اولم و من آخر، و جز من خدایی نیست" (اشعیا ۴۴: ۶).

چون خدا پادشاه حقیقی بود سلیمان بعنوان فرمانروا بر کرسی خدا معرفی شد:

"پس سلیمان بر تخت خداوند نشست و به جای پدرش داوود، پادشاه شد. او کامروا بود و تمامی اسرائیل از او اطاعت می کردند" (۱ تواریخ ۲۹: ۲۳).

پادشاهی اسرائیل یک پادشاهی عادل مانند داوود داشت. آنها متوجه شدند که پادشاهی از آن خدا بود و اینکه داوود برای خدا حکمرانی می کرد و نه برای خود. او مردم را به خدمتگزاری تشویق می کرد. یکی از اهداف پادشاهی خدا بر زمین در زمان عهد عتیق متوجه ساختن ملت های اطراف از اهمیت و بزرگی برکتی بود که از خدمت به خدا به دست می آوردند. در زمان فرمانروایی سلیمان ملکه صبا او را ملاقات کرد و گفت:

"متبارک باد پیهوه خدایت که از تو خشنود بوده و تو را بر تخت خود نشانیده است تا برای پیهوه خدایت پادشاه باشی! از آنجا که خدایت اسرائیل را دوست داشته و می خواهد آنان را جاودانه استوار دارد، تو را بر ایشان پادشاه ساخته است تا عدل و انصاف را به جا آوری" (۲ تواریخ ۹: ۸).

دقت کنید حتی ملکه صبا نیز متوجه این امر شد که خدا پادشاه حقیقی اسرائیل بود و سلیمان به او خدمت می کرد.

سرنگونی پادشاهی خدا

پس از سلیمان، صدها سال به همراه پادشاهان مختلف که همگی از نوادگان داوود بودند گذشت. بعضی از آنها درستکار بودند و راه خدا را پیروی می کردند و بسیاری نیز شریر بودند و بت های ملت های دیگر را می پرستیدند. با وجود برکت هایی که از قوانین خدا می گرفتند می بایست انسانهای فرمانبرداری می بودند اما اکثر مواقع شکست می خوردند. به جای اینکه مثالی برای ملت های دیگر باشند به فعالیت های شریرانه خود ادامه می دادند.

در نهایت شرارت مردم به حدی شدید شد و پادشاهی که بر اورشلیم فرمانروایی می کرد به قدری ظالم بود که خدا نمی توانست اجازه دهد که این پادشاهی ادامه یابد. حزقیال در باب ۲۱ آیات ۲۵ و ۲۶ در اشاره به صادقیا، آخرین پادشاه می گوید که مجازات خواهد شد و تاجش از بین خواهد رفت:

"حال تو ای حاکم کافر و شریر اسرائیل که روز تو یعنی زمان مکافات نهاییات فرا رسیده است خداوندگار یهوه چنین می گوید: دستار از سر برگیر و تاج از سر فرو گذار! وضعیت چنین باقی نخواهد ماند. آنچه را پست است، برافراز و آنچه را افراشته است، پست کن" (حزقیال ۲۱: ۲۵-۲۶).

در آیه بعدی خدا می گوید که پادشاهی نابود می شود و دیگر وجود نخواهد داشت ("دیگر واقع نخواهد شد"). این پایان پادشاهی خدا در گذشته بر روی زمین بود:

"ویرانی، ویرانی، من پادشاهی را ویران خواهم کرد. و دیگر نخواهد بود تا زمانی که آن که به حق به او تعلق دارد، بیاید، و آن را به وی عطا خواهم کرد" (حزقیال ۲۱: ۲۷).

اگر چه خدا در این آیه گفته است که پادشاهی را در آینده به شخص دیگری خواهد داد و این جمله به این معناست که روزی خدا پادشاهی را می آورد تا آنرا یک بار دیگر بر زمین اجرا کند. از روزی که صادقیا از کرسی پادشاهی برکنار شد تا به امروز هیچ پادشاهی بر اورشلیم پادشاهی نکرده است.

آیه اسم کسی که دوباره پادشاهی را برقرار می کند را به ما نمی گوید و تنها این حقیقت را یادآوری می کند که در نهایت مردی می آید که حق پادشاه بودن را دارد و خدا پادشاهی را به او می دهد.

عیسی مسیح، پادشاه وعده داده شده

در لوقا باب ۱ می خوانیم که کرسی در اورشلیم به عیسی مسیح داده می شود. او پادشاه حقیقی است. آیات ۳۱ تا ۳۳ در بردارنده کلامی است که فرشته به مریم، مادر مسیح گفت. قبل از میلاد مسیح فرشتگان در آیه ۳۲ گفتند:

"او بزرگ خواهد بود و پسر خدای متعال خوانده خواهد شد. خداوند خدا تخت پادشاهی پدرش داوود را به او عطا خواهد فرمود" (لوقا ۱: ۳۲).

عیسی مسیح به دو دلیل حق پادشاهی در ملکوت را دارد:

- او پسر خدا بود

- مادرش مریم از نوادگان داوود بود

وقتی که مسیح بازگردد بر ملکوت خدا پادشاهی خواهد کرد و عدالت خدا را برقرار می سازد. ملکوت آینده همان پادشاهی باز برقرار شده است.

پادشاهی خدا و ما

اگر پادشاهی خدا در اسرائیل باشد پس چگونه به غیر یهودیان ربط پیدا می کند؟ پادشاهی آینده در اسرائیل است ولی کل زمین را در بر می گیرد که شامل کشورهایایی که شما در آن زندگی می کنید نیز می شود.

عقاید اشتباه زیادی در مورد پادشاهی عیسی مسیح وجود دارد. اما لازم است این نکات را بدانیم:

- مسیح به عنوان پادشاه بر زمین حکمرانی می کند.
- کرسی او کرسی داوود در اورشلیم خواهد بود.
- اورشلیم پایتخت پادشاهی خدا خواهد بود.
- پادشاهی در اورشلیم است ولی تمام دنیا را فرا می گیرد.

به همین دلیل است که مسیح به زمین باز می گردد. خدا به ما گفته است که هدف او در مورد مردم روی زمین است:

"زیرا همان گونه که آبها دریا را می پوشاند، جهان از معرفتِ جلالِ خداوند مملو خواهد شد"
(حبقوق ۲: ۱۴).

کتاب مقدس در مورد اینکه مردم بعد از مرگ به بهشت می روند چیزی نمی گوید، همینطور در مورد پادشاهی در آسمان، البته خدا از آسمان حکمرانی می کند. اما هدف او فرستادن عیسی مسیح بر زمین است تا بتواند تمام زمین را از اورشلیم کنترل کند. او بر یهودیان و تمام مردم دنیا حکومت می کند و به همه ایمانداران زندگی جاودان داده خواهد شد.

مسیح ادعای پادشاهی کرد. پیلاتس از او پرسید آیا تو واقعا پادشاه هستی؟ و مسیح پاسخ داد:

"تو خود می گویی که من پادشاهم" (یوحنا ۱۸: ۳۷).

این روش یهودیان برای اقرار کردن می باشد: "بله هستم"، در بالای صلیب نوشته شده بود:

"این است عیسی، پادشاه یهود" (متی ۲۷: ۳۷ - یوحنا ۱۹: ۱۹)

دشمنانش قصد به سخره گرفتن او را داشتند اما چیزی که گفتند حقیقت داشت.

پادشاهی در مرکز نقشه خدا قرار دارد. انجیلی که مسیح تعلیم می داد پیغام خوش پادشاهیست:

"پس از آن، عیسی شهر به شهر و روستا به روستا می‌گشت و به پادشاهی خدا بشارت می‌داد" (لوقا ۸: ۱).

خبر خوش این است که عیسی مسیح باز می‌گردد و پادشاهی را برقرار می‌کند پس دعا می‌کنیم: "پادشاهی تو بیاید" و همینطور در ادامه می‌گوییم که زمانی که مسیح باز گردد به ما بگوید:

"بیایید، ای برکت یافتگان از پدر من و پادشاهی‌ای را به میراث یابید که از آغاز جهان برای شما آماده شده بود" (متی ۲۵: ۳۴).

پادشاهی خدا در آینده	پادشاهی خدا در گذشته	
اورشلیم	اورشلیم	پایتخت
در اسرائیل واقع می‌شود ولی کل دنیا را در بر می‌گیرد	اسرائیل	سرزمین
ایمانداران فناپذیر و مردمان فانی از ملت‌های مختلف	مردمان فانی اسرائیل	مردم
عیسی مسیح به همراه ایمانداران فنا ناپذیرش	شائول - داوود و تمامی نوادگانش	پادشاهانی برای خدا
مسیح برای هزار سال حکمرانی خواهد کرد و بعد پادشاهی را به خدا خواهد داد	۵۰۰ سال ماندگار بود. آخرین پادشاه صادقاً بود که ۶۰۰ سال قبل از میلاد مسیح زندگی می‌کرد	مدت زمان پادشاهی

خلاصه :

- در قدیم پادشاهی خدا بر زمین وجود داشت و این پادشاهی اسرائیل در عهد عتیق بود.
- پادشاه واقعی خدا بود (اگر چه انسانها برای او خدمت می کردند).
- خدا پادشاهی اسرائیل را به اتمام رساند اما با بازگشت مسیح آن را برقرار خواهد کرد.
- پادشاهی آینده خدا، همان پادشاهی اسرائیل است که باز برقرار خواهد شد و مرکز آن اسرائیل بوده، ولی کل دنیا را در بر می گیرد.
- عیسی مسیح بعنوان پادشاه از کرسی داوود در اورشلیم بر تمامی مردم اعم از یهودی و غیر یهودی فرمانروایی خواهد کرد.
- ایمانداران واقعی خدا از تمامی دوران به زندگی جاودان خواهند رسید و به عیسی مسیح در فرمانروایی دنیا کمک خواهند کرد.

آیاتی جهت مطالعه:

(مکاشفه ۱۱ : ۱۵) "آنگاه فرشته هفتم شیپورش را به صدا درآورد؛ و ناگهان صداهایی بلند در آسمان پیچید که می گفت: حکومت جهان، از آن خداوند ما و مسیح او شده است و او تا ابد حکم خواهد راند".

اول سموئیل ۱۲: ۱۲ - سموئیل به آنها یادآور می شود که پادشاه واقعی آنها خداست.

اشعیا باب ۳۵ - این بخش تصویری از پادشاهی آینده به ما می دهد.

درس دهم: دید خدا نسبت به تاریخ

مطالعه: دانیال باب ۲

کتاب مقدس بعنوان کتاب تاریخ خدا

دید خدا با دید ما متفاوت است. او در اشعیا ۵۵: ۸-۹ می گوید:

"خداوند می فرماید: افکار من افکار شما نیست و نه راههای من، راههای شما. زیرا چنانکه آسمان از زمین بلندتر است، راههای من نیز از راههای شما و افکار من از افکار شما بلندتر است" (اشعیا ۵۵: ۸-۹).

خدا تاریخ را مانند ما نمی بینید. ممکن است ملت های بزرگ مردم را به تعجب وا دارد. اما این برای خدا هیچ اهمیتی ندارد. کتاب مقدس، کتاب تاریخ خدا است و یهودیان مردمانش هستند. نقشه رستگاری خدا به مرکزیت یهودیان است. اگرچه تمام ملت ها را در بر خواهد گرفت. پس جای تعجب نیست اگر عهد عتیق در مورد تاریخ یهودیان به ما بگوید. عهد جدید در مورد زندگی عیسی مسیح و آغاز کلیساهای مسیحیت توضیح می دهد.

انسانهای عهد عتیق

این یک نگاه اجمالی به انسان هایی است که در عهد عتیق زندگی می کردند.

آدم - اولین انسانی که توسط خدا خلق شد، از فرمان خدا سرپیچی کرد و گناه و مرگ را به دنیا آورد (پیدایش باب ۳). از آن زمان همه مردم (به جز مسیح) به طریقی از فرمان خدا سرپیچی کرده و همه مرده اند.

نوح - هزار سال پس از خلقت آدم زندگی می کرد. انسان های زمان او بسیار شریر بودند. به همین دلیل خدا توفانی فرستاد و همه را نابود کرد. به جز نوح و خانواده درستکارش که توانستند نجات پیدا کنند چون به فرمان خدا عمل کرده بودند. (پیدایش باب ۶).

ابراهیم - خدا به او گفت خانه اش در اور (جنوب عراق امروزی) را ترک کند و در سرزمینی که خدا به او نشان خواهد داد برود. خدا هرگز به ابراهیم مکان سکونتش را نگفت. اما او به حرف خدا گوش داد. چون می دانست در طول سفرش خدا او را راهنمایی خواهد کرد. خدا از ایمان و فرمانبرداری ابراهیم خشنود شد و با او عهد هایی بست (پیدایش باب ۱۲). کتاب مقدس ابراهیم را دوست خدا می داند.

اسحاق - فرزند ابراهیم و ساره بود و توسط معجزه هنگامی که ساره برای بچه دار شدن بسیار پیر بود به دنیا آمد. (پیدایش باب ۲۱).

یعقوب - فرزند اسحاق بود و خدا اسمش را به اسرائیل تغییر داد که به این معنای است: "زیرا که با خدا و با انسان مجاهده کردی و نصرت یافتی" (پیدایش ۳۲: ۲۸). یعقوب ۱۲ پسر داشت و آنها پدران ۱۲ قوم اسرائیل شدند. نوادگان ابراهیم از طریق اسحاق و یعقوب، بنی اسرائیل هستند. (همینطور به اسرائیلی ها و یا عبرانیان نیز معروف هستند) و بعد ها یهودیان خطاب شدند.

یوسف - یکی از ۱۲ فرزند یعقوب بود که به دلیل حسادت برادرانش به بازرگانان فروخته شد و بعنوان برده به مصر برده شد. در آزمایش های زیادی قرار گرفت اما خدا به او برکت داد و او در نهایت عزیز مصر شد (پیدایش ۴۱: ۳۹-۴۰). بعد از گذشت سالیان زیادی خانواده یعقوب به یوسف در مصر ملحق شدند. (پیدایش باب ۴۶) و بعد از مرگ یوسف چون نوادگان یعقوب جمعیت کثیری بودند، مصری ها آنها را بعنوان یک تهدید تلقی کرده و همه را به بردگی گرفتند.

موسی - در مصر در زمان بردگی به دنیا آمد. والدین او یهودی بودند اما او توسط دختر پادشاه مصر بزرگ شد. خداوند از موسی بعنوان هدایت کننده ای برای قوم اسرائیل در جهت خارج کردن آنها از مصر و از میان ستم ها استفاده کرد و آنها را به سرزمین کنعان که وعده داده بود رسانید. در طول این سفر خدا بنی اسرائیل را به شکل یک امت در آورد و به آنها قوانین خردمندانه ای داد. بنی اسرائیل برای فتح سرزمین وعده به خدا اعتماد نکردند و بعنوان مجازات، خدا آنها را چهل سال در صحرا نگاه داشت تا تمام کسانی که ایمان نداشتند، بمیرند.

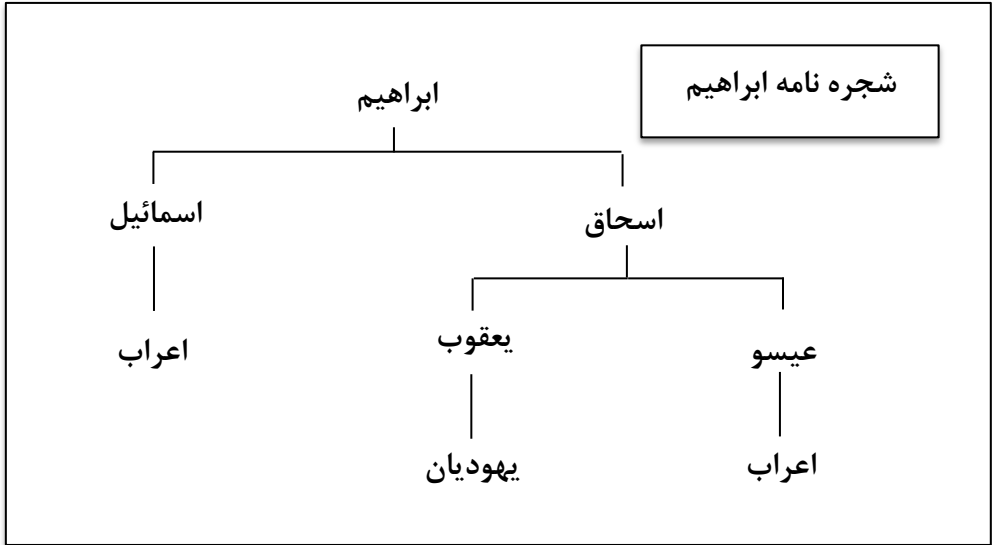
یوشع - نسل جدید بنی اسرائیل را به کنعان برد. سرزمینی که خدا وعده آنجا را به آنها داده بود. کنعان همان اسرائیل امروزی است.

داوران بر مردم حکومت کردند

در نهایت مردم اسرائیل به کنعان رسیدند. خدا پادشاه آنان بود و داوران را برای حکمرانی بر آنان گماشته بود. امت ها اکثرا از فرمان خدا سرپیچی کرده و خدا با فرستادن امت های دیگر برای جنگ با مردم اسرائیل، آنها را مجازات می کرد. زمانی که به مشکل بر می خوردند به خدا روی می آوردند و خدا آنها را توسط یکی از داوران نجات می داد. بارها آنها از خدا روی بر می گرداندند و باز هم خدا عشق خود را از طریق نجات به آنها نشان می داد.

نحمیا ۹: ۲۸ می گوید :

"اما پس از آنکه آسایش یافتند، دیگر بار در حضورت شرارت ورزیدند، و تو ایشان را به دست دشمنانشان واگذاشتی تا بر آنان حکم برانند. اما چون بار دیگر نزد تو فریاد برآوردند، از آسمان شنیدی و بر حسب رحمت خود بارها ایشان را رهایی" (نحمیا ۹: ۲۸).



مردم پادشاه می خواهند

بعد از گذشت ۴۰۰ سال بنی اسرائیل خواستار این شدند تا پادشاهی زمینی داشته باشند (یعنی یک انسان). آنها خدا را نمی خواستند. آنها پادشاهی می خواستند که قابل رویت باشد درست مثل امت های دیگر.

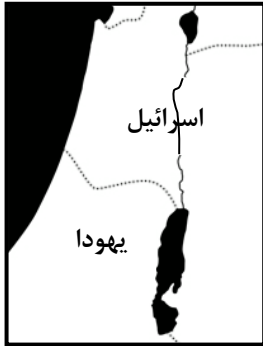
شائول - اولین پادشاه انسانی که خدا را خشنود نساخت.

داوود - دومین پادشاه از قبیله یهودا که بر اورشلیم حکمرانی کرد. او مزمورهای زیادی نوشت. اعمال رسولان ۱۳: ۲۲ او را بعنوان مردی که به دنبال خواسته های خدا بود معرفی کرد. چون تمام تلاش او در اجرای اراده خدا در زندگیش بود. چون داوود خدا را خشنود کرد وعده هایی به او داده شد تا توسط عیسی مسیح به حقیقت بپیوندند (۲ سموئیل باب ۷).

سلیمان - پادشاه بعدی بود. متون خردمندانه ای در امثال نوشت و معبد بزرگ در اورشلیم را بنا کرد.

تقسیم پادشاهی

۱۰ سبط از بنی اسرائیل که در شمال بودند، پادشاه شمالی خوانده شدند و نام اسرائیل را نگاه داشتند. ۲ سبط دیگر پادشاهی جنوبی را تشکیل داده و یهودا نامیده شدند، زیرا تمام پادشاهانش از سبط یهودا بودند. آنها از نوادگان داوود و سلیمان بودند. مردم اسرائیل (پادشاهی شمالی) بسیار شریر شدند که خدا آشوریان را بر علیه آنان شورانید. آنان به اسارت برده شده و پراکنده شدند و هرگز به سرزمین خود بعنوان یک ملت باز نگشتند.



مدتی بعد مردم یهودا (پادشاهی جنوبی) به بابل به اسارت برده شدند چون آنها نیز از خدا سرپیچی کرده بودند. از آن زمان حتی تا به امروز هیچ پادشاهی بر اورشلیم نبوده است. بعد از ۷۰ سال اسارت در بابل مردم پادشاهی جنوبی توانستند به سرزمین خود بازگردند. اگرچه ملت های دیگر همانند رومیان که در زمان عیسی مسیح نیز در قدرت بودند بر آنها حکمرانی می کردند.

عهد جدید

پس از ۴۰۰ سال خدا در عهد جدید پسرش عیسی مسیح را به دنیا آورد. مسیح توسط بسیاری از مردم خود (یهودیان) پذیرفته نشد. هنگام به صلیب کشیدن مسیح با فریاد می گفتند: "خون او بر ما و فرزندان ما باد" (متی ۲۷:۲۵). یهودیان جرمی بالاتر از این نمی توانستند مرتکب شوند. بعد از مدتی خدا توسط رومیان آنها را مجازات کرد و این باعث شد که یهودیان از سرزمین خود خارج شده و در میان ملت های مختلف پراکنده شوند. آنها تقریباً تا ۱۵۰ سال پیش همچنان پراکنده بودند تا اینکه بعد از آن به سرزمین خود بازگشتند.

روبای نبوکدنصر، تصویری از آینده

کتاب مقدس حاوی پیشگوهایی است که از زمان پادشاهی بابل (۶۰۰ سال قبل از میلاد مسیح) تا زمانی که پادشاهی خدا دوباره بر زمین برقرار شود را شامل می شود. این پیشگویی نشان می دهد که خدا اتفاقات دنیا را کنترل می کند و زمانی خواهد رسید که "پادشاهی انسان" (دانیال ۴: ۱۷) جایش را به پادشاهی خدا خواهد داد.



یک شاهزاده یهودی جوان به نام دانیال زمانی که پادشاهی جنوبی یهودا به آخر می رسید، به بابل به اسارت برده شد. شبی نبوکدنصر، پادشاه بابل خواب بسیار عجیبی دید. این خواب یک پیشگویی بود که معنای آن از طرف خدا به دانیال نشان داده شده بود.

در این خواب پادشاه تمثال در بزرگی دید. شاید شبیه به این آدم که اینجا نشان داده شده است. این تمثال ۵ برحه از تاریخ را نشان می دهد که همه پشت سر هم قرار دارند. دانیال برای پادشاه توضیح داد که سری از طلا نشانگر پادشاهی بابل است. (دانیال ۲: ۳۷-۳۸)

به نبوکدنصر گفته شد که بعد از پادشاهی او پادشاهی کم قدرت تر می آید که توسط سینه و دست هایی از نقره که در تمثال نشان داده شده بود. ما امروز می دانیم که این پادشاهی مادها و پارس ها بوده اند. پادشاهی سوم که با شکم و ران های برنجی مشخص شده به پادشاهی یونان اشاره دارد. منظور از ساق های آهنی پادشاهی روم است که می خواست بر دنیا تسلط داشته باشد. پادشاهی روم توانست بیشتر از همه گسترش پیدا کند. عیسی مسیح در زمان پادشاهی روم به دنیا آمد و سربازان رومی در به صلیب کشیدن او نقش داشتند. صدها سال بعد، امپراطوری روم از بین رفت و تا به امروز هیچ پادشاهی دیگری بر امت یهود فرمانروایی نکرده است.

کتابهای تاریخی تایید کرده اند که این ۴ دوره دقیقا همانطور که در دانیال باب ۲ گفته شد، وجود داشت. این پیشگویی بی نظیر نشان می دهد که ما می توانیم به کتاب مقدس اعتماد کنیم.

یک برحه از زمان ۲۰۰۰ ساله که از انتهای امپراطوری روم تا زمان ماست توسط پاهای تمثال نشان داده می شود. ترکیبی از آهن و گل، امت های قوی و ضعیف ماست که در این زمان زندگی می کنیم، زمان جدایی ها که ملت ها به راحتی با هم به توافق نمی رسند.

نبوکدنصر در رویا دید که سنگ کوچکی به پای این تمثال برخورد می کند و تمثال به ذرات ریز تقسیم می شود و قطعات ریز ایجاد شده توسط باد از بین می رود و فقط سنگ از آن به جای می ماند. بعدا سنگ به کوهی تبدیل شده که کل زمین را پر می کند. دانیال ۲: ۴۴-۴۵ توضیح می دهد که در زمان این پا (زمان ما) چه اتفاقی می افتد:

"در روزهای آن پادشاهان، خدای آسمانها سلطنتی را برقرار خواهد کرد که هرگز از بین نخواهد رفت. آن سلطنت به قومی دیگر واگذار نخواهد شد بلکه همه سلطنتها را در هم خواهد کوبید و نابود خواهد کرد، و خود تا به ابد استوار خواهد ماند، درست همان گونه که دیدی سنگی از کوه برکنده شد، اما نه به دست بشر، و آهن و برنج و گل و نقره و طلا را خرد کرد. خدای بزرگ آنچه را که باید در آینده رخ دهد، به پادشاه نمایانده است. این خواب درست است و تعبیرش مطمئن" (دانیال ۲: ۴۴-۴۵).

تمثال، پادشاهی انسان را نشان می دهد، سنگ "که بدون دست ها از کوه جدا شده" نشانگر عیسی مسیح است که هیچ پدر زمینی نداشت. وقتی که به زمین باز گردد به تمام پادشاهی های دنیا پایان می دهد و پادشاهی خدا را برقرار می سازد. که تمام زمین را در بر خواهد گرفت. قسمت اعظمی از رویای نبوکدنصر به واقعیت پیوسته است و ما می توانیم مطمئن باشیم که قسمت آخر نیز اتفاق خواهد افتاد. توجه کنید که پادشاهی آینده بر زمین خواهد بود.

خلاصه

۱. عهد عتیق درباره تاریخ مردم (یهودیان) به ما می گوید.
۲. عهد جدید در مورد مسیح و آغاز کلیساهای مسیحیت به ما می گوید.
۳. پیشگویی دانیال باب ۲ چهار پادشاهی بزرگ را به تصویر کشیده است، ما در قسمت پای این تمثال زندگی می کنیم و منتظر مسیح هستیم (توسط سنگ نشان داده شده) تا باز گردد.
۴. مسیح پادشاهی زمین را به پایان خواهد رساند و پادشاهی خدا را که تمام دنیا را در بر می گیرد اجرا خواهد کرد.

آیاتی برای مطالعه:

(دانیال ۲: ۴۴) "در روزهای آن پادشاهان، خدای آسمانها سلطنتی را برقرار خواهد کرد که هرگز از بین نخواهد رفت. آن سلطنت به قومی دیگر واگذار نخواهد شد بلکه همه سلطنتها را در هم خواهد کوبید و نابود خواهد کرد، و خود تا به ابد استوار خواهد ماند".

تننیه ۷: ۶-۸، مردم اسرائیل توسط خدا انتخاب شدند

اعمال رسولان ۱۳: ۱۷-۲۳، پولس رسول درسی از تاریخ داد

نحمیا ۹: ۷-۱۳

اعمال رسولان باب ۷

درس یازدهم: پادشاهی خدا - صلح و سلامتی بر زمین

مطالعه: اشعیا باب ۳۵

صلح و سلامتی بر زمین - چه زمان؟

بر ساختمان سازمان ملل در نیویورک این نقل قول از اشعیا ۲: ۴ نوشته شده است:

"او در میان ملل داوری خواهد کرد و منازعات قوم های بسیار را فیصل خواهد داد. ایشان شمشیرهای خود را برای ساختن گاوآهن خواهند شکست و نیزه های خویش را برای تهیه ابزار باغبانی. دیگر قومی بر قومی شمشیر نخواهد کشید و جنگاوری را دیگر نخواهند آموخت" (اشعیا ۲: ۴).

این آیه یکی از چندین آیه ای است که در کتاب، اشاره به زمانی دارد که صلح و سلامتی بر زمین ماندگار است. اگر چه تا به امروز هیچ صلح واقعی بر زمین نیامده و به واقع تا زمانی که مردم از خدا اطاعت نکنند هیچ صلح و آرامشی بر زمین نخواهد آمد. تا زمانی که به راه خود ادامه دهند همیشه مشکلات زیاد خواهد بود. صلح و سلامتی حقیقی زمانی بر زمین خواهد آمد که عیسی مسیح بازگردد و پادشاهی خدا را باز برقرار کند. اشعیا ۹: ۶ پیشگویی در مورد عیسی مسیح است و او را بعنوان "سرور سلامتی" معرفی کرده است. آیه زیر می گوید:

"افزونی فرمانروایی و صلح او را پایانی نخواهد بود و او بر تخت داوود و بر قلمرو او حکمرانی خواهد کرد" (اشعیا ۹: ۷).

زکریا ۹: ۱۰ به ما می گوید که خدا تمام سلاح های جنگ را از بین می برد و مسیح، صلح و سلامتی را به تمام دنیا خواهد آورد.

"ارابه را از افرایم و اسب جنگی را از اورشلیم بر خواهم داشت و کمان جنگ شکسته خواهد شد. او صلح را به قومها ندا خواهد کرد و حکومتش از دریا تا دریا و از نهر قرات تا کرانه های زمین خواهد بود" (زکریا ۹: ۱۰).

وسعت پادشاهی خدا

این آیه از زکریا نشان می دهد که عیسی مسیح بر تمام زمین حکمرانی خواهد کرد. در درس ۱۰ یاد گرفتیم که سنگی کوچک، تمثال دیده شده در دانیال باب ۲ را از بین خواهد برد و باقی مانده های آن تبدیل به کوهی بزرگ خواهد شد که تمام زمین را پر خواهد کرد. این نشان می دهد که عیسی مسیح

به زمین باز خواهد گشت و بر حکومت های زمینی پایان خواهد داد و پادشاهی خدا را باز برقرار خواهد کرد که تمام زمین را در بر می گیرد. در مزامیر ۲: ۸ خدا از مسیح می گوید:

"از من بخواه که ملتها را میراث تو خواهم گردانید و کرانه های زمین را مُلک تو خواهم ساخت" (مزامیر ۲: ۸).

"برای صلح و سلامت اورشلیم دعا کنید: باشد که دوستدارانت در آسایش باشند. در میان برج هایت امنیت حکمفرما باشد و در میان باروهایت، صلح و سلامت" (مزامیر ۱۲۲: ۶-۷).

عیسی مسیح از اورشلیم بر تمام دنیا حکمرانی خواهد کرد. در حال حاضر در آن شهر مشکلات زیادی وجود دارد و بهتر است که ما برای برقراری صلح در آنجا دعا کنیم. زمانی می آید که مسیح بعنوان پادشاه در این "شهر پادشاه عظیم" حکمرانی خواهد کرد (متی ۵: ۳۵).

نقشه های خدا برای پادشاهی

زندگی برای مردان و زنانی که در پادشاهی پذیرفته شده اند، بسیار متفاوت خواهد بود. آنها ذاتی همانند ذات خدا خواهند داشت. آنها قادر به گناه نیستند و جاودانه خواهند شد (هرگز نمی میرند).

اگر چه در درس هفت آموختیم که انسان های فانی نیز در پادشاهی خدا و در زمان فرمانروایی مسیح، زندگی خواهند کرد. افرادی خواهند بود که هنگام بازگشت مسیح از کتاب مقدس هیچ چیزی نمی دانند. خدا به واسطه رحمت خود این زمان را برای آنان مقرر کرده تا بتواند در مورد رستگاری از طریق عیسی مسیح بیاموزند. اگر توبه کنند و مسیح را بعنوان نجات دهنده انتخاب کنند و در زمان داده شده با ایمان زندگی کنند، به آنها نیز عمر جاودان داده خواهد شد.

این دوره که مسیح بعنوان پادشاه بر آنها حکمرانی می کند، هزار سال طول خواهد کشید (مکاشفه ۲۰: ۴-۶). این زمان به مِلییوم (یا هزاره) معروف است. (کلمه مِلییوم به معنای هزار سال است. همانطور که یک قرن به معنای صد سال است). هزاره زمانی شگفت انگیز خواهد بود. به خصوص برای افرادی که فناپذیرند، اما بی نقص نخواهند بود. انسان های فانی همچنان دارای ذات انسانی هستند و می توانند گناه کنند. آنها همچنان پیر می شوند و می میرند.

بعد از هزاره

از آغاز، هدف خدا پر کردن زمین زیبا از انسان های ایماندار که خدمت به او را انتخاب کرده و از گناه مبرا هستند، بوده است. این هدف در پایان هزاره اجرا خواهد شد و سپس دنیا بی نقص خواهد گردید. هیچ ذات انسانی باقی نمی ماند و گناه و مرگ از بین خواهد رفت. تنها ایمانداران فناپذیر افتخار زندگی بعد از هزاره را دارند. (به کسانی که هنگام بازگشت مسیح به آنها زندگی جاودان داده شده و همین طور کسانی که رستگاری خدا را در هزاره پذیرفته اند). مسیح پادشاهی را تحویل خواهد داد و زمانی خواهد رسید که خدا میان انسان های فناپذیر زندگی خواهد کرد. کتاب مقدس این زمان را اینگونه معرفی کرده است که خدا "کل در کل" باشد. (۱ قرنیتان ۱۵: ۲۸).

پس دو دوره و یا زمان متفاوت هنگام بازگشت مسیح وجود خواهد داشت:

- هزار سال فرمانروایی مسیح - هزاره
- زمان بعد از هزاره که گناه و مرگ از بین رفته است - خدا به همراه ایمانداران فناپذیر در دنیایی بی نقص زندگی خواهد کرد.

افرادی که در زمان هزاره زندگی می کنند:

۱. ایمانداران واقعی به هنگام بازگشت مسیح زندگی جاودان را دریافت خواهند کرد - آنها بعنوان اعضای دولت مسیح بر دنیا حکومت می کنند و همینطور راه خدا را به انسان های فانی تدریس خواهند کرد. مکاشفه ۵: ۹-۱۱ ایمانداران فناپذیری که مسیح را ستایش می کنند اینگونه توصیف کرده است:

"و سرودی تازه بدین سان می سرودند که: تو سزاوار گرفتن طوماری و سزاوار گشودن مَهرهای آن، چرا که ذبح شدی، و با خون خود مردم را از هر طایفه و زبان و قوم و ملت برای خدا خریدی و از آنان حکومتی ساختی و کاهنانی که خدمتگزار خدای ما باشند و اینان بر زمین سلطنت خواهند کرد. آنگاه نظر کردم و صدای خیل فرشتگان را شنیدم که گرداگرد آن تخت فراهم آمده بودند و گرداگرد آن موجودهای زنده و آن پیران. شمار آنها از هزاران هزار و گُرورها گُرور بیشتر بود" (مکاشفه ۵: ۹-۱۱).

۲. یهودیانی که در زمان بازگشت مسیح زندگی می کنند و هنگام دیدن مسیح او را بعنوان پادشاه خود قبول می کنند - این یهودیان اجازه دارند بعنوان انسان های فانی در پادشاهی خدا زندگی کنند. آنها در سرزمین اسرائیل زندگی کرده و بعنوان رهبران ملت ها خواهند بود. (تثیه ۲۸:

۱۳). به آنها برکتی عظیم داده خواهد شد و مسیر خدا به آنها آموزش داده خواهد شد. دوازده شاگردان مسیح برای او حکمرانی خواهند کرد. (متی ۱۹: ۲۸ و لوقا ۲۲: ۲۸-۳۰).

۳. **مردمانی از ملت های (غیر یهودیان) که در زمان بازگشت مسیح زنده اند و او را بعنوان پادشاه می پذیرند** - به آنها اجازه داده خواهد شد تا بعنوان افراد فانی زندگی کنند و راه خدا را بیاموزند. اشعیا ۲: ۲-۳ می گوید:

"در ایام آخر واقع خواهد شد که کوه خانه خداوند بالاتر از تمامی کوهها استوار خواهد گردید و فراتر از تپهها برافراشته خواهد شد و تمامی قومها به سوی آن روان خواهند گشت. قومهای بسیار آمده، خواهند گفت: بیایید به کوه خداوند برویم و به خانه خدای یعقوب برآییم تا راههای خود را به ما تعلیم دهد و در طریق های وی گام برداریم. زیرا شریعت از صهیون صادر خواهد شد و کلام خداوند از اورشلیم" (اشعیا ۲: ۲-۳).

اورشلیم پایتخت دنیا

عیسی مسیح بعنوان پادشاه از شهر اورشلیم حکمرانی خواهد کرد و پایتخت دنیا خواهد بود. متن بالا نشان می دهد که کلام خدا از اورشلیم نیز گذشته و تمام زمین را در بر می گیرد. برای تمام کسانی که از پادشاه پیروی می کنند، عشق و شادی، صلح و سلامتی به ارمغان خواهد آورد. دولت مسیح بی نقص خواهد بود. او با خرد، رستگاری و قدرت بر ملت ها حکمرانی خواهد کرد. مشکلات دنیای ما از قبیل فقر، گرسنگی و ستم از بین خواهد رفت. شرارت بین اقوام فانی کنترل خواهد شد.

"آنگاه که دآوری های تو بر زمین اجرا شود ساکنان جهان پارسایی را خواهند آموخت" (اشعیا ۲۶: ۹).

در عهد عتیق ارمیای نبی تایید می کند که اورشلیم پایتخت تمام دنیا خواهد بود و نشان می دهد که گناه برای همیشه مهار خواهد شد:

"زیرا در آن ایام اورشلیم 'تخت پادشاهی یهوه' خوانده خواهد شد و تمامی قومها به جهت بزرگداشت نام یهوه در اورشلیم گرد خواهند آمد و دیگر سرسختانه از دل شریر خود پیروی نخواهند کرد" (ارمیا ۳: ۱۷).

زندگی در هزاره

۱. **فراوانی غذا برای همه** - لعنتی که بر زمین است و توسط گناه آدم ایجاد شد (پیدایش ۳: ۱۷-۱۹) از بین خواهد رفت و زمین به طور شگفت انگیزی پربار خواهد بود. مزامیر ۷۲: ۱۶ می گوید:

"باشد که غله در سراسر زمین فراوان گردد و بر فراز تپه‌ها موج زند و میوه آن همچون لبنان باشد. باشد که مردمان همچون علف صحرا از شهرها شکوفه زنند" (مزامیر ۷۲: ۱۶).

قله کوه ها معمولا خالی است. اگر بر قله کوه ها محصول باشد در دره ها فراوانی خواهد بود. حتی صحرا ها هم در آن زمان حاصلخیز می شوند.

"بیابان و خشکزار شادمان خواهد شد و صحرا به وجد آمد همچون گل سرخ خواهد شکفت؛ شکوفه بسیار خواهد آورد و وجدکنان فریاد شادی سر خواهد داد. جلال لبنان به آن عطا خواهد شد، شکوه گرمیل و شارون؛ جلال یهوه را خواهند دید و شکوه خدای ما را مشاهده خواهند کرد" (اشعیا ۳۵: ۱-۲).
۲. **بازسازی ذهن و جسم** - سلامتی شگرفی با این برکت همراه خواهد بود. ۲۰۰۰ سال پیش مسیح از قدرت خدا برای درمان بیماران استفاده می کرد. در پادشاهی خداوند این قدرت به چشم دیده می شود. اشعیا ۳: ۵-۶ این را به تصویر می کشد.

"قوم بر یکدیگر ظلم خواهند کرد، همسایه بر همسایه. جوانان بر پیران ستم روا خواهند داشت و فرومایگان بر بزرگمردان. هر کس در خانه پدری دست به دامان برادر خویش شده، خواهد گفت: تو را عبایی هست؛ پس بر ما حاکم باش و این ویرانه زیر دست تو باشد" (اشعیا ۳: ۵-۶).
۳. **مردم فانی زندگی طولانی تری خواهند داشت** - اشعیا ۶۵: ۱۹-۲۰ نشان می دهد که مردم فانی زندگی طولانی تری نسبت به امروزه خواهند داشت. بنابراین کسی که در صد سالگی می میرد جوان خواهد بود:

"بر اورشلیم شادی خواهیم کرد و به سبب قوم خویش به وجد خواهیم آمد. صدای گریه و ناله دیگر در آن شنیده نخواهد شد. دیگر هرگز در آن کودکی نخواهد بود که چند روزی بیش زنده نماند و نه پیرمردی که عمر خود را به کمال نرساند. آن که در صد سالگی بمیرد، جوان محسوب گردد و آن که به صد سالگی نرسد، ملعون به شمار آید" (اشعیا ۶۵: ۱۹-۲۰).

خدا به عهد خود وفا خواهد کرد

این عهد خداست و قابل اعتماد است. اشعیا ۵۵: ۶-۱۱ را بخوانید. به کلام خدا در آیه ۱۱ دقت کنید:

"همچنان خواهد بود کلام من که از دهانم صادر می‌شود؛ بی‌ثمر نزد من باز نخواهد گشت، بلکه آنچه را خواستم به جا خواهد آورد و در آنچه آن را به انجامش فرستادم کامران خواهد شد" (اشعیا ۵۵: ۱۱).

پس ما با شادی در انتظار زمانی خواهیم بود که:

"و فدیه‌شدگان خداوند باز خواهند گشت. سرودخوانان به صهیون داخل خواهند شد و شادی جاودانی زینت‌بخش سرشان خواهد بود. از شادمانی و خوشی برخوردار خواهند شد و غم و ناله خواهد گریخت" (اشعیا ۳۵: ۱۰).

پایان هزاره و زمان بی‌نقصی

هزاره زمانی خواهد بود که جهان به وضعیت اولیه خود و همانطور که در آغاز خلق شده بود باز خواهد گشت و بار دیگر باید خیلی بهتر شود تا آماده پذیرش زندگی خدا و مردم در آن باشد. در انتهای هزاره افراد فانی زیادی از فرمان عیسی مسیح بعنوان آخرین حرکت شرارت انسانی سرپیچی خواهند کرد. اگرچه مسیح کاملاً این شرارت را برطرف خواهد کرد و تا زمان از بین بردن تمامی دشمنان خدا بر زمین حکمرانی می‌کند و در نهایت گناه و مرگ را از زمین پاک می‌کند و بعد پادشاهی را به پدر تحویل خواهد داد.

"و بعد از آن انتها است وقتی که ملکوت را به خدا و پدر سپارد و در آن زمان تمام ریاست و تمام قدرت و قوت را نابود خواهد گردانید زیرا مادامی که همه دشمنان را زیر پایهای خود ننهد، می‌باید او سلطنت بنماید. دشمن آخر که نابود می‌شود، موت است" (۱ قرن‌تیا ۱۵: ۲۴-۲۶).

"او مرگ را تا به ابد فرو خواهد بلعید؛ خداوندگار یهوه اشکها را از هر چهره خواهد زدود و ننگ قوم خویش را از تمامی زمین بر خواهد گرفت، زیرا که خداوند سخن گفته است" (اشعیا ۲۵: ۸).

پس این زمین برای همیشه از صلح و سلامتی که هرگز پایانی نخواهد داشت پر خواهد شد. در نهایت جهان جایی خواهد بود که خدا که مقدس و بی‌گناه است می‌تواند به همراه زنان و مردان در آن

زندگی کند و تمام زمین پر از شکوه و جلال خدا خواهد شد. او که خالق عظیم است، با روح خود تمام زمین را پر خواهد کرد.

"و از تخت، صدای بلندی شنیدم که گفت: اینک، مسکن خدا با آدمیان است و او با آنها ساکن خواهد شد و ایشان قوم او خواهند بود و خود خدا با ایشان خواهد بود و خدای ایشان خواهد بود و هر اشکی را از چشمان آنها پاک خواهد کرد و دیگر مرگ نخواهد بود و ماتم و شیون و درد وجود نخواهد داشت، زیرا چیزهای اول سپری شد" (مکاشفه ۲۱: ۳-۴).



زمان



خلاصه

- وقتی عیسی مسیح به زمین باز می گردد پادشاه دنیا خواهد بود.
- پایتخت او اورشلیم خواهد بود.
- در هزاره:
- ایمانداران فناپذیری که به همراه مسیح بر دنیا حکمرانی می کنند و در مورد خدا به افراد فانی می آموزند.
- افراد فانی که هنگام بازگشت مسیح زنده اند و چیزی از کلام نمی دانند، مسیح را بعنوان پادشاه پذیرفته و راه خدا به آنان آموزش داده خواهد شد.
- در انتهای هزاره مسیح پادشاهی را به خدا تحویل خواهد داد و دنیا بی نقص خواهد بود و خدا در میان مردان و زنان فناپذیر زندگی خواهد کرد.

آیاتی جهت مطالعه:

(مزامیر ۲۲: ۲۷-۲۸) "همه کران های زمین به یاد آورده، نزد خداوند بازگشت خواهند کرد. همه طوایف قوم ها در حضور او پرستش خواهند نمود زیرا که پادشاهی از آن خداوند است؛ اوست که بر قوم ها فرمان می راند"

(اشعیا ۱۱: ۳-۹) - (این آیات نشان می دهد که پادشاهی خدا مکانی بی نظیر خواهد بود)

(مزامیر ۷۲: ۱۲-۱۹) - (این آیات تصویری از پادشاهی می دهد)

پرسش های بخش سوم

درس ۹: پادشاهی تو بیاید

۱-۹ پادشاهی خدا در گذشته بر روی زمین بود.

الف: پادشاهی او کجا بود؟

ب: پادشاه واقعی آن که قوانین را مشخص می کرد که بود؟

۲-۹ خدا در آینده نیز پادشاهی خواهد داشت.

الف: کجا خواهد بود؟

ب: پادشاه آن چه کسی خواهد بود؟

پ: پایتخت آن کجا خواهد بود؟

ت: چه زمانی خواهد بود؟

۳-۹ دعایی که مسیح به شاگردانش آموخت می گوید: "اراده تو اجرا گردد".

الف: به نظر شما منظور از اراده خدا چیست؟

ب: چگونه می توانیم اراده خدا را در زندگی خود اجرا کنیم؟

۴-۹ کوه صهیون کجاست؟

۵-۹ اول تواریخ ۲۹: ۲۳ می گوید که سلیمان بر تخت پادشاهی نشست. چرا تخت پادشاهی نامیده شده است؟

درس ۱۰: نظر خدا نسبت به تاریخ

۱-۱۰ اسامی اشخاص مورد نظر را بنویسید.

(آ) چون از خدا اطاعت کرد از غرق شدن نجات پیدا کرد.

(ب) مردم اسرائیل را از مصر خارج کرد.

(پ) یک کشور به اسم او نامیده شد.

(ت) اولین پادشاه زمینی اسرائیل بود.

(ث) پادشاه بابل و کسی که در مورد آینده جهان خواب دید.

(ج) خانه و کشور خود را ترک کرد، چون خدا از او خواسته بود.

(چ) بلافاصله بعد از حکمرانی او پادشاهی اسرائیل به دو دسته تقسیم شد.

(ح) اولین مردی که از خدا سرپیچی کرد.

(خ) او بعنوان مردی شناخته شد که قلبش با خدا بود.

۲-۱۰ نبوکدنصر تمثالی در خواب دید:

(الف) کدام قسمت به زمان ما اشاره می کند؟

ب) چرا پاهای تمثال تفسیر خوبی از زمان ماست؟

پ) تمثال با سنگی نابود شد. این به چه معناست؟

ت) سنگ رشد کرده و تمام جهان را گرفت. این نشان دهنده چه چیزی است؟

درس ۱۱: پادشاهی خدا - صلح و سلامتی بر زمین

۱-۱۱ الف) فناناپذیری به چه معناست؟

ب) چه کسانی فناناپذیر می شوند؟

ج) در پادشاهی آینده آیا مردم بر زمین زندگی می کنند و یا در آسمان؟

۲-۱۱ هزاره زمان شگفت انگیزی خواهد بود، اما توضیح دهید که چرا کامل نخواهد بود؟

۳-۱۱ زمان بازگشت عیسی مسیح بعنوان پادشاه چه کسانی بر روی زمین زندگی خواهند کرد؟ با بله یا خیر پاسخ دهید:

الف) تنها ایمانداران غیر یهودی.

ب) تنها یهودیان.

پ) کسانی که بعداً می میرند.

ت) ایماندارانی از تمام امت ها که جاودانه شده اند.

ث) تنها کسانی که هنگام بازگشت مسیح زنده هستند.

۴-۱۱ زندگی در پادشاهی خدا بر روی زمین چگونه خواهد بود؟ (برای کمک می توانید از مزامیر باب ۷۲ و اشعیا باب ۳۵ استفاده کنید).

۵-۱۱ ایمانداران واقعی جاودانه شده اند و در زمان هزار سال پادشاهی مسیح بر روی زمین زندگی می کنند. آیه ای از اشعیا ۶۵ : ۱۷-۲۵ بنویسید که نشان دهد انسان های فانی نیز در هزاره بر روی زمین زندگی می کنند.

درس دوازدهم: وعده های خدا به ابراهیم

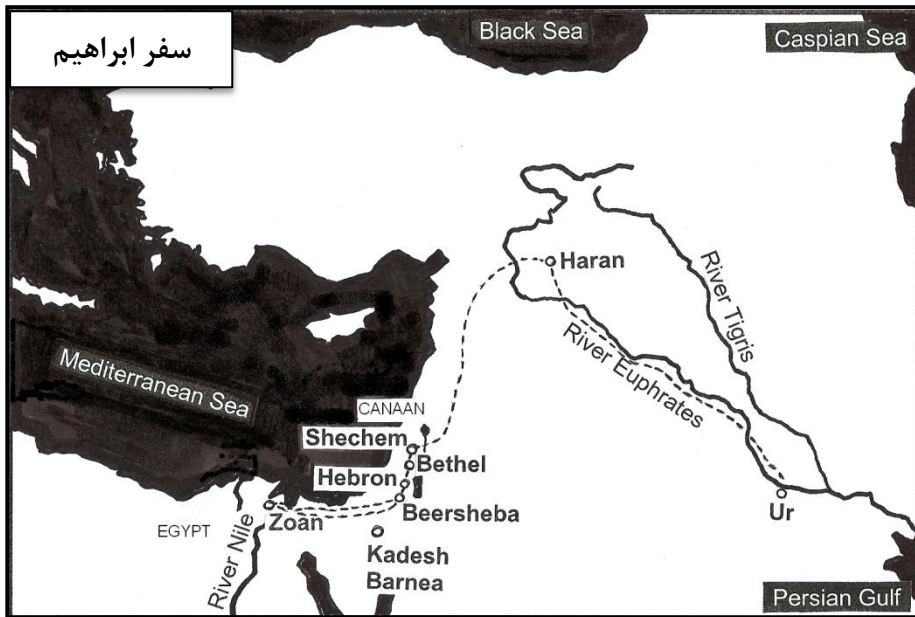
مطالعه: پیدایش باب ۱۳

دوست خدا

شگفت انگیز است که یک مرد دوست خدا معرفی شود و کتاب مقدس ابراهیم را به دلیل ایمان بالایش اینگونه توصیف کرده است (اشعیا ۴۱: ۸). در آغاز او به ابرام معروف بود. او که ۲۰۰۰ سال قبل از میلاد مسیح در شهری به نام اور زندگی می کرد. اور در سرزمین "میان رودان" (عراق امروزی)، حدود هزار کیلومتر در شرق کنعان (اسرائیل) قرار داشت. مردم اور از خدای واقعی چیزی نمی دانستند و خدایان دروغین را می پرستیدند. خرابه هایی از معبد ساخته شده برای خدای ماه در آن مکان یافت شده است.

پیامی از سوی خدا

روزی ابراهیم از سوی خدای قادر پیامی دریافت کرد. خدا به او گفت که از خانه و خانواده خود جدا شود و به سوی سرزمینی که خدا نشان می دهد، برود.



"خداوند به ابرام گفته بود: از سرزمین خویش و از نزد خویشان خود و از خانه پدرت بیرون بیا و به سرزمینی که به تو نشان خواهم داد، برو" (پیدایش ۱۲: ۱).

ابراهیم از فرمان خدا اطاعت کرد. عهد جدید به ما می گوید که ابراهیم "بیرون آمد و نمی دانست به کجا می رود" (عبرانیان ۱۱: ۸). ایمان و باور ابراهیم به خدا به قدری قوی و محکم بود که بدون اینکه بداند در نهایت خدا کجا به او اسکان خواهد داد، خانه و کاشانه خود را رها کرده و از فرمان خدا اطاعت کرد. ابراهیم مردی بود با چنین ایمان و باوری که خدا خود را "خدای ابراهیم" توصیف می کند (خروج ۳: ۶).

به همراه فرمان ترک اور، خدا وعده هایی به ابراهیم داد و همین طور توضیح داد که از این کار هدفی دارد:

"از تو قومی بزرگ پدید خواهیم آورد و تو را برکت خواهیم داد؛ نام تو را بزرگ خواهیم ساخت و تو برکت خواهی بود. برکت خواهیم داد به کسانی که تو را برکت دهند و لعنت خواهیم کرد کسی را که تو را لعنت کند و همه طوایف زمین به واسطه تو برکت خواهند یافت" (پیدایش ۱۲: ۲-۳).

این کلام، بسیار فوق العاده است. خدا به ابراهیم وعده امتی عظیم داد. این اولین وعده از وعده هایی است که خدا به ابراهیم داد و همچنان به او گفت که از ابراهیم همه برکت خواهند گرفت و قطعاً مهم است که ما این وعده ها را درک کنیم.

وعده های شگفت انگیز دیگر

ابراهیم ابتدا به حران و سپس از آنجا به کنعان (اسرائیل) رفت. وقتی به کنعان رسید سارا همسرش (که در ابتدا ساره بود) و برادرزاده اش لوط همراه او بودند. پیدایش باب ۱۳ توصیف می کند که ابراهیم چگونه از خویشاوند خود، یعنی لوط جدا شد. لوط مهمترین بخش سرزمین را برای خود و برای مواشی خویش انتخاب کرد و سهم ابراهیم چراگاه هایی در قسمت بی حاصل سرزمین مانده بود. اگرچه خدا با ابراهیم بود و به دلیل فرمانبرداری کامل ابراهیم خدا بر وعده های پیشینی که در اور داده بود، افزود:

"پس از آن که لوط از آبرام جدا شد، خداوند به آبرام گفت: اکنون تو چشمان خویش را برافراز و از جایی که هستی به سوی شمال و جنوب و شرق و غرب بنگر زیرا سراسر این سرزمین را که می بینی تا ابد به تو و نسل تو خواهیم بخشید. نسل تو را همچون غبار زمین می گردانم، چنانکه اگر کسی بتواند غبار زمین را بشمارد، نسل تو را نیز می توان شمرد. برخیز و در طول و عرض زمین بگرد، زیرا آن را به تو خواهیم داد. پس آبرام خیمه خود را نقل کرد و رفته،

نزدیک بلوط مَمَری در جِبَرون ساکن شد، و در آنجا مذبحی برای خداوند بنا کرد" (پیدایش ۱۳: ۱۴-۱۷).

سرزمینی که خدا به ابراهیم نشان داد، سرزمین کنعان بود. مطالعه دقیق این قسمت نشان می دهد که خدا آن سرزمین را برای همیشه به ابراهیم داد. در ادامه می خوانیم که خدا وعده این سرزمین را به نسل ابراهیم نیز می دهد. پس نسل ابراهیم نیز با او شریک خواهند بود.

فرزند و عده

خدا وعده امتی بزرگ را به ابراهیم داده بود و همینطور وعده شراکت در سرزمین های ابراهیم به نسل های او داده شده بود. اما ابراهیم فرزندی نداشت. بنابراین در پیدایش ۱۵: ۴ خدا وعده فرزندی را به او می دهد که از طریق او تمامی این وعده ها به حقیقت خواهد پیوست.

اگرچه ابراهیم و ساره پیر شدند و فرزندی متولد نشد. رومیان ۴: ۱۸-۲۲ به ما می گوید که بچه دار شدن برای ابراهیم و ساره امکانپذیر نبود. اما با این وجود ابراهیم به خدا اعتماد داشت. ابراهیم ۱۰۰ ساله و ساره ۹۰ ساله بود که با یک معجزه فرزند وعده، یعنی اسحاق متولد شد. اگرچه قبل از تولد اسحاق، ابراهیم از خدمتکار ساره یعنی هاجر، پسری به نام اسماعیل داشت. خدا به اسماعیل برکت داد و گفت که او نوادگان زیادی خواهد داشت. اما کتاب مقدس به طور واضح نشان می دهد که وعده های خدا به ابراهیم از طریق اسحاق به وقوع می پیوندد (پیدایش ۱۷: ۱۵-۲۱).

پیدایش باب ۲۲ جنبه های دیگری از ایمان والای ابراهیم را به ما نشان می دهد. برای امتحان، خدا به ابراهیم دستور داد تا فرزندش اسحاق را قربانی کند. با اینکه تمامی وعده های خدا از طریق اسحاق به وقوع می پیوست، اما ابراهیم ایمان داشت که خدا به وعده هایش عمل می کند و برای قربانی کردن تنها فرزندش، به امید اینکه خدا او را از مردگان برخیزاند، آماده شده بود. در عهد جدید اینگونه به ما گفته شد:

"به ایمان بود که ابراهیم هنگامی که آزموده شد، اسحاق را بعنوان قربانی تقدیم کرد؛ و او که وعده ها را پذیرفته بود حاضر شد پسر یگانه خود را قربانی کند همان را که درباره اش گفته شده بود: نسل تو از اسحاق خوانده خواهد شد. ابراهیم چنین اندیشید که خدا قادر است حتی مردگان را زنده کند و می توان گفت که به نوعی اسحاق را از مرگ بازیافت" (عبرانیان ۱۱: ۱۷-۱۹).

و خدا باز از فرمانبرداری و ایمان ابراهیم خوشنود شد. زمانی که ابراهیم فرزند خود را برای قربانی کردن آماده می کرد، خدا برای او بره ای را فرستاد تا به جای یگانه پسرش قربانی شود (پیدایش ۲۲: ۱-۱۷).

۱۴). این نکته اشاره به عیسی مسیح بعنوان "بره خدا که گناهان جهان را می برد" دارد (یوحنا ۱: ۲۹). در پیدایش ۲۲: ۱۵-۱۸ در مورد وعده هایی که خدا پس از این آزمایش به ابراهیم داد، می خوانیم و شامل این وعده مهم می شود که مشابه آن در باب ۱۲ نیز وجود داشت:

"و به واسطه نسل تو همه قومهای زمین برکت خواهند یافت زیرا به صدای من گوش گرفتی" (پیدایش ۲۲: ۱۸).

بخشی از وعده های خدا به ابراهیم	
باب و آیه	وعده ها
پیدایش ۱۲: ۲، پیدایش ۱۳: ۱۶	از ابراهیم امتی عظیم به وجود خواهد آمد
پیدایش ۱۳: ۱۵، پیدایش ۱۵: ۷ و ۱۸، پیدایش ۱۷: ۸	نسل ابراهیم سرزمین را برای همیشه به ارث خواهند برد
پیدایش ۱۲: ۳، پیدایش ۲۲: ۱۶-۱۸	تمام دنیا از ابراهیم و ذریه اش برکت خواهند گرفت

درک وعده ها

۱. **از ابراهیم امتی عظیم به وجود خواهد آمد** - کتاب مقدس بطور واضح گفته است که یهودیان نوادگان ابراهیم هستند (به شجره نامه ابراهیم در درس ۱۰ نگاه کنید). یهودیان امت عظیمی هستند که به ابراهیم وعده داده شد.
۲. **ابراهیم و ذریت او سرزمین اسرائیل (کنعان) را برای همیشه به ارث خواهند برد** - اعمال رسولان باب ۷ به ما می گوید که ابراهیم هرگز سرزمینی که به او وعده داده شده بود را نگرفت و چون ابراهیم مرده است، پس سرزمین نمی تواند برای همیشه از آن او باشد. اما خدا هرگز زیر وعده هایش نمی زند. برای اینکه آن سرزمین برای همیشه از آن او باشد، ابراهیم باید تا به همیشه زنده بماند. پس خدا وعده زنده شدن پس از مرگ و زندگی جاودان را داد. مسیح نیز تایید می کند که ابراهیم در پادشاهی خدا مکانی خواهد داشت (لوقا ۱۳: ۲۸).

پس ابراهیم سرزمین های وعده داده شده را دریافت خواهد کرد. زمانی که خدا وعده سرزمین را به ابراهیم می داد، وعده اش را اینگونه به پایان رسانید: "برخیز و در طول و عرض زمین بگرد، زیرا آن را

به تو خواهم داد" (پیدایش ۱۳: ۱۷). خدا وعده زندگی جاودان را نه در آسمان، بلکه بر روی زمینی که ابراهیم بر آن راه می رفت داد. ما امروزه به آن سرزمین، اسرائیل می گوئیم.

وعده زندگی جاودان بر زمین به ذریه ابراهیم نیز داده شد. ما می گوئیم "یک بره"، نه "تعدادی از بره ها". در مورد کلمه فرزند نیز همینگونه است، مانند کلمه ذریت (در نسخه قدیمی تر کتاب مقدس) ممکن است به یک و یا چند شخص اشاره داشته باشد. در برخی از متون کاملاً نشان می دهد که ابراهیم نوادگان زیادی خواهد داشت (فرزند. نوه و ...). اما در برخی دیگر این کلمه به یک نفر اشاره دارد. غلاطیان ۳: ۱۶ می گوید:

"حال وعده‌ها به ابراهیم و به نسل او داده شد. نمی‌گوید و به نسلها چنانکه گویی دربارهٔ بسیاری باشد، بلکه می‌گوید به نسل تو، که مقصود یک تن یعنی مسیح است" (غلاطیان ۳: ۱۶).

در این قسمت به ما گفته شده که نسل خاص (مفرد) در بعضی از وعده‌ها عیسی مسیح است. پس این وعده ای که ابراهیم و نسلش برای همیشه در سرزمین اسرائیل زندگی خواهند کرد، به عیسی مسیح اشاره دارد. فقط از طریق پسر خاص ابراهیم این وعده‌ها تحقق می یابد. ابراهیم به واسطه مسیح که گناه را از بین برد، می تواند بعد از مرگ زنده شود و برای همیشه زندگی کند. این حقیقت که عیسی مسیح از نسل ابراهیم است آنقدر مهم است که در اولین آیه عهد جدید نوشته شده است: "عیسی مسیح، فرزند داوود، فرزند ابراهیم" (متی ۱: ۱).

۳. تمام دنیا از ابراهیم و نسل او برکت خواهند گرفت - قسمت دیگری نشان می دهد کلمه نسل اشاره به یک شخص، که همان عیسی مسیح است، دارد. این وعده از پیدایش ۲۲: ۱۸ می باشد. پطرس رسول این آیه را همیشه برای یهودیان می خواند و در این باره به آن ها توضیح می داد:

"و شما فرزندان پیامبران و وارثان عهدی هستید که خدا با پدرانتان بست. او به ابراهیم گفت: به واسطهٔ نسل تو همهٔ طوایف زمین برکت خواهند یافت. هنگامی که خدا خادم خود را مبعوث کرد، نخست او را نزد شما فرستاد تا شما را برکت دهد، بدین که هر یک از شما را از راههای گناه آلودتان بازگرداند" (اعمال رسولان ۳: ۲۵-۲۶).

پطرس رسول می گوید:

- تمامی امت های زمین از ابراهیم و نسل او برکت خواهند گرفت.
- نسلی که برکت را به همراه دارد، عیسی مسیح است (آیات ابتدایی باب ۳ را ببینید).
- عیسی مسیح برکت بخشش گناهان را آورد.

• پیشنهاد بخشش در ابتدا به یهودیان داده شد و بعد به "تمام امت ها" رسید.

برکتی که مسیح می آورد، بخشش گناهان است. این پیام کتاب مقدس بوده و همان چیزی است که توسط مسیح تدریس شده است. غلاطیان ۳: ۸ می گوید که ابراهیم در مورد انجیل می دانست و آن را باور داشت.

(غلاطیان ۳: ۷-۹) "پس می بینید کسانی فرزند ابراهیم اند که به ایمان تکیه دارند و کتاب چون پیشتر دید که خدا غیر یهودیان را بر پایه ایمان پارسا خواهد شمرد، از این رو، پیشاپیش به ابراهیم بشارت داد که همه قومها به واسطه تو برکت خواهند یافت. پس آنها که به ایمان اتکا دارند، با ابراهیم ایماندار برکت می یابند."

فرزندان معنوی ابراهیم - ما چگونه می توانیم در این وعده ها سهیم شویم؟

اگرچه یهودیان نوادگان طبیعی ابراهیم اند. ایمانداران تعمیدی از تمامی دنیا نیز می توانند فرزندان او (فرزندان معنوی) باشند و به طبع شریک در وعده ها:

"چرا که همگی شما که در مسیح تعمید یافتید، مسیح را در بر کردید. دیگر نه یهودی معنی دارد نه یونانی، نه غلام نه آزاد، نه مرد نه زن، زیرا شما همگی در مسیح عیسی یکی هستید و حال اگر شما از آن مسیح هستید، پس نسل ابراهیم اید و بنا بر وعده، وارثان نیز هستید" (غلاطیان ۳: ۲۷-۲۹).

ایمان و فرمانبرداری ابراهیم باید برای ما الگو باشد (غلاطیان ۳: ۷-۹). پس می توانیم بخشی از نسل او (فرزند معنوی او) باشیم و به او پیوسته و برای همیشه در پادشاهی خدا هنگام بازگشت مسیح با او زندگی کنیم. امید موجود در کتاب مقدس بر پایه وعده هایی است که خدا به ابراهیم داد. وعده هایی که از طریق آنها همه امت ها می توانند در مسیح برکت یابند.

وعده های خدا به ابراهیم - تحقق آنها	
تحقق	وعده
نسل واقعی ابراهیم از طریق اسحاق و یعقوب، یهودی می باشد. اما تمامی ایمانداران تعمیدی واقعی از تمام دنیا امت معنوی ابراهیم اند.	نسل ابراهیم امتی عظیم خواهد بود
بخشش گناهان از طریق عیسی مسیح	کل دنیا از ابراهیم و نسل او برکت خواهند گرفت
دوباره زنده شدن ابراهیم و نوادگان ایماندارش، چه یهودی و چه غیر یهودی - زندگی جاودانه بر روی زمین در پادشاهی خدا به همراه عیسی مسیح	ابراهیم و نسلش وارثان همیشگی سرزمین اسرائیل (کنعان)

خلاصه:

- خدا به ابراهیم گفت که سرزمین خود را رها کند و به سوی سرزمینی که به او نشان داده خواهد شد، برود.
- این سرزمین اسرائیل بود. خدا وعده داد که ابراهیم برای همیشه مالک آن خواهد بود.
- همچنین خدا به ابراهیم وعده پسری را داد و گفت که نسل او به امت بزرگی تبدیل خواهد شد.
- خدا وعده داد که نسل ابراهیم شریک سرزمین خواهد بود و برای همه امت ها برکت خواهد آورد.
- عهد جدید نشان می دهد که این نسل عیسی مسیح است که بخشش گناه را آورد.
- اگر ما به مسیح تعلق داشته باشیم (از طریق ایمان و تعمید) بعنوان فرزندان ابراهیم محسوب می شویم و در وعده های او شریک خواهیم شد.

آیاتی جهت مطالعه:

(غلاطیان ۳: ۲۷-۲۹) "چرا که همگی شما که در مسیح تعمید یافتید، مسیح را در بر کردید. دیگر نه یهودی معنی دارد نه یونانی، نه غلام نه آزاد، نه مرد نه زن، زیرا شما همگی در مسیح عیسی یکی هستید و حال اگر شما از آن مسیح هستید، پس نسل ابراهیم اید و بنا بر وعده، وارثان نیز هستید".

(مزامیر ۱۰۵: ۸-۱۱)

(رومیان باب ۴)

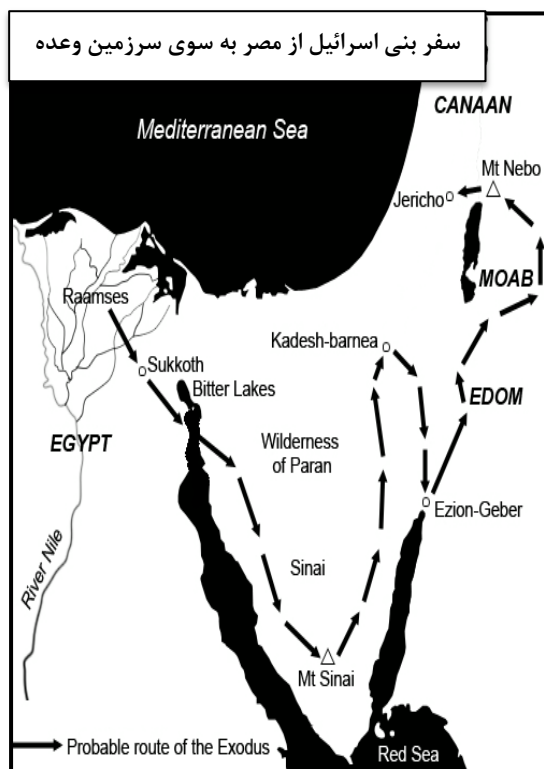
درس سیزدهم: یهودیان در تاریخ (بخش اول)

مطالعه: تثنیه باب ۲۸

آغاز امت یهود

یهودیان امت خدا هستند و داستان آنها از زمان ابراهیم آغاز می شود. به دلیل ایمان قوی ابراهیم، خدا او را بعنوان پدر امت خویش انتخاب کرد. خدا به ابراهیم وعده های زیادی داد (درس ۱۲ را ببینید) و این امر برای پسرش اسحاق و همچنین یعقوب نیز تکرار شد. خدا نام یعقوب را به اسرائیل تغییر داد و امت اسرائیل نیز نام خود را از او گرفت. یعقوب ۱۲ پسر داشت و پدر ۱۲ قوم اسرائیل شد. (شجره نامه ابراهیم را در درس ۱۰ ببینید).

یعقوب و خانواده اش در سرزمین کنعان، که همان اسرائیل امروزی است، زندگی می کردند. نام یکی از فرزندان او یوسف بود. داستان زندگی یوسف که در پایان کتاب پیدایش آمده، در تاریخ کتاب مقدس بسیار مهم می باشد.



برادران یوسف او را به بازرگانان مصری فروختند و او بعنوان برده به مصر برده شد. بعد از گذشت امتحانات بسیار، او عزیز مصر شد. در زمان قحطی، یعقوب و خانواده اش نزد یوسف در مصر آمدند، چون خدا آذوقه را از طریق یوسف برای آنها مهیا کرده بود.

سالها بعد، پس از مرگ یوسف و زمانی که تعداد اعضای این خانواده زیاد شده بودند، مصریان آنها را بعنوان تهدیدی برای خود دیدند و همه آنها را به بردگی گرفتند. خدا آنها را به رهبری موسی از مصر خارج کرد و از طریق صحرائی خشک و بی آب و علف به سمت مرزهای کنعان، یعنی به سمت سرزمینی که به ابراهیم و نوادگانش وعده داده شده بود، برد.

فرمانی از سوی خدا

پس از عبور از صحرا مردم اسرائیل به کوه سینا رسیدند. در آنجا بود که خدا با آنها صحبت کرد و آنان امت خاص خدا شدند. خدا به آنها گفت:

"حال اگر واقعاً صدای مرا بشنوید و عهد مرا نگاه دارید، از میان جمیع قوم ها، ملک خاص من خواهید بود، زیرا تمامی زمین از آن من است" (خروج ۱۹: ۵).

مردم پاسخ دادند: "آنچه خدا امر فرموده است خواهیم کرد" (خروج ۱۹: ۸). سپس خدا قوانین خود را از طریق موسی به آنها اعلام کرد. اگرچه این قوانین از سوی خدا آمده است، ولی بعنوان قوانین موسی از آن یاد می شود. قوانین شگفت انگیزی بودند که شامل ۱۰ فرمان شد و تمام بخش های زندگی را پوشش داد و اگر یهودیان از این قوانین پیروی می کردند، برای قوم برکت به همراه می داشت. سپس باعث می شد که امت های دیگر هم بخواهند همانند یهودیان زندگی کنند و خدای حقیقی را بپرستند.

خدا می خواست که مردم از هر امتی به سوی او بیایند. یهودیان را بعنوان امت خاص خود برگزید تا بتوانند شاهدان خداوند باشند. اطاعت از فرامین موسی آنها را از ملت های مختلف جدا می ساخت و باعث می شد تحت تاثیر ملت هایی که خدایان دروغین داشتند و شریر بودند قرار نگیرند. این درسی برای ما در زندگیست.

بعنوان نشانه ای که مردم اسرائیل قوم خاص خدا بودند به آنها گفته شد که روز آخر هر هفته را (شنبه) مقدس نگاه دارد ("مقدس" یعنی جدا شده) و این روز سبت نامیده شد. در این روز مردم از کارهایی که در طول هفته انجام می دادند دست کشیده و به برکاتی که از خدا گرفته اند تفکر می کردند. اما در طول عهد عتیق می بینیم که یهودیان در تقدیس روز سبت شکست خورده و به طور مداوم از فرامین خدا سرپیچی می کردند. به جای اینکه الگویی از جانب خدا برای دیگر امت ها باشند، شرارت امت های دیگر را ادامه می دادند.

تا زمان تعلیمات عیسی مسیح، قوانین موسی مردم را راهنمایی می کرد (غلاطیان ۳: ۱۹-۲۴). پس لزومی ندارد که مسیحیان همچنان از شریعت های موسی پیروی کرده و یا سبت را مقدس بشمارند. اگر چه بسیار مفید است اگر یک روز از هفته را به پرستش اختصاص دهند. مسیحیان معمولاً روز یکشنبه را روز خاص خود قرار می دهند. چون ایمانداران عهد جدید نیز اینگونه عمل می کردند.

عبور از صحرا به سوی کنعان باید فقط چند هفته طول می کشید. اگر چه مردم از ساکنان کنعان می ترسیدند و به خدا برای فتح آن سرزمین اعتمادی نداشتند. پس بعنوان مجازات، خدا مانع ورود آنان به

کنعان شد و چهل سال آنها را در صحرا نگاه داشت، تا زمانی که تمام کسانی که در ایمان ضعیف بودند مردند. با این حال خدا در این چهل سال از آنها مراقبت می کرد و برایشان غذا مهیا می کرد:

"و روح نیکوی خود را برای تعلیم ایشان عطا فرمودی و منّای خود را از دهانشان بازداشتی، و برای رفع تشنگی، بدیشان آب دادی. چهل سال در بیابان برای ایشان تدارک دیدی، که به چیزی محتاج نشدند؛ جامه‌هایشان مندرس نشد و پاهایشان ورم نکرد" (نحمیا ۹: ۲۰-۲۱).

در نهایت قوم وارد سرزمین کنعان (اسرائیل امروزی) شد. سرزمینی که خدا بعنوان خانه به آنها داده بود. خدا پادشاه آنها بود و برایشان نبی و داوران فرستاد تا در مسیرشان کمکشان کرده و بر آنها حکمرانی کنند.

یهودیان پادشاه می خواستند

حدود ۴۰۰ سال گذشت. یهودیان خواستار پادشاهی زمینی شدند. آنها می خواستند مانند دیگر امت‌ها باشند. با این عمل آنها خدا را بعنوان پادشاه رد کردند. سموئیل که داور و نبی آنها بود، متوجه شد که این خواسته اشتباه است و برای آنها به درگاه خدا دعا کرد. خدا به او گفت:

"خداوند به او گفت: به آواز قوم در هر آنچه به تو می گویند، گوش فرا ده؛ زیرا آنان تو را رد نکرده‌اند، بلکه مرا رد کرده‌اند تا بر ایشان پادشاهی نکنم" (۱ سموئیل ۸: ۷).

خدا به آنها یک پادشاه زمینی داد - در اول سموئیل باب ۹ و ۱۰ در مورد مسح شائول می خوانیم. او به خدا وفادار نبود. بعد از او، خدا پادشاهی را به داوود داد که از قبیله جنوبی یهودا بود. داوود ۶۰ سال پادشاهی کرد و خدا را خشنود ساخت. سلیمان، پسر داوود، پادشاه بعدی بود. خدا به سلیمان برکت داد و او بسیار ثروتمند شد و در کاخی شکوهمند زندگی کرد. اما از مردم مالیات‌های کلان می گرفت و همین باعث خشم مردم شد. در آغاز فرمانرواییش باعث خشنودی خدا بود ولی در نهایت بت می پرستید. بعنوان مجازات، خدا گفت که پادشاهی به دو قسمت تبدیل خواهد شد و قسمت بزرگتر به خدمتکار سلیمان داده شد. خدا گفته بود که این اتفاق در زمان فرمانروایی پسر سلیمان خواهد افتاد.

پادشاهی تقسیم شده

بعد از مرگ سلیمان، فرزندش رحبعام پادشاه شد. مردم از او خواستند تا مالیات را کمتر کند و او به جای گوش دادن به انسان‌های عادل و با تجربه‌ای که مشاوران پدرش بودند، به دوستان جوان خود گوش داد و به مردم گفت که مالیات را افزایش خواهد داد. این حرف، آن چیزی نبود که مردم انتظار شنیدن آن را داشتند. شورش به پا شد و پادشاهی اسرائیل به دو قسمت تقسیم شد. ده سبط به

پادشاهی شمالی تبدیل شدند که توسط خدمتکار سلیمان، یعنی یربعام حکمرانی می شد. سبط های بنیامین و یهودا به رحبعام وفادار مانده و پادشاهی جنوبی را تشکیل دادند. این جدایی دقیقا همانطور که خدا پیشگویی کرده بود به وقوع پیوست.

کتاب اول و دوم پادشاهان شامل تاریخ این دو فرمانروایی کنار هم است. پادشاهی جنوبی به پادشاهی یهود معروف بود. چون تمام پادشاهانش از سبط یهودا بودند. پادشاهی شمالی نام اسرائیل را حفظ کرد.

کلمه "اسرائیل" برای موارد زیر به کار برده شده است:

- یعقوب (که اسمش توسط خدا به اسرائیل تغییر یافت)
- نوادگان یعقوب (یهودیان)
- سرزمینی که خدا به ابراهیم و نسل های بعد از او وعده داد
- پادشاهی متحد (قبل از تقسیم شدن در زمان رحبعام)
- پادشاهی شمالی (بعد از جدایی)

ادامه نافرمانی یهودیان

در کتاب اول و دوم پادشاهان می بینیم که در شرایط مختلف مردم اسرائیل و یهودا از فرمانبرداری خدا سرپیچی می کردند. پرستش آنها بی معنا بود و از صمیم قلب نبود. آنها بت پرست بودند. شرایط در حدی رو به وخامت رفت که خدا تصمیم گرفت آنها را مجازات کند. دقیقا همانطور که توسط انبیای مختلف به آنها هشدار داده بود، اسرائیل (پادشاهی شمالی) اول مجازات شد. خدا آشوریان را بر علیه آنها فرستاد و مردم به اسارت برده شدند و بعد از مدتی پراکنده گشتند، آنها دیگر بعنوان یک امت به سرزمین خود باز نگشتند.

مدتی بعد خدا از یهودیان (پادشاهی جنوبی) خواست که به او گوش دهند و از گناهان خود توبه کنند. دوم تواریخ ۳۶: ۱۵-۱۶ نشان می دهد که خدا چگونه این کار را از طریق انبیای خود انجام داد:

"یهوه خدای پدران آنها بارها به واسطهٔ رسولان خود برای ایشان پیغام فرستاد، بلکه صبح زود برمی خاست و پیام می فرستاد، زیرا که بر قوم خود و بر مسکن خویش شفقت داشت. اما آنان رسولان خدا را به ریشخند گرفته، کلام او را خوار شمردند و به انبیا پیش اهانت کردند، چندان که خشم خداوند بر قومش افروخته شد تا آنجا که دیگر راه علاجی نبود" (۲ تواریخ ۳۶: ۱۵-۱۶).

بنابراین پادشاهی یهودا توسط نبوکدنصر که پادشاه بابل بود، به اسارت برده شد. خدا به آنها وعده داد که بعد از ۷۰ سال آنها می توانند به سرزمین خود بازگردند و با وجود اینکه از آن زمان، ملت های مختلفی بر آنها پادشاهی می کردند، ولی باز هم بسیاری به سرزمین خود بازگشتند. به دلیل تشویق های زیاد انبیای خدا، آنها معبد خدا در اورشلیم را که توسط نبوکدنصر تخریب شده بود، بازسازی کردند. اما همچنان به سرپیچی از فرمان خدا ادامه دادند. ۳ کتاب آخر عهد عتیق (حجی، زکریا، ملاکی) در زمان بازگشت آنها از اسارت نوشته شده است.

پادشاهی جنوبی	پادشاهی شمالی
معروف به یهودا	معروف به اسرائیل (همینطور افرایم و یاسامریه)
پایتخت: اورشلیم	پایتخت: سامریه
۲ سبط (یهودا و بنیامین)	۱۰ سبط
اولین پادشاه رحبعام، پسر سلیمان بود	اولین پادشاه یربعام بود که او خادم سلیمان بود
بعد از آن توسط نوادگان داوود و سلیمان حکمرانی شد (از سبط یهودا)	توسط پادشاهان زیادی حکمرانی شد. پادشاهانی که از نوادگان هم نبودند
پادشاه شیریر زیادی داشتند. اما بعضی با ایمان به خدا فرمانروایی کرده و مردم را به پرستش خدا تشویق می کردند	تمام پادشاهانش شیریر بودند و بت می پرستیدند و مردم نیز راه آنها را ادامه می دادند
بعد از حدود ۴۰۰ سال توسط بابلیان سرنگون شدند	بعد از حدود ۲۲۰ سال توسط آشور سرنگون شدند
بسیاری به بابل به اسارت برده شده و تعدادی از آنها پس از ۷۰ سال به سرزمین خود بازگشتند	بسیاری به آشور برده شده و پراکنده گشتند. آنها هرگز به سرزمین خود بعنوان یک ملت باز نگشتند

میان عهد عتیق و عهد جدید

پس از سه نبی آخر عهد عتیق برای حدود ۴۰۰ سال همانطور که در عاموس ۸: ۱۱ پیشگویی شده بود، هیچ پیامی از خدا نرسید. این دقیقا از زمان آخرین کتاب عهد عتیق شروع شده و تا اولین کتاب عهد جدید ادامه دارد. پس وقتی یحیی تعمید دهنده ظاهر شد، اشتیاق زیادی وجود داشت. بعد از ۴۰۰ سال سکوت، خدا باز با مردمانش صحبت کرد.

بزرگترین یهودی

یحیی تعمید دهنده از سوی خدا فرستاده شد تا مسیر را برای شخص بزرگتری هموار کند. خدا قرار بود تنها فرزند خود را برای نجات مردمانش بفرستد. بنابراین در سرزمین اسرائیل حدود ۲۰۰۰ سال پیش مسیح به دنیا آمد. عیسی یک یهودی بود و از نوادگان ابراهیم و داوود.

آدم ← نوح ← ابراهیم ← اسحاق ← یعقوب ← داود ← عیسی

با وجود شنیدن این کلام و دیدن معجزات شگفت انگیزی که عیسی انجام می داد، یهودیان مسیح وعده داده شده را نپذیرفتند. آنها پیلاتس، پادشاه رم را قانع کردند تا او را به صلیب بکشد. زمانی که پیلاتس گفت: "من از خون این مرد مبرا هستم" یهودیان پاسخ دادند: "خون او بر ما و فرزندان ما باد" (متی ۲۷: ۲۴-۲۵). یهودیان بدترین جرم را مرتکب شده بودند. آنها پسر بی گناه خدا را به کشتن دادند. خداوند با رحمت خود و از طریق بشارت های انبیا، به آنها فرصت داد تا توبه کنند. با این حال بسیاری از یهودیان پیشنهاد خدا را نپذیرفتند. پس باز مجازات می شوند.

مردمانی بدون سرزمین

خدا برای مجازات یهودیان از رومیان استفاده کرد. در سال ۷۰ میلادی، یعنی حدود ۴۰ سال پس از به صلیب کشیدن مسیح، ارتش روم بر آنها غلبه کرد. زمان وحشت و عذاب بود. هزاران یهودی کشته شدند. وحشت آن نبرد یکی از بدترین ترس های ثبت شده در تاریخ است. شهر اورشلیم توسط رومیان محاصره و معبد تخریب شد. سپس در سال ۱۳۵ یهودیانی که نجات یافته بودند، از آن سرزمین بیرون رفته و در میان ملت های دیگر پراکنده شدند. در زمان موسی خدا به یهودیان هشدار داده بود که اگر از فرامینش اطاعت نکنند، پراکنده خواهند شد:

"و خداوند شما را در میان تمامی قوم ها، از یک کران زمین تا کران دیگر، پراکنده خواهد ساخت" (تثنیه ۲۸: ۶۴).

برای حدود ۲۰۰۰ سال یهودیان هیچ سرزمینی نداشتند و همینطور از زجرها و مجازات های شدیدی که در تثنیه باب ۲۸ پیشگویی شده بود، رنج می بردند. قسمتی از این مجازات مربوط به کمپ های متمرکز هیتلر در طول جنگ جهانی دوم می شد. بیش از ۶ میلیون یهودی به گونه ای کشته شدند که هنوز دنیا در شوک است. این کلام در تثنیه ۲۸: ۶۴-۶۷ حدود ۳۵۰۰ سال پیش نوشته شده بود و امروزه به حقیقت پیوست.

علاوه بر شرارت آنها در قبال انبیای خدا و کشتن تنها پسر بی گناه او، خدا هنوز برای مردمانش نقشه هایی دارد. همانطور که پولس رسول مدتی بعد از به صلیب کشیدن مسیح توضیح داد، خدا آنها را رد نکرده است:

"پس می پرسیم: آیا خدا قوم خود را رد کرده است؟ هرگز؛ زیرا من خود اسرائیلی ام، از نسل ابراهیم و از قبیله بنیامین. خدا قوم خود را که از پیش شناخت، رد نکرده است. آیا نمی دانید کتاب درباره ایلیا چه می گوید؟ درباره اینکه او چگونه از دست قوم اسرائیل نزد خدا استغاثه کرد" (رومیان ۱۱: ۱-۲).

امروزه خدا یهودیان را به سرزمینشان باز می گرداند. درس بعد در مورد تاریخ قوم برگزیده خدا می باشد.

خلاصه :

تواریخ زیر تقریبی است:

- ۳۵۰۰ سال پیش: خدا یهودیان را از مصر خارج کرد و سرزمین اسرائیل را به آنها داد. خدا راه خود را به آنها نشان داد. اما در طول عهد عتیق آنها از فرمان خدا سرپیچی کردند.
- ۲۵۰۰ سال پیش: در نهایت خدا یهودیان را با اسارت مجازات کرد. تعداد زیادی از مردمان پادشاه جنوبی بعد از ۷۰ سال بازگشتند. اما همچنان از خدا سرپیچی کردند.
- ۲۰۰۰ سال پیش: در نهایت یهودیان از اسرائیل بیرون شدند و بین ملت های مختلف پراکنده گشتند و برای حدود ۲۰۰۰ سال آنها بی خانمان بودند.
- امروزه: خدا یهودیان را به سرزمین خودشان باز می گرداند.

آیاتی جهت مطالعه :

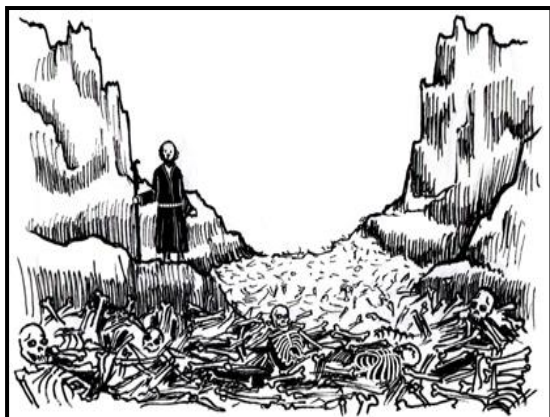
(اشعیا ۴۳: ۱۱-۱۲) "من، آری من، یهوه هستم و جز من نجات دهنده ای نیست من بیان داشته و نجات داده و اعلام کرده ام و خدایی بیگانه در میان شما نبوده است. خداوند می فرماید: شما شاهدان من هستید و من خدا هستم".

(لاویان ۲۰: ۲۶)، (۱ سموئیل ۱۲: ۲۲)، (۱ تواریخ ۱۷: ۲۱-۲۲)، (۲ تواریخ ۳۶: ۱۱-۲۳)، (ارمیا ۳۱: ۳۵-۳۶)، (اعمال رسولان ۱۳: ۱۶-۳۹).

درس چهاردهم: یهودیان در تاریخ (بخش دوم)

مطالعه: حزقیال باب ۳۷

وادی استخوان های خشک



در باب ۳۷ کتاب حزقیال در مورد رویایی که خدا به حزقیال نبی داد، می خوانیم. این رویا پیامی برای مردم اسرائیل بود. آنچه حزقیال در رویا دید به وقوع نپیوست. تنها یک پیشگویی بود که در آن از زبان تصویر استفاده شده بود. حزقیال در زمان به اسارت رفتن مردم به بابل زندگی می کرد. بنابراین این رویا حدود ۶۰۰ سال قبل از میلاد مسیح به او داده شده بود.

رویا سه بخش متفاوت داشت:

۱. در رویا حزقیال وادی بزرگی را دید که در آن استخوان هایی خشک بر روی زمین پراکنده بودند.
۲. در رویا خدا به حزقیال گفت که بر استخوان ها نبوت کند و با صدایی مهیب استخوان ها به هم پیوستند تا جایی که چندین اسکلت کامل تشکیل شد. حزقیال دید که ماهیچه و گوشت به اسکلت ها پیوست و بعد پوست روی آنها را پوشانید و جسد کامل تشکیل شد.
۳. در قسمت آخر این رویا خدا به حزقیال گفت که بر باد نبوت کند تا اجساد پر از نفس شوند. به محض وارد شدن نفس به اجساد آنها بلند شده و به زندگی بازگشتند و به ارتش عظیمی تبدیل شدند.

خدا معنی این رویا را در آیات ۱۱ تا ۱۴ برای حزقیال توضیح داد و کاملاً مشخص شده که منظور از استخوان ها همان قوم اسرائیل بود.

مرحله	رویایی که حزقیال دید	حرفی که خدا در مورد آن زد	تعبیر این مرحله
۱	استخوان های خشک پراکنده شده در وادی	"ای پسر انسان، این استخوان ها، تمامی خاندان اسرائیل اند. اینک ایشان می گویند: استخوان های ما خشکیده و امیدمان از دست رفته و منقطع شده ایم" (آیه ۱۱).	ملت اسرائیل در تمام دنیا پراکنده شدند و ناامید گشتند
۲	استخوان ها برای تشکیل اسکلت هایی به هم پیوستند و سپس اجساد را بوجود آوردند	"بنابراین نبوت کرده، بدیشان بگو، خداوندگار یهوه چنین می فرماید: ای قوم من اینک من قبرهای شما را گشوده، شما را بیرون خواهم آورد و شما را به سرزمین اسرائیل در خواهم آورد" (آیه ۱۲).	خدا مردم پراکنده خود را باز به اسرائیل باز می گرداند تا دوباره ملتی نو متولد شود
۳	اجساد پر از نفس شده و به زندگی بازگردانده شدند	"من روح خود را در شما خواهم نهاد تا زنده شوید و شما را در سرزمین خودتان قرار خواهم داد. آنگاه خواهید دانست که من یهوه سخن گفته ام و آن را به عمل آورده ام؛ این است فرموده خداوند" (آیه ۱۴).	تولد معنوی قوم. آنها متوجه قدرت خدا بر زندگی شان خواهند شد

به وقوع پیوستن رویا

مرحله اول - این اتفاق افتاده است. کمی پس از شروع عهد جدید، ملت اسرائیل در میان امت ها پراکنده شدند (همانطور که در انتهای درس ۱۳ توضیح داده شد). آنها حدود ۲۰۰۰ سال پراکنده بودند و متحمل زجرها و عذاب های بسیاری شدند.

مرحله دوم - از سال ۱۸۵۰ مردم اسرائیل شروع به بازگشت به سرزمین خود کردند. در سال ۱۹۱۷ بیانیه بالفور توسط دولت بریتانیا امضا شد. در آن زمان سرزمین فلسطین (اسرائیل) تحت کنترل بریتانیا بود. این بیانیه عهدی بود که به طبع آن بریتانیا موظف شد تا سرزمین فلسطین را بعنوان خانه

یهودیان بداند. اگرچه بعد از به قدرت رسیدن هیتلر در آلمان بود که یهودیان شروع به بازگشت کردند. این جمعیت ها شامل یهودیان اروپایی بودند که از شکنجه های هیتلر نجات پیدا کرده بودند. به دلیل شکنجه های زیاد آنها می خواستند که به سرزمین اسرائیل برگردند و برای خود خانه ای داشته باشند تا بتوانند از تمام آزار و اذیت ها خلاص شوند. در سال ۱۹۴۸ دولت اسرائیل به رسمیت شناخته شد. یهودیان همچنان در حال بازگشت به سرزمین خود هستند.

تمامی این اتفاقات تحت کنترل خدا بود. در عهد عتیق ارمیای نبی گفته بود که یهودیان نجات پیدا خواهند کرد و به سرزمین خود باز می گردند. پس مرحله دوم نیز در زمان ما به حقیقت پیوسته است.

<p>(ارمیا ۳۰: ۱۱) " زیرا من با تو هستم تا تو را نجات بخشم؛ خداوند چنین می فرماید؛ قوم هایی را که تو را در میانشان پراکنده ساختم، به تمامی نابود خواهم کرد؛ اما تو را به تمامی نابود نخواهم ساخت. تو را بی سزا نخواهم گذاشت، اما تأدیب تو به اندازه خواهد بود"</p>	<p>(ارمیا ۳۱: ۱۰) "ای قومها، کلام خداوند را بشنوید، و آن را در سرزمین های دور دست ساحلی اعلام کنید بگویید: آن که اسرائیل را پراکنده ساخت، ایشان را گرد می آورَد، و چنانکه شبان گله خویشت را می پاید، او نیز از ایشان مراقبت خواهد کرد"</p>
---	--

مرحله ۳ - این مرحله هنوز به حقیقت نیپیوسته است. اکثر یهودیان عیسی مسیح را بعنوان پسر خدا و مسیح وعده داده شده نمی پذیرند و هنوز در انتظار مسیح دیگری هستند. آنها هنوز متوجه این امر نشده اند که خدا تمام اتفاقات دنیا را تحت نظر دارد و به واسطه مردمانش نقشه هایش را اجرا می کند و زمانی می رسد که مردم اسرائیل تغییر خواهند کرد، زکریا ۱۴: ۲-۴ دلیل آن را به ما می گوید:

معنی	زکریا ۱۴: ۲-۴
<p>آن زمان فرا رسیده که امت ها بر علیه اسرائیل با هم متحد شوند و اسرائیل مورد حمله قرار خواهد گرفت و نا امید خواهد شد.</p>	<p>" زیرا من تمامی قوم ها را گرد خواهم آورد تا با اورشلیم بجنگند. شهر تسخیر خواهد شد؛ خانه ها تاراج و زنان بی عصمت خواهند گشت. نیمی از اهالی شهر به تبعید برده خواهند شد، اما باقیمانده قوم از شهر منقطع نخواهند گردید" (آیه ۲).</p>

<p>خدا اسرائیل را از خرابه ها نجات خواهد داد.</p>	<p>"آنگاه خداوند بیرون آمده، بر ضد آن قوم ها خواهد جنگید، آن گونه که در روز نبرد می جنگد" (آیه ۳).</p>
<p>عیسی مسیح از آسمان باز می گردد و به کوه زیتون می آید. زلزله عظیمی به وجود خواهد آمد.</p>	<p>"در آن روز، پاهای او بر کوه زیتون که مقابل اورشلیم به جانب شرق است خواهد ایستاد و کوه زیتون از شرق تا غرب به دو نیم شده، درّه عظیمی پدید خواهد آورد؛ نیمی از کوه به جانب شمال و نیمی دیگر به جانب جنوب حرکت خواهد کرد" (آیه ۴).</p>

با فرستادن عیسی مسیح خدا یهودیان را نجات خواهد داد. آنها متوجه بازگشت او از آسمان برای نجاتشان خواهند شد و در نهایت متوجه خواهند شد که او پسر خدا و مسیح وعده داده شده است و در می یابند که امت شان هنگامیکه او را به صلیب می کشیدند، مرتکب چه اشتباهی شدند. زکریا نبی به ما می گوید:

"... بر من که نیزه‌ام زدند خواهند نگریست و برای من مانند کسی که به جهت تنها فرزندش به سوگ نشیند، سوگواری خواهند کرد و همچون کسی که به جهت نخست‌زاده‌اش بگرید، به تلخی خواهند گریست" (زکریا ۱۲: ۱۰).

بسیاری از مردم اسرائیل برای گناه امت شان توبه خواهند کرد. آنها تغییر خواهند کرد و مسیح را بعنوان پادشاه خود خواهند پذیرفت. در حزقیال ۳۷: ۲۱-۲۵ خدا می گوید:

"بدیشان بگو خداوندگار یهوه چنین می فرماید: اینک من بنی اسرائیل را از میان ملت‌هایی که به میان آنها رفته‌اند، برگرفته، ایشان را از هر طرف جمع خواهم کرد و به سرزمین خودشان باز خواهم آورد و آنها را در آن سرزمین، بر کوه‌های اسرائیل، یک ملت خواهم ساخت و یک پادشاه بر آنان سلطنت خواهد کرد و دیگر دو ملت نخواهند بود و به دو مملکت تجزیه نخواهند شد و خویشان را دیگر به بتهای بی‌ارزش و چیزهای مکروه و هیچ یک از نافرمانیهای خود نجس نخواهند ساخت، بلکه من ایشان را از همه ارتدادی که بدان گناه ورزیده‌اند، نجات داده، طاهر خواهم ساخت؛ آنگاه ایشان قوم من خواهند بود و من خدای

ایشان. خادم من داوود پادشاه ایشان خواهد بود و جملگی یک شبان خواهند داشت. و مطابق قوانین من سلوک خواهند کرد و فرایض مرا نگاه داشته، آنها را به جا خواهند آورد و در سرزمینی که به خادم خویش یعقوب بخشیدم ساکن خواهند شد، جایی که پدرانشان مسکن داشتند. ایشان و فرزندان ایشان و فرزندان فرزندان ایشان تا ابد در آنجا سکونت خواهند داشت و خادم من داوود تا ابد فرمانروای ایشان خواهد بود" (حزقیال ۳۷: ۲۱-۲۵).

در باب قبل (حزقیال باب ۳۶) پیام مشابهی مانند وادی استخوان ها وجود دارد و دقیقا شامل سه مرحله است:

حزقیال ۳۶: ۱۶-۲۰	مرحله ۱	مردم اسرائیل پراکنده شده و به خاطر شرارتشان مجازات می شوند
حزقیال ۳۶: ۲۱-۲۴	مرحله ۲	خدا باز آنها را دور هم جمع خواهد کرد
حزقیال ۳۶: ۲۵-۲۸	مرحله ۳	مردم اسرائیل تغییر می کنند و خدا را خواهند شناخت

تاریخ	تعداد
۱۸۳۹	۶۰۰۰
۱۹۱۴	۶۰۰۰۰
۱۹۳۱	۱۷۵۰۰۰
۱۹۴۱	۴۷۴۰۰۰
۱۹۴۸	۷۱۶۰۰۰
۲۰۰۵	۶۹۵۰۰۰۰

ارقام تقریبی جمعیت
یهودیان در سرزمین
فلسطین/اسرائیل

این پیشگویی در مورد عذاب های یهودیان است که در سال ۱۵۰۰ قبل از میلاد مسیح نوشته شده است:

"و خداوند شما را در میان تمامی قومها، از یک کران زمین تا کران دیگر، پراکنده خواهد ساخت. در آنجا خدایان غیر را از چوب و سنگ، که نه خود می‌شناختید و نه پدرانتان، عبادت خواهید کرد. در میان آن قومها روی آسایش نخواهید دید و برای کف پایتان جای استراحت نخواهید یافت، بلکه خداوند در آنجا به شما دل لرزان و چشمان کم‌سو و روح پژمرده خواهد داد. جان شما پیش رویتان معلق خواهد بود و شب و روز شما در ترس سپری خواهد شد و از زنده ماندن خود مطمئن نخواهید بود. به سبب هراسی که به دل خواهید داشت و چیزهایی که به چشم خواهید دید، صبحگاهان خواهید گفت: کاش که شب می‌شد! و شامگاهان خواهید گفت: کاش که صبح فرا می‌رسید" (تثنیه ۲۸: ۶۴-۶۷).

یهودیان شاهدان خدا هستند

خدا از یهودیان خواست تا برای دیگر امت‌ها الگویی برای پرستش باشند. اما آنها شکست خوردند و خدا را نا امید کردند. با این حال آنها هنوز شاهدان خدا هستند. خدا با پیشگویی های خود در مورد آنها به امت های دیگر نشان داد که او خدای راستین و زنده است:

"پس به خاندان اسرائیل بگو، خداوندگار یهوه چنین می‌فرماید: ای خاندان اسرائیل، من نه به‌خاطر شما، بلکه به‌خاطر نام قدوس خود عمل خواهم کرد، نامی که شما آن را در میان مللی که به میانشان رفتید، بی‌حرمت ساخته‌اید. من نام عظیم خود را تقدیس خواهم کرد، نامی را که در میان ملت‌ها بی‌حرمت شده است و شما آن را در میان ایشان بی‌حرمت ساخته‌اید؛ و خداوندگار یهوه می‌فرماید که چون در میان شما قدوسیت خود را در نظر ملت‌ها آشکار سازم، آنگاه ایشان خواهند دانست که من یهوه هستم. من شما را از میان ملل خواهم گرفت و از همه ممالک گرد آورده، به سرزمین خودتان در خواهم آورد" (حزقیال ۳۶: ۲۲-۲۴).

پیشگویی خدا در مورد دوباره جمع کردن یهودیان در سرزمین شان مربوط به هزاران سال پیش است. تقریباً تمام ملت‌هایی که در زمان این پیشگویی حضور داشتند، از بین رفته‌اند. اما یهودیان نجات پیدا کردند. مردم برای نابود کردن یهودیان تمام تلاش خود را کردند. در زمان جنگ جهانی دوم، هیتلر تمام یهودیان اروپا را از بین برد و بیش از شش میلیون نفر در شرایطی وحشتناک کشته شدند.

با این حال یهودیان هنوز وجود دارند و همانطور که پیشگویی شد، با اینکه به خدا ایمان نداشتند، باز هم در حال بازگشت به سرزمین خود هستند. یهودیان شاهدان قدرت و اختیار خدا هستند. آنها نشانه ای از این واقعیت اند که خدا همچنان وجود دارد و در حال اجرای نقشه های خود برای زمین است.


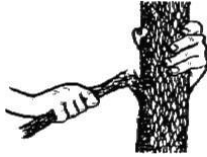


ولی همانطور که قبلاً گفته شد یهودیان تغییر خواهند کرد و بی ایمان نخواهند ماند. در درس ۱۱ توضیح داده شد که آنها در هنگام بازگشت مسیح راه خدا را خواهند آموخت. ارمیا این واقعه را پیشگویی کرده بود:

"اما خداوند می گوید: این است عهدی که پس از آن ایام با خاندان اسرائیل خواهم بست: شریعت خود را در باطن ایشان خواهم نهاد و بر دلشان خواهم نگاشت، و من خدای ایشان خواهم بود و ایشان قوم من خواهند بود. دیگر کسی به همسایه یا به برادرش تعلیم نخواهد داد و نخواهد گفت خداوند را بشناسید. زیرا خداوند می گوید، همه از خرد و بزرگ مرا خواهند شناخت، از آن رو که تقصیر ایشان را خواهم آمرزید و گناهشان را دیگر به یاد نخواهم آورد" (ارمیا ۳۱: ۳۳-۳۴).

غیر یهودیان چه خواهند شد؟

در عهد عتیق ایمانداران غیر یهودی مانند روت و راحاب اجازه پیوستن به یهودیان در هنگام پرستش را داشتند. یهودیان زیادی در زمان مسیح به اشتباه می پنداشتند که خدا هیچ علاقه ای به غیر یهودیان ندارد. آنها فکر می کردند چون از نوادگان ابراهیم و یعقوب بودند، پس تنها خودشان شایستگی برکت خدا را دارند. اما خدا می خواهد که همه، اعم از یهودی و غیر یهودی توبه کنند و نجات را دریافت نمایند. خدا به پطرس رسول نشان داد که غیر یهودیان نیز در نقشه رستگاری و نجات خدا حضور داشتند (اعمال رسولان باب ۱۰).

پولس رسول سالیان درازی را صرف آموزش غیر یهودیان کرد. در نامه ای به غیر یهودیان رومی از تصویر درخت زیتون استفاده کرد تا توضیح دهد که چگونه غیر یهودیان می توانند در برکات وعده داده شده خدا با ابراهیم و نوادگانش سهیم باشند. آنها نیز همانند ابراهیم می توانند در هنگام بازگشت مسیح زندگی جاودان را دریافت کنند. در باب ۱۱ رومیان در مورد مثل درخت زیتون بخوانید (به خصوص آیات ۱۳ تا ۲۵) و به هشدار پولس دقت کنید. این مثل در مورد یهودیان و غیر یهودیان است و در شکل زیر توصیف شده است:

<p>۱</p>  <p>اسرائیل همانند یک درخت زیتون توصیف شده است.</p>	<p>۲</p>  <p>بعضی از این شاخه ها شکسته شدند. این شاخه های شکسته شده نماد اسرائیلی هایی هستند که به خدا ایمان ندارند (آیات ۱۷ تا ۲۰)</p>
<p>۳</p>  <p>شاخه های درختان وحشی می توانند به این درختان زیتون بپیوندند که نمایانگر غیریهودیان ایماندار می باشند (آیه ۱۷).</p>	<p>۴</p>  <p>و شاخه های اصلی درخت نیز دوباره پیوند زده خواهند شد. خداوند با آغوشی باز به یهودیانی که دوباره به او باز می گردند، خوش آمد می گوید (آیه ۲۳).</p>

یهودیان چون همچنان شاهدان خدا می باشند، بنابراین هنوز اخبار مربوط به یهودیان به گوش می رسد. جنگ میان یهودیان و اعراب همچنان ادامه دارد و به ملت های دیگر نیز کشیده می شود. زکریا ۱۲: ۳ اورشلیم را اینگونه توصیف می کند:

"در آن روز اورشلیم را برای همه ملتها سنگی بس وزین خواهم ساخت. هر که آن را بلند کند، سخت مجروح خواهد شد. همه قومهای جهان بر ضد آن گرد خواهند آمد" (زکریا ۱۲: ۳).

این زمانی است که مسیح به زمین باز می گردد و صلح و سلامتی باز برقرار می شود. یهودیان و غیر یهودیان از برکات زندگی در هزاره لذت خواهند برد. اشعیا ۱۹: ۲۳-۲۵ نشان می دهد که اعراب نیز در این زمان وجود دارند:

"در آن روز شاهراهی از مصر به آشور خواهد بود. آشوریان به مصر و مصریان به آشور خواهند رفت، و مصریان با آشوریان عبادت خواهند کرد و در آن روز، اسرائیل متحد سوم با مصر و آشور خواهد شد، و این سه در جهان مایه برکت خواهند بود و خداوند لشکرها ایشان را برکت داده، خواهد گفت: قوم من مصر، و صنعت دستم آشور، و میراثم اسرائیل مبارک باشند" (اشعیا ۱۹: ۲۳-۲۵).

خلاصه

- یهودیان برای حدود ۲۰۰۰ سال در میان امت‌ها پراکنده بودند و در این زمان رنج‌های زیادی را متحمل شدند.
- امروزه خدا آنها را به سرزمین اسرائیل باز می‌گرداند، همانطور که مدتی پیش گفته شده بود.
- در سال ۱۹۴۸ اسرائیل به رسمیت شناخته شد.
- یهودیان شاهدان خدا هستند. آنها نمایانگر حضور خدا بوده و همینطور نشان می‌دهند که خدا در حال اجرای نقشه‌هایش برای زمین است.
- بسیاری از یهودیان هنگام بازگشت مسیح تغییر خواهند کرد و او را بعنوان پادشاه خواهند پذیرفت.
- خدا می‌خواهد که همه، اعم از یهودی و غیر یهودی توبه کنند و رستگار شوند.

آیاتی جهت مطالعه:

(مزامیر ۷۲: ۸) "باشد که از دریا تا به دریا فرمان براند و از نهر تا به کرانه‌های زمین".

(تثنیه ۳۰: ۱-۶)

(حزقیال باب ۳۶)

(زکریا باب ۱۴)

(رومیان باب ۱۱).

درس پانزدهم: وعده های خدا به داوود

مطالعه: ۲ سموئیل باب ۷

آیه ای کلیدی

چرا در اولین آیه عهد جدید عیسی مسیح فرزند داوود و فرزند ابراهیم معرفی شده است؟

"کتاب تاریخچه عیسی مسیح، پسر داوود، پسر ابراهیم" (متی ۱: ۱).

به این دلیل است که خدا می خواهد وعده مهمی را که در مورد عیسی مسیح در عهد عتیق بسته است را یادآور شود. ما می دانیم که مسیح نسل وعده داده شده به ابراهیم است (درس دوازده). او نسل خاص وعده داده شده به داوود نیز می باشد.

چرا خدا با داوود عهد بست؟

همانند ابراهیم، داوود نیز مردی ایماندار بود. داوود هزار سال قبل از تولد مسیح زندگی می کرد. او نیز در محل تولد مسیح، یعنی بیت الحم، شهر کوچکی در نزدیکی اورشلیم به دنیا آمد. او کوچکترین فرزند یسی بود.

بسیاری از قسمت های مزامیر در کتاب مقدس توسط داوود نوشته شده است. این مزامیر نشان دهنده عشق او به خدا و کلام اوست. به همین دلیل است که او "مرغوب دل خدا" توصیف شد (اعمال رسولان ۱۳: ۲۲).

زمانی که شاول، پادشاه اسرائیل بود، خدا داوود را بعنوان پادشاه بعدی برگزید. زمانی که خدا سموئیل نبی را برای مسح پادشاه آینده به خانه یسی فرستاد، داوود یک چوپان جوان بود. سموئیل از اینکه خدا فرزند بزرگ بسی را انتخاب نکرده بود متعجب بود. اما خدا به او گفت:

"اما خداوند به سموئیل گفت: به سیما و قامت بلندش منگر، زیرا او را رد کرده ام. خداوند همچون انسان نمی نگرده؛ انسان به ظاهر می نگرده، اما خداوند به دل" (۱ سموئیل ۱۶: ۷).

خدا بخاطر چیزی که در قلب داوود دید، خوشنود بود. ما باید به خاطر داشته باشیم که خدا قادر به دیدن قلب های ما نیز می باشد. در اول سموئیل باب ۱۷ در مورد ایمان داوود می خوانیم. امت اسرائیل از جانب فلسطینیان تهدید می شدند. لشکر فلسطینی توسط مبارزی به نام جلیات هدایت می شد. او مردی عظیم الجثه بود. شاول پادشاه و لشکرش از جلیات می ترسیدند و در ایمان به خدا نیز شکست خورده بودند. داوود جوان می دانست تنها در صورتی می تواند دشمن را شکست دهند که از

خدا کمک بگیرند. او با ایمان به خدا و تنها با یک زنجیر و پنج سنگ به جنگ با جلیات رفت و او را کشت. بعد از این لشکر فلسطینیان گریختند. به واسطه ایمان داوود به خدا مردم اسرائیل از دست دشمن نجات یافتند.

شائول به موفقیت داوود حسادت ورزید. در فرصت های بسیاری سعی بر کشتن داوود داشت. داوود فراری شده بود. این مشکلات او را برای زمان پادشاهی آماده ساخت. کتاب مقدس به ما می آموزد که ایمانداران واقعی در زندگی خود به مشکلات زیادی برخورد می کنند و به واسطه ایمانشان رشد می کنند.

هنگامی که شائول دنبال داوود بود فرصت های زیادی پیش آمد که داوود می توانست شائول را بکشد و تاج پادشاهی را بر سر نهد. اما داوود می دانست که این اشتباه است و شائول، پادشاه مسح شده خداست و اگر او این کار را می کرد خدا داوود را از بین می برد. داوود مردی درستکار بود که اجازه داد خدا اتفاقات زندگی اش را کنترل کند. این می تواند درس دیگری برای ما باشد.

داوود پادشاه شد

بعد از مرگ شائول، داوود پادشاه مردم شد و از اورشلیم جایی که معبدی در آن ساخت، حکومت می کرد. داوود نگران صندوقچه خدا بود. صندوقچه از طلا پوشیده شده بود که نمادی از حضور خدا در قلب مردمان امتش بود. از زمان موسی صندوقچه در مذبح نگهداری می شد که مکانی خاص برای ملاقات خدا و مردمانش بود.

قبل از پادشاهی شائول فلسطینیان صندوقچه را برده بودند. بعد ها بازگردانده شد ولی در مذبح قرار نگرفت. داوود قصر بزرگی داشت و می خواست خانه ای برای خدا (معبد) و برای قرار دادن صندوقچه در اورشلیم بسازد.

داوود، ناتان نبی را از قصدش با خبر ساخت. آن شب خدا با ناتان صحبت کرد و پیامی برای داوود فرستاد. این پیام شامل وعده های خدا به داوود بود.

پیام خدا به داوود

خدا به داوود گفت که برایش خانه ای نسازد. در عوض وعده داد که خانه ای برای داوود خواهد ساخت:

"... خداوند به تو اعلام می کند که او برایت خانه ای خواهد ساخت" (۲ سموئیل ۷: ۱۱).

و بعد خدا وعده های دیگری نیز داد:

"... آنگاه که روزهای عمرت به سر آید و نزد پدران خود بیارامی، کسی را که از نسل تو و پارهٔ تنّت باشد پس از تو بر خواهم افراشت، و سلطنتش را استوار خواهم ساخت" (۲ سموئیل ۷: ۱۲).

در اینجا کلمه ذریت بکار برده شده است. در این آیه این کلمات به فرزندی خاص اشاره دارد و منظورش تمامی نوادگان نیست. چون آیه کاملا مشخص کرده است که سلطنت او را پایدار خواهد کرد (برای درک بهتر کلمه ذریت، نسل و نوادگان به درس ۱۲ مراجعه کنید).

خدا در مورد فرزند وعده داده شده گفت: "اوست که برای نام من خانه‌ای بنا خواهد کرد و من تخت پادشاهی او را تا به ابد استوار خواهم ساخت" (۲ سموئیل ۷: ۱۳). آیه ۱۶ نشان می دهد که به کرسی پادشاهی داوود و کرسی پادشاهی خدا اشاره دارد.

توجه داشته باشید که این وعده ها باید بعد از مرگ داوود به حقیقت می پیوست و زمانی اتفاق می افتاد که: "روزهای عمرت به سر آید و نزد پدران خود بیارامی" (۲ سموئیل ۷: ۱۲). این وعده ها اینگونه خلاصه می شوند:

- خدا به داوود وعده پسری خاص داد که بر تخت پادشاهی داوود (که پادشاهی خداست) حکومت خواهد کرد.
- خدا وعده داد که خانه ای برای داوود بنا خواهد کرد.
- خدا وعده داد که پسر موعود برای نام او خانه ای خواهد ساخت.

درک وعده ها

۱. پسری خاص که پادشاهی اش تا به ابد برقرار خواهد بود:

پسر وعده داده شده بسیار مهم بود. خدا در مورد او می گوید: "من او را پدر خواهم بود و او مرا پسر" (۲ سموئیل ۷: ۱۴). این آیه نشان می دهد که ذریت وعده داده شده به داوود، پسر خدا یعنی همان عیسی مسیح است.

داوود پسری به نام سلیمان داشت. وعده های خدا به داوود تقریبا از طریق سلیمان به حقیقت پیوست. او بعد از داوود پادشاهی کرد و معبد خدا را ساخت. اگر چه تمامی وعده های خدا از طریق او به حقیقت نپیوست، زیرا:

- سلیمان زمانی به پادشاهی رسید که داوود هنوز زنده بود.
- برای همیشه پادشاهی نکرد

• او پسر خدا نبود

زمانی وعده های خدا به داوود به حقیقت می پیوندد که عیسی مسیح بازگردد و پادشاهی خدا را دوباره برقرار کند و از تخت داوود در اورشلیم فرمانروایی کند، زیرا:

- عیسی از طرف مادرش مریم از نسل داوود است، پس می تواند فرزند داوود خوانده شود.
- برای همیشه فرمانروایی خواهد کرد.
- خدا پدر اوست.

عهد جدید نیز این موضوع را که مسیح پسر خاص داوود است تایید می کند. در باب ۱ لوقا در مورد فرشته ای می خوانیم که بر مریم نازل شده و به او وعده فرزندی به نام عیسی را می دهد. این پسر از یک پدر زمینی به دنیا نخواهد آمد بلکه توسط قدرت خدا. به مریم گفته شد:

"روح القدس بر تو خواهد آمد و قدرت خدای متعال بر تو سایه خواهد افکند. از این رو، آن مولود مقدس و پسر خدا خوانده خواهد شد" (لوقا ۱: ۳۵).

در مورد این پسر فرشته به مریم توضیح داد:

"او بزرگ خواهد بود و پسر خدای متعال خوانده خواهد شد. خداوند خدا تخت پادشاهی پدرش داوود را به او عطا خواهد فرمود. او تا ابد بر خاندان یعقوب سلطنت خواهد کرد و پادشاهی او را هرگز زوالی نخواهد بود" (لوقا ۱: ۳۲-۳۳).

وعده های داده شده به داوود (۲ سموئیل باب ۷):	وعده های داده شده به مریم (لوقا باب ۱):
پسری که از تخت خودش داوود سلطنت کند	پسر او بر تخت داوود خواهد نشست
پادشاهی پسر تا به ابد ادامه خواهد داشت	برای پادشاهی پسر او پایانی نخواهد بود
<p>خدا از ما می خواهد تا این دو بخش را به هم ربط دهیم!</p> <p>فرزند وعده داده شده به داوود، همان فرزندی بود که مریم به دنیا آورد - فرزند خدا</p>	

پولس رسول در مورد شخصیت شگفت انگیز داوود بسیار نوشته است و همین طور نشان می دهد که عیسی مسیح نسل وعده داده شده به داوود است:

"... داوود پسر یسا را دلخواه خویش یافتیم؛ او خواست مرا به طور کامل به جا خواهد آورد. از نسل همین مرد، خدا طبق وعده خود، نجات‌دهنده یعنی عیسی را برای اسرائیل فرستاد" (اعمال رسولان ۱۳: ۲۲-۲۳).

۲. خدا خانه ای برای داوود برپا خواهد کرد:

به داوود اجازه داده نشد که خانه خدا را بسازد و پسرش سلیمان این کار را انجام داد و این خانه مرکز پرستش اسرائیل شد. یک ساختمان واقعی بود که داوود قبل از مرگش مصالح لازم را مهیا کرده بود.

کلمه "خانه" معمولاً به ساختمانی اشاره دارد. ولی می‌تواند در مورد یک خانواده با یک سرگذشت مهم نیز باشد. مثلاً در بریتانیا به خانواده سلطنتی "خانه ویندسور" گفته می‌شود و کلمه خانه به خانواده ای بزرگ اشاره می‌کند. پس زمانیکه به مریم گفته شد: "او تا ابد بر خاندان یعقوب سلطنت خواهد کرد" (لوقا ۱: ۳۳)، این حقیقت داشت.

وقتی خدا گفت که برای داوود خانه ای بنا خواهد کرد، منظورش خانواده ای سلطنتی بود. خانواده ای که برای همیشه باقی می‌ماند (۲ سموئیل ۷: ۱-۱۹) و این به ذریت داوود اشاره دارد که عیسی مسیح بعنوان پادشاه آینده دنیا می‌شود.

۳. پسر وعده داده شده نیز معبدی برای نام خدا خواهد ساخت:

وقتی خدا در مورد مسیح گفت: "اوست که برای نام من خانه‌ای بنا خواهد کرد" (۲ سموئیل ۷: ۱۳) منظور خدا یک خانه نبود، بلکه یک خانواده بود. خانه ای که (خانواده ای) که مسیح می‌سازد، همان خانواده خداست. خانواده ای از ایمانداران در تمام دوره‌ها. کتاب مقدس خانواده خود را معبدی معنوی معرفی می‌کند. وقتی پولس رسول در افسسیان ۲: ۱۹-۲۱ خطاب به غیر یهودیان می‌نوشت، به این خانه بزرگ از ایمانداران اشاره کرد:

"پس دیگر نه بیگانه و اجنبی، بلکه هموطن مقدسین و عضو خانواده خدایید و بر شالوده رسولان و انبیا بنا شده‌اید، که عیسی مسیح خود سنگ اصلی آن بناست. در او تمامی این بنا به هم می‌پیوندد و به صورت معبدی مقدس در خداوند بر پا می‌شود" (افسیان ۲: ۱۹-۲۱).

مروری بر وعده های خدا به داوود (۲ سموئیل باب ۷):

آیات	متن	نکات
۱۱	"خداوند به تو اعلام می کند که او برایت خانه ای خواهد ساخت."	خدا خانواده داوود که شامل عیسی می شود را خواهد ساخت
۱۲	"آنگاه که روزهای عمرت به سر آید و نزد پدران خود بیارامی، کسی را که از نسل تو و پارهٔ تنّت باشد پس از تو بر خواهیم افراشت و سلطنتش را استوار خواهیم ساخت."	وقتی که زندگی داوود تمام شد و او مُرد، خدا یکی از نوادگانش را از مرگ بر خواهد خیزانید و خدا خود پادشاهی آن شخص را بر پا خواهد کرد.
۱۳	"اوست که برای نام من خانه ای بنا خواهد کرد و من تخت پادشاهی او را تا به ابد استوار خواهم ساخت."	آن شخص برای خدا خانه ای می سازد (سلیمان معبد را ساخت، مسیح خانه معنوی را می سازد). خدا پادشاهی مسیح را تا به ابد حمایت خواهد کرد (سلیمان برای همیشه فرمانروایی نکرد)
۱۴	"من او را پدر خواهم بود و او مرا پسر. چون خطا ورزد، او را به عصای آدمیان و به تازیانه های بنی آدم ادب خواهم کرد."	خدا پدر آن فرزند می باشد که از خاندان داوود است و آن فرزند، پسر خدا می شود (مسیح پسر خداست). مسیح هرگز گناه نکرد، اما می خوانیم که او باید اطاعت را بیاموزد (عبرانیان ۵: ۸).

پادشاه یهودیان

به داوود وعده پسری داده شد که برای همیشه فرمانروایی می کند. قسمت های دیگر کتاب مقدس نشان می دهند که عیسی مسیح آن پادشاه خواهد بود. مردان خردمندی که به پرستش عیسی جوان آمده بودند پرسیدند: "کجاست آن مولود که پادشاه یهود است؟" (متی ۲: ۲). وقتی مسیح دستگیر شد و نزد پیلاتس برده شد، پیلاتس از او پرسید "آیا تو پادشاه یهودی؟". مسیح پاسخ داد: "تو خود چنین می گویی" (مرقس ۱۵: ۲). این یک روش یهودی برای تایید است. مسیح به زمین باز می گردد تا پادشاه یهودیان شود و بر اورشلیم حکمرانی کند و کتاب مقدس آن را کرسی داوود توصیف کرده است.

پادشاهی که تمام دنیا را در بر خواهد گرفت

عیسی مسیح در هنگام بازگشت به زمین تنها پادشاه یهودیان نخواهد بود. پادشاهی آینده خدا بر اورشلیم است ولی کل زمین را در بر خواهد گرفت و مسیح بر تمامی امت ها بعنوان پادشاه فرمانروایی خواهد کرد. خدا درباره او در مزامیر باب ۷۲ می گوید:

"باشد که از دریا تا به دریا فرمان براند، و از نهر تا به کرانه های زمین... باشد که همه پادشاهان در برابرش سر فرود آرند و همه قومها خدمتش کنند" (مزامیر ۷۲: ۱۱ و ۸).

امیدی برای ایمانداران واقعی

در باب ۲ اعمال رسولان پطرس رسول به ما می گوید مرده بود و در قبر بود (آیه ۲۹) و به آسمان نرفته بود (آیه ۳۴). ابراهیم، داوود و بسیاری از ایمانداران با این باور از دنیا رفتند که زمان بازگشت مسیح از قبرها برخیزانده خواهند شد و به آنها زندگی جاودان بر روی زمین داده خواهد شد. اما در عبرانیان ۱۱: ۳۹-۴۰ می بینیم که زندگی جاودان فقط برای آن افراد ایماندار نیست و به ما نیز تعلق خواهد گرفت:

"اینان همه به سبب ایمانشان به نیکویی یاد شدند. با این حال، هیچ یک آنچه را که بدیشان وعده داده شده بود، نیافتند. زیرا خدا از پیش چیزی بهتر برای ما در نظر داشت تا ایشان بدون ما به کمال نرسند" (عبرانیان ۱۱: ۳۹-۴۰).

خدا از ما می خواهد که پیغام خوش نجاتش را بپذیریم تا بتوانیم در برکت عظیم وعده داده شده به تمام ایمانداران سهیم باشیم.

خلاصه

- به داوود فرزندی خاص وعده داده شد که از تخت سلطنت او (سلطنت خدا برای همیشه پادشاهی کند).
- فرزند خاص داوود عیسی مسیح است. عیسی از طریق مادرش مریم از نوادگان داوود است.
- وعده های خدا به داوود در هنگام بازگشت عیسی مسیح محقق خواهد پیوست. عیسی مسیح باز می گردد تا بر تخت داوود در اورشلیم فرمانروایی کند و پادشاهی خدا را باز برقرار سازد.

آیاتی جهت مطالعه:

(۱ تواریخ ۱۷: ۱۱-۱۲) "آنگاه که روزهای عمرت به سر آید و نزد پدران خود رحلت کنی، کسی را که از نسل تو و یکی از پسران خودت باشد پس از تو بر خواهم افراشت، و سلطنتش را استوار خواهم ساخت. اوست که برای من خانه‌ای بنا خواهد کرد، و من تخت پادشاهی او را تا به ابد استوار خواهم ساخت."

۱ سموئیل باب ۱۷

پرسش های بخش چهارم

درس ۱۲: وعده های خدا به ابراهیم

۱-۱۲ وقتی ابرام که بعدها ابراهیم نامیده شد در اور زندگی می کرد خدا به او چه گفت؟

۲-۱۲ الف) خدا وعده داد که فرزندان ابراهیم امتی بزرگ خواهند بود. منظور کدام امت است؟

ب) نام فرزند وعده داده شده به ابراهیم و سارا که از این امت پدید آمد چه بود؟

۳-۱۲ الف) کدام سرزمین برای همیشه به ابراهیم وعده داده شد؟

ب) آیا سرزمین وعده داده شده به ابراهیم بر زمین بود یا آسمان؟

پ) آیه ای بیاورید که نشان دهد سرزمین وعده داده شده هم برای ابراهیم بود و هم برای فرزندان او.

ت) آیا ابراهیم سرزمین وعده را دریافت کرد؟

ث) آیا خدا عهد خود را می شکند؟

ج) ابراهیم چه زمانی سرزمین وعده داده شده را دریافت خواهد کرد؟

۴-۱۲ الف) خدا به ابراهیم گفت که با اسحاق چه کند؟

ب) به نظر شما چرا خدا از او خواست که چنین کاری کند؟

پ) از روش برخورد ابراهیم چه می آموزیم؟

ت) به نظر شما چرا ابراهیم فکر می کرد که خدا اسحاق را از مردگان برخواند؟

۵-۱۲ اعمال رسولان ۳: ۲۵-۲۶ قسمتی از سخنرانی پطرس برای یهودیان است:

الف) عهدهایی که با ابراهیم بسته شد و در آیه ۲۵ نقل شده را بنویسید.

ب) آن نسل خاص که با خود برکت می آورد چه کسی خواهد بود؟

پ) آن برکت چیست؟

ت) چه عبارتی در آیات نشان می دهد که این برکت تنها برای یهودیان نیست؟

۶-۱۲ چگونه می توانیم در وعده های ابراهیم شریک شویم؟

درس ۱۳: یهودیان در تاریخ (بخش اول)

- ۱-۱۳ از کدام شخصیت کتاب مقدس ۱۲ قوم اسرائیل تشکیل می گردد؟
- ۲-۱۳ برادران یوسف با او چه کردند و چرا؟
- ۳-۱۳ موسی مردی بود که توسط خدا انتخاب شد تا مردم اسرائیل را از مصر خارج کند. او چگونه مردی بود (اعمال رسولان ۱۲: ۳ را ببینید)؟
- ۴-۱۳ قوانینی که خدا از طریق موسی در کوه سینا برای مردم فرستاد برای تقدیس آنها بود. الف) چرا جدا بودن از دیگر امت ها برای آنها مهم بود؟
- ب) چرا جدا بودن ایمانداران از دیگر انسان های دنیا مهم است؟
- پ) مثال هایی از اینکه مسیحیان از چه طریقی می توانند از دیگران جدا باشند بنویسید.
- ۵-۱۳ شنبه روز سبت یهودیان بود. مهم است که یک روز را در هفته برای پرستش جدا کنیم. آیا آن روز باید روز سبت باشد؟
- ۶-۱۳ زمانی که اسرائیل خدا را بعنوان پادشاه نپذیرفت، اولین پادشاه آنان که بود؟

۷-۱۳ الف) چرا خدا اجازه داد که مردمانش بعنوان اسیر وارد سرزمین های دیگر شوند؟

ب) مردمان یهودا به چه سرزمین هایی برده شدند؟

پ) چه مدت در آنجا ماندند؟

ت) زمانی که به سرزمین خود بازگشتند چه کردند؟

۸-۱۳ ۴۰ سال بعد از مرگ مسیح چه اتفاقی برای یهودیان افتاد؟

درس ۱۴: یهودیان در تاریخ (بخش دوم)

۱-۱۴ پس از زمان مسیح، یهودیان برای حدود ۲۰۰۰ سال در سرتاسر دنیا پراکنده شدند.

الف) کدام قسمت از کتاب مقدس نشان می دهد که آنها در این زمان در عذاب هستند؟

ب) چرا یهودیان اشتیاق زیادی داشتند که کشوری برای خود داشته باشند؟

پ) آنها اکنون در کدام سرزمین مستقر هستند؟

۲-۱۴ جدول زیر را کامل کنید تا معنای پیشگویی وادی استخوان های خشک و مثل درخت زیتون را توضیح دهید:

معانی	نشانه
امت اسرائیل که بدون امید در سرتاسر دنیا پراکنده شدند	استخوان های خشک شده و پراکنده
	استخوان ها به هم متصل شده، ابتدا اسکلت و بعد جسدی را ساختند
تولد دوباره معنوی امت	
	درخت زیتون
از بین بردن اسرائیلی هایی که به خدا اعتقاد ندارند	
	شاخه هایی به درخت وحشی زیتون پیوند زده می شوند
	برخی از شاخه های اصلی نیز برگردانده می شود

۳-۱۴ زکریا ۱۲: ۱۰ در مورد بنی اسرائیلی که در زمان بازگشت مسیح زنده هستند چه می گوید؟

۴-۱۴ کدام آیات در زکریا باب ۱۴ جملات زیر را نشان می دهد؟

الف) تمامی امت ها به نبرد با اورشلیم می آیند

ب) خدا برای اسرائیل می جنگد

پ) عیسی مسیح به کوه زیتون باز می گردد.

ت) افرادی که در مقابل اورشلیم می جنگند به شدت بیمار می شوند

ث) افراد باقی مانده برای پرستش پادشاه به اورشلیم می روند.

درس ۱۵: وعده های خدا به داوود

۱-۱۵ الف) خدا به داوود چه وعده هایی داد؟

ب) فرزند داوود، یعنی سلیمان پس از او حکمرانی کرد و برای خدا خانه ای ساخت (معبد). چگونه می دانیم که وعده های خدا به داوود در سلیمان به حقیقت نپیوست؟

پ) در وعده خدا به داوود فرزند خاص کیست؟

ت) این پسر بر تخت پادشاهی داوود حکمرانی خواهد کرد. پادشاهی داوود کجا بود؟

ث) مریم باکره از نوادگان داوود پادشاه بود. در لوقا ۱: ۳۲ خدا به او وعده داد تا چه چیزی را به پسرش بدهد؟

ج) وعده داده شده در لوقا ۱: ۳۲ چه زمانی به حقیقت خواهد پیوست؟

۲-۵ در اولین آیه عهد جدید عیسی مسیح بعنوان فرزند داوود و فرزند ابراهیم معرفی شده است. چه موارد خاصی در ارتباط با این دو شخص وجود دارد؟

۳-۱۵ الف) اکنون داوود کجاست؟

ب) هنگام بازگشت عیسی مسیح برای داوود چه اتفاقی خواهد افتاد؟

درس شانزدهم: پدر و پسر

مطالعه اشعیا باب ۴۵

رستگاری هدیه ای از سوی خدا

رستگاری هدیه ای از جانب خدا و تنها از طریق فرزندش عیسی مسیح به دست می آید:

"در هیچ کس جز او نجات نیست، زیرا زیر آسمان نامی دیگر به آدمیان داده نشده تا بدان نجات یابیم" (اعمال رسولان ۴: ۱۲).

کتاب مقدس در مورد رابطه خاص خدا و پسرش می نویسد. ما باید در این مورد به درستی تعلیم یابیم تا توانایی درک فداکاری مسیح را داشته باشیم.

خدا یکتاست

کتاب مقدس به ما می گوید که خدای آسمان تنها خدای حقیقی و زنده است. در تثنیه باب ۶: ۴ می خوانیم: "بشنو، ای اسرائیل: یهوه، خدای ما، خداوند یکتاست".

خدا خود می گوید:

"خداوند می فرماید: شما شاهدان من هستید و خادم من که شما را برگزیده ام تا مرا بشناسید و به من ایمان آورید و دریابید که من او هستم. پیش از من خدایی مصور نشده و پس از من نیز نخواهد بود. من، آری من، یهوه هستم و جز من نجات دهنده ای نیست" (اشعیا ۴۳: ۱۰-۱۱).
 "من یهوه هستم و دیگری نیست؛ به جز من خدایی نیست اگرچه مرا نمی شناسی، تو را تجهیز خواهم کرد" (اشعیا ۴۵: ۵).

پولس رسول می گوید:

"بر خدای یکتا، آن پادشاه سرمدی، نامیرا و نادیدنی، تا ابدالابد حرمت و جلال باد؛ آمین" (۱ تیموتائوس ۱: ۱۷).

شکوه و قدرت خدا فرای تصور ما است اما خدا مهربان و رحیم است. او عیسی مسیح را فرستاد تا گناهان کسانی را که واقعا به خدا و فرزندش ایمان می آورند از بین ببرد.

پسر خدا

کتاب مقدس به وضوح این واقعیت را بیان می کند که عیسی مسیح پسر خداست.

"... تا ایمان آورید که عیسی همان مسیح، پسر خداست و تا با این ایمان، در نام او حیات داشته باشید" (یوحنا ۲۰: ۳۱).

"مبارک باد خدا و پدر خداوند ما عیسی مسیح" (۱ پطرس ۱: ۳).

خدا از همه چیز آگاه است و حتی درباره آینده نیز می داند (اشعیا ۴۶: ۸-۱۱). خدا می دانست که آدم و حوا گناه خواهند کرد. بنابراین از همان آغاز نقشه فرستادن فرزندش را کشید. به همین خاطر است که پیشگویی های زیادی از مسیح در عهد عتیق وجود دارد. پس مسیح از همان ابتدا در ذهن و نقشه خدا قرار داشت. وعده های خدا به ابراهیم و داوود وجود مسیح در نقشه خدا را از سالیان قبل از میلاد تایید می کند.

مسیح از قبل وجود نداشت - زندگی او از زمان تولدش آغاز شد.

وقتی تولد اتفاق می افتد زندگی جدید آغاز می شود. تولد عیسی مسیح هم اینگونه بود. برخی بر این باورند که عیسی قبل از تولدش از مریم در آسمان می زیست. اما کتاب مقدس اینگونه نمی گوید. کتاب به ما می آموزد که عیسی بخشی از نقشه خدا از همان ابتدا بود اما حیاتش هنگام تولدش آغاز شد. عیسی قبل از میلادش زندگی نمی کرد.

اول پطرس ۱: ۲۰	معنی
"او پیش از آفرینش جهان انتخاب شد اما در این زمانهای آخر برای شما ظهور کرد."	عیسی در نقشه و ذهن خدا از زمان پیدایش بود اما سالیان بعد به وقوع پیوست

خدا به ارمیا نبی گفت:

"پیش از آنکه تو را در رحم نقش بندم، تو را شناختم و پیش از آنکه به دنیا بیایی، تو را جدا کردم و تو را بر قومها نبی قرار دادم" (ارمیا ۱: ۵).

دقیقا همانطور که ارمیا قبل از میلادش در نقشه خدا بود، عیسی مسیح نیز همانگونه بود. در ابتدای عالم خدا از ایمانداران واقعی خبر داشت آنها در ذهن خدا بودند، اگرچه هنوز حضور واقعی نداشتند. این همان نکته ای است که پولس رسول در مورد ایمانداران واقعی می گوید:

"زیرا پیش از آفرینش جهان، ما را در وی برگزید تا در حضورش مقدّس و بی‌عیب باشیم و در محبت" (افسیان ۱: ۴).

بنابراین زمانی که کتاب مقدس از همین شیوه بیان در مورد عیسی مسیح استفاده می‌کند به این معنا نیست که او قبل از تولدش حضور داشت بلکه نشان می‌دهد عیسی مسیح در ذهن خدا بعنوان کسی که در زمان مناسب متولد می‌شود حضور داشت:

"اما چون زمان مقرر به کمال فرا رسید، خدا پسر خود را فرستاد که از زنی زاده شد و زیر شریعت به دنیا آمد" (غلاطیان ۴: ۴).

تا زمان تولد فرزند مریم، عیسی یک موجود زنده نبود. ۲ تیموتائوس ۱: ۹-۱۰ را نیز مشاهده فرمایید.

دلایل دیگر برای باور این واقعیت که مسیح قبل از میلادش وجود نداشت به شرح زیر است:

- تا قبل از میلاد مسیح چیزی در مورد گفته‌هایش و یا کارهایی که انجام داد در کتاب نمی‌خوانیم (عبرانیان ۱: ۲).
- نامش عیسی، فقط هنگام تولد داده شد (اشعیا ۴۹: ۱).
- در عهد عتیق هیچ نشانه‌ای مبنی بر زندگی کردن پسر خدا در آسمان و پس از آن ظاهر شدنش بر روی زمین نمی‌بینیم.
- مستنداتی که در مورد تولد او وجود دارد، هیچ نشانی از حضور او قبل از میلاد ندارد.

عیسی پیش از مرگ ذاتی انسانی داشت

به دلیل اینکه عیسی مسیح توسط قدرت خدا، یا همان روح القدس متولد شد، بنابراین پسر خداست:

"فرشته پاسخ داد روح القدس بر تو خواهد آمد و قدرت خدای متعال بر تو سایه خواهد افکند. از این رو، آن مولود مقدّس و پسر خدا خوانده خواهد شد" (لوقا ۱: ۳۵).

چون مسیح مادری زمینی به نام مریم داشت، پس از ذاتی همانند ما نیز برخوردار بود. کتاب مقدس به وضوح این واقعیت را نشان می‌دهد که مسیح با ذاتی انسانی متولد شد. مسیح خود را پسر انسان معرفی کرد. پطرس رسول در اعمال رسولان ۲: ۲۲ می‌گوید:

"ای قوم اسرائیل، این را بشنوید: چنانکه خود آگاهید، عیسای ناصری مردی بود که خدا با معجزات و عجایب و آیاتی که به دست او در میان شما ظاهر ساخت، بر حقانیتش گواهی داد" (اعمال رسولان ۲: ۲۲).

در عبرانیان ۲ : ۱۷ می خوانیم که عیسی "لازم بود از هر حیث همانند برادران خود شود". در همین باب می خوانیم از زمانی که "چون فرزندان در خون و جسم شراکت دارند او نیز همچنان در هر دو شریک شد" (آیه ۱۴).

آیات بالا ضرورت داشتن ذات انسانی برای مسیح را نشان می دادند. آیات زیر به توصیف دلایل می پردازد:

آیات	نکات
"هرچند پسر بود، با رنجی که کشید اطاعت را آموخت و چون کامل شد، همه آنان را که از او اطاعت می کنند، منشاء نجات ابدی گشت" (عبرانیان ۵: ۸-۹).	اگر عیسی با ذاتی همانند ذات خدا متولد می شد، دیگر نیازی نبود تا اطاعت را بیاموزد. پس به دلیل داشتن ذات انسانی قابلیت وسوسه و گناه در او بود. عیسی تنها می توانست با شکست دادن وسوسه و آزمایش ها بر گناه غلبه کند.
"زیرا کاهن اعظم ما چنان نیست که نتواند با ضعفهای ما همدردی کند، بلکه کسی است که از هر حیث همچون ما وسوسه شده است، بدون اینکه گناه کند" (عبرانیان ۴: ۱۵).	عیسی مسیح در طول زندگی اش بر زمین همانند ما مورد وسوسه قرار گرفت. اما هرگز گناه نکرد و به این خاطر مسیح همانند ما برای گناه وسوسه شد تا مشکلات ما را کامل درک کند.
"اما عیسی را می بینیم که اندک زمانی پایین تر از فرشتگان قرار گرفت، ولی اکنون تاج جلال و اکرام بر سرش نهاده شده است، چرا که از رنج مرگ گذشت تا بر حسب فیض خدا برای همه طعم مرگ را بچشد" (عبرانیان ۲: ۹).	فرشتگان موجوداتی فناپذیر و بسیار فراتر از انسان ها هستند. اما چون مسیح ذات انسانی داشت اندکی از فرشتگان کمتر شد و تنها به این خاطر بود که او دارای ذات انسانی بود. پس قادر بود بمیرد.

دیدن خدا برای مردان و زنان غیر ممکن است. پس عیسی مسیح ذات خود را به ما نشان داد. به نقل قول از اشعیا نبی، متی ۱: ۲۳ در مورد عیسی می گوید:

"باکره آبستن شده، پسری به دنیا خواهد آورد و او را عِمانوئیل خواهند نامید که به معنی 'خدا با ما' است" (متی ۱: ۲۳).

عیسی مسیح به دلیل شخصیت و روش زندگی خدا گونه اش دقیقاً به ما نشان داد که خدا چگونه است. به همین خاطر اینگونه توصیف شد: "خدا با ما". عیسی بسیار فراتر از مردی معمولی بود.

"زیرا خشنودی خدا در این بود که با همه کمال خود در او ساکن شود" (کولسیان ۱: ۱۹).

عیسی مسیح به دلیل عشق خود به پدر بر تمامی گناهان غلبه کرد و رابطه خاص او با پدرش دلیل اصلی این واقعیت بود. ولی ما می دانیم که غلبه بر گناه برای او بسیار سخت بود. او مصمم بود که در تمامی جهات زندگی اش خواسته های پدر را انجام دهد و نه خواسته های خود. به دلیل اینکه مسیح توانست بر گناه و مرگ غلبه کند، ما نیز می توانیم امید به زندگی جاودان داشته باشیم.

عیسی ذات انسانی داشت. تنها به این دلیل که او مورد آزمایش قرار گرفت و بر گناه غلبه کرد و بر روی صلیب مرد.

مسیح ذاتی خدایی داشت

عیسی مسیح پس از رستاخیزش ذاتی با شکوه همانند پدر به دست آورد (ذاتی جلال یافته). این واقعیت بدین معنا است که او نمی تواند گناه کنند و هرگز نمی میرد. خدا او را به مرحله ای بالاتر از فرشتگان رسانید و اکنون او بر دست راست خدا در آسمان نشسته است. هیچ چیز بزرگتری غیر از خدا در دنیا وجود ندارد. در اعمال رسولان ۲: ۳۶ پطرس به یهودیان می گوید:

"که خدا این عیسی را که شما بر صلیب کشیدید، خداوند و مسیح ساخته است" (اعمال رسولان ۲: ۳۶).

خدا به مسیح در همه چیز قدرت داد. مسیح بعد از رستاخیزش گفت:

"تمامی قدرت در آسمان و بر زمین به من سپرده شده است" (متی ۲۸: ۱۸).

عیسی مسیح اکنون	عیسی مسیح قبل از مرگ
وسوسه نمی شود و گناه نمی کند	وسوسه شد و قادر به گناه بود
جاودانه است. هر گز نمی میرد و دردهای فیزیکی را احساس نمی کند.	فانی بود پس درد را احساس می کرد، مریض می شد و می میرد
عظیم تر از فرشتگان است	اندکی از فرشتگان کمتر بود

متن زیر خلاصه ای است:

نکات	فیلیپیان ۲: ۶-۱۱
عیسی مسیح به شکل خدا بود. چون خدا پدر او بود و او همیشه کلام خدا را بیان می کرد، نه کلام خود و پذیرفته بود که خدا از او بزرگتر است. مانند یک انسان متولد شد، اما از خود خادمی برای همه ساخت.	"او که هم ذات با خدا بود از برابری با خدا به نفع خود بهره نجست، بلکه خود را خالی کرد و ذات غلام پذیرفته، به شباهت آدمیان درآمد."
مسیح شرم و عذاب صلیب را پذیرفت و پدر را در همه چیز، حتی مرگ بر روی صلیب اطاعت کرد.	"و چون در سیمای بشری یافت شد خود را خوار ساخت و تا به مرگ، حتی مرگ بر صلیب مطیع گردید."
به دلیل فرمانبرداریش خدا به مسیح برتری داد و از تمام موجودات خواست که فرزندش را ستایش کرده و به او جلال بخشند، این کار باعث جلال بخشیدن به خدا نیز می گردد.	"پس خدا نیز او را به غایت سرافراز کرد و نامی برتر از همه نامها بدو بخشید، تا به نام عیسی هر زانویی خم شود، در آسمان، بر زمین و در زیر زمین، در آسمان، بر زمین و در زیر زمین، و هر زبانی اقرار کند که عیسی مسیح 'خداوند' است، برای جلال خدای پدر."

ایده ای اشتباه

عده زیادی از مردم نسبت به تعالیم کتاب مقدس بی اعتنا هستند و به تثلیث اعتقاد دارند. این افراد می پندارند که خدا همیشه سه شخص است: خدای پدر، خدای پسر و خدای روح القدس که همه با هم برابرند. تثلیث ادعا می کند که مسیح خدای پسر است و همچنین از قبل وجود داشت. (در مورد روح القدس و عطایای آن در درس ۲۰ خواهیم خواند).

کلمه تثلیث و واژه های "خدای پسر" و "خدای روح القدس" در کتاب مقدس وجود ندارد. ما همه شاهد تعالیم صریح کتاب مقدس در مورد یگانگی خدا و فرزند او عیسی مسیح بوده ایم. همانطور که یک فرزند مطیع، نزد پدر عزیز است، عیسی مسیح نیز نزد خدا اینگونه بود. مسیح هرگز خود را با خدا یکی نخواند بلکه خود را در همه چیز وابسته به پدر می دانست. او گفت:

"آمین، آمین، به شما می گویم که پسر از خود کاری نمی تواند کرد مگر کارهایی که می بیند پدرش انجام می دهد؛ زیرا هر چه پدر می کند، پسر نیز می کند" (یوحنا ۵: ۱۹).

(یوحنا ۳: ۳۵)، (یوحنا ۵: ۳۰)، (یوحنا ۷: ۱۶)، (یوحنا ۸: ۲۸)، (یوحنا ۱۲: ۴۹-۵۰)، (یوحنا ۱۴: ۲۴-۲۸) را نیز مطالعه فرمایید.

در یوحنا ۱۰: ۳۰ عیسی می گوید: "من و پدر یکی هستیم". منظور عیسی این نبود که آن دو برابر می باشند. چون در آیه قبل گفت: "پدر من از همه بزرگتر است" (یوحنا ۱۰: ۲۹). منظور مسیح این بود که پدر و او در ذهن و هدف متحدند. و دعا کرد که یارانش نیز اینگونه باشند:

"تا همه یک باشند، همان گونه که تو ای پدر در من هستی و من در تو. چنان کن که آنها نیز در ما باشند، تا جهان ایمان آورد که تو مرا فرستاده ای" (یوحنا ۱۷: ۲۱).

در این آیات از انجیل یوحنا مسیح توضیح می دهد که خدا از او بزرگتر است. در اول قرن تیان ۱۱: ۳ که پس از رستاخیز مسیح نوشته شد مشاهده می کنید که خدا همچنان بزرگتر است. حتی پس از هزاره:

"هنگامی که همه چیز مطیع او گردید، خود پسر نیز مطیع آن کس خواهد شد که همه چیز را زیر پاهای او نهاد، تا خدا کل در کل باشد" (۱ قرن تیان ۱۵: ۲۸).

ایده اشتباه تثلیث در کتاب مقدس آموزش داده نشده است. این نظریه بی اعتنایی به کار بزرگ مسیح در رستگاری ماست. اگر بر طبق ادعای تثلیث مسیح خدای پسر بود او با ذاتی همانند خدا متولد می

شد. پس در برابر گناه وسوسه نمی شد و بر روی صلیب نمی مرد.

عیسی مسیح، میانجی

عیسی مسیح پلی است برای فاصله بین خدا و انسانها. بنابراین او یک میانجی است:

"زیرا تنها یک خدا هست و بین خدا و آدمیان نیز تنها یک واسطه وجود دارد، یعنی آن انسان که مسیح عیسی است" (اول تیموتائوس ۲: ۵).

مسیحیان به واقع سپاسگزار فداکاری عیسی مسیح هستند.

خلاصه

- تنها یک خدا وجود دارد.
- عیسی مسیح پسر خداست و از مریم زاده شد، او خدای پسر نیست.
- عیسی مسیح قبل از مرگش همانند ما ذاتی انسانی داشت. اما چون خدا پدر او بود بسیار فراتر از یک انسان معمولی بود.
- عیسی مسیح پس از رستاخیزش ذاتی همانند خدا دریافت کرد و از فرشتگان فراتر رفت. او اکنون دست راست خدا در آسمان نشسته است. غیر از خدا هیچ موجود بزرگتر دیگری در کل دنیا وجود ندارد.

آیاتی برای مطالعه

(۱ تیموتائوس ۲: ۵) "زیرا تنها یک خدا هست و بین خدا و آدمیان نیز تنها یک واسطه وجود دارد، یعنی آن انسان که مسیح عیسی است".

تثنیه ۶: ۱-۱۵

متی ۱: ۱۸-۲۵

۲ تیموتائوس ۱: ۹-۱۰

عبرانیان باب ۲

درس هفدهم: زندگی مسیح

مطالعه: لوقا باب ۲

پیام خدا به مریم

لوقا ۱: ۳۰-۳۳

"اما فرشته وی را گفت: ای مریم، مترس! لطف خدا شامل حال تو شده است. اینک آبستن شده، پسری خواهی زایید و نامش را عیسی خواهی نهاد. او بزرگ خواهد بود و پسر خدای متعال خوانده خواهد شد. خداوند خدا تخت پادشاهی پدرش داوود را به او عطا خواهد فرمود. او تا ابد بر خاندان یعقوب سلطنت خواهد کرد و پادشاهی او را هرگز زوالی نخواهد بود."

چه پیغام شگفت انگیزی فرشته برای مریم باکره آورد. او پسر خدا را به دنیا خواهد آورد. فرشته به او گفت که خدا از قدرت خود، یعنی روح القدس استفاده خواهد کرد تا پسر را به دنیا آورد و احتیاج به وجود هیچ مردی نیست. نوزاد عیسی نامیده خواهد شد و به معنی "خدا نجات می دهد" می باشد. چون او آمد تا مردم را از گناهانشان نجات دهد (متی ۱: ۲۱).

تولد عیسی در دو باب اول متی و لوقا ثبت شده است. این باب ها هیچ نکته ای مبنی بر وجود عیسی در آسمان پیش از تولدش نشان نمی دهند و این عقیده با کتاب مقدس در مورد تولد عیسی مسیح همخوانی ندارد. زندگی و اعمال عیسی مسیح در اناجیل متی، مرقس، لوقا و یوحنا ثبت شده است. در مورد زندگی او از زمان تولد تا تعمید که سی ساله بود چیز زیادی نمی بینیم. ولی به ما گفته شده که او بعنوان یک کودک در حکمت و قامت و رضامندی نزد خدا و مردم ترقی می کرد (لوقا ۲: ۵۲). کتاب مقدس هرگز در مورد مسیح اینگونه نمی گوید که او پیش از تولد انسانی کامل بود که در آسمان زندگی می کرد و این صرفاً عقیده اشتباه بعضی از مردم است.

تعمید عیسی مسیح

عیسی توسط یحیی تعمید دهنده در رود اردن تعمید داده شد. تعمید تنها به معنی پاشیدن آب نیست. بلکه غوطه ور شدن کامل در آب را می طلبد. زمانی که عیسی از آب بیرون آمد روح القدس را دریافت کرد و صدایی از آسمان شنید: "تو پسر محبوب من هستی و من از تو خوشنودم" (مرقس ۱: ۱۰-۱۱). از این طریق خدا موافقت خود را اعلام کرد. مسیح با تعمید گرفتن خود اهمیت تعمید را به ما

نشان می دهد. او پس از تعمید به بیابان رفت، جایی که ابلیس او را تجربه کرد (متی ۴: ۱).

آیا عیسی واقعا توسط ابلیس مورد وسوسه قرار گرفت؟

کتاب مقدس به ما نشان می دهد که وسوسه از ذهن خود ما زاییده می شود (یعقوب ۱: ۱۳-۱۵). هیچ موجود قدرتمند شریری وجود ندارد که باعث وسوسه کردن انسانها شود. پس در بیابان چه اتفاقی افتاد؟

در وسوسه اول به مسیح گفته شد تا سنگ را به نان تبدیل کند (متی ۴: ۲-۴). چون عیسی ۴۰ روز چیزی نخورده بود، بنابراین بسیار گرسنه بود. عیسی مسیح برای پیدا کردن غذا احتیاج به نیرویی شیطانی نداشت. روح القدس به او داده شده بود، پس می توانست وسوسه شود و آن را آزمایش کند. اما می دانست که قدرت خدا فقط جهت انجام خواسته های خدا به کار برده می شود و کاملا اشتباه بود اگر برای اجرای خواسته های خود از آن استفاده می کرد، حتی اگر بسیار گرسنه بود.

متی ۴: ۸-۹

"دیگر بار، ابلیس او را بر فراز کوهی بس بلند برد و همه حکومتهای جهان را با تمام شکوه و جلالشان به او نشان داد و گفت: اگر در برابرم به خاک افتی و مرا سجد کنی، این همه را به تو خواهم بخشید."

نگاهی دقیق تر بر دو وسوسه دیگر نشان می دهد که شخص شیطانی وجود نداشت. اگر بخواهیم کلمات را دقیق معنا کنیم مشکلات آغاز خواهد شد.

برای مثال در وسوسه ای که در متی ۴: ۸-۹ آمده:

الف: هیچ کوهی وجود ندارد که از آن بتوان تمام دنیا را دید. جهان گرد است و عیسی در واقعیت نمی توانست در چنین جایی باشد.

ب: عیسی مسیح کتاب مقدس را خوب می شناخت. او آگاه بود که جهان به خدا تعلق دارد و هیچ کس دیگری توانایی پیشنهاد مالکیت آن را ندارد. در عهد عتیق می خوانیم: "زمین و هر آنچه در آن است از آن خداوند است" (مزمیر ۲۴: ۱) و "آن متعال است که در حکومت بشری حکم می راند و آن را به هر که بخواهد می بخشد" (دانیال ۴: ۳۲).

در لوقا در مورد این وسوسه ها می خوانیم که پادشاهی جهان به عیسی مسیح در لحظه ای داده خواهد شد (لوقا ۴: ۵). این نشان می دهد که وسوسه در ذهن او بود. مسیح می دانست که در پادشاهی آینده خدا قادر خواهد بود بر تمامی جهان حکمرانی کند. پس در ذهن خود توانست پادشاهی جهان را

تصور کند. استفاده از روح القدس برای تصاحب چیزی که خدا در آینده به او وعده داده بود بسیار وسوسه انگیز بود. اما مسیح می دانست که باید از خواسته های پدرش اطاعت کند تا به او کمک کند که بر گناه غلبه کرده و با مرگ خود بر روی صلیب رستگاری را به ارمغان بیاورد.

لوقا ۴: ۹-۱۱

"آنگاه ابلیس او را به شهر اورشلیم برد و بر فراز معبد قرار داد و گفت اگر پسر خدایی، خود را از اینجا به زیر افکن. زیرا نوشته شده است درباره تو به فرشتگان خود فرمان خواهد داد تا نگاهبان تو باشند. آنها تو را بر دستهایشان خواهند گرفت مبادا پایت را به سنگی بزنی."

در وسوسه ای که در لوقا ۴: ۹-۱۱ آمده است، می خوانیم که ابلیس مسیح را به اورشلیم برد. آیا واقعا مسیح یک موجود شیطانی را از صحرا تا اورشلیم دنبال می کرد؟ و به خاطر حرف او به بالای هیکل می رود و منتظر وسوسه اش می ماند و سپس می گوید: "گفته شده است خداوند خدای خود را میازما" (لوقا ۴: ۱۲)؟.

اگر یک ابلیس واقعی وجود داشت، مسیح او را شناسایی کرده و هرگز دنبال او نمی رفت. این وسوسه طبعاً در ذهن او اتفاق افتاده است. چون می دانست فرشته های خدا از او محافظت می کنند. پس به این فکر افتاد که انداختن خود از بالای هیکل به سمت پایین روش خوبی برای جلب توجه و اثبات این واقعیت بود که او پسر خداست. این باعث می شد که آسانتر به دیگران تعلیم دهد. اما مسیح می دانست که سوء استفاده از حمایت خدا اشتباه است. پس پیشنهاد ما این است که این وسوسه ها در ذهن مسیح اتفاق افتاد.

مکتوبات از شیطان یا ابلیس بعنوان سنبلی از قدرت ذات انسانی استفاده کرده و وسوسه ای که باعث گناه کردن می شود را به تصویر می کشد. وسوسه مسیح در بیابان نشان می دهد که او نیز همانند ما ذاتی انسانی داشت و دقیقاً همانند ما وسوسه می شد. اما هرگز خود را به وسوسه ها نباخت و گناه نکرد. مسیح هر وسوسه را با کلام کتاب مقدس پاسخ داد (متی ۴: ۴ و ۷ و ۱۰). ما می توانیم از این قسمت درس بزرگی بگیریم. باید کتاب را بخوانیم و بگذاریم پیام آن بر ما تاثیر گذاشته و برای گرفتن تصمیم درست در هنگام وسوسه ها به ما کمک کند.

بشارت مسیح

مسیح بعد از تعمید و وسوسه شدن در بیابان "شهر به شهر و روستا به روستا می گشت و به پادشاهی خدا بشارت می داد. آن دوازده تن نیز با وی بودند" (لوقا ۸: ۱).



بشارت های عمومی او سه سال و نیم طول کشید و با مرگش بر روی صلیب پایان یافت. در آغاز مسیح شاگردان زیادی را به خود جلب کرد (شاگردان به معنای کسانی هستند که از معلم چیزی یاد می گیرند). دوازده نفر از آنها بعنوان شاگردان خاص انتخاب شدند. بعد ها آنها به نقاط مختلف فرستاده شدند تا در امر تعلیم به مسیح کمک کنند و رسولان نامیده شدند (رسول به معنای فرستاده است).

آموزه های مسیح

۱. مسیح مستقیماً به مردم تعلیم می داد - در متی باب های ۵-۷ موعظه بالای کوه بیان شده است که در آن مسیح روش زندگی مورد قبول خدا را به ما نشان می دهد. اولین درسی که مسیح به ما می دهد درس فروتنی است. او می گفت:

"خوشا به حال فقیران در روح، زیرا پادشاهی آسمان از آن ایشان است" (متی ۵: ۳).

چون عیسی از پادشاهی آسمان سخن گفته، برخی می پندارند پادشاهی در آسمان است. اما کتاب مقدس هرگز در مورد پادشاهی در آسمان سخن نمی گوید. آیه ۵ نشان می دهد که پادشاه درستکاران بر زمین خواهد بود: "خوشا به حال حلیمان، زیرا آنان زمین را به میراث خواهند برد". عبارت "پادشاهی آسمان" فقط در انجیل متی بیان شده و به پادشاهی خدا اشاره دارد (متی ۱۹: ۲۳-۲۴ را ببینید و همچنین متی ۸: ۱۱ را با مرقس ۱۳: ۲۸-۲۹ مقایسه کنید). از پادشاهی خدا بعنوان پادشاهی آسمانی یاد شده است. چون زمانی خواهد بود که اراده خدا بر زمین انجام می شود، همانطور که همیشه بر آسمان انجام شده است.

در موعظه بالای کوه مسیح به مردم تعلیم داد که:

- باید به دشمنان خود عشق بورزند.
- نباید دیگران را قضاوت کنند.
- نگاه همراه با شهوت و زنا خطاست.
- هر وقت کمکی می کنند باید در خلوت باشد.
- باید با ایمان به خدا زندگی کنند تا به او جلال بخشند.

- نگران امور دنیوی نشوند و به حمایت خدا اعتماد کنند.
- به دنبال پادشاهی خدا باشند و این مهمترین چیز در زندگیشان باشد.

در متی ۷: ۱۳-۲۳ مسیح هشدار داد:

- که فقط تعداد خاصی وارد پادشاهی خدا می شوند. کسانی که اراده او را اجرا می کنند.
- افراد زیادی ممکن است در پادشاهی پذیرفته نشوند (حتی اگر ادعا کنند که در نام خدا کارهای زیادی انجام داده اند).

۲. **مسیح با مثل ها تعلیم می داد** - مثل، داستانی از زندگی هر روزه است که درسی معنوی به همراه دارد. در متی باب ۱۳ مثل های فراوانی در مورد پادشاهی آینده یافت می شود. مسیح با مثال ها سخن می گفت تا شاگردان واقعی را از آنانی که فقط به جهت معجزه هایش به سمت او آمده بودند جدا سازد. آنانی که در جستجوی حقیقت خدا بودند به معنای معنوی مثل های گفته شده توسط عیسی فکر می کردند. اگر می خواهیم یکی از شاگردان واقعی باشیم ما نیز باید در مورد معنای مثل ها بیندیشیم.

۳. مسیح با پیشگویی ها تعلیم می داد

مسیح در مورد نابودی هیکل در اورشلیم و پراکنده شدن یهودیان هشدار داده بود. همینطور در مورد نشانه هایی که در جهان قبل از بازگشت او اتفاق می افتد نیز سخن گفته بود (درس ۸ را ببینید)

۴. **مسیح از طریق روش زندگی خود تعلیم می داد** - پسر خدا در استبل به دنیا آمد. هیچ خانه ای برای خود نداشت و هیچ زندگی با شکوهی نیز برای خود فراهم نکرد. او گفت:

"روباهان را لانه هاست و مرغان هوا را آشیانه ها، اما پسر انسان را جای سر نهادن نیست" (لوقا ۹: ۵۸).

مسیح با تدریس کتاب مقدس و درمان بیماران به مردم کمک می کرد. او به ما آموخت که چگونه همسایه خود را مانند خود دوست بداریم و همینطور چگونه به دشمن خود محبت کنیم.

درست قبل از مرگش پاهای شاگردان خود را شست. این کار معمولاً توسط غلامان انجام می شود. اگر چه او پسر خالق بزرگ دنیا بود اما همیشه فروتن بود و به مردم خدمت می کرد.

مسیح اکثر اوقات خود را صرف عبادت پدر آسمانی خود می کرد. قبل از انتخاب دوازده شاگرد خاصش تمام شب را دعا کرد. این دعاها هرگز در ملاء عام نبود، تا ثابت کند چه انسان خوبی است و با سران مذهبی که اینگونه دعا می کردند مخالفت می کرد. مسیح اینگونه تعلیم می داد:

"خداوند خدای خود را با تمامی دل و با تمامی جان و با تمامی فکر خود محبت نما. این نخستین و بزرگترین حکم است دومین حکم نیز همچون حکم نخستین است: همسایهات را همچون خویشتن محبت نما" (متی ۲۲: ۳۷-۳۹).

مسیح اینگونه بود. او مثالی است از روش زندگی که خدا از ما می خواهد. او شخصیت خدا را به ما نشان داد.

معجزات مسیح

عیسی از روح القدس برای اجرای معجزات عظیمی استفاده می کرد. آب را به شراب تبدیل کرد، به روی دریا راه رفت، به هزاران نفر با کمی نان و کمی ماهی غذا داد. او از روح القدس نه برای خود بلکه برای کمک به دیگران استفاده می کرد. او از این قدرت هرگز جهت جلب توجه و یا فخر فروختن استفاده نکرد. معجزاتش نشانه ای بودند که ثابت کند او از جانب خدا آمده است. معجزات نشان می دادند که خدا از طریق مسیح کارهایش را انجام می دهد و مسیح روش او را تعلیم می دهد (اعمال رسولان ۲: ۲۲).

انجیل پر از معجزات شگفت انگیز و درمان بیماران است. مسیح دلش برای افرادی که رنج می کشیدند می سوخت و به آنها کمک می کرد. او حتی مرده را هم زنده کرد. این معجزات نشانه ای بودند که عیسی مسیح نجات از گناه و مرگ را به ارمغان می آورد (مرقس ۲: ۱۰).

آماده شدن برای مرگ

مسیح به همراه سه شاگرد خود به بالای کوهی رفت تا دعا کند (متی ۱۷: ۱-۱۳). همانطور که او دعا می کرد شاگردان به او نگاه می کردند. او "متبدل گشت" (ظاهرش تغییر کرد) و صورت و جامه اش می درخشیدند. شخصیت های عهد عتیق، یعنی موسی و الیاس نیز ظاهر شدند و در مورد نزدیک شدن مرگش به روی صلیب با او سخن گفتند. تمام چیزی که شاگردان دیدند ظاهر جلال یافته عیسی مسیح و تصویری از مسیح در پادشاهی خدا بود. همانطور که عیسی به مرگش نزدیک می شد، به پادشاهی خدا نیز امیدوارتر می شد.

عیسی مسیح از پیشگویی های عهد عتیق می دانست که مرگش ظالمانه خواهد بود. (برای مثال مزامیر باب ۲۲ و باب ۶۹ و اشعیا باب ۵۳). او به یارانش هشدار داد که عذاب می کشد و می میرد و همینطور به آنان گفت که از مردگان بر خواهد خواست (لوقا ۹: ۲۲).

سران مذهبی مسیح را همیشه برای انجام کارهای اشتباه فریب می دادند تا او را مقصر نشان دهند.

مسیح از تنفر آنها خبر داشت. آنها دو بار تلاش کردند تا او را سنگسار کنند. اما "هنوز زمان او نرسیده بود". اگر چه وقتی "زمان صعود عیسی به آسمان نزدیک می‌شد، با عزمی راسخ رو به سوی اورشلیم نهاد" (لوقا ۹: ۵۱). مسیح مرگ خود را پذیرفت و می‌دانست که این تنها راهی است که مردم می‌توانند از گناهان خود نجات یابند ولی فقط زمانی می‌توانست به آنها کمک کند که خودش هیچ گناهی نمی‌کرد. او هر روز با گناه دست و پنجه نرم می‌کرد. کارهای خودخواهانه و همچنین کارهایی که باعث عذاب دیگران می‌شد را نمی‌پذیرفت. خود را موظف کرد تا همیشه اراده خدا را بجا آورد. او برای ما یک مثالی بزرگ به جا گذاشت و به شاگردانش گفت که باید از او پیروی کنند.

"اگر کسی بخواهد مرا پیروی کند، باید خود را انکار کرده، هر روز صلیب خویش برگیرد و از پی من بیاید" (لوقا ۹: ۲۳).

این بدین معناست که ما باید هر روزه از طریق خدمت به خدا او را متابعت کنیم. یکی از این خدمت‌ها کمک کردن فداکارانه به دیگران است. در مثالی از متی ۲۵: ۳۱-۴۶ مسیح در مورد داوری در آینده سخن گفت. کسانی که به پادشاهی خدا وارد می‌شوند به دیگران طوری خدمت کرده‌اند که گویا به مسیح خدمت می‌کردند.

خلاصه

- مسیح یک مثال شگفت‌انگیز برای ما به جا گذاشت تا در زندگی مان آن را دنبال کنیم. او شخصیت خدا را به ما نشان داد.

آیاتی جهت مطالعه:

(لوقا ۱: ۳۲) "او بزرگ خواهد بود و پسر خدای متعال خوانده خواهد شد. خداوند خدا تخت پادشاهی پدرش داوود را به او عطا خواهد فرمود".

متی باب های ۵ و ۶ و ۷

متی ۲۵: ۳۱-۴۶

لوقا باب ۹

درس هجدهم: مرگ مسیح

مطالعه: مرقس باب های ۱۴ و ۱۵

مشکل گناه

گناه بدترین مشکل انسان ها و ریشه اصلی تمام درگیری های دنیاست. گناه، انسان ها را از خدا جدا کرده و به مرگ حتمی سوق می دهد. برای انسان ها غیر ممکن است که با تلاش خودشان بر گناه پیروز شوند. حتی درستکار ترین انسان نیز هرگز نمی تواند مشکل گناه را حل کند. هر چقدر هم که شخصی خوب باشد، باز هم از جلال خدا قاصر است (رومیان ۳: ۲۳).

کتاب مقدس پاسخ خدا را در مورد گناه بشر بیان کرده است. خدا یگانه فرزند خود، عیسی مسیح را قربانی گناهان بشر کرد. زیرا این تنها راهی بود که انسان می توانست بر گناه غلبه کند. عیسی مسیح در این امر از پدر اطاعت کرده و جان خود را در جهت قربانی شدن برای گناهان ما داد. این فداکاری به قیمت تمام زندگی او تمام شد. او به تمام خواسته های خود پشت پا زد تا فقط خواست پدر را به جا آورد. مرگ بر روی صلیب آخرین اطاعت پر جلالی بود که از زندگی فداکارانه مسیح دیدیم. چون مسیح تا آخر بی گناه ماند، بنابراین توانست بر گناه پیروز شود. او همچنین این فرصت را برای شاگردان واقعی اش فراهم کرد تا گناهانشان بخشیده شود و برای همیشه بر مرگ پیروز شوند.

رنج های مسیح

در کتاب مقدس شاهد نا عدالتی های انجام شده در حق مسیح، به سخره گرفتن او، شلاق زدن و تنبیه کردنش بودیم. زمانیکه عیسی بر روی صلیب بود، مادرش نیز آنجا بود و مسیح حتی شاهد پریشانی مادرش نیز بود و بسیار زجر کشید. او عمیقا اندوهگین بود. وقتی فهمید که مردمانش، یعنی یهودیان او را نپذیرفتند، می دانست که مجازات می شوند. در بعضی از متون عهد عتیق در مورد رنج های مسیح می خوانیم. در مزامیر باب ۲۲ حال مسیح را به هنگام به صلیب کشیدنش حس می کنیم. علاوه بر درد زیاد، او شرم صلیب را نیز متحمل شد.

"اما من کرمی بیش نیستم و انسان نی. عار آدمیانم و تحقیر شده قوم. هر که بر من می نگرد ریشخندم می کند. دهان کج می کنند و سر جنبانیده، می گویند: بر خداوند توکل دارد. پس بگذار او خلاصی اش دهد. گر به او رغبت دارد رهایی اش بخشد" (مزامیر ۲۲: ۶-۸).

"قوتم چون تکه سفالی، خشکیده است و زبانم به کامم چسبیده. مرا به خاک مرگ نشانده ای. سگان مرا احاطه کرده اند. دسته اوباش گردم حلقه زده اند. دستها و پاهایم را سوراخ کرده اند" (مزامیر ۲۲: ۱۵-۱۶).

وقایعی که به صلیب کشیده شدن مسیح ختم شد

فریسیان و صدوقیان، رهبران مذهبی یهودیان در زمان مسیح بودند. این دو گروه اکثرا با هم اختلاف نظر داشتند. اما چون هر دو از یهودیان متنفر بودند با هم هماهنگ شده تا مسیح را نابود سازند. آنها به محبوبیت، قدرت و اقتدار مسیح حسادت می کردند. از اینکه تعداد زیادی از مردم به او گوش دهند و تحت تاثیر معجزات او قرار گیرند، متنفر بودند. واضح بود که هیچ انسان عادی توانایی انجام این معجزات را نداشت و این ها نشانه هایی بودند که ثابت می کرد مسیح پسر خداست. اما سران مذهبی نمی خواستند واقعیت را ببینند و حسادت و نفرت، چشمانشان را کور کرده بود.

عیسی برای عید پَسَخ^۳ در اورشلیم بود، سران مذهبی می خواستند قبل از اینکه مردم متوجه شده و اعتراض کنند، بدون سر و صدا او را دستگیر کنند. زمانیکه یهودا اسخریوطی که یکی از دوازده شاگردان عیسی بود، پیشنهاد خیانت به مسیح را به آنان داد، آنها فرصت مناسبی بدست آوردند. یهودا آنان را به سمت باغ جتسیمانی کشاند. جایی که مسیح و شاگردانش در آنجا تنها بودند (یوحنا ۱۸: ۱-۳).

عیسی دستگیر شد و نزد سران مذهبی آورده شد. آنها نتوانستند دلیل واقعی برای صادر کردن حکم مرگ وی پیدا کنند. پیدا کردن خطا و اشتباه در زندگی یک انسان بی گناه غیر ممکن است و در نهایت کاهن اعظم (رئیس کهنه) گفت:

"به خدای زنده سوگندت می دهم که به ما بگویی آیا تو مسیح، پسر خدا هستی؟" (متی ۲۶: ۶۳).

وقتی عیسی مسیح تایید کرد که پسر خداست او را به کفرگویی متهم کردند. بر طبق شریعت موسی مجازات کفرگویی مرگ بود. البته این یک اتهام اشتباه بود و مسیح کفر نمی گفت. بلکه حقیقت را نشان داد. در آن زمان رومیان بر اسرائیل حکومت می کردند. سران یهود مسیح را نزد والی پنتیوس پیلاتس بردند و خواستند که او مصلوب شود. این روشی بود که رومیان مجرمین را مجازات می کردند. اما پیلاتس هیچ جرمی برای مسیح نیافت. وقتی فهمید که مسیح از شهر هیروودیس آمده است او را نزد هیروودیس برگرداند. بین هیروودیس و پیلاتس بار دیگر روابط دوستانه برقرار شد:

"در آن روز، هیروودیس و پیلاتس بنای دوستی با یکدیگر نهادند، زیرا پیشتر دشمن بودند" (لوقا ۲۳: ۱۲).

پیلاتس می دانست که مسیح بی گناه است. او همیشه به یهودیان می گفت که نه خود و نه هیروودیس هیچ جرمی برای مسیح نیافتند (لوقا ۲۳: ۴ و ۱۴-۱۵ و ۲۲). پیلاتس می دانست که یهودیان به خاطر

^۳ یا عید فصّح (در ترجمه قدیم)

حسادتشان خواستار مرگ مسیح بودند. آنها به پیلاتس گفتند چون مسیح ادعای پادشاهی دارد پس تهدید بزرگی برای امپراطوری روم خواهد بود. پس آزاد کردن او بی وفایی به امپراطوری است. پیلاتس علی رقم میل باطنی اش تسلیم شد و اجازه داد قاتلی به نام باراباس^۴ آزاد شود و به جای او عیسی کشته شود. این عظیم ترین بی عدالتی بود. پیلاتس مسیح را به دست سربازان رومی داد تا او را به صلیب بکشند. این دردناکترین و زجر آورترین مرگ تاریخ بود.

هم رومیان و هم یهودیان در مرگ مسیح دخالت داشتند و نقشه خدا از ازل، نجات انسان ها توسط فرزندش بود و می دانست که این شیران اینگونه برخورد می کنند. بعد ها پطرس به یهودیان گفت:

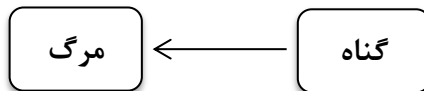
"آن مرد بنا بر مشیت و پیشدانی خدا به شما تسلیم کرده شد و شما به دست بی دینان بر صلیب کشیده، کشتید" (اعمال رسولان ۲: ۲۳).

هیچ راه دیگری نبود

مسیح می دانست که قصد پدر از آوردن او در این دنیا، آوردن رستگاری بود. در طول زندگی اش، حتی در زمان زجر کشیدن ها و مرگش بر روی صلیب کاملاً مطیع پدر بود. مسیح گفت که می خواست "اراده فرستنده خود را به جا آورد و کار او را به کمال رساند" (یوحنا ۴: ۳۴). در باغ جتسیمانی وقتی مسیح با بزرگترین آزمایش زندگی اش که درباره فرمانبرداری پدر بود مواجه شد، ۳ مرتبه به درگاه پدر دعا کرد: "ای پدر من، اگر ممکن نیست این جام نیشامیده از من بگذرد، پس آنچه اراده توست انجام شود" (متی ۲۶: ۳۹-۴۴). اگر ممکن بود خدا پسرش را از این درد رهایی می داد. اما تنها راه همین بود. وقتی که مسیح بر روی صلیب به مرگ نزدیک می شد گفت: "تمام شد" (یوحنا ۱۹: ۳۰). او کاری که خدا به او محول کرده بود را به انجام رسانید (یوحنا ۴: ۱۷).

چرا مسیح مُرد؟

آدم گناه کرد، پس مُرد. مرگ مجازات گناه است و این قانون خداست. دقیقاً همانطور که بعد از کار، مزد می گیریم، بعد از گناه نیز مرگ را دریافت می کنیم. ما همه گناهکاریم، پس همه لایق مرگ هستیم.



مسیح بر روی صلیب مُرد تا گناهان دنیا را از بین ببرد. این اراده پدر بود و مسیح تا لحظه مرگ از آن اطاعت کرد. اگرچه فناپذیری او نیز باعث مرگ او شد. اگر مسیح بر روی صلیب نمی مُرد، می توانست

^۴ برابا (در ترجمه قدیم) (لوقا ۲۳: ۱۸)

بعدها به روشی دیگر بمیرد. مسیح همچنان همانند ما وسوسه شد و حتی در بعضی موارد بسیار بیشتر از ما، اما هرگز گناه نکرد. در عبرانیان ۴: ۱۵ می خوانیم که "مسیح از هر حیث همچون ما وسوسه شده است، بدون اینکه گناه کند".

اگر چه مسیح ذات فانی آدم را داشت، اما لایق مرگ نبود چون کاملاً بی گناه بود. بنابراین خدا، بدون شکستن قانون خود او را از مرگ برخیزانید. زیرا "مزد گناه مرگ است". مسیح مُرد تا رستگاری خود را بدست آورد و همین طور این فرصت را برای ما نیز مهیا کند.

<p>ما همه میمیریم:</p> <p>همه ذات فانی آدم را داریم</p> <p>و</p> <p>همه گناهکاریم.</p>	<p>مسیح از مرگ برخیزانیده شد:</p> <p>مسیح ذات فانی آدم را نیز داشت</p> <p>اما</p> <p>گناه نکرد.</p>
--	---

عیسی در مورد مزد گناه با پدرش موافق بود. به همین خاطر گناه نکرد. او می دانست که تنها راه غلبه بر مرگ، غلبه بر گناه در خود است و همین طور آگاه بود که اگر بی گناه بماند پدر او را پس از مرگ رستاخیز خواهد داد. پس از رستاخیزش، خدا به مسیح ذاتی جدید داد. ذاتی همانند خود که قادر به گناه نیست و هرگز نمی میرد. رومیان ۶: ۹ می گوید:

"زیرا می دانیم چون مسیح از مردگان برخیزانیده شده است، دیگر هرگز نخواهد مرد و مرگ دیگر بر او تسلطی ندارد" (رومیان ۶: ۹).

ما چگونه؟

مسیح در زمان عید پَسَخ مُرد. در عید پَسَخ هر خانواده اسرائیلی بره ای را کشته و خون آن را بر در خانه های خود می زدند تا از مرگ نجات یابند (خروج باب ۱۲). این نکته در مورد مرگ مسیح نیز صدق می کند (۱ قرنیتان ۵: ۷). او یک قربانی قابل قبول بود. او همانند بره ای بی عیب و بی نقص بود (۱ پطرس ۱: ۱۹). خدا قربانی قابل قبول خود را برای کسانی که اعتقاد داشتند داد: مسیح "بره خداست که گناه جهان را بر می دارد" (یوحنا ۱: ۲۹). پیش از میلاد مسیح اشعیا نبی گفت:

"حال آنکه به سبب نافرمانی های ما بدنش سوراخ شد و به جهت تقصیرهای ما له گشت. تأدیبی که ما را سلامتی بخشید بر او آمد و به زخمهای او ما شفا می‌یابیم. همه ما چون گوسفندان، گمراه شده بودیم و هر یک از ما به راه خود رفته بود، اما خداوند تقصیر جمیع ما را بر وی نهاد" (اشعیا ۵۳: ۵-۶).

رومیان ۵: ۶-۸ در مورد عشق خدا برای فدا کردن فرزندش برای گناهکاران می گوید:

"هنگامی که ما هنوز ناتوان بودیم، مسیح در زمان مناسب به خاطر بی‌دینان جان داد. حال آنکه به ندرت ممکن است کسی به خاطر انسانی پارسا از جان خود بگذرد، هر چند ممکن است کسی را این شهامت باشد که جان خود را برای انسانی نیک بدهد. اما خدا محبت خود را به ما این‌گونه ثابت کرد که وقتی ما هنوز گناهکار بودیم، مسیح در راه ما مرد" (رومیان ۵: ۶-۸).

یوحنا ۱۵: ۱۳ عشق مسیح را نشان می دهد که زندگی خود را برای نجات دیگران داد:

"محبتی بزرگتر از این وجود ندارد که کسی جان خود را در راه دوستانش فدا کند" (یوحنا ۱۵: ۱۳).

خدا و پسرش هر کاری که می توانستند در حق ما انجام دادند. خدا یگانه فرزندش را برای ما قربانی کرد. مسیح از زندگی اش بخاطر ما گذشت. ما باید درک کنیم که گناهکاریم و محتاج نجات هستیم. فقط زمانی ارزش فداکاری مسیح و کار بزرگ خدا را درک می کنیم که متوجه شویم چقدر گناهکاریم.

مصلوب شدن، مردم را به خدا نزدیک کرد

گناه، بشر را از خدا جدا می کند. گناهان ما تنها از طریق فداکاری مسیح بخشیده می شوند. بنابراین مانع میان ما و خدا از بین رفته است و می توانیم به او نزدیک شویم. در کتاب مقدس این عمل بعنوان **مصالحه** نام برده شده است و از این طریق می توانیم توسط عیسی مسیح که میانجی ما در آسمان است با خدا رابطه ای خاص برقرار کنیم. در ۲ قرن‌تیا ۵: ۱۹ پولس رسول بطور واضح نشان می دهد که خدا توسط فرزندش در حال برقراری مصالحه میان خود و گناهکاران است. این پیام مصالحه توسط رسولان تعلیم داده می شد:

"به دیگر سخن، خدا در مسیح جهان را با خود آشتی می‌داد و گناهان مردم را به حسابشان نمی‌گذاشت و پیام آشتی را به ما سپرد" (۲ قرن‌تیا ۵: ۱۹).

صلیب خود را بر می داریم

مصلوب شدن در قلب انجیل است و منبع اصلی رستگاریست که توسط عشق خدا فراهم شده و توسط عشق فرزندش امکان پذیر شده است. بخشش هدیه ای است از جانب خدا به کسانی که از گناهان خود توبه کرده و با ایمان و تعמיד به سمت خدا می آیند:

"توبه کنید و هر یک از شما به نام عیسی مسیح برای آمرزش گناهان خود تعמיד بگیرید که عطای روح القدس را خواهید یافت" (اعمال رسولان ۲: ۳۸).

اما چیزی فراتر از تعמיד نیاز است. مسیح گفت:

"اگر کسی بخواهد مرا پیروی کند، باید خود را انکار کرده، صلیب خویش برگیرد و از پی من بیاید" (مرقس ۸: ۳۴).

جمله "صلیب خود را برداشتن" به این معناست که باید هر روز خود را قربانی کنید. اگر قصد پیروی از مسیح را دارید تنها او را خشنود سازیم. باید برای متوقف کردن گناه، تمام تلاشمان را انجام دهیم و همراه مسیح در زندگی تازه قدم برداریم. پولس رسول می گوید:

"آنان که به مسیح عیسی تعلق دارند، نَفْس را با همه هوسها و تمایلاتش بر صلیب کشیده‌اند" (غلاطیان ۵: ۲۴).

مصلوب کردن جسم به معنای از بین بردن تمام خواسته هایی است که باعث گناه می شود. باید تلاش کنیم که گناه بر زندگی مان حکمرانی نکند.

پندهایی از مصلوب شدن

۱. مصلوب شدن مسیح یک اتفاق وحشتناک بود و عمل زشت انسان‌ها در به صلیب کشیدن یگانه فرزند خدا را نمایان کرد. مصلوب شدن خبثت انسان‌ها و زشتی و گناه را نشان می‌دهد.
۲. همینطور عشق فراوان خدا به شاگردان واقعی مسیح را نشان می‌دهد. پولس رسول می‌گوید:

"او که پسر خود را دریغ نداشت، بلکه او را در راه همه ما فدا ساخت، آیا همراه با او همه چیز را به ما نخواهد بخشید؟" (رومیان ۸: ۳۲).
۳. هزینه زیادی پرداخت شد تا ایمانداران واقعی زندگی جاودان یابند و به قیمت از بین رفتن یک زندگی کاملاً پاک بود. پطرس رسول در نامه‌ای به ایمانداران می‌گوید:

"زیرا می‌دانید از شیوه زندگی باطلی که از پدرانمان به ارث برده بودید، بازخرید شده‌اید نه به چیزهای فانی چون سیم و زر بلکه به خون گرانبهای مسیح، آن بره بی‌عیب و بی‌نقص" (۱ پطرس ۱: ۱۸-۱۹).
۴. مسیح یک مثال خوب برای رفتار کردن به ما داد.
 - او هرگز در مقابل حرف‌های شریانه مردم اعتراض نکرد (۱ پطرس ۲: ۲۱-۲۳).
 - او کسانی را بخشید که او را به صلیب کشانیده بودند (لوقا ۲۳: ۳۵).
 - با وجود اینکه در زجر و درد بود، اما باز به بقیه فکر می‌کرد (یوحنا ۱۹: ۲۶-۲۷ و لوقا ۲۳: ۲۷-۳۱).
 - او با اعتماد کامل در همه چیز پدر را مطابعت کرد.

خلاصه

۱. ما همه گناهکاریم و لایق مرگ.
۲. خدا با عشق خود یگانه فرزند خود را قربانی گناهان ما کرد.
۳. عیسی مسیح با از بین بردن زندگی خود در کار پدر سهیم شد.
۴. خدا مسیح را از مرگ برخیزانید چون بی گناه بود و لایق مرگ نبود. خدا به او زندگی جاودان داد.
۵. به واسطه فداکاری مسیح گناهان ما نیز می تواند بخشیده شود. پس می توانیم در امید به یافتن زندگی جاودان در پادشاهی خدا شریک باشیم.
۶. ما باید به گناهان خود پی برده توبه کنیم و با مسیح در راه زندگی تازه قدم برداریم.

آیاتی جهت مطالعه:

(رومیان ۵: ۸) "اما خدا محبت خود را به ما این گونه ثابت کرد که وقتی ما هنوز گناهکار بودیم، مسیح در راه ما مرد".

(۲ قرن تیان ۵: ۱۵)

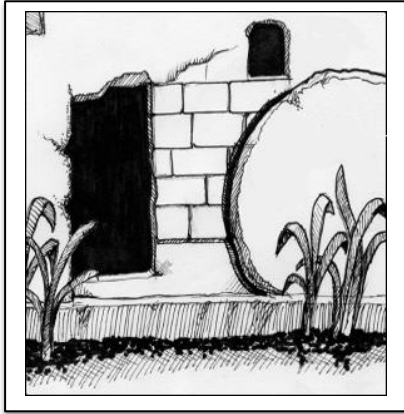
(۲ قرن تیان ۵: ۱)

(۱ پطرس باب ۱)

درس نوزدهم: رستاخیز و عروج عیسی مسیح

مطالعه: یوحنا باب ۲۰

روز سوم



صبح زود اولین روز کاری هفته بود. سومین روز بعد از مرگ مسیح تعدادی از زنان که یاران مسیح بودند با اندوهی فراوان بر سر قبر او رفتند و همراه خود کمی سبزیجات معطر (ادویه) جهت مسح جسد او بردند. اما نمی دانستند که چگونه می توانند سنگ بزرگی را که مقبره را پوشانده بود حرکت دهند. وقتی رسیدند سنگ کنار زده شده بود و داخل مقبره خالی بود. فرشتگان ظاهر شده و به آنها گفتند:

"چرا زنده را در میان مردگان می جویید؟ او اینجا نیست، بلکه برخاسته است" (لوقا ۲۴: ۵-۶).

زنان رفتند و شاگردان را مطلع ساختند. پطرس و یوحنا به سمت مقبره دویدند تا با چشمان خود ببینند. مقبره خالی بود و کفن مسیح درون آن بود.

یکی از زنان، یعنی مریم مجدلیه، به مقبره بازگشته و گریست، با وجود پیغام فرشتگان او می پنداشت که جسد مسیح دزدیده شده است. سپس مسیح آمد و با او صحبت کرد. اما مریم مجدلیه خیال می کرد که او باغبان است (یوحنا ۲۰: ۱۴-۱۸). مسیح ناگهان گفت: "مریم". پس اسم او را صدا کرده و او دانست که مسیح است. او واقعا زنده بود.

آیا مسیح واقعا از مردگان برخاست؟

برخی برخاستن مسیح از مردگان را باور ندارند و دلایل زیر قسمتی از توجیهات شان در جهت نفی رستاخیز می باشد:

۱. مردم می گویند: "مسیح بر روی صلیب نمرد و فقط اینگونه به نظر می رسید که او مرده است و کمی بعد در قبر بهبود یافت".

اما... کتاب مقدس می گوید که مسیح بر روی صلیب مرد. سربازان رومی پاهای آن دو نفری که همراه مسیح به صلیب کشیده شده بودند را شکستند تا زودتر بمیرند. اما پاهای مسیح را نشکستند. چون می دانستند که او مرده است (یوحنا ۱۹: ۳۱-۳۳). همچنین شخصی به نام یوسف که اهل رامه بود از پیلاتس خواست تا جسد مسیح را برای خاک سپاری به او بدهند. وقتی پیلاتس از یوزباشی رومی پرسید تا از مرگ مسیح مطمئن شود، یوزباشی مرگ او را تایید کرد (مرقس ۱۵: ۴۳-۴۵). در آن زمان یوزباشی ها می توانستند تشخیص دهند که کسی بر صلیب مرده یا هنوز زنده است.

۲- مردم می گویند: "شاگردان جسد او را دزدیدند".

اما... این درست نیست. سران مذهبی یهود برای پیشگیری از این اتفاق بر سر مقبره او، نگهبان گذاشته بودند. آنها می ترسیدند که شاگردان مسیح، جسد او را دزدیده و ادعای رستاخیز او را کنند (متی ۲۷: ۶۲-۶۶). زمانیکه فرشته ظاهر شد و سنگ جلو مقبره عیسی را برداشت، نگهبانان هیچ قدرتی نداشتند و پس از این ماجرا رهبران به نگهبانان رشوه دادند تا بگویند که شاگردان جسد مسیح را دزدیده اند (متی ۲۸: ۲-۴ و ۱۱-۱۵).

در کتاب مقدس هیچ اشاره ای به دزدیده شدن جسد توسط شاگردان نشده است. برای شاگردان حرکت دادن سنگی بزرگ که ورودی مقبره را بسته بود، در حضور نگهبانان غیر ممکن بود. بعد از مرگ مسیح، شاگردان غمگین و ناامید بودند و به شدت ترسیده بودند. به حدی ترسیده بودند که توان فریفتن سران یهودی را نداشتند.

شاگردان تا زمان رویت مسیح زنده بودن او را باور نمی کردند (یوحنا ۲۰: ۱۹-۲۰) و وقتی نظرشان تغییر کرد که از زنده بودن او اطمینان حاصل کردند. آنها با تعلیم دادن در مورد رستاخیز، زندگی خود را به خطر انداختند و تعدادی از آنها به خاطر ایمانشان مردند. اگر جسد مسیح را دزدیده بودند، هرگز اینگونه مقاومت نمی کردند.

۳- مردم می گویند: "او جسم خود را ترک کرده و بعنوان روح ظاهر شد".

اما... عیسی مسیح با یک جسم از مردگان برخاست و فقط روح نبود. توما سوراخ های روی دست مسیح را که توسط سرباز رومی هنگام مصلوب کردن ایجاد شده بود را دید. مسیح به او گفت که این سوراخ ها را لمس کند (یوحنا ۲۰: ۲۷).

عیسی مسیح به شاگردانش گفت: "آنها از فرط شادی و حیرت نمی‌توانستند باور کنند. پس به ایشان گفت: چیزی برای خوردن دارید؟ تکه‌ای ماهی بریان به او دادند. آن را گرفت و در برابر چشمان ایشان خورد" (لوقا ۲۴: ۳۹). سپس عیسی از شاگردان غذا خواست و جلو چشم آنها غذا خورد (لوقا ۲۴: ۴۱-۴۳).

۴- مردم می‌گویند: "آن زنان به مقبره اشتباهی رفتند".

اما... چون زنان هنگام تدفین در آن مکان حضور داشتند پس دقیقا می‌دانستند که مقبره کجاست (لوقا ۲۳: ۵۵). مرقس ۱۶: ۶ نشان می‌دهد که زنان به همان مقبره رفته و فرشته با آنها صحبت می‌کرد. برخی از زنان و شاگردان کفن خالی را در مقبره دیدند.

سران مذهبی نمی‌خواستند که مردم فکر کنند مسیح برخاسته است. اگر این اتفاق واقعا نیفتاده بود، می‌توانستند جسد را نشان داده و اشتباه زنان را آشکار کنند. سران می‌دانستند که مقبره اشتباه نیست. چون نگهبانان خودشان نیز آنجا حضور داشتند.

قبول رستاخیز مسیح نیازمند ایمان است. حتی توماس نیز در ابتدا باور نداشت و تا زمانی که او را ندیده بود قانع نشد. مسیح به او گفت: "خوشابحال آنانی که ندیده ایمان آورند" (یوحنا ۲۰: ۲۹).

در برخاستن فرزند بی‌گناه خدا از مرگ هرگز شکی نبوده است. مرگ مجازات گناه است. خدا مسیح را بر خیزانید. چون او کاملا بی‌گناه بود و سزاوار مرگ نبود.

"ولی خدا او را از درد های مرگ رها کرده، برخیزانید، زیرا محال بود مرگ بتواند او را در چنگال خود نگاه دارد" (اعمال رسولان ۲: ۲۴).

آیا زمان پادشاهی خدا فرا رسیده است؟

وقتی مسیح قبل از مرگش وارد اورشلیم شد، شاگردان زیادی دور او جمع شدند و او را ستایش کردند.

"هوشیعیانا، مبارک است آن که به نام خداوند می‌آید مبارک است. پادشاهی پدر ما داوود که فرا می‌رسد. هوشیعیانا در عرش برین" (یوحنا ۱۲: ۱۳ و مرقس ۱۱: ۹-۱۰).

آنها دریافتند که مسیح همان فرزند وعده داده شده به داوود بود. همچنین آنها مطلع بودند که مسیح پادشاهی خدا را بر زمین برقرار و بر آن فرمانروایی خواهد کرد. اما می‌پنداشتند که این اتفاق در زمان حضور او می‌افتد و نه در آینده.

به طور مشابه، شاگردان نیز زمانی که متوجه زنده بودن مسیح شدند، امیدوار بودند که او پادشاهی خدا را بی درنگ برقرار خواهد کند. در طول آن ۴۰ روز، قبل از عروج مسیح به آسمان، با آنان در مورد پادشاهی سخن گفت (اعمال رسولان ۱: ۳). آنها پرسیدند:

"خداوندا، آیا در این زمان است که پادشاهی را به اسرائیل باز خواهی گردانیدی؟" (اعمال رسولان ۱: ۶).

مسیح پاسخ داد:

"بر شما نیست که ایام و زمان هایی را که پدر در اختیار خود نگاه داشته است بدانید" (اعمال رسولان ۱: ۷).

باید کارهایی قبل از برقراری پادشاهی خدا انجام می شد. شاگردان باید به مناطق مختلف دنیا رفته و کلام خدا را تعلیم می دادند. تمام این اتفاقات ۲۰۰۰ سال پیش افتاد. اما تعلیم کلام تا به امروز ادامه دارد. این تاخیر، فرصتی فراهم کرده تا افراد بیشتری به سمت خدا بیایند:

"اما ای عزیزان، از این نکته غافل مباشید که نزد خداوند یک روز همچون هزار سال است و هزار سال همچون یک روز. برخلاف گمان برخی، خداوند در انجام وعده اش تأخیر نمی ورزد، بلکه با شما بردبار است، چه نمی خواهد کسی هلاک شود بلکه می خواهد همگان به توبه گرایند. اما روز خداوند چون دزد خواهد آمد، که در آن آسمان ها با غریوی مهیب از میان خواهد رفت و اجرام سماوی سوخته شده فرو خواهد پاشید، زمین و همه کارهایش عیان خواهد شد" (۲ پطرس ۳: ۸-۱۰).

صعود عیسی مسیح به آسمان

زمانی که عیسی مسیح همراه با شاگردانش در نزدیکی اورشلیم بر روی کوه زیتون بود، به آسمان نزد پدر خود برده شد. همانطور که شاگردان صعود او به سمت آسمان را می نگریستند دو فرشته با آنها سخن گفتند. کلام فرشته ها در اعمال رسولان ۱: ۱۰-۱۱ در مورد بازگشت مسیح به ما می گوید:

اعمال رسولان ۱: ۱۰-۱۱

"هنگامی که می‌رفت و شاگردان به آسمان چشم دوخته بودند، ناگاه دو مرد سفیدپوش در کنارشان ایستادند و گفتند: ای مردان جلیلی، چرا ایستاده به آسمان چشم دوخته‌اید؟ همین عیسی که از میان شما به آسمان برده شد، باز خواهد آمد، به همین‌گونه که دیدید به آسمان رفت."

عیسی مسیح به شکل جسمانی خود به آسمان برده شد (به یاد داشته باشید که او روح نبود). عیسی مسیح به همان شکل جسمانی باز خواهد گشت. دقیقاً به همان طور که به آسمان رفت به زمین باز می‌گردد. او دوباره می‌آید تا بعنوان پادشاه بر کل زمین فرمانروایی کرده و پادشاهی اسرائیل را نیز برقرار سازد.

عیسی مسیح در جایگاهی متعالی رستاخیز پیدا کرد

پس از رستاخیز، عیسی مسیح با شکوهی عظیم به جایگاه متعالی رسید. خدا تمام قدرت را به او داد (متی ۲۸: ۱۸). او هم اکنون در آسمان و دست راست پدر نشسته است. به غیر از خدا هیچ موجود بزرگتری در کل دنیا وجود ندارد. پطرس رسول می‌گوید:

۱ پطرس ۳: ۲۲ "که به آسمان رفت و اینک به دست راست خداست و فرشتگان و ریاستها و قدرتها مطیعش گشته‌اند."

۱ پطرس ۱: ۲۱ "به واسطه او به خدا ایمان آورده‌اید به خدایی که او را از مردگان برخیزانید و جلال بخشید، بدان سان که ایمان و امیدتان بر خداست."

اعمال رسولان ۲: ۳۶
"..... خدا این عیسی را که شما بر صلیب کشیدید خداوند و مسیح ساخته است."

عیسی مسیح این قدرت را دارد تا به افراد پذیرفته شده زندگی جاودان عطا کند:

"زیرا همان‌گونه که پدر مردگان را برمی‌خیزاند و به آنها حیات می‌بخشد، پسر نیز به هر که بخواهد، حیات می‌بخشد" (یوحنا ۵: ۲۱).

ما نیز می‌توانیم به همراه فرشتگانی که عیسی مسیح را ستایش می‌کنند، به او بپیوندیم و بگویم:

"و با صدای بلند چنین می‌گفتند: آن بره ذبح شده سزاوار قدرت و دولت و حکمت و توانایی است، و سزاوار حرمت و جلال و ستایش" (مکاشفه ۵: ۱۲).

اهمیت رستاخیز عیسی مسیح

تمامی پیغام کتاب مقدس به رستاخیز عیسی مسیح وابسته است. اگر مسیح که بی گناه بود از مردگان برخیزانده نمی شد، پس هیچ شخص دیگری نیز برخیزانده نخواهد شد. پولس رسول در اول قرنتیان باب ۱۵ به ایمانداران توضیح می دهد. او می گوید که بدون رستاخیز عیسی مسیح، ایمان آنها بی ارزش است و گناهانشان بخشیده نمی شود. پس در این صورت کسانی که مردند بدون امید هلاک شدند:

"و اگر مسیح برنخاسته، ایمان شما باطل است و شما همچنان در گناهان خود هستید" (۱) قرنتیان ۱۵: ۱۷).

چه تصویر غم انگیزی! خدا را شکر که می دانیم حقیقت ندارد. عیسی مسیح از مردگان برخاست. بنابراین پولس اینگونه ادامه می دهد:

نظریات	اول قرنتیان ۱۵: ۲۰-۲۳
عیسی مسیح اولین شخصی بود که از مردگان برخیزانده شد. دیگران از او پیروی خواهند کرد.	"اما مسیح برآستی از مردگان برخاسته و نوبت خفتگان شده است."
مرگ توسط آدم به نسل بشر رسید. رستاخیز از مردگان توسط عیسی مسیح امکان پذیر شد.	"زیرا همان گونه که مرگ از طریق یک انسان آمد، رستاخیز مردگان نیز از طریق یک انسان پدیدار گشت."
همه می میرند، چون همه نوادگان آدم هستند. آنانی که از آن مسیح هستند دوباره زنده خواهند شد. مسیح اولین کسی بود که برای زندگی جاودان برخیزانده شد. کسانی که به او تعلق دارند، زمان بازگشت وی جاودانگی را دریافت می کنند.	"زیرا همان گونه که در آدم همه می میرند، در مسیح نیز همه زنده خواهند شد. ما هر کس به نوبه خود: نخست مسیح که نوبت بود؛ و بعد، به هنگام آمدن او، آنان که متعلق به اویند."

رستاخیز مسیح ضمانتی برای برخیزانده شدن ایمانداران است. بدین معنا که اگر قبل از بازگشت مسیح بمیریم ما نیز می توانیم از مردگان برخاسته و زندگی جاودان را دریافت کنیم. اگر به عیسی مسیح تعلق داشته باشیم، جایی در پادشاهی خدا بر روی زمین به ما داده خواهد شد. تنها با تعמיד از آن مسیح نمی شویم (غلاطیان ۳: ۲۷-۲۹).

چگونه مردگان برخیزانده می شوند؟ با چه جسمی؟

این سوالی بود که مردم در زمان پولس قصد فهمیدن آن را داشتند (۱ قرن بیان ۱۵: ۳۵). همانطور که عیسی مسیح هنگام رستاخیز جسم داشت، پس ایمانداران واقعی نیز به همراه جسم خود برخیزانده می شوند و روح نخواهند بود.

زمانی که عیسی مسیح از مردگان برخواست، جسمی فنا ناپذیر به او داده شد. هنگامی که به ایمانداران واقعی مکانی در پادشاهی خدا داده شود، جسم آنها تغییر می کند (۱ قرن بیان ۱۵: ۵۱-۵۴).

فیلیپیان ۳: ۲۰-۲۱ می گوید کسانی که ذهنشان درگیر مسائل آسمانی است، منتظر بازگشت مسیح هستند تا جسم آنها تغییر کند:

"حال آنکه ما تَبَعَةُ آسمانیم و با اشتیاق تمام انتظار می کشیم که نجات دهنده، یعنی خداوندمان عیسی مسیح، از آنجا ظهور کند. او با نیرویی که وی را قادر می سازد تا همه چیز را به فرمان خود درآورد، بدنهای حقیر ما را تبدیل خواهد کرد تا به شکل بدن پر جلال او درآید" (فیلیپیان ۳: ۲۰-۲۱).

هم اکنون ما جسم فانی داریم. به همین دلیل احساس خستگی می کنیم، از درد ها رنج می بریم و مریض می شویم. اینها همه بخشی از مجازات گناه است. کسانی که مکانی در پادشاهی خدا به آنها داده شود، جاودانه می شوند. جسم آنها تغییر کرده و از درد و بیماری مبرا بوده و هرگز نخواهند مرد. چه پیشنهاد شگفت انگیزی خدا به ما داده است:

- گناهانمان توسط عیسی مسیح بخشیده می شود.
- همانند او از مردگان برخیزانده می شویم.
- همانند او جسم های جاودانی دریافت خواهیم کرد.
- مکانی در پادشاهی خدا بر روی زمین به ما داده خواهد شد.

پس تعجب آور نیست که پولس رسول خدا را برای نعماتی که داده است، شکرگزاری می کند:

"اما شکر خدا را که به واسطهٔ خداوند ما عیسی مسیح به ما پیروزی می‌بخشد" (۱ قرنتیان ۱۵: ۵۷).

این پیغام خوش رستگاری است. مسیح از شاگردانش خواست تا این پیغام را به تمام دنیا تعلیم دهند. ما نیز می‌خواهیم این پیغام را به شما و دیگران برسانیم.

خلاصه

- خدا عیسی مسیح را از مردگان برخیزانید چون او بی‌گناه بود و سزاوار مرگ نبود.
- عیسی مسیح با همان جسم از مردگان برخیزانده شد و روح نبود.
- عیسی مسیح پس از رستاخیزش جلال یافت.
- او به آسمان برده شد تا همراه پدر باشد. او اکنون بر دست راست پدر نشسته است. غیر از خدا هیچ موجود بزرگتر دیگری وجود ندارد.
- عیسی مسیح همانطور که به آسمان رفت به زمین باز خواهد گشت.
- اگر از آن مسیح باشیم ما نیز از مردگان برخیزانده شده و زندگی جاودان دریافت خواهیم کرد.

آیاتی جهت مطالعه:

(اعمال رسولان ۲: ۲۴) "ولی خدا او را از دردهای مرگ رها کرده، برخیزانید، زیرا محال بود مرگ بتواند او را در چنگال خود نگاه دارد".

(متی باب ۲۸)

(لوقا باب ۲۴)

(اعمال رسولان باب ۱).

پرسش های بخش پنجم

درس ۱۶: پدر و پسر

۱-۱۶ درستی و نادرستی جملات زیر را مشخص کنید:

الف) مادر عیسی مریم بود.

ب) پدر عیسی یوسف بود.

پ) عیسی قبل از تولدش در آسمان بود.

ت) خدا قبل از پیدایش می دانست که مسیح را خواهد فرستاد.

ث) مسیح قبل از مرگش همانند ما ذاتی انسانی داشت.

ج) مسیح در کتاب مقدس به نام "خدای پسر" خوانده شده است.

(جملات نادرست را به درستی بازنویسی کنید).

۲-۱۶ پیش از مرگ مسیح درجه اهمیت اینگونه بود:

(خدا، فرشته ها، مسیح، انسان، حیوان)

درجه اهمیت آنها در زمان حال چگونه است؟

۱. ۲. ۳. ۴. ۵.

۳-۱۶ سه واقعیتی که مزامیر ۱۰۳: ۸ و ۱۳ و ۱۴ به ما در مورد خدا می گوید را بنویسید.

۴-۱۶ مسیح در یوحنا ۱۴: ۲۸ در مورد رابطه اش با خدا چه می گوید؟

۵-۱۶ اول قرن‌تینان ۱۵: ۲۸ جایگاه مسیح را در انتهای هزاره توضیح می دهد. آیا او:

الف) بزرگتر از خدا خواهد بود.

ب) برابر با خدا خواهد بود.

پ) کوچکتر از خدا خواهد بود.

۶-۱۶ مسیح گفت: "من و پدر یک هستیم" (یوحنا ۱۰: ۳۰). از آنجایی که خدا همیشه از مسیح

بزرگتر است پس آنها چگونه یکی هستند؟

۷-۱۶ مکاشفه ۱۳: ۸ در مورد بره کشته شده در زمان پیدایش دنیا سخن می گوید.

الف) آن بره چه کسی است؟

ب) او حدوداً چه زمانی مرد؟

پ) منظور آیه از گفتن اینکه او از زمان پیدایش دنیا مرد چیست؟

۸-۱۶ الف) منظور از ذات انسانی چیست؟

ب) ذات خدا چه تفاوتی با ذات ما دارد؟

پ) آیا انجام گناه پیش از به صلیب کشیده شدن برای مسیح امکانپذیر بود؟

درس ۱۷: زندگی در مسیح

۱-۱۷ الف) آیا مسیح در زمان عهد عتیق زنده بود؟

ب) آیا یک قدرت شریر در بیابان با مسیح سخن می گفت؟

اگر جواب شما به قسمت دوم منفی است، توضیح دهید که چه اتفاقی افتاد؟

۲-۱۷ در موعظه بالای کوه عیسی مسیح درباره موارد زیر چه تعالیمی داد؟ می توانید به متی مراجعه کنید.

الف) دلیل انجام دادن کارهای نیکو (۵: ۱۶)

ب) شهوت (۵: ۲۷-۲۸)

پ) دشمنان ما (۵: ۴۳-۴۸)

ت) صدقه دادن (۶: ۱-۴)

ث) مال و ثروت (۶: ۱۹-۲۱)

ج) خدمت به دو ارباب (۶: ۲۴)

(چ) غصه خوردن و مهمترین چیز در زندگی (۶: ۲۵-۳۴)

(ح) قضاوت دیگران (۷: ۱-۵)

(خ) معلمین (انبیا) دروغین (۷: ۱۵-۲۳)

۳-۱۷ چگونه باید از روش زندگی مسیح درس بگیریم؟

درس ۱۸: مرگ مسیح

۱-۱۸ درستی یا نادرستی جملات زیر را درباره عیسی مسیح مشخص کنید:

(الف) او از زمان تولد ذاتی خدایی داشت.

(ب) او مرد چون ذات فانی آدم را به ارث داشت.

(پ) او اکنون ذات انسانی دارد.

(ت) او غیر یهودی بود.

(ث) او به اراده خود رنج صلیب را برای ما تحمل کرد.

(ج) او با قربانی کردن خود بخشش گناهان را برای ما امکان پذیر ساخت.

(چ) هم اکنون گناه کردن برای او غیر ممکن است.

(ح) او یک قربانی برای خشنود کردن خدای خشمگین بود.

(خ) او تنها گناه کسانی را از بین می برد که توبه کرده، تعمید گرفته و سخت می کوشند که او را پیروی کنند.

۲-۱۸ چرا فرمانروایان و سران یهودی می خواستند مسیح را به مرگ بکشانند؟

۳-۱۸ دوم قرن‌تیاں ۵: ۱۵ برای شما به چه معناست؟

۴-۱۸ قربانی شدن مسیح فاصله ای که توسط گناه میان خدا و انسان ایجاد شده بود را از بین برد. کلام کتاب مقدس در این باره چیست؟

درس ۱۹: رستاخیز و عروج عیسی مسیح

۱-۱۹ چه کسی مسیح را از مردگان برخیزانید؟

۲-۱۹ مسیح پس از مرگش به جایگاه پر شکوهی ترفیع یافت. او هم اکنون کجاست؟

۳-۱۹ الف) آیا زمانی که مسیح از مردگان برخیزانده شد جسم داشت؟

ب) آیا زمانی که به زمین باز می گردد نیز جسم دارد؟

۴-۱۹ اول قرن‌تیاں ۱۵: ۵۱ می گوید "همه نخواهیم خوابید لیکن همه متبدل خواهیم شد".

الف) این آیه به چه معناست؟

ب) مربوط به چه کسانی می شود؟

پ) چه زمانی اتفاق می افتد؟

۵-۱۹ مسیح به خاطر ذات انسانی خود مرد. چرا باید از مردگان برخیزانده می شد؟

درس بیستم: روح القدس خدا

مطالعه: مرقس باب ۱

روح خدا

وقتی در شب به آسمان می نگریم و ماه و ستارگان را می بینیم به وسعت باور نکردنی دنیا پی می بریم. خدا دنیا را با روح خود خلق کرد:

"در آغاز، خدا آسمانها و زمین را آفرید. زمین بی شکل و خالی بود و تاریکی بر روی ژرفا و روح خدا سطح آبها را فرو گرفت خدا گفت: روشنایی باشد و روشنایی شد" (پیدایش ۱: ۳-۱).

ارمیا به ما می گوید که قدرت خدا عامل اصلی خلقت زمین بود:

"مَنَم که به نیروی عظیم و بازوی افراشته خود زمین را با مردمان و حیواناتی که بر آنند آفریدم و آن را به هر که در نظرم پسند آید، می بخشم" (ارمیا ۲۷: ۵).

مزامیر باب ۳۳ آفرینش را اینگونه توصیف می کند:

"به کلام خداوند آسمانها ساخته شد و همه لشکر آنها، به دم دهان او. آب های دریا را همچون توده گرد می آورد و ژرفا را در خزانه ها ذخیره می کند. تمامی اهل زمین از خداوند بترسند، همه مردم جهان او را حرمت بدارند. زیرا او گفت و شد؛ امر فرمود و بر پا گردید" (مزامیر ۳۳: ۶-۹).

فقط خدا می توانست این کلام را بگوید و اراده اش با قدرت روحش تحقق یابد. زمانی که خدا گفت و "روشنایی شد" در کلامش قدرت محض بود. مزامیر باب ۳۳ نیز به ما همین را می گوید:

"به کلام خداوند آسمانها ساخته شد و همه لشکر آنها، به دم دهان او" (مزامیر ۳۳: ۶).

خدا توسط روح خود جهان را زنده نگاه می دارد. خدا دنیا را خلق نکرد تا رهاش کند:

"خدایی که جهان و هر آنچه را در آن است آفرید، مالک آسمان و زمین است و در معابد ساخته دست بشر ساکن نمی شود. دستان بشری نمی تواند خدمتی به او بکند، چنانکه گویی به چیزی محتاج باشد، زیرا خود بخشنده حیات و نفس و هر چیز دیگر به جمیع آدمیان است. او همه اقوام بشری را از یک انسان پدید آورد تا در سرتاسر زمین ساکن شوند؛ و زمانهای تعیین شده برای ایشان و حدود محل سکونتشان را مقرر فرمود. تا مردمان او را

بجویند و چه بسا که در پایش گشته، او را بیابند، هر چند از هیچ یک از ما دور نیست. زیرا در اوست که زندگی و حرکت و هستی داریم... " (اعمال رسولان ۱۷: ۲۴-۲۸).

"روح خدا مرا آفریده است و نفسِ قادر مطلق مرا حیات می بخشد" (ایوب ۳۳: ۴).

مزامیر ۱۰۴: ۱۰-۱۵ و آیات ۲۷-۳۰ و اشعیا ۴۲: ۵ را نیز ببینید.

خدا توسط روحش همه جا وجود دارد و همه چیز را می داند

با وجود بزرگی دنیا خدا همه جا وجود دارد:

"خداوند می فرماید: آیا کسی می تواند خود را چنان پنهان کند که من او را نبینم؟ آیا من آسمان و زمین را پر نمی سازم؟ این است فرموده خداوند" (ارمیا ۲۳: ۲۴).

نه تنها خدا همه جا حضور دارد، بلکه همه چیز را نیز می داند. او حتی از افکارمان نیز آگاه است. پس هیچ چیز را نمی توانیم از او مخفی کنیم:

"خداوند، تو مرا آزموده و شناخته‌ای. تو از نشستن و برخاستنم آگاهی و اندیشه هایم را از دور می دانی. تو راه رفتن و آرامیدنم را سنجیده‌ای و با همه راه هایم آشنایی... از روح تو کجا بروم؟ از حضور تو کجا بگریزم؟ اگر به آسمان فرا روم، تو آنجایی و اگر در هاویه بستر بگسترم، تو آنجا نیز هستی" (مزامیر ۱۳۹: ۱-۳ و ۷-۸).

خدا چگونه می تواند آسمان ها و زمین را پر کند و همه چیز را بداند؟ به واسطه روحش. به همین دلیل داوود در مزامیر باب ۱۳۹ می گوید: "از روح تو کجا بروم؟"

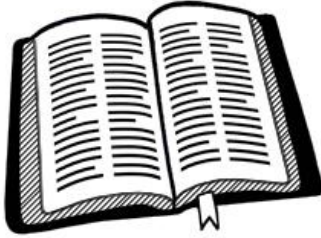
خدا به واسطه روح خود با مردم ارتباط برقرار می کند

در زمان کتاب مقدس خدا به واسطه روحش، ذهن انبیا را در جهت گفتن کلامش هدایت می کرد:

"دل های خویش را همچون سنگ خارا ساختند مبدا شریعت و کلامی را که خداوند لشکرها به روح خود به واسطه انبیای پیشین فرستاده بود، بشنوند. پس خشم عظیمی از جانب خداوند لشکرها صادر شد" (زکریا ۷: ۱۲).

روح خدا، قدرت اوست که توسط آن همه چیز را کنترل می کند. به واسطه آن است که همه چیز را می داند و همه جا حضور دارد. در زمان کتاب مقدس، خدا از روح خود در جهت اجرای نقشه ها و هدف هایش استفاده می کرد. هر کاری که خدا انجام می دهد توسط روحش است.

الهامات و روح خدا



خدا از قدرتش برای کنترل ذهن افرادی که کتاب را می نوشتند نیز استفاده می کرد تا کلام او را بنویسند. به این عمل الهام گرفتن می گویند. توسط این الهامات، خدا نویسنده حقیقی کتاب مقدس است:

"... هیچ وحی کتب مقدس زائیده تفسیر خود نبی نیست. زیرا وحی هیچ گاه به اراده انسان آورده نشد، بلکه آدمیان تحت نفوذ روح القدس از جانب خدا سخن گفتند" (۲ پطرس ۱: ۲۰-۲۱).

این متن تنها در مورد پیشگویی مردم از آینده نیست. در کتاب مقدس پیشگویی به معنای کلام خداست که می تواند هم در مورد آینده و حال و یا گذشته باشد.

حداقل ۳۵ نفر که در مکان های مختلفی زندگی می کردند کلام کتاب را نوشتند. کتاب تقریباً در یک برحه زمانی ۱۶۰۰ ساله نوشته شده است. اگر این کتاب کلام الهام گرفته از خدا نبود، ما کتابی پر از عقاید و استانداردهای مختلف داشتیم. اما فقط یک پیغام در تمام کتاب، از پیدایش تا مکاشفه، موجود است و این نشانه ایست که کتاب مقدس کلام خداست.

روح القدس و عیسی مسیح

روح خدا گاهی روح القدس نامیده می شود. بیشترین ارجاعات به روح القدس در عهد جدید است. کلمه مقدس به معنای "جدا شده" است و نشان می دهد که قدرت خدا کاملاً متفاوت از شرارت های انسان ها است. در ترجمه های قدیمی تر کتاب مقدس از واژه "شیخ مقدس" هم به جای روح القدس استفاده می شد. "شیخ" واژه ای قدیمی برای روح است. اما امروزه ممکن است اشتباه برداشت شود. روح القدس قدرت خداست که توسط آن اهدافش در راستای رستگاری مردم به تحقق می پیوندد. بنابراین در نهایت انسان ها نیز همانند خدا مقدس می شوند.

اولین کاربرد عهد جدید از واژه "روح القدس" به هنگام تولد عیسی مسیح بود. مریم باکره "از روح القدس حامله شد" (متی ۱: ۱۸).

عیسی مسیح به هنگام تعمید در رود اردن روح القدس را بی هیچ محدودیتی دریافت کرد (یوحنا ۳: ۳۴). خدا از طریق روحش توانایی های محدودی از قبیل معجزه، به افراد انتخاب شده ای در زمان کتاب مقدس داد. اما هیچکس همانند مسیح روح القدس را دریافت نکرد. عیسی مسیح هرگز از روح القدس در جهت خواسته های خود استفاده نکرد، بلکه همیشه آن را برای اهداف خدا به کار برد. (اعمال رسولان ۲: ۲۲). او برای کمک به تعلیماتش از معجزات استفاده می کرد. این معجزات نشانه ای بودند که او پسر خداست و همین طور بیانگر این واقعیت بود که خدا از طریق او کارهایش را انجام می داد و او راه خدا را تعلیم می داد (اشعیا ۶۱: ۱-۲).

خدا به وسیله قدرت خود پسرش را از مردگان برخیزانید و به او تعالی بخشید (افسیان ۱: ۱۹-۲۲).

به شاگردان عطایای روح القدس داده شد

عیسی مسیح به یارانش وعده داد که پس از رفتن او به آسمان، آنها عطایای روح القدس را دریافت خواهند کرد. او به آنان گفت که در اورشلیم بمانند و "منتظر آن وعده پدر باشید که آنها بعد از اندک ایامی به روح القدس تعمید خواهند یافت" (اعمال رسولان ۱: ۴-۵).

این وعده در روز پنتیکاست به حقیقت پیوست (اعمال رسولان باب ۲). این ماجرا حدوداً ۱۰ روز پس از عروج عیسی مسیح به آسمان اتفاق افتاد. میخوانیم که چگونه روح القدس به همراه صدایی آمد: "چون صدای وزیدن باد شدید" و خانه هایی که اطراف شاگردان بودند لرزید. زبانه های آتش اطراف شاگردان دیده شد. این نشانه ای بود که روح القدس به آنها داده شده است. پس از این توانایی هایی از قبیل انجام معجزات و سخن گفتن به زبان های مختلف را داشتند. این توانایی های خاص گاهی اوقات "عطایای روح القدس" نامیده می شوند (عبرانیان ۲: ۴).

عیسی مسیح به شاگردانش آموزش داد تا پس از عروج او به آسمان تعلیمات وی را ادامه دهند. آنها برای انجام این کار به عطایای روح القدس نیاز داشتند. برای مثال باید به خاطر می آوردند که مسیح هنگام بشارت و موعظه هایش چه می کرد و چه می گفت تا آنها هم بتوانند از همان راه استفاده کنند. مسیح به شاگردانش گفت:

"این چیزها را زمانی به شما گفتم که هنوز با شما هستم. اما آن مدافع، یعنی روح القدس، که پدر او را به نام من می فرستد، او همه چیز را به شما خواهد آموخت و هر آنچه من به شما گفتم، به یادتان خواهد آورد" (یوحنا ۱۴: ۲۵-۲۶).

در اینجا از روح القدس به معنای تسلی دهنده یاد شده است. کلمه اصلی یونانی به معنی "کسی که برای کمک می آید" است. روح القدس کمکی را که شاگردان نیاز داشتند آورد.

چرا عیسی مسیح در مورد روح القدس به گونه ای صحبت می کرد که گویی یک انسان است؟

وقتی آیه می گوید: "او همه چیز را به شما تعلیم خواهد داد"، اینطور به نظر می رسد که روح القدس یک شخص است. پس چرا مسیح گاهی از روح القدس همانند یک شخص یاد می کرد؟ چنین زبان مشابهی در رومیان ۹: ۱۷ نیز به کار برده شده است:

"زیرا کتاب به فرعون می گوید: تو را به همین منظور به پا داشتم تا قدرت خود را در تو ظاهر سازم..." (رومیان ۹: ۱۷).

طبیعتاً کتاب یک شخص نیست و نمی تواند "حرف بزند". این کلام خداست که در کتاب ثبت شده است. لوقا ۱۱: ۴۹ نیز از زبانی مشابه استفاده می کند:

"از این رو حکمت خدا می فرماید ... (لوقا ۱۱: ۴۹).

بطور مشابه مزامیر ۶۵: ۱۳ می گوید:

"... وادی ها به غله پوشیده شده است؛ بانگ شادی بر می آورند و می سرایند" (مزامیر ۶۵: ۱۳).

دره ها نمی توانند بانگ زده و بسرایند. این روش مزامیر برای توصیف یک صحنه زیبا می باشد. امثال ۳: ۱۳-۱۹ نیز مثالی دیگر است و در مورد حکمت به گونه ای سخن می گوید که انگار زنی درستکار و زیباست. کتاب مقدس از آن جهت این روش را بکار می برد تا واقعی بودن مسائل را نشان دهد. بنابراین وقتی مسیح نیز از این روش استفاده می کند به ما نشان می دهد که چقدر روح القدس واقعی است.

روح القدس از خدا جدا نیست

برخی افراد به اشتباه فکر می کنند که روح القدس شخصی متفاوت از خداست. آنها از واژگانی همانند "خدای روح القدس" استفاده می کنند که در کتاب مقدس هرگز وجود نداشته است. روح خدا یک موجود جدا از او نیست. قسمتی از خود اوست. همانطور که قدرت ما نیز قسمتی از خود ماست. چطور می توانیم خدا را از قدرت، حکمت و درکش جدا کنیم؟ همانطور که در ارمیا ۵۱: ۱۵ می خوانیم آنها اشخاصی جدا نیستند:

"اوست که زمین را به نیروی خویش بساخت و جهان را به حکمت خویش استوار کرد و آسمانها را به عقل خویش گسترانید" (ارمیا ۵۱: ۱۵).

اگر روح القدس شخصی جدا از خدا بود، پس روح القدس (و نه خود خدا) پدر عیسی مسیح می باشد (متی ۱: ۱۸) و این به واقع صحیح نمی باشد.

روح خدا و ما

برای درک روح خدا باید خدا را بشناسیم. اما هرگز قادر به انجام این کار توسط ذهن های فانی خود نیستیم. روح خدا بسیار فراتر از قدرت اوست. نحمیا ۹: ۲۰ می گوید که خدا "روح نیکوی خود را" داد تا مردم اسرائیل را با کمک های موسی هدایت کند. روح خدا سرشار از خوبی است و به نحوی که او از آن استفاده می کند نشان می دهد که او رحیم و بخشنده است. این همان رفتاری است که انسانها باید در زندگی خود بکار برند.

امروزه دیگر کسی به عطایای روح القدس (توانایی های خاص) نیاز ندارد (در درس بعد در این مورد بیشتر توضیح داده می شود). امروزه خدا توسط کلامش، که همان کتاب مقدس است، با ما سخن می گوید. کتاب مقدس به وسیله روح القدس نوشته شده است. وقتی کلام خدا را می خوانیم و اجازه می دهیم که بر ما تاثیر گذاشته و ما را راهنمایی کند. او کم کم ما را به شخصی شبیه مسیح تبدیل خواهد کرد. اینگونه می توان گفت: که کلام خدا در ما عمل می کند. پولس رسول به ایمانداران تسالونیکی گفت:

"نیز ما خدا را پیوسته شکر می گوئیم که شما به هنگام پذیرفتن کلام خدا، که از ما شنیدید، آن را نه چون سخنان انسان، بلکه چون کلام خدا پذیرفتید، چنانکه براستی نیز چنین است؛ همان کلام اکنون در میان شما که ایمان دارید، عمل می کند" (۱ تسالونیکیان ۲: ۱۳).

آیات زیر اهمیت کلام خدا را نشان می دهند. همانطور که ما برای شروع زندگی تازه از روح خدا متولد می شویم:

"زیرا تولد تازه یافته‌اید، نه از تخم فانی بلکه تخم غیرفانی، یعنی کلام خدا که زنده و باقی است" (۱ پطرس ۱: ۲۳).

"او چنین اراده فرمود که ما را با کلام حق تولید کند تا همچون نوبر آفریده‌های او باشیم" (یعقوب ۱: ۱۸).

ما ذاتا گناهکاریم. پولس رسول در رومیان ۸: ۵-۷ می گوید:

"آنان که نفسانی هستند، به آنچه از نفس است می‌اندیشند، اما آنان که روحانی‌اند، به آنچه از روح است. طرز فکر انسانِ نفسانی، مرگ است، اما طرز فکری که در حاکمیتِ روح قرار دارد، حیات و سلامتی است. زیرا طرز فکر انسانِ نفسانی با خدا دشمنی می‌ورزد، چرا که از شریعت خدا فرمان نمی‌برد و نمی‌تواند هم ببرد" (رومیان ۸: ۵-۷).

پولس از کلمه جسم برای بیان تفکر انسانی استفاده کرد. او از کلمه روح برای امور مربوط به خدا که از طریق روح القدس در کتاب بیان شده است استفاده کرد. ما باید بر جسم خود (تفکر شریر انسانی) غلبه کرده و آنرا با تفکر خدایی جایگزین کنیم. اعمال کتاب مقدس در زندگی، ما را به انسانهایی با ذهن خدایی تبدیل می‌کند. به این وسیله روح خدا بر ما نیز ظاهر می‌شود. پولس به ایمانداران تعمیدی می‌گوید:

"اما شما نه در حاکمیتِ نفس، بلکه در حاکمیتِ روح قرار دارید، البته اگر روح خدا در شما ساکن باشد و اگر کسی روحِ مسیح را نداشته باشد، او از آن مسیح نیست. اما اگر مسیح در شماست، هرچند بدن شما به علت گناه مرده است، اما چون پارسا شمرده شده‌اید، روح برای شما حیات است" (رومیان ۸: ۹-۱۰).

در نهایت ما باید به خاطر داشته باشیم که خدا توسط روح خود همه جا حضور دارد و از همه چیز آگاه است و ما هرگز قادر به پنهان کردن گناهان خود از او نیستیم:

"زیرا کلام خدا زنده و مؤثر است و بُرنده‌تر از هر شمشیر دو دم و چنان نافذ که نفس و روح و مفاصل و مغزِ استخوان را نیز جدا می‌کند و سنجشگر افکار و نیت‌های دل است. هیچ چیز در تمام آفرینش از نظر خدا پنهان نیست، بلکه همه چیز در برابر چشمان او که حساب ما با اوست، عریان و آشکار است" (عبرانیان ۴: ۱۲-۱۳).

خلاصه

- روح خدا قدرت اوست که از طریق آن همه چیز را هدایت می کند. به واسطه این قدرت جهان خلق شد و زنده نگاه داشته می شود.
- خدا به واسطه روح خود همه جا هست و از همه چیز آگاه است.
- عیسی مسیح توسط روح القدس به دنیا آمد. او روح را بدون هیچ محدودیتی دریافت کرد.
- شاگردان نیز عطایای روح القدس (یا توانایی های خاص) را دریافت کرده که شامل قدرت انجام معجزات و سخن گفتن به زبان های گوناگون می شد.
- در زمان کتاب مقدس خدا از روح خود جهت برقراری ارتباط با مردم استفاده می کرد.
- امروزه خدا از طریق کلامش که همان کتاب مقدس است و توسط قدرتش نوشته شده با ما سخن می گوید.

آیاتی جهت مطالعه:

(مزامیر ۱۳۹: ۱-۲) "خداوند، تو مرا آزموده و شناخته ای. تو از نشستن و برخاستنم آگاهی، و اندیشه هایم را از دور می دانی".

مزامیر ۱۰۴

یوحنا ۱۴

اعمال رسولان ۱۰: ۳۴-۴۳

غلاطیان ۵: ۱۶-۲۶

درس بیست و یکم: عطایای روح القدس

مطالعه: اعمال رسولان باب ۸

عطایای روح القدس به شاگردان داده می شود

در درس ۲۰ آموختیم که ده روز پس از عروج عیسی مسیح به آسمان در روز پنتیکاست، روح القدس به شاگردان داده شد و دلیل آن به یاد آوردن حرف ها و اعمالی بود که مسیح انجام می داد تا آنان نیز بتوانند به همان طریق به مردم تعلیم دهند. شاگردان توانایی انجام معجزات را نیز داشتند (مرقس ۱۶: ۱۷-۱۸). مسیح به آنها اینطور تعلیم داده بود: "در تمام عالم بروید و جمیع خلایق را به انجیل موعظه کنید" (مرقس ۱۶: ۱۵). این وظیفه بسیار بزرگی بود که آنها می بایست بدون سرورشان انجام می دادند. به طور قطع مردم دوست نداشتند به سخنان افراد کم سواد گوش دهند که درباره مردی بشارت می دهند که پس از سه روز از قبر برخیزانده شده است. همانطور که مسیح برای اثبات اینکه پسر خداست، از معجزات استفاده می کرد، آنان نیز برای اثبات این حقیقت که توسط خدا و عیسی مسیح فرستاده شده اند، از این معجزات بهره می گرفتند. معجزات آنها نشانه ای بود که ثابت کند پیام آنها از سوی خداست. عیسی مسیح قبل از عروج به آسمان به آنها گفت:

"اما چون روح القدس بر شما آید، قدرت خواهید یافت و شاهدان من خواهید بود، در اورشلیم و تمامی یهودیه و سامیره و تا دورترین نقاط جهان" (اعمال رسولان ۱: ۸).

در مرقس ۱۶: ۲۰ می خوانیم:

"پس ایشان بیرون رفته، در همه جا موعظه می کردند و خداوند با ایشان عمل می کرد و کلام خود را با آیاتی که همراه ایشان بود، ثابت می نمود" (مرقس ۱۶: ۲۰).

روز پنتیکاست

زمانی که شاگردان روح القدس را دریافت کردند به سرعت به سمت اورشلیم رفته و به یهودیانی که برای عید پنتیکاست جمع شده بودند، تعلیم دادند. مردم از کشورهای مختلفی آمده بودند و شاگردان به زبان های آنان سخن می گفتند. همه مبهوت و متعجب شده و به یکدیگر می گفتند:

"پس حیران و بهت زده گفتند: مگر اینها که سخن می گویند جملگی اهل جلیل نیستند؟ پس چگونه هر یک می شنویم که به زبان زادگاه ما سخن می گویند؟" (اعمال رسولان ۲: ۷-۸).

افراد زیادی متوجه شدند که شاگردان به زبان هایی سخن می گفتند که هرگز آن را نیاموخته بودند،

بنابراین می دیدند که روح خدا عمل می کند. این قدرت سخن گفتن به زبان های مختلف به شاگردان کمک می کرد تا کلام خدا را به تمامی ملت ها تعلیم دهند، بنابراین عطایای روح القدس به آنها کمک می کرد تا بتوانند کلام را تعلیم دهند.

عطایای روح القدس برای برپایی کلیساهای اولیه نیز به کار برده شد

در نتیجه آن تعلیمات در روز پنتیکاست، تا ۳۰۰۰ نفر تعمید گرفتند (اعمال رسولان ۲: ۴۱) و این شروع شکل گیری کلیساهای مسیحی بود. این گروه بزرگ ایماندار برای پرستش درست خدا به یک راهنما احتیاج داشتند. آنها نمی توانستند از عهد جدید بیاموزند، چون هنوز نوشته نشده بود. پس عطایای روح القدس به ایمانداران اولیه داده شد تا به آنها در راه اندازی کلیساهای اولیه کمک کند.

در اول قرن نهم: ۱۲-۴ پولس رسول نشان داده است که چگونه افراد مختلف، عطایای مختلفی دریافت کردند. او در ادامه خاطر نشان کرد که هر فرد باید در راستای خدمت به دیگران کاری کند. در آیه ۲۸ می گوید:

"خدا قرار داد در کلیسا، اول رسولان، دوم انبیا، سوم معلّمان؛ بعد قدرت معجزات، سپس عطایای شفا دادن و امداد و مدیریت و سخن گفتن به انواع زبانهای غیر" (۱ قرن نهم: ۱۲: ۲۸).

زمان های خاص

این یک زمان خاص در راستای تحقق اهداف خدا بود. فقط چند مناسبت این چنینی دیگر در کتاب مقدس وجود دارد که خدا به مردمانش قوت می دهد. به همین خاطر است که به افراد انتخاب شده، توانایی و قدرت خاص می دهد تا برای انجام کارهای ویژه به آنها کمک کند. تا زمانی که آن کار ویژه تمام نشود، قدرت و توانایی خاص نیز به پایان نخواهد رسید.

عهد جدید تحت تاثیر الهامات روح القدس نوشته شده است. امروزه ما می توانیم در عهد جدید درباره زندگی مسیح، آموزه های شاگردان و نامه هایی که شاگردان به کلیساهای اولیه نوشتند، بخوانیم. اما ایمانداران اولیه که تعمید داشتند هیچ نسخه مکتوبی نداشتند. به همین دلیل به رسولان، انبیا و معلّمان با توانایی های خاص نیاز بود.

عطایای روح القدس در آن زمان به دلایل زیر به آنها داده شد:

- برای اثبات این حقیقت که کتاب مقدس به درستی تدریس می شود.
- برای حمایت از کار بشارتی

- برای پایه گذاری و تاسیس کلیساهای اولیه.
- برای کمک به نوشتن عهد جدید.

زمانی که مسیحیت به ثبت رسید و عهد جدید کامل شد، این عطایا پس گرفته شدند و امروزه هیچ کس نمی تواند عطایای روح القدس را داشته باشد.

شاگردان عطایا را به ایمانداران تعمیدی دادند

ایمانداران تعمیدی عطایا را با گذاشتن دست شاگردان، از آنها دریافت می کردند، در اعمال رسولان باب ۸ انجام این کار را توسط پطرس رسول و یوحنا می بینیم. ایمانداری به نام فیلیپس (نه فیلیپس رسول) در سامریه مشغول تعلیم بود. او معجزات زیادی اجرا کرد تا تعلیماتش را ثابت کند (اعمال رسولان ۸: ۶). داستان در جدول زیر ادامه پیدا می کند:

نکات	متن کتاب	اعمال رسولان
فیلیپس پیام خوش را بشارت داد (خبر خوش پادشاهی خدا و فداکاری مسیح). افراد زیادی ایمان آوردند و تعمید گرفتند.	اما چون به بشارت فیلیپس درباره پادشاهی خدا و نام عیسی مسیح ایمان آوردند، همگی، مرد و زن، تعمید یافتند.	۱۲:۸
شخصی به نام شمعون ایمان آورد و تعمید گرفت. شمعون یک جادوگر بود (آیه ۹) و با شعبده هایش مردم سامری را فریب می داد اما از معجزات راستین فیلیپس متحیر شده بود و درک کرد که او از روح خدا قدرت می گیرد.	حتی شمعون نیز ایمان آورد و پس از تعمید یافتن پیوسته فیلیپس را همراهی می کرد و از دیدن آیات و معجزات عظیم که به ظهور می رسید، غرق در حیرت بود.	۱۳:۸

<p>همه رسولان هنوز در اورشلیم بودند (باب ۱ آیه ۱). پطرس و یوحنا برای کمک به فیلیپس باید به سامره می رفتند. رسولان دعا کردند که ایمانداران تازه تعمید یافته نیز عطایای روح القدس را دریافت کنند.</p>	<p>چون رسولان در اورشلیم آگاه شدند که سامیریان کلام خدا را پذیرفته‌اند، پطرس و یوحنا را نزد آنان فرستادند. آن دو به سامیره آمده، برای ایشان دعا کردند تا روح القدس را بیابند.</p>	<p>۸: ۱۴-۱۵</p>
<p>با وجود اینکه شمعون و دیگران تعمید گرفته بودند، اما روح القدس را دریافت نکردند. این نشان می داد که روح القدس به طور خودکار به همه ایماندارانی که تعمید می گرفتند داده نمی شد.</p>	<p>زیرا هنوز بر هیچ‌یک از ایشان نازل نشده بود، بلکه تنها به نام عیسیای خداوند تعمید یافته بودند و بس.</p>	<p>۸: ۱۶</p>
<p>ایمانداران تعمیدی جدید، روح القدس را از طریق پطرس و یوحنا (نه از طریق فیلیپس) دریافت کردند.</p>	<p>پس پطرس و یوحنا دستهای خود را بر آنان نهادند و ایشان روح القدس را یافتند.</p>	<p>۸: ۱۷</p>
<p>با وجود اینکه شمعون روح القدس را از رسولان دریافت کرده بود نمی توانست آن را به دیگران منتقل کند و او می خواست توانایی این کار را بدست آورد.</p>	<p>چون شمعون دید که با دست نهادن رسولان روح القدس عطا می شود، مبلغی پیش آورد و به رسولان گفت: به من نیز این اقتدار را ببخشید تا بر هر که دست بگذارم، روح القدس را بیابد.</p>	<p>۸: ۱۹-۲۱</p>
<p>پطرس به او گفت که در اشتباه است که سعی در خریدن عطایای روح القدس دارد. این بدین معنا بود که با وجود اینکه او روح القدس را دارا بود، اما باز هم اشتباه می کرد.</p>	<p>پطرس گفت: زرت با خودت نابود باد! زیرا پنداشتی عطای خدا را می توان با پول خرید.</p>	<p>۸: ۲۰</p>

از این قسمت می آموزیم که شمعون که عطایای روح القدس به او داده شده بود، نمی توانست آن را به شخص دیگری بدهد. به طور مشابه فیلیپس هم که دارای توانایی های زیادی در انجام معجزات بود،

نمی توانست آن را به دیگران منتقل کند. در عوض پطرس و یوحنا باید راه زیادی از اورشلیم می رفتند تا عطایای روح القدس را به نوایمانانِ تعمیدی بدهند. این امر ثابت می کند که تنها افراد اندکی، بلکه فقط رسولان قادر به دادن عطایای روح القدس به دیگران بودند. پس از مرگ آنها، عطایا نمی توانست به شخص دیگری منتقل شده باشد. بنابراین بعد از مدتی به آرامی ناپدید شد. امروزه عطایای روح القدس وجود ندارد.

کرنیلیوس

اعمال رسولان باب ۱۰ نشان می دهد که پطرس رسول چگونه توسط خدا آموزش داده شد تا یک یوزباشی رومی که نامش کرنیلیوس بود را ملاقات کند. او شخصی بود که برای رستگاری فراخوانده شده بود. تا آن زمان تنها یهودیان تعمید داده شده بودند. زمانی که پطرس با او و غیر یهودیان دیگر صحبت می کرد، "روح القدس بر همه آنان که پیام را شنیدند نازل شد" (اعمال رسولان ۱۰: ۴۴). غیر یهودیان شروع به صحبت به زبان های دیگر کردند. پطرس و همه کسانی که با او بودند "چون دیدند روح القدس حتی بر غیر یهودیان نیز فرو ریخته است، در حیرت افتادند" (اعمال رسولان ۱۰: ۴۵). این یک نشانه بزرگ از سوی سرورمان بود که غیر یهودیان نیز می توانستند مسیحی شوند. به همین خاطر پطرس دریافت که آنان نیز باید با آب تعمید بگیرند.

این تنها موردی است که عطایای روح القدس قبل از تعمید به شخصی داده می شد. این یک مورد خاص بود که به پطرس نشان می داد غیر یهودیان نیز می توانند تعمید بگیرند. همانطور که باب ۸ اعمال رسولان نشان می دهد، عطایا فقط مختص ایمانداران تعمیدی بوده و به صورت خودکار در اثر تعمید به افراد داده نمی شد.

پایان هدایا

در انتهای قرن اول مسیحیت پایه گذاری شد و نوشتن عهد جدید نیز کامل گردید و بعد از آن خدا توسط کلامش که نوشته شده بود، یعنی کتاب مقدس مردم را هدایت و راهنمایی می کرد. بنابراین عطایای روح القدس از آنها گرفته شد. پولس رسول نشان می دهد که عطایا موقتی بوده اند. او می گوید که آنها داده شدند:

"تا مقدسین را برای کار خدمت آماده سازند، برای بنای بدن مسیح، تا زمانی که همه به یگانگی ایمان و شناخت پسر خدا دست یابیم و بالغ شده، به بلندای کامل قامت مسیح برسیم" (افسیان ۴: ۱۲-۱۳).

عبرانیان ۶: ۵ عطایا را بعنوان "قوات عالم آینده" توصیف می کند، که نشان می دهد در پادشاهی خدا

عطایای بیشتری خواهد بود. بنابراین اگر عطایا پس گرفته شدند، در زمان بازگشت مسیح دوباره داده خواهند شد. پس امروزه ما در زمانی هستیم که آنها وجود ندارند. پولس به قرن‌تیان اینگونه نوشت:

"محبت هرگز پایان نمی‌پذیرد. اما نبوتها از میان خواهد رفت و زبانها پایان خواهد پذیرفت و معرفت زایل خواهد شد" (۱ قرن‌تیان ۱۳: ۸).

آیه ۸ نشان می‌دهد که عطایای روح القدس پس گرفته شدند. آیه ۱۳ نشان می‌دهد که ایمان، امید و محبت باقی می‌ماند:

"و حال، این سه چیز باقی می‌ماند: ایمان، امید و محبت. اما بزرگترینشان محبت است" (۱ قرن‌تیان ۱۳: ۱۳).

بنابراین بیشتر از عطایای روح القدس، به امید و ایمان نیازمندیم. اما هنگام بازگشت مسیح دیگر به آنها احتیاجی نداریم. (چون امید ما بازگشت مسیح است و ایمان داریم که این اتفاق خواهد افتاد). پس در زمان بین ایام رسولان و بازگشت عیسی مسیح، عطایای روح القدس گرفته شده و وجود ندارد. ما نباید از این واقعیت که عطایای روح القدس موقتی بودند متعجب شویم. در متی باب ۱۰ می‌خوانیم که مسیح به دوازده شاگردش قدرت انجام معجزات را داد. این قدرت زیاد با آنها نماند. چون در پنتیکاست دوباره به آنها داده شد.

آیا کسی امروزه عطایای روح القدس را دارد؟

بعضی ادعا می‌کنند که امروزه عطایا را در اختیار دارند. به خصوص بیشتر افراد ادعا می‌کنند که می‌توانند به زبان‌های غیر صحبت کرده و شفا دهند. چگونه می‌توانیم این ادعا را آزمایش کنیم؟

۱. معجزات در کتاب مقدس همیشه در لحظه صورت می‌گرفت و درست بوده و هرگز با شکست مواجه نمی‌شدند. کوران بینا می‌شدند و شلان قادر به ایستادن بودند و همه به طور کامل درمان می‌شدند. حتی مردگان نیز زنده می‌شدند. اما امروزه هیچ کس نمی‌تواند مردگان را زنده کند و معجزاتی همانند مرقس ۱۶: ۱۷-۱۸ انجام دهد:

"و این آیات همراه ایمانداران خواهد بود: به نام من دیوها را بیرون خواهند کرد و به زبانهای تازه سخن خواهند گفت و مارها را با دستهایشان خواهند گرفت و هر گاه زهری گشوده بنوشند، گزندگی به آنها نخواهد رسید و دستها بر بیماران خواهند نهاد و آنها شفا خواهند یافت" (مرقس ۱۶: ۱۷-۱۸).

۲. عطایای روح القدس برای کمک به کلیسا های واقعی داده شد. همچنین نشانه می داد که کلیسا های راستین به کلام خدا ایمان داشته و آن را بشارت می دهند. امروزه اکثر افرادی که ادعا می کنند عطایا را دارند، آموزش هایی می دهند که در کتاب مقدس تعلیم داده نشده است. بنابراین ادعای آنها بی اساس است. مسیح درباره کسانی که به دروغ ادعا می کنند که عطایای روح القدس را دارند، هشدار جدی می دهد (متی ۷: ۲۱-۲۳).

"نه هر که مرا 'سرورم، سرورم' خطاب کند به پادشاهی آسمان راه یابد، بلکه تنها آن که اراده پدر مرا که در آسمان است، به جا آوَرَد. در آن روز بسیاری مرا خواهند گفت: "سرور ما، سرور ما، آیا به نام تو نبوت نکردیم؟ آیا به نام تو دیوها را بیرون نراندیم؟ آیا به نام تو معجزات بسیار انجام ندادیم؟" اما به آنها به صراحت خواهیم گفت، "هرگز شما را نشناختم. از من دور شوید ای بدکاران" (متی ۷: ۲۱-۲۳)

عطایای روح القدس هرگز مردم را مجبور به کار درست نکرد

افراد خاصی در کتاب مقدس عطایا را از خدا دریافت کردند. اگر چه هیچ کدامشان به خاطر عطایا انسان بهتری نشدند. در عهد عتیق به مردم این عطایا داده شد تا به آنان در ساخت خیمه کمک کند. اما با این وجود آنها از خدا نافرمانی کردند و در صحرا مردند. پولس رسول و پطرس رسول هر دو عطایا را داشتند. اما هرگز برای انجام بهترین چیز با هم موافق نبودند. پولس، پطرس را متهم به اشتباه انداختن مردم و نشان دادن مثال های اشتباه می کرد. پس حتی رسولان نیز که عطایا را داشتند اشتباه می کردند (غلاطیان ۲: ۱۱-۱۴). عطایای روح القدس هرگز به مردم داده نشد تا آنها به انسان هایی عادل تبدیل شوند. ما زمانی عادل محسوب می شویم که با اختیار خود راه خدا را انتخاب کرده و آن را اطاعت کنیم. فقط در چند مورد در کتاب، خدا شرایطی مهیا کرد تا مردم قادر به انجام معجزات باشند. حتی افراد بزرگ خدا مانند ابراهیم و داوود هیچ معجزه ای نداشتند و با این وجود خدا آنان را عادل معرفی کرد. این تاثیر کلام خدا بر زندگی ماست که می تواند ما را تغییر داده تا تبدیل به شخصی شویم که خدا را خشنود می سازد.

خدا همچنان در کار است

روح خدا همچنان در کار است. تمام مخلوقات را زنده نگاه داشته است. ایوب ۳۴: ۱۴-۱۵ نشان می دهد که اگر حمایت خدا از مخلوقاتش نبود همه چیز از بین می رفت. خدا توسط روح خود تمام اتفاقات جهان را کنترل کرده و هدفش را به تحقق می رساند و همچنین توسط روح خود پاسخگوی دعای ایمانداران نیز می شود. اگرچه خدا دیگر به زنان و مردان توانایی های خاص و قدرت روح القدس را نمی دهد. خدا از طریق کلامش با ما سخن می گوید. پس احتیاج به هیچ رابط دیگری نداریم.

خلاصه

عطایای روح القدس به افراد انتخاب شده خاصی در زمانی خاص داده شد تا به آنها برای انجام کار هایی مشخص برای خدا کمک کند. وقتی آن کارها به اتمام رسید، قدرت و توانایی های خاص نیز به اتمام رسید. امروزه هیچ کس عطایای روح القدس را ندارد.

آیاتی جهت مطالعه:

(۱ قرنتیاں ۱۳: ۸) "محبت هرگز پایان نمی پذیرد. اما نبوتها از میان خواهد رفت و زبانها پایان خواهد پذیرفت و معرفت زایل خواهد شد"

(۱ قرنتیاں ۱: ۱۲-۱۳)

درس بیست و دوم – گناه و عواقب آن (قسمت اول)

مطالعه: پیدایش باب های ۲ و ۳

گناه چیست؟

گناه سرپیچی از فرمان خداست:

"هر کس در گناه زندگی می کند برخلاف شریعت عمل می کند؛ گناه به واقع مخالفت با شریعت است" (۱ یوحنا ۳: ۴).

کتاب بطور واضح نشان می دهد که همه گناه کاریم: "پارسایی نیست، حتی یکی" (رومیان ۳: ۱۰).

عبارتی که کتاب مقدس برای گناه استفاده می کند "از دست دادن نشانه" است. یک کماندار ممکن است هنگام پرتاب تیر نشانه ای را که در نظر گرفته بود، از دست بدهد. ما نیز همین گونه هستیم. وقتی گناه می کنیم نشانه را از دست می دهیم. نشانه مثال کاملی است که توسط عیسی مسیح برای ما مشخص شده است. او استاندارد های خدا را با روش زندگی خود به ما نشان داد. مثال او هدفی است که باید برای زندگی خود در نظر بگیریم. وقتی از استاندارد های خدا خارج می شویم گناه می کنیم: "زیرا همه گناه کرده اند و از جلال خدا کوتاه می آیند" (رومیان ۳: ۲۳).

اکثر ما مرتکب جرایم بزرگی از قبیل قتل، زنا و دزدی نشده ایم. پس خود را گناهکار نمی دانیم و بر این باوریم که انسان های خوبی هستیم و نزد خدا قابل قبولیم. ما خودمان را فریب می دهیم. هر وقت که نشانه را از دست بدهیم، چه کم و چه زیاد، گناه کرده ایم. "هر عمل نادرستی گناه است..." (۱ یوحنا ۵: ۱۷). غلاطیان باب ۵ فهرستی از گناهان را فراهم کرده است که شامل خشم، حسد، مستی و تمام ناراستی هایی که ما آن را گناه به حساب نمی آوریم، می شود. باید به هشدارها دقت کنیم. با وجود ادامه این اعمال نمی توانیم در پادشاهی خدا حضور داشته باشیم.

"اعمال نَفَس روشن است: بی عفتی، ناپاکی و هرزگی؛ بت پرستی و جادوگری؛ دشمنی، ستیزه جویی، رشک، خشم؛ جاه طلبی، نفاق، دسته بندی، حسد؛ مستی، عیاشی و مانند اینها. چنانکه پیشتر به شما هشدار دادم، باز می گویم که کنندگان چنین کارها پادشاهی خدا را به میراث نخواهند برد" (غلاطیان ۵: ۱۹-۲۱).

گفتن سخن باطل و دروغ نیز گناه محسوب می شود:

"اما اکنون باید همهٔ اینها را از خود دور کنید، یعنی خشم، عصبانیت، بدخواهی، ناسزاگویی و سخنان زشت را از دهان خود. به یکدیگر دروغ مگویید، زیرا آن انسانِ قدیم را با کارهایش از تن به در آورده‌اید" (کولسیان ۳: ۸-۹).

وقتی مرتکب این اعمال می‌شویم یعنی گناه کرده ایم. گناهان همه بر ضد خدا هستند زیرا از فرمان او سرپیچی می‌کنیم. خدا کاملاً بی‌گناه است و ما با گناه کردن، خود را از او جدا می‌کنیم (اشعیا ۵۹: ۲).
گناه فقط اعمال اشتباه نیست، وقتی کار درست را انجام نمی‌دهیم نیز گناه کرده ایم.

"بنابراین، هر که بداند چه کاری درست است و آن را انجام ندهد، گناه کرده است" (یعقوب ۴: ۱۷).

خواندن کتاب مقدس، بخشنده بودن و مهربانی، ملاقات بیماران و کمک به دیگران، خداوند را خشنود می‌سازد. ما باید تلاش کنیم تا در زندگی خود به خدا جلال بخشیم.

خواسته‌های انسانی (شهوات)

ما به همراه خواسته‌های اساسی برای بقای نسل بشریت در درونمان بدنیا آمده ایم. برای مثال احتیاج به حس گرسنگی داریم، اما گرسنگی ما نباید تبدیل به حرص شود. روابط جنسی طبیعی است و قسمتی از ازدواج می‌باشد. اما اگر خواسته‌های ما خارج از غالب ازدواج باشد و به رابطه‌هایی بیرون از ازدواج پناه ببریم، گناه کرده ایم. وقتی خودخواه شویم و راه خود را فراموش کنیم، گناه می‌کنیم. ما باید خواسته‌های خود را کنترل کنیم و در غیر اینصورت گمراه می‌شویم:

"از کجا در میان شما جنگ و جدال پدید می‌آید؟ آیا نه از امیالتان که درون اعضای شما به ستیزه مشغولند؟ حسرت چیزی را می‌خورید، اما آن را به دست نمی‌آورید. از طمع مرتکب قتل می‌شوید، اما باز به آنچه می‌خواهید نمی‌رسید. جنگ و جدال بر پا می‌کنید، اما به دست نمی‌آورید، از آن رو که درخواست نمی‌کنید. آنگاه نیز که درخواست می‌کنید، نمی‌یابید، زیرا با نیت بد درخواست می‌کنید تا صرف هوس رانیهای خود کنید. ای زناکاران، آیا نمی‌دانید دوستی با دنیا دشمنی با خداست؟ هر که در پی دوستی با دنیاست، خود را دشمن خدا می‌سازد" (یعقوب ۴: ۱-۴).

ما باید خود را همانطور که خدا می‌بیند ببینیم.

"همه راههای انسان در نظر خودش درست است اما خداوند است که دلها را می‌آزماید" (امثال ۲: ۲۱).

"دل از همه چیز فریبنده‌تر است و بسیار بیمار..." (ارمیا ۱۷: ۹).

تنها زمانی متوجه نیاز خود به رستگاری می‌شویم که به گناهکار بودن خود پی برده باشیم.

گناه از کجا به وجود آمد؟

ابتدا خدا اولین مرد، یعنی آدم را خلق کرد. او از خاک زمین شکل گرفت.

"آنگاه یهوه خدا آدم را از خاک زمین بسرشت و در بینی او نفس حیات دمید و آدم موجودی زنده شد" (پیدایش ۲: ۷).

خدا آدم را در باغ زیبای عدن قرار داد و برای او همسری آورد. خدا به آدم تنها یک دستور ساده داد:

"و یهوه خدا آدم را امر کرده، گفت: تو می‌توانی از هر یک از درختان باغ آزادانه بخوری؛ اما از درخت شناخت نیک و بد زنه‌ار نخوری، زیرا روزی که از آن بخوری به یقین خواهی مرد" (پیدایش ۲: ۱۶-۱۷).

آدم و حوا برای پیروی از فرمان خدا قدرت انتخاب داشتند. آنها می‌توانستند ایمان به خدا را انتخاب کنند یا از فرمان او سرپیچی کرده و میوه درخت ممنوعه را بخورند. آنها با قدرت اختیار خلق شده بودند. خدا صرفاً عروسکی بدون قدرت اختیار خلق نکرد. هدف خدا این بود که آنها راه او را با قدرت خود و از روی عشق و احترام انتخاب کنند. مار تنها یک حیوان بود که خدا به او اجازه صحبت داد. او به حوا دروغ گفت، مار به آنها گفت که اگر میوه ممنوعه را بخورند، نخواهند مرد و در عوض همانند خدا عارف نیک و بد خواهند شد. مار برای خوردن میوه به حوا اصرار نکرد. آدم و حوا هر دو قدرت اختیار داشتند. نافرمانی از خدا و خوردن میوه ممنوعه انتخاب خودشان بود. بنابراین مرتکب گناه شدند.

مرگ مجازات گناه است

خدا به آدم گفته بود که اگر سرپیچی کند با مرگ مجازات می‌شود. پس هر دو محکوم به مرگ شدند. آدم و حوا طی مرور زمان تبدیل به موجوداتی فانی شدند که پس از آن کار سخت و خستگی را تجربه کردند و قبل از مرگ از بیماری رنج بردند. مرگ آدم هیچ تفاوتی با مرگ ما نداشت. ما همه از نوادگان آدم هستیم و ذات او را داریم و ما نیز به خاطر گناهانمان می‌میریم:

"پس، همان‌گونه که گناه به واسطه یک انسان وارد جهان شد و به واسطه گناه، مرگ آمد و

بدین‌سان مرگ دامنگیر همهٔ آدمیان گردید، از آنجا که همه گناه کردند" (رومیان ۵: ۱۲).

مرگ چیست؟

بعد از گناه آدم، خدا گفت: "... تا آن هنگام که به خاک باز گردی که از آن گرفته شدی؛ چرا که تو خاک هستی و به خاک باز خواهی گشت" (پیدایش ۳: ۱۹). خدا آدم را از خاک زمین ساخت. پس از مرگ آدم و حوا بدنشان پوسیده شده و به خاک تبدیل شد. هیچ بخشی از بدنشان به حیات خود ادامه نداد. مرگ مجازات خدا برای گناه و همچنین پایان زندگی می باشد. آیات زیر نشان می دهد که زمان مرگ ما چه اتفاقاتی می افتد. این آیات نشان می دهد کسانی که مردند نمی توانند فکر کرده و چیزی را حس کنند. آنها دیگر وجود ندارند.

آیات	متن
مزامیر ۱۴۶: ۴	چون روح او بیرون می‌رود، او به خاک برمی‌گردد و در همان روز تدبیر هایش نابود می‌شود.
جامعه ۹: ۵	از آن رو که زندگان می‌دانند که خواهند مرد، اما مردگان هیچ نمی‌دانند و ایشان را دیگر پاداشی نیست، زیرا که یادشان فراموش می‌شود.
مزامیر ۶: ۵	زیرا مردگان، تو را یاد نتوانند کرد. کیست که در هاویه تو را بستاید؟
مزامیر ۳۹: ۱۳	دیده از من برگیر، تا دیگر بار لبخند بر لبان آرم پیش از آنکه رخت بریندم و دیگر نباشم.
مزامیر ۱۱۵: ۱۷	مردگان نیستند که خداوند را می‌ستایند و نه آنان که به دیار خاموشی فرو می‌روند.

وقتی خدا حزقیای پادشاه را از مرگش مطلع ساخت او بسیار غمگین شد. او می خواست زنده بماند چون می دانست در مرگ نابودی است. او گفت:

"زیرا که هاویه سپاس تو نتواند گفت و مرگ تو را نتواند ستود. آنان که به گودال فرو می‌شوند به امانت تو امید نتوانند داشت" (اشعیا ۳۸: ۱۸).

حزقیای می دانست که پس از مرگش قادر به ستایش خدا نخواهد بود. به همین خاطر در آیه ۱۹ گفت: "زندگان، آری زندگانند که تو را سپاس می گویند".

به ما گفته نشده که داوود پادشاه بعد از مرگش به آسمان رفت (اعمال رسولان ۲: ۳۴). با وجود اینکه او مرغوب دل^۵ خدا خوانده شده بود. هیچ کدام از ما پس از مرگ به آسمان نمی رویم. ما به قبر می رویم، جایی که جسم مان پوسیده می شود.

روح یعنی "زندگی"، "شخص" و "موجود"

افراد زیادی به اشتباه بر این باورند که قسمتی از آنان هرگز نمی میرد و گمان می کنند که فناپذیر است (قابلیت مرگ را ندارد). اما کتاب مقدس هرگز از ارواح فناپذیر سخن نگفته است. واژه "ارواح فناپذیر" در کتاب مقدس یافت نمی شود، هیچ جاودانگی و یا "جرقه ای خدایی" در انسان ها نیست. هیچ چیزی در انسان یافت نمی شود که بعد از مرگ او به زندگی ادامه دهد. به ما گفته شده است:

"اینک همه جانها از آن منند چنانکه جان پدر است، همچنین جان پسر نیز، هر دوی آنها از آن من می باشند. هر کسی که گناه ورزد او خواهد مرد" (حزقیال ۱۸: ۴).

همه ارواح (یا همه جانها، یا همه مردم) گناه می کنند، پس ارواح (جان یا مردم) همه می میرند. بنابراین ارواح فناپذیر وجود ندارد. در واقع واژه روح برای حیوانات نیز به کار برده شده است. در پیدایش باب ۱ آیات ۲۱ و ۲۴ و پیدایش ۲: ۱۹ و پیدایش ۹: ۱۰ کلمه عبری "روح" به معنای "موجود" ترجمه شده که به حیوانات اشاره دارد.

همه اینها چیزی را که در کتاب جامعه ۳: ۱۹-۲۰ گفته شده است را ثابت می کند:

"زیرا که وقایع بنی آدم مثل وقایع بهایم است برای ایشان یک واقعه است؛ چنانکه این می میرد به همانطور آن نیز می میرد و برای همه یک نفس است و انسان بر بهایم برتری ندارد چونکه همه باطل هستند. همه به یکجا می روند و همه از خاک هستند و همه به خاک رجوع می نمایند" (جامعه ۳: ۱۹-۲۰).

^۵ دلخواه خدا (اعمال رسولان ۱۳: ۲۲)، موافق دل خدا (۱ سموئیل ۱۳: ۱۴)

مرگ یک انسان و حیوان هیچ تفاوتی با هم ندارد. این پایان زندگی برای هر دوی آنهاست. پس از مرگ هیچ کدام از آنها وجود ندارند.

"روح" یعنی "زندگی"، "شخص"، "موجود خلق شده"

به خاطر گناه ما همه به مرگ محکومیم. پس از مرگ زندگی نمی‌کنیم. بعضی بر این باورند که روحشان پس از مرگ وارد جسم یک شخص دیگر و یا یک حیوان و یا یک شی می‌شود. این از تعالیم کتاب مقدس نیست. اگر بعد از مرگ حیاتی وجود داشت، پس هیچ نیازی به فداکاری مسیح برای ما نبود. اما کتاب مقدس به ما می‌گوید که ما به غیر از مسیح هیچ امید زندگی نداریم. اگر این واقعیت را درک نکنیم پس هرگز متوجه عذابی که مسیح بخاطر ما متحمل شد نمی‌شویم. مسیح مرد تا ما را از مرگ رهایی بخشد.

خلاصه:

- گناه سرپیچی از فرمان خدا و شکست خوردن در راه درست اوست.
- خدا آدم را از خاک زمین ساخت، در بینی او دمید تا به او زندگی بخشد.
- خدا به آدم یک فرمان داد. آدم و حوا با قدرت اختیار خلق شدند و قابلیت انتخاب در اطاعت کردن از خدا را داشتند.
- آدم و حوا از خدا سرپیچی کرده و تبدیل به موجودات فانی شدند. مرگ مجازات گناه است.
- ما همه از نوادگان آدم بوده و ذات او را به ارث برده ایم. همه گناهکار و لایق مرگ می باشیم.
- مرگ پایان زندگیست. مردگان قادر به تفکر و یا احساس کردن نیستند. هیچ قسمتی از انسان بعد از مرگ به زندگی ادامه نمی دهد.
- کلمه "روح" به معنای "شخص"، "زندگی" و "موجود خلق شده" می باشد. در مورد انسان و حیوان به کار برده شده است. عبارت "روح فناپذیر" در کتاب مقدس یافت نمی شود.

آیاتی جهت مطالعه:

(مزامیر ۱۴۶: ۴) "چون روح او بیرون می‌رود، او به خاک برمی‌گردد و در همان روز تدبیرهایش نابود می‌شود".

(اشعیا باب ۳۸)

درس بیست و سوم: گناه و عواقب آن (قسمت دوم)

مطالعه: اعمال رسولان باب ۲

پس از مرگ چه اتفاقی می افتد؟

- عقاید زیادی در مورد اتفاقات پس از مرگ وجود دارد. در اینجا چند نمونه را می بینید:
- برخی به تناسخ در جسمی تازه معتقدند (به این معنی که انسان ها در جسم شخص دیگر و یا چیز دیگری زندگی می کنند).
- برخی بر این باورند که انسانهای خوب به بهشت می روند و شریران برای همیشه در جهنم عذاب می کشند.
- برخی معتقدند که مرگ انتهاست و بعد از آن هیچ امیدی نیست.
- برخی معتقدند که روزی می آید که مردگان برخیزانده شده و داوری می شوند و به ایمانداران زندگی جاودان داده می شود.

کتاب مقدس چه می گوید؟

مرگ مجازات گناه و پایان زندگی و آگاهی انسان می باشد. کسی که می میرد، دیگر قادر به تفکر و یا احساس کردن چیزی نیست. پس از مرگ، شخص دیگر وجود ندارد و هیچ قسمت از بدنش به زندگی ادامه نمی دهد:

"از آن رو که زندگان می دانند که خواهند مرد، اما مردگان هیچ نمی دانند و ایشان را دیگر پاداشی نیست، زیرا که یادشان فراموش می شود. دیری نمی پاید که از محبت و نفرت و حسادتشان هیچ اثری باقی نمی ماند و دیگر تا به ابد در هر آنچه زیر آفتاب رُخ می دهد سهمی نخواهند داشت" (جامعه ۹: ۵-۶).

به نکات زیر در متن دقت کنید:

- مردگان هیچ نمی دانند.
- برای آنها دیگر پاداشی نیست.
- ذکر ایشان فراموش می شود.
- هم محبت، هم نفرت و هم حسد ایشان نابود شده است.
- در هیچ کدام از فعالیت های انسانی دیگر شرکت نخواهند کرد.

کتاب مقدس بطور واضح نشان می دهد که مرگ، پایان زندگی است. اما آیا بدین معناست که بعد از قبر هیچ امید دیگری وجود ندارد؟

وعده رستاخیز و زندگی جاودان

امیدی وجود دارد که تنها از طریق عیسی مسیح به حقیقت می پیوندد. مسیح می گوید:

"... زیرا اگر ایمان نیاورید که من هستم در گناهانتان خواهید مرد" (یوحنا ۸: ۲۴).

ما به سبب زندگی عاری از گناه و با مرگ مسیح، می توانیم امید زندگی پس از مرگ را داشته باشیم.

"زیرا خدا جهان را آنقدر محبت کرد که پسر یگانه خود را داد تا هر که به او ایمان آورد

هلاک نگردد، بلکه حیات جاویدان یابد. زیرا خدا پسر را به جهان فرستاد تا جهانیان را

محکوم کند، بلکه فرستاد تا به واسطه او نجات یابند" (یوحنا ۳: ۱۶-۱۷).

ما چون گناه می کنیم، می میریم. اما گناهانمان از طریق مسیح بخشیده می شود. کسی که اینگونه

توصیف شده است: "این است بره خدا که گناه از جهان بر می دارد" (یوحنا ۱: ۲۹). زمانی که گناهانمان

کاملاً بخشیده شود، نخواهیم مرد و همانند مسیح از مردگان برخیزانده شده و زندگی جاودان را

دریافت خواهیم کرد.

یوحنا ۶: ۳۹-۴۴ را بخوانید. عیسی مسیح در این آیات سه بار از برخیزانده شدن مردگان در "روز

آخر" (زمانی که به زمین باز می گردد) سخن گفت. به آیه ۴۰ دقت کنید:

"زیرا اراده پدر من این است که هر که به پسر بنگرد و به او ایمان آورد، از حیات جاویدان

برخوردار شود و من در روز بازپسین او را بر خواهم خیزانید" (یوحنا ۶: ۴۰).

افراد درستکار در پادشاهی خدا صاحب حیات جاودان می شوند و عیسی مسیح به آنان می گوید:

"بیایید، ای برکت یافتگان از پدر من، و پادشاهی ای را به میراث یابید که از آغاز جهان برای

شما آماده شده بود" (متی ۲۵: ۳۴).

امید مسیحیان، برخیزانده شدن از مردگان و داشتن حیات جاودان در پادشاهی خدا در زمان بازگشت مسیح است.

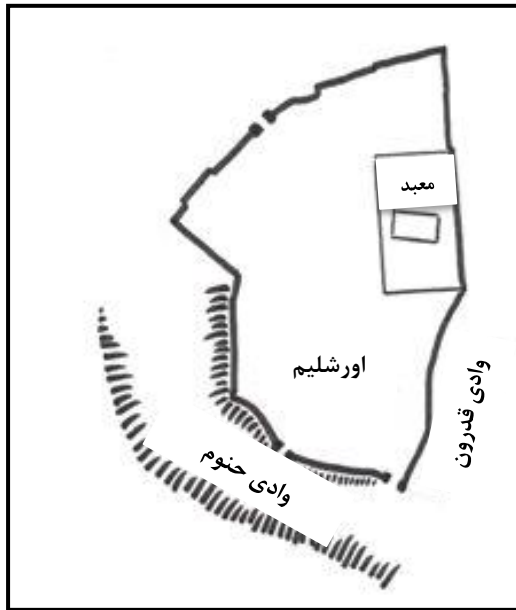
جهنم چیست؟

همانطور که می دانیم پس از مرگ زندگی انسان ها متوقف می شود. از آن جایی که افراد مرده قدرت درک و یا حس کردن چیزی را ندارند، بنابراین نمی توانند با عذاب در جهنم زجر بکشند. پس منظور کتاب مقدس از کلمه "جهنم" چیست؟ دو کلمه یونانی در عهد جدید به معنای جهنم ترجمه شده اند. یکی "جهننا" و دیگری "حادس" است. این دو کلمه معنای متفاوتی دارند ولی هیچ کدام از آنها به معنای جایی که شریران پس از مرگ در آن عذاب بکشند نیست.

۱. جهننا:

جهننا بعنوان سمبلی برای نابودی کامل شریران است. اما محلی برای عذاب آنها نیست. افرادی که در داوری مسیح پذیرفته نشوند برای همیشه عذاب نمی کشند.

کلمه جهننا در کتاب مقدس نباید به معنی جهنم ترجمه شود. جهننا مکانی است در خارج از اورشلیم و به معنی "وادی پسران حنوم" می باشد (اشعیا ۱۵: ۸). این دره توسط یهودیان کاملاً شناخته شده بود. در آن مکان شرارت های زیادی وجود داشت. مکانی بود که بعضی از پادشاهان یهود فرزندان خود را بجهت قربانی کردن برای بت ها، می سوزاندند. (۲ پادشاهان ۲۳: ۱۰، ۲ تواریخ ۲۸: ۳ و ارمیا ۳۲: ۳۵). اینگونه خدا مردم یهود را در آنجا مجازات کرد (ارمیا ۷: ۳۰-۳۴). در زمان مسیح، وادی حنوم، مکانی بود که یهودیان زباله ها، اجساد، انسانها و حیوانات و مجرمین را در آن می سوزاندند. عیسی مسیح با جمع آوری تمامی این ایده ها، کلمه "جهننا" را بکار برد تا سمبلی برای از بین رفتن کامل شرارت باشد.



مرقس ۹: ۴۳-۴۸ "گر دست تو را می‌لغزاند، آن را قطع کن. زیرا تو را بهتر آن است که علیل به حیات راه یابی تا آنکه با دو دست به دوزخ روی، به آتشی که هرگز خاموش نمی‌شود. جایی که کرم آنها نمی‌میرد و آتش خاموشی نمی‌پذیرد و اگر پایت تو را می‌لغزاند، آن را قطع کن. زیرا تو را بهتر آن است که لنگ به حیات راه یابی، تا آنکه با دو پا به دوزخ افکنده شوی. جایی که کرم آنها نمی‌میرد و آتش خاموشی نمی‌پذیرد و اگر چشمت تو را می‌لغزاند، آن را به در آر، زیرا تو را بهتر آن است که با یک چشم به پادشاهی خدا راه یابی، تا آنکه با دو چشم به دوزخ افکنده شوی، جایی که کرم آنها نمی‌میرد و آتش خاموشی نمی‌پذیرد."

کلمه "جهنم" در مرقس ۹: ۴۳-۴۸ همان کلمه "جهنما" است. زبان استفاده شده در این قسمت مردم را به اشتباه می‌اندازد و به اشتباه اینگونه برداشت می‌شود که وقتی ظالمان می‌میرند مجازات شده و برای همیشه می‌سوزند. ما میدانیم که این حقیقت ندارد، چون مردگان نمی‌توانند چیزی را حس کنند و دیگر وجود ندارند.

آتشی که در میان این دره بود به دلیل زیاد بودن زباله‌ها هرگز خاموش نمی‌شد. اما یک کاغذ هرگز برای همیشه نمی‌سوزد و در عرض چند دقیقه سوختنش متوقف شده، چون از بین می‌رود. اگرچه آتش همچنان زباله‌ها را می‌سوزاند و خاموش نمی‌شود. هرچه زباله بیشتری اضافه شود آتش بیشتر دوام می‌آورد. "جهنما" بعنوان نمادی برای نابودی کامل شرارت است و مسیح هم هرگز نگفت که شریران برای همیشه می‌سوزند.

مرقس باب ۹ از نظر معنای لغوی درست نیست. زیرا مسیح هرگز نمی‌پذیرد که کسی چشم خود را در آورد، حتی اگر باعث گناه شود. مسیح از زبان تصویری استفاده کرده است. اما منظور او چه بود؟

کسی که وسوسه دزدی در او به وجود آمده لازم نیست دستش را قطع کند، اما باید آمادگی ایجاد تغییرات جدی برای دوری از وسوسه دزدی را داشته باشد. اگر به دزدی ادامه دهد در پادشاهی نخواهد بود. او هنگام بازگشت مسیح در روز داوری رد شده و برای همیشه خواهد مرد. او هرگز دوباره زندگی نخواهد کرد و نابودی اش کامل می‌شود.

به طور مشابه شخصی که با شهوت به زن دیگران نگاه می‌کند نباید چشمش را در بیاورد، بلکه باید سعی در از بین بردن آن شهوت از زندگی خود داشته باشد. این بدین معناست که او باید محل کار و یا

زندگیش را تغییر داده تا دیگر با آن زن روبرو نشود. ممکن است به اندازه در آوردن چشم سخت باشد ولی از نپذیرفته شدن در داوری حتما بهتر است. اگر رد شود کاملا نابود می شود. دقیقا همانند زباله هایی که در وادی حنوم سوخته می شوند. عیسی مسیح از زبان تصویری استفاده می کرد تا اهمیت از بین بردن وسوسه در زندگی را به ما ثابت کند.

"که هر چند شیرین چون علف برویندو بدکاران جملگی بشکفند، برای این است که تا به ابد هلاک گردند" (مزامیر ۹۲: ۷).

۲. حادس:

این کلمه یونانی به "قبر" اشاره دارد. مکانی که مردگان در آن دفن می شوند. نسخه قدیمی کتاب مقدس این کلمه را "جهنم" ترجمه کرده است. چون این یک کلمه قدیمی انگلیسی و به معنای مکان سر پوشیده است. پس کلمه "جهنم" (حادس) در کتاب مقدس برای قبر، جایی که مردگان در آن قرار می گیرند، بکار برده شده است. این تغییرات در اعمال رسولان ۲: ۲۷ نشان داده شده است.

زیرا جانم را در قبر و نخواستی نهاد	زیرا جانم را در جهنم و نخواستی نهاد	زیرا جانم را در هاویه و نخواستی نهاد
---	--	---

گاهی مترجمان کلمه اصلی یونانی (حادس، هاویه) را رها کرده و برخی نیز آن را "جهنم" و یا "قبر" ترجمه کرده اند.

حادس (کلمه یونانی) = جهنم = قبر

دقت کنید که به طور مشابه کلمه "روح" هم در درس ۲۲ در جایی به "من" تغییر داده شده که نشان دهنده یک شخص است.

سئول - جهنم در عهد عتیق

در بعضی از نسخه های کتاب مقدس کلمه "جهنم" در عهد عتیق نیز وجود دارد. در زبان اصلی عهد عتیق که زبان عبری می باشد کلمه سئول آمده و به معنای "قبر" و یا "گودال" است.

اعمال رسولان ۲: ۲۷ حادس را با نقل قولی از مزامیر ۱۶: ۱۰ (کلمه عبری "شئول") تعریف کرده است. "زیرا جانم را در **هاویه** و **نخواهی** نهاد، و **نخواهی** گذاشت سرسپردۀ تو فساد ببیند" (اعمال رسولان ۲: ۲۷).

شئول (کلمه عبری) = حادس (کلمه یونانی) = جهنم = قبر

در مزامیر ۴۹: ۱۵ نویسنده اطمینان خود را از این واقعیت که خدا او را از مردگان بر خواهد خیزاند نشان می دهد:

"اما خدا جان مرا از چنگال **هاویه** فدیة خواهد داد، و مرا نزد خود خواهد پذیرفت. سیلاه" (مزامیر ۴۹: ۱۵).

این کلمه در بعضی از نسخه ها "شئول" در برخی نیز "قبر" ترجمه شده است.

با این مقایسه ها می توان دریافت که کلمه عبری شئول بعنوان قیر نیز ترجمه شده است. در هیچ جای عهد عتیق این کلمه را با مجازات در آتش ارتباط نمی دهند.

نگاهی دقیق تر بر اعمال رسولان ۲: ۲۷

"زیرا که نفس مرا در عالم اموات نخواهی گذاشت و اجازت نخواهی داد که قدوس تو فساد را ببیند" (اعمال رسولان ۲: ۲۷).

معنی این آیه چیست؟ این آیه توسط پطرس رسول پس از صعود مسیح به آسمان گفته شد. او از کلمات داوود پادشاه در مزامیر باب ۱۹ استفاده کرد. پطرس توضیح داد که داوود برخاستن مسیح از مردگان را پیش بینی می کرد:

"پس آینده را پیشاپیش دیده، درباره رستاخیز مسیح گفت که جان او در **هاویه** و **نهاده** نشود و پیکرش نیز فساد نبیند" (اعمال رسولان ۲: ۳۱).

به داوود الهام شده بود تا بنویسد که روح مسیح (که همان عیسی است) در حادس (جهنم - قبر) باقی نمی ماند. او از مردگان برخیزانده خواهد شد و بدن او پوسیده نخواهد شد. مسیح برای سه روز در قبر ماند. وقتی می دانیم مسیح پس از مرگ آنجا بود پس چگونه حادس (جهنم) می تواند مکانی باشد

که گناهکاران در آن مجازات می شوند؟ خواندیم که بدن او در مقبره گذاشته شد. پس باز اثباتی است برای این واقعیت که کلمه حادس (جهنم) در این آیه "قبر" است.

در مکاشفه ۲۰: ۱۳ تصویری از رستاخیز و داوری وجود دارد که می گوید:

"دریا مردگانی را که در خود داشت، پس داد؛ مرگ و جهان مردگان نیز مردگان خود را پس دادند و هر کس بر حسب اعمالی که انجام داده بود، داوری شد" (مکاشفه ۲۰: ۱۳).

می بینیم که در حادس مرگ وجود دارد. گاهی حادس جایی در نظر گرفته می شود که تاریک است و ارواح در آنجا قرار دارند. اما می دانیم که این درست نیست. چون کتاب مقدس به ما می گوید که "مردگان هیچ نمی دانند" (جامعه ۹: ۵). آنها هیچ آگاهی از محیط اطراف خود ندارند. همانطور که دیدیم حادس برابر با همان کلمه یونانی قبر است.

جهنم		
شئول	حادس	جهنا
کلمه ای در عهد عتیق، اشاره به قبر	کلمه ای در عهد جدید، به معنای قبر	کلمه ای در عهد جدید، به معنی وادی حنوم. مکانی بیرون از اورشلیم بعنوان نمادی برای نابودی شرارت استفاده شد

خلاصه:

- کتاب مقدس به ما می آموزد که مرگ پایان زندگی و آگاهیست.
- هنگام بازگشت مسیح ... مردگان برخیزانده شده و به ایمانداران واقعی زندگی جاودان بر روی زمین داده خواهد شد.
- جهنم (گرفته شده از شئول یا حادس) به قبر اشاره دارد. مکانی که مردگان سوزانده می شوند.
- جهنما نباید به معنی جهنم در کتاب مقدس بکار رود زیرا فقط نام مکانی خارج از اورشلیم است. مکانی بود که نشانه شرارت و مجازات خدا در میان یهودیان بود. در زمان مسیح مکانی بود که زباله های شهری، جسد انسانها، حیوانات و مجرمان در آن سوزانده می شد.
- جهنما بعنوان نمادی از نابودی کامل شرارت استفاده شده است.

آیاتی برای مطالعه:

(۱ قرن تیان ۱۵: ۲۲-۲۳) "زیرا همان گونه که در آدم همه می میرند، در مسیح نیز همه زنده خواهند شد. اما هر کس به نوبه خود: نخست مسیح که نوبر بود؛ و بعد، به هنگام آمدن او، آنان که متعلق به اویند."

(۱ قرن تیان باب ۱۵)

(۲ قرن تیان ۵: ۱۰).

پرسش های بخش ششم

درس ۲۰: روح القدس خدا

۱-۲۰ جاهای خالی را پر کنید، ممکن است در بعضی موارد به بیشتر از یک کلمه نیاز داشته باشید.

شیخ مقدس به _____ القدس نیز معروف است. این ق _____ خداست. خدا از روح خود استفاده کرد تا آسمان ها و زمین را _____ . خدا از روح خود استفاده کرد تا ذهن کسانی را که کتاب مقدس را نوشتند، هدایت کند. این امر به نام ا _____ شناخته می شود. مسیح با قدرت روح القدس بر _____ به دنیا آمد. روح القدس در زمان ت _____ به او داده شد. مسیح از این قدرت برای اجرای _____ استفاده کرد. _____ تسلی دهنده بود و آمد تا به _____ تدریس کند و تمام کارها و گفته های مسیح در طول زندگیش بر روی زمین را برای آنها یادآوری کند. ما در مورد داده شدن روح القدس به رسولان در اعمال رسولان باب _____ می خوانیم. روح القدس زمانی به آنان داده شد که عیسی مسیح به _____ عروج کرده بود.

۲-۲۰ آیا روح القدس یک انسان است؟

۳-۲۰ توضیح دهید که چرا خواندن کتاب مقدس راهی است که ما می توانیم از طریق آن روح القدس را دریافت کنیم.

۴-۲۰ آیا اعتقاد دارید که روح القدس بر زندگی شما تاثیر گذاشته است؟ اگر جوابتان مثبت است چگونه؟

درس ۲۱: عطایای روح القدس

۱-۲۱ الف) زمانی که در روز پنتیکاست روح القدس به شاگردان داده شد، آنها توانایی انجام چه کاری را به دست آوردند؟

ب) مردم اورشلیم در آن زمان چگونه از این موضوع استفاده کردند؟

۲-۲۱ الف) چرا عطایای روح القدس در قرن اول داده شد؟

ب) عطایا تا چه مدت باقی ماندند؟

۳-۲۱ منظور از هدیه سخن گفتن به زبانها چیست؟

۴-۲۱ چه کسانی قابلیت انتقال عطایای روح القدس به دیگران را داشتند؟

۵-۲۱ آیا معتقدید که عطایای روح القدس امروزه نیز وجود دارند؟

۶-۲۱ چه چیز از همه عطایا مهم تر است (۱ قرن تیان باب ۱۳)؟

۷-۲۱ خداوند امروزه چگونه با روحش عمل می کند؟ با بله و خبر جواب دهید.

الف) خدا به دعاهاى ایمانداران پاسخ می دهد.

ب) خدا به انسانها قدرت انجام معجزات را می دهد.

پ) خدا خلقتش را زنده نگاه می دارد.

ت) خدا اتفاقات دنیا را کنترل می کند.

ث) انسانها به زبانهای مختلف سخن می گویند.

۸-۲۱ ما امروزه چه چیزی برای راهنمایی در اختیار داریم که مسیحیان اولیه از آن محروم بودند؟

درس ۲۲: گناه و عواقب آن (قسمت اول)

۱-۲۲ آدم چگونه خلق شد؟

۲-۲۲ آیا مار حوا را مجبور به خوردن میوه درخت ممنوعه کرد؟

۳-۲۲ همانند ما، آدم و عیسی نیز قدرت انتخاب داشتند - آنها می توانستند به فرامین خدا گوش کنند یا از آن سرپیچی کنند.

الف) چرا آدم نافرمانی کرد؟

ب) چرا مسیح اطاعت کرد؟

۴-۲۲ مجازات آدم به دلیل سرپیچی از خدا چه بود؟

۵-۲۲ منظور کتاب مقدس از گناه چیست؟

۶-۲۲ از گناهانی که ایمانداران ممکن است برای انجام آن وسوسه شوند چند مثال بزنید؟

۷-۲۲ کلمه روح به چه معناست؟

درس ۲۳: گناه و عواقب آن (قسمت دوم)

۱-۲۳ چرا همه مردان و زنان می میرند؟

۲-۲۳ وقتی کسی می میرد چه اتفاقی برای او می افتد؟

۳-۲۳ آیا هیچ قسمتی از انسان پس از مرگ به زندگی ادامه می دهد؟

۳-۲۳ آیا زندگی پس از مرگ وجود دارد؟ اگر موافقید پاسخ دهید:

الف) در کجا خواهد بود؟

ب) چه زمانی خواهد بود؟

پ) چگونه می توانیم در آن سهیم باشیم؟

۴-۲۳ کلمه "جهننا" گاهی به معنای "جهنم" ترجمه شده است و گاهی معنای مختلفی دارد. معنای دیگر آن چیست؟

۵-۲۳ کتاب مقدس می گوید مسیح در جهنم (هاویه - عالم اموات) بود (اعمال رسولان ۲: ۳۱). منظور چیست؟

۶-۲۳ الف) چرا در وادی حنوم در زمان مسیح همیشه آتش روشن بود؟

ب) مسیح از آن برای نمایش چه چیزی استفاده کرد؟

آیا آتشی برای عذاب شرارت پس از مرگ وجود دارد؟

۷-۲۳ چرا مرگ مسیح برای ما مهم است؟

۸-۲۳ مرگ مسیح چه تاثیری بر شیوه زندگی ما دارد؟

درس بیست و چهارم: فیض، عامل نجات

مطالعه: رومیان باب ۵

فیض

فیض خدا محبت رایگانی است که به بندگانش عطا فرموده و هیچ انسانی شایسته فیض خدا نیست. هدیه خدا با آوردن عیسی مسیح برای بخشش گناهان و نجات نشان داده شده است.

"اما خدا محبت خود را به ما این‌گونه ثابت کرد که وقتی ما هنوز گناهکار بودیم، مسیح در راه ما مرد" (رومیان ۵: ۸).

فیض خدا، لطف اوست که هیچ یک از ما لایق آن نیستیم.

خدا فیض خود را به پولس رسول نیز نشان داد. با وجود اینکه او مسیحیان را آزار می داد اما خدا او را بخشید (اعمال رسولان ۸: ۳). پولس بعد ها نوشت:

"زیرا من در میان رسولان کمترینم و حتی شایسته نیستم رسول خوانده شوم، چرا که کلیسای خدا را آزار می‌رسانیدم. اما به فیض خدا آنچه هستم، هستم و فیض او نسبت به من بی‌ثمر نبوده است. برعکس، من از همه آنها سخت‌تر کار کردم، اما نه خودم، بلکه آن فیض خدا که با من است" (۱ قرن‌تین ۱۵: ۹-۱۰).

فکر اشتباه

افراد زیادی بر این باورند که با اعمال خود می‌توانند نجات را دریافت کنند. این حقیقت ندارد. پولس رسول گفت با وجود اینکه در راه مسیح اعمال زیادی انجام دادم اما می‌دانست که این اعمال او را نجات نخواهند داد. رستگاری هدیه خداوند است و هدیه دریافت نمی‌شود اما مزد دریافت می‌شود. پولس به ما گفت که ما مرگ را نیز دریافت می‌کنیم:

"زیرا مزد گناه مرگ است، اما عطای خدا حیات جاویدان در خداوند ما مسیح عیسا است" (رومیان ۶: ۲۳).

همانطور که قبلا خواندیم همه ما به خاطر گناهانمان لایق مرگ هستیم. اما خدا توسط فیض خود رستگاری را برای ما به ارمغان آورد. خدا رستگاری را در قبال انجام کارهای خوب در زندگی‌مان به ما

نمی دهد. اعمال و رفتار پسندیده ما، برکت خدا را دریافت نمی کند. چون تنها بخشش گناهان و زندگی جاودان عطایای خداست. این دو به هیچ وجه دریافت و یا خریده نمی شوند:

"خدا ما را نجات داده و به زندگی مقدّس فرا خوانده است. این نه به سبب اعمال ما، بلکه به خاطر قصد و فیض خود اوست، فیضی که در مسیح عیسی از ایام ازل به ما عطا شده بود" (۲ تیموتائوس ۱: ۹).

پولس رسول می گوید:

"زیرا به فیض و از راه ایمان نجات یافته‌اید - و این از خودتان نیست، بلکه عطای خداست - و نه از اعمال، تا هیچ کس نتواند به خود ببالد" (افسیسیان ۲: ۸-۹).

افسیسیان ۱: ۷ توضیح می دهد:

"در او، ما به واسطه خون وی رهایی یافته‌ایم، که این همان آمرزش گناهان است، که آن را به اندازه غنای فیض خود" (افسیسیان ۱: ۷).

پولس رسول خدا را برای این هدیه، یعنی عیسی مسیح، که می تواند ما را از گناهان نجات دهد، شکر می گوید:

"سپاس بر خدا برای عطای وصف ناپذیرش" (۲ قرنتیان ۹: ۱۵).

اهمیت ایمان

پولس در افسسیسیان ۲: ۸ (که در بالا آمده) به ما می گوید که "به وسیله ایمان" و توسط فیض خدا نجات یافته ایم. این بدین معنی است که ما فقط به شرط داشتن ایمان به خدا نجات خواهیم یافت. عبرانیان ۱۱: ۶ به ما می گوید:

"و بدون ایمان ممکن نیست بتوان خدا را خشنود ساخت، زیرا هر که به او نزدیک می شود، باید ایمان داشته باشد که او هست و جویندگان خود را پاداش می دهد" (عبرانیان ۱۱: ۶).

کلمات ایمان و اعتقاد در عهد جدید، از یک ریشه یونانی می آید و بنابراین معنی مشابهی دارند که اعتماد را در بر دارد. این امر در فهم کلمه ایمان که در کتاب مقدس استفاده شده است به ما کمک می کند. ایمان داشتن به خدا به معنای باور داشتن و اعتماد به او و وعده هایش است به همین خاطر ما تمام زندگی خود را با اعتماد کامل به خدا می سپاریم. درست همانند کودکی که به پدرش وابسته است ما نیز باید یاد بگیریم که در هر چیزی به خدا اعتماد کنیم.

ایمان، اعتقاد و اعتماد به خداست که در نهایت منجر به اعتماد کامل به او و وعده هایش می شود.

در درس ۱۲ به دو مثال از ایمان شگفت انگیز ابراهیم پرداختیم. در مثال اول ابراهیم به خدا اعتماد کرد و بدون اینکه بداند به کجا می رود سرزمین خود را ترک کرد. در مثال دوم ابراهیم در حال آماده شدن برای قربانی کردن فرزند خود اسحاق بود. طبق آموزش هایی که خدا به او داده بود، او باور داشت که اسحاق از مردگان برخیزانده خواهد شد.

ابراهیم با اطاعت، ایمان خود را ثابت کرد. او دستورات خدا را به همان شکل که به او گفته شده بود اجرا کرد. این درس مهمی برای ماست: ایمان واقعی در اطاعت از خدا، خود را نشان می دهد. اگر حقیقتاً به خدا ایمان داریم، کارهایی را که از ما خواسته انجام داده و راه های او را پیروی می کنیم. ایمانی که باعث نشود ما از گناهان خود گذشته و راه مسیحی را پیروی کنیم، ایمان واقعی نیست:

"پس ایمان به تنهایی و بدون عمل، مرده است" (یعقوب ۲: ۱۷).

ایمان به خدا و وعده هایش حاصل مطالعه کلام او و تلاش برای فهم تعالیم است (رومیان ۱۰: ۱۳-۱۷).

ایمان و عدالت

چون گناه می کنیم، پس می میریم. ما برای درستکار ظاهر شدن در نگاه خدا و نجات خود قادر به انجام هیچ کاری نیستیم. عدالت فقط از جانب خدا می آید. خدا توسط فیض خود گناهانمان را می بخشد و اگر به او ایمان داشته باشیم با ما طوری رفتار می کند که انگار عادلیم. پیدایش ۱۵: ۶ می گوید: "آبرام به خداوند ایمان آورد و او این را برای وی پارسایی به شمار آورد".

(رومیان ۴: ۲-۵) "اگر ابراهیم بر پایه اعمال پارسا شمرده شده بود، می توانست فخر کند؛ اما در نظر خدا چنین نیست. زیرا کتاب چه می گوید؟ ابراهیم به خدا ایمان آورد و این برای او پارسایی شمرده شد. اما کسی که کار می کند، مزدش حق او شمرده می شود، نه هدیه. اما آن که کاری نمی کند، بلکه به خدایی توکل می دارد که بی دینان را پارسا می شمارد، ایمان او برایش پارسایی به شمار می آید".

در عهد جدید در رومیان ۴: ۲-۵ در مورد ابراهیم می خوانیم و همین پیام باز تکرار می شود. واژه "به اعمال شمرده شد" به معنای نزد خدا عادل شمرده شدن است. خدا گناهان ابراهیم را بخشید و به خاطر ایمانش او را عادل شمرد. ایمان به خدا برای نجات ضروری است. کمی بعد در همین باب پولس رسول در مورد ایمان ابراهیم می گوید:

"اما او به وعده خدا از بی ایمانی شک نکرد، بلکه در ایمان استوار شده، خدا را تجلیل نمود. او یقین داشت که خدا قادر است به وعده خود وفا کند. به همین سبب، برای او پارسایی شمرده شد" (رومیان ۴: ۲۰-۲۲).

پس از صحبت در مورد ابراهیم، پولس رسول در مورد عدالت توضیح می دهد:

"بلکه در حق ما نیز، تا برای ما نیز شمرده شود، ما که ایمان داریم به او که خداوندان عیسی را از مردگان برخیزانید. او به خاطر گناهان ما تسلیم مرگ گردید و به جهت پارسا شمرده شدن ما، از مردگان برخیزانیده شد" (رومیان ۴: ۲۴-۲۵).

دقت کنید که عادل شمرده شدن ما تنها توسط کار بزرگ عیسی مسیح است. ما باید باور داشته باشیم که عیسی برای ما مرد و باید قربانی شدن او را قبول کنیم. اگر به خدا و وعده رستگاری او از طریق عیسی مسیح ایمان بیاوریم، پس توسط فیض او عادل شمرده خواهیم شد:

"زیرا همه گناه کرده اند و از جلال خدا کوتاه می آیند. اما به فیض او و به واسطه آن بهای رهایی که در مسیح عیسی است، به رایگان پارسا شمرده می شوند" (رومیان ۳: ۲۳-۲۴).

گناه ما را از خدا دور کرد. اگر نزد خدا عادل شمرده شویم با او به صلح و آرامش می رسیم، در دعاهایمان به او نزدیک شده و از رابطه خود با او لذت می بریم. اینگونه ما فیض خدا را دریافت کرده ایم:

"پس چون از راه ایمان پارسا شمرده شده ایم، به واسطه خداوندان عیسی مسیح از صلح با خدا برخورداریم. ما توسط او و از راه ایمان به فیضی دسترسی یافته ایم که اکنون در آن استواریم و به امید سهیم شدن در جلال خدا فخر می کنیم" (رومیان ۵: ۱-۲).

شاگردان در زمان عهد عتیق

اگر ایمان به فدیه عیسی مسیح برای رستگاری ضروری است، پس کسانی که پیش از مسیح زندگی می کردند چگونه نجات یافتند؟ برخی از افرادی که در عهد عتیق در مورد مسیح آگاهی داشتند نام او (عیسی) را نمی دانستند اما او را بعنوان پسر وعده داده شده خدا، مسیح و بره او می شناختند. آنها از

کلام خدا دریافتند که همه به نجات محتاج هستند و خدا این امر را توسط مرگ انسانی بی گناه که "بره خدا" خواهد بود به تحقق خواهد رسانید. او زندگی خود را برای نجات بشریت خواهد داد (پیدایش ۲۲: ۸ - اشعیا باب ۵۳). پولس رسول نیز در اعمال رسولان ۲۶: ۲۲-۲۳ این امر را تایید می کند:

"اما تا به امروز، خدا مرا یاری کرده و اکنون اینجا ایستاده‌ام و به همه، از خرد و بزرگ، شهادت می‌دهم. آنچه می‌گویم چیزی نیست جز آنچه پیامبران و موسی گفتند که می‌بایست واقع شود: اینکه مسیح باید رنج ببیند و نخستین کسی باشد که از میان مردگان برمی‌خیزد، تا روشنایی را به این قوم و دیگر قومها اعلام کند" (اعمال رسولان ۲۶: ۲۲-۲۳).

بنابراین ابراهیم و شخصیت های دیگر عهد عتیق به کار بزرگ عیسی مسیح باور داشتند. اگرچه افتخار خواندن کتاب مقدس که سرشار از اعمال و توضیحاتی درباره زندگی مسیح است نصیب آنها نشد. غلاطیان ۳: ۸ به ما می گوید که کتاب مقدس به ابراهیم آموزش داده شد و ما می خوانیم که مسیح به یهودیان می گوید:

"پدر شما ابراهیم شادی می‌کرد که روز مرا ببیند و آن را دید و شادمان شد" (یوحنا ۸: ۵۶).

زمانی که ابراهیم طبق دستور خدا مشغول آماده کردن فرزند خود اسحاق برای قربانی کردن بود، خدا بره ای را برای او محیا کرده تا به جای فرزندش قربانی کند (پیدایش ۲۲: ۱۳). این بره نشانی از عیسی مسیح بود. از طریق این سمبل خدا قربانی کردن مسیح را به ابراهیم نشان داد.

آیا رفتار ما اهمیتی دارد؟

اگر نجات به واسطه فیض خدا و نه اعمال ما مهیا شود، پس رفتار ما چه اهمیتی دارد؟ آیا می توانیم خود را خوشنود ساخته و هر کاری را که می پسندیم با زندگی خویش انجام دهیم؟ آیا می توانیم از خدا فیض طلب کرده ولی به گناه ادامه داده و زندگیمان را در راه خدمت به او تغییر ندهیم؟

بدیهی است که رفتار ما مهم است. کمی قبل دیدیم که برای دریافت فیض خدا به ایمان نیازمندیم و ایمان حقیقی تنها در پیروی از خدا وجود دارد. پولس رسول پرسید:

"پس چه گوییم؟ آیا به گناه کردن ادامه دهیم تا فیض افزون شود؟" (رومان ۶: ۱).

به عبارتی دیگر سوال پولس این است که آیا مردم باید به گناه ادامه داده تا فرصت بیشتری برای فیض خدا دریافت کنند؟ او جواب این سوال را در آیه بعدی می دهد:

"هرگز! ما که نسبت به گناه مردیم، چگونه می‌توانیم به زندگی در آن ادامه دهیم؟" (رومان ۶:

ایمانداران در زمان تعمید باید "در گناه بمیرند" و باید با تمام تلاش خود گناه را متوقف کنند. پولس به ایمانداران تعمیدی می گوید:

"به همین سان، شما نیز خود را نسبت به گناه مرده إنگارید، اما در مسیح عیسی نسبت به خدا، زنده. پس مگذارید گناه در بدنهای فانی شما فرمان براند تا امیال آن را اطاعت کنید" (رومیان ۶: ۱۱-۱۲).

اگر واقعا به خدا و پیشنهاد رستگاری اش از طریق عیسی مسیح ایمان داریم، اعمال ما باید این را نشان دهد. به خدا بیشتر خدمت می کنیم چون شاکر فیض او هستیم و همه تلاش خود را در پیروی از مثال عیسی مسیح انجام می دهیم. بنابراین به یک پیرو واقعی تبدیل می شویم. افرادی که برای پیروی از خدا و مسیح تلاش نمی کنند شاگردان واقعی نیستند. اگر ایمان آنها واقعی بود، پس اطاعت می کردند. آنها ایمان واقعی نداشته و به طبع به فیض نیز دسترسی نخواند داشت.

نمی توانیم ادعا بر ایمان داشته باشیم ولی کاری برای آن انجام ندهیم. زندگی در راه مسیح به معنی مقابله با گناهان است و همینطور شامل اعمال نیکو نیز می شود که باعث خوشنودی خداست. اینگونه می توانیم ایمان واقعی را در زندگی خود نشان دهیم. اگرچه متوجه شدیم که این اعمال خود به خود ما را عادل محسوب نمی کند و فیض بدست نمی آید.

شاگردی

تعمید شروعی نو می باشد. وقتی تعمید می گیریم تمام گناهان گذشته ما بخشیده می شوند. اگرچه با وجود تلاش، باز هم اشتباه می کنیم و افکار اشتباه را در ذهن خود می پرورانیم. اما ایمانداران تعمیدی می توانند توسط عیسی مسیح نزد خدا آیند و در دعاهایشان به شکست های خود اعتراف کنند. اگر تاسف آنها واقعی باشد خدا آنها را خواهد بخشید. پس شاگردان هرگز نباید منصرف شوند. با عشق و کمک پدر آسمانی خود، در نهایت مکانی در پادشاهی خدا می یابند. مسیح به پیروانش گفت:

"خشنودی پدر شما این است که پادشاهی را به شما عطا کند" (لوقا ۱۲: ۳۲).

هدیه خدا به ایمانداران

در این قسمت بعضی از برکات خدا را می بینید که توسط فیض به ایمانداران تعمیدی داده خواهد شد تا آنها نیز از شاگردی مسیح لذت ببرند:

- بخشیده شدن تمامی گناهان (افسیان ۱: ۷)
- آرامش ذهن (فیلیپیان ۴: ۷)
- دسترسی به خدا توسط مسیح در دعاها (رومیان ۸: ۳۴)
- رابطه ای نزدیک با خدا، عیسی مسیح و ایمانداران دیگر (۱ یوحنا ۱: ۳)
- شادی (یوحنا ۱۵: ۱۱)
- خرسندی (۱ تیموتائوس ۶: ۶ - فیلیپیان ۴: ۱۱)
- دختران و پسران خدا بودن (۱ یوحنا ۳: ۱-۲)
- امید در این دنیای پر از شرارت
- و همینطور برکت زندگی جاودان در زندگی خدا.

خلاصه:

- فیض خدا، لطفی است که خدا به بندگانش نشان می دهد و هیچکس شایسته آن نیست. این امر به صورت شگفت انگیزی در هدیه خدا، یعنی عیسی مسیح نشان داده شده که توسط آن بخشش گناهان و رستگاری به ارمان آورده شد.
- هیچکس نمی تواند خودش را نجات دهد و تنها توسط فیض خداست که با ایمان نجات می یابیم.
- ایمان به خدا به معنای اعتقاد به او و وعده هایش است. ایمان از طریق خواندن کتاب مقدس به وجود می آید.
- اگر ایمانمان واقعی باشد خود را در رفتارمان نشان می دهد.

آیاتی جهت مطالعه:

(رومیان ۵: ۱-۲) "پس چون از راه ایمان پارسا شمرده شده ایم، به واسطه خداوندان عیسی مسیح از صلح با خدا برخورداریم. ما توسط او، و از راه ایمان، به فیضی دسترسی یافته ایم که اکنون در آن استواریم و به امید سهیم شدن در جلال خدا فخر می کنیم."

(مزامیر باب ۳۲)

(رومیان ۳: ۲۱-۲۸)

(رومیان باب ۴)

(تیتوس ۲: ۱۱-۱۳)

(غلاطیان باب ۳).

درس بیست و پنجم: رستاخیز از مردگان

مطالعه: اول قرن‌تین باب ۱۵

کلمه "رستاخیز" به معنای بازگشت دوباره به زندگی است.

مسیح مرده را زنده کرد و از رستاخیز آینده سخن گفت.

عیسی مسیح در سال‌های خدمتش سه نفر را از مردگان برخیزانید: پسر بیوه زن، دختر فرمانروا و دوستش ایلعازر. ایلعازر و خواهرانش، مریم و مارتا در بیت عنیا، روستای کوچکی در نزدیکی اورشلیم زندگی می‌کردند. آنها پیروانی بودند که خود را وقف عیسی مسیح کرده بودند. وقتی ایلعازر مریض شد، خواهرانش شخصی را فرستادند تا عیسی را بیاورد. چون مسیح در رفتنش کمی تأخیر داشت، ایلعازر بر اثر بیماری درگذشت و قبل از رسیدن مسیح دفن شد. عیسی مسیح می‌دانست که این آخرین فرصت برای نشان دادن قدرت خدا قبل از مرگش خواهد بود. وقتی مسیح رسید، مارتا گفت:

"سرورم، اگر اینجا بودی برادرم نمی‌مرد" (یوحنا ۱۱: ۲۱).

مسیح به او گفت: "برادرت بر خواهد خاست". مارتا می‌دانست وقتی مسیح بازگردد مردگان را بر می‌خیزاند. پس گفت:

"می‌دانم که در روز قیامت بر خواهد خاست" (یوحنا ۱۱: ۲۴).

عیسی مسیح برای اثبات این امر که کار بزرگ او موجب نجات شده و تنها راه رستاخیز از مردگان و زندگی جاودان است، به مارتا گفت:

"قیامت و حیات مَنَم" (یوحنا ۱۱: ۲۵).

عیسی مسیح برای نشان دادن قدرت خود در زنده کردن مردگان در حضور کسانی که در آنجا بودند به سمت قبر رفت و با صدای بلند فریاد زد: "ایلعازر بیرون بیا". ایلعازر پس از چهار روز از قبر زنده بیرون آمد. در آن لحظه به ایلعازر زندگی جاودان داده نشد. کمی بعد او دوباره مرد و هنوز نیز در قبر است. اما همانطور که مارتا به مسیح گفت، او در قیامت و روز بازپسین برخیزاننده می‌شود. مسیح از این معجزه استفاده کرد تا رستاخیز را به مردم آموزش دهد. انجیل یوحنا باب ۱۱ را برای خود بخوانید.

مسیح از مردگان برخاست

کمی بعد از آن اتفاق، مسیح به طرز ظالمانه‌ای کشته شد. وقتی پس از سه روز از قبر برخاست،

شاگردانش آنچه را که می دیدند، باور نمی کردند. آنها گمان می کردند که روح می بینند. اما مسیح به آنها ثابت کرد که به همراه یک جسم برخیزانده شده است:

"دست و پایم را بنگرید. خودم هستم! به من دست بزنید و ببینید؛ شبخُ گوشت و استخوان ندارد، اما چنانکه می بینید من دارم. این را گفت و دستها و پاهای خود را به ایشان نشان داد. آنها از فرط شادی و حیرت نمی توانستند باور کنند. پس به ایشان گفت: چیزی برای خوردن دارید؟ تکه‌ای ماهی بریان به او دادند. آن را گرفت و در برابر چشمان ایشان خورد" (لوقا ۲۴: ۳۹-۴۳).

اکنون آنها متقاعد شده بودند که مسیح دوباره زنده شده است. آنها شاهد یکی از بزرگترین معجزات زمان خود بودند. خدا، مسیح را از مرگ برخیزانید. اما این رستاخیز با رستاخیز ایلعازر تفاوت زیادی داشت. زیرا مسیح هم برخیزانده شده بود و هم زندگی جاودان دریافت کرده و دیگر هرگز نخواهد مُرد. او اولین شخصی بود که هدیه زندگی جاودان را از خدا دریافت کرد و کتاب مقدس او را اینگونه توصیف می کند: "نخست زاده از مردگان" (کولسیان ۱: ۱۸). داوود در مورد خود می گوید: "اینک تا ابدالآباد زنده هستم" (مکاشفه ۱: ۱۸).

مسیح مردگان را برخیزانده و به آنها زندگی جاودان خواهد داد

زمانی که مسیح به زمین باز گردد، مردگان را برخیزانده و به مردمان خدا از تمامی ایام، عمر جاودان خواهد داد. در مکاشفه ۱: ۱۸ در ادامه می بینیم:

"...کلید های مرگ و جهان مردگان در دست من است" (مکاشفه ۱: ۱۸).

عالم اموات اشاره به قبر دارد (درس ۲۳). این آیه می گوید که مسیح کلید قبرها را دارد. بدین معنا که مسیح با دادن زندگی جاودان به مردگان، آنها را از قبری که در آن دفن شده اند نجات خواهد داد:

"زیرا همان گونه که پدر مردگان را برمی خیزاند و به آنها حیات می بخشد، پسر نیز به هر که بخواهد، حیات می بخشد" (یوحنا ۵: ۲۱).

اما مسیح همه را بر نمی خیزاند. او می آید تا کسانی که کلام را شنیده اند را داوری کند. بنابراین تنها کسانی که کلام را شنیده اند، اعم از نیکوکار و شریر برخیزانده خواهند شد. دانیال ۱۲: ۲ می گوید:

"و بسیاری از آنان که در خاک زمین خوابیده‌اند بیدار خواهند شد، اما اینان برای زندگی جاودان و آنان برای خجالت و حقارت جاودان" (دانیال ۱۲: ۲).

پولس رسول نیز تایید می کند که نیکوکاران و شریبران هر دو برخیزانده خواهند شد:

"اما نزد شما اعتراف می کنم که با پیروی از طریقتی که آنان بدعتش می خوانند، خدای پدرانمان را عبادت می کنم و به هرآنچه نیز که در تورات و کتب پیامبران نوشته شده، اعتقاد دارم. من هم مانند ایشان امید بر خدا دارم و معتقدم برای نیکان و بدان قیامتی در پیش است" (اعمال رسولان ۲۴: ۱۴-۱۵).

مسیح توضیح می دهد:

"...زیرا زمانی فرا می رسد که همه آنان که در قبرند، صدای او را خواهند شنید و بیرون خواهند آمد. آنان که نیکی کرده باشند، برای قیامتی که به حیات می انجامد، و آنان که بدی کرده باشند، برای قیامتی که مکافات در پی دارد" (یوحنا ۵: ۲۸-۲۹).

تنها ایمانداران واقعی در پادشاهی خدا پذیرفته شده و زندگی جاودان دریافت خواهند کرد. در مورد روز داوری در درس بعد می خوانیم.

رستاخیز و زندگی جاودان برای ایمانداران هنگام بازگشت مسیح

امید به رستاخیز، امید کتاب مقدس است:

"زیرا همان گونه که در آدم همه می میرند، در مسیح نیز همه زنده خواهند شد. اما هر کس به نوبه خود: نخست مسیح که نوبر بود؛ و بعد، به هنگام آمدن او، آنان که متعلق به اویند" (۱ قرن تیان ۱۵: ۲۲-۲۳).

ایمانداران واقعی در تمامی ایام با این امید که روزی برخیزانده خواهند شد، از دنیا رفته اند. نویسنده نامه به عبرانیان فهرستی از کسانی آماده کرده است که:

"همه در ایمان درگذشتند، در حالی که وعده ها را هنوز نیافته بودند، بلکه فقط آنها را از دور دیده و خوشامد گفته بودند. ایشان تصدیق کردند که بر زمین بیگانه و غریبند" (عبرانیان ۱۱: ۱۳).

کمی بعد و در همین باب توضیح می دهد:

"اینان همه به سبب ایمانشان به نیکویی یاد شدند. با این حال، هیچ یک آنچه را که بدیشان وعده داده شده بود، نیافتند. زیرا خدا از پیش چیزی بهتر برای ما در نظر داشت تا ایشان بدون ما به کمال نرسند" (عبرانیان ۱۱: ۳۹-۴۰).

حتی یک نفر از کسانی که در عبرانیان باب ۱۱ از آنها صحبت شده، هنوز زنده نشده و زندگی جاودان را دریافت نکرده اند. هنگامی که مسیح باز گردد، همه پرستش کنندگان واقعی خدا با هم این برکت را دریافت خواهند کرد.

به ابراهیم وعده رستاخیز داده شد

در درس ۱۲ در مورد وعده های بزرگ خدا به ابراهیم توضیح داده شد. یکی از وعده ها این بود که سرزمینی که در آن زندگی می کرد را برای همیشه به ارث ببرد. آن سرزمین کنعان بود که امروز به اسرائیل معروف است. در پیدایش ۱۳: ۱۵ خدا به ابراهیم وعده داد:

"سراسر این سرزمین را که می بینی تا ابد به تو و نسل تو خواهم بخشید" (پیدایش ۱۳: ۱۵).

قبل از به وقوع پیوستن این وعده، ابراهیم مُرد و عهد جدید نیز این امر را تایید می کند (اعمال رسولان ۷: ۵). پس زمانی وعده خدا به حقیقت می پیوندد که ابراهیم از مردگان برخیزانده شود و در ادامه ابراهیم باید زندگی جاودان داشته باشد تا بتواند برای همیشه مالک سرزمین باشد. ابراهیم این را درک کرده بود. به همین دلیل نامش در میان نام کسانی است که در عبرانیان باب ۱۱ مطرح شده است و گفته که همگی "در ایمان مردند" و به امید روزی بودند که برخیزانده شوند.

مسیح به یهودیان در مورد روز رستاخیز گفت که یعقوب، اسحاق و ابراهیم را در پادشاهی خدا خواهند دید اما خودشان وارد پادشاهی نمی شوند (لوقا ۱۳: ۲۸). اگر چه یهودیان متون عهد عتیق را خواندند، اما رفتارشان در مقابل خدا درست نبود. آنها نیز در میان افرادِ برخیزانده شده برای داوری هستند (آنها شرارت کرده اند) پس در پادشاهی خدا پذیرفته نمی شوند. این برای ما نیز یک هشدار است.

امید مشترک همه ایمانداران

تمامی ایمانداران حقیقی عیسی مسیح، امید به رستاخیز و زندگی جاودان را با یکدیگر به اشتراک می گذارند. زمانیکه مسیحیان اولیه می مُردند، دوستان ایماندارشان به گونه ای در مورد آنها صحبت می کردند که گویا خفته اند. چون همانطور که مردم بعد از خواب بیدار می شوند، ایمانداران حقیقی نیز از خوابِ مرگ بیدار شده و زندگی جاودان دریافت خواهند کرد. پولس رسول اینگونه نوشت که بعضی از آن ۵۰۰ شاگردی که عیسی مسیح را پس از رستاخیزش دیده بودند، "به خواب رفته اند" (۱ قرنتیان ۶: ۱۵). پولس نیز باور داشت که از مردگان برخیزانده خواهد شد. به همین دلیل نوشت:

"و خدا به نیروی خود، هم خداوند را برخیزانید و هم ما را برخواهد خیزانید" (۱ قرن تیان ۶: ۱۴).

زندگی ای بهتر از زندگی امروز

ما در دنیایی زندگی می کنیم که نواقص زیادی دارد. زندگی پر از مشکلات است: جنگ، بیماری، قحطی، مرگ عزیزان، سالخوردگی، بیماری های سخت همانند ایدز، بلایای طبیعی، استرس، دغدغه های مالی، بیکاری، ظلم و بسیاری دیگر. فکر داشتن یک زندگی جاودان با این همه مشکلات به هیچ وجه زیبا نیست. اما هدیه خدا اینگونه نیست.

زندگی جاودانی که عیسی مسیح به پیروان خود وعده داده است بسیار متفاوت از زندگی پر دغدغه ای می باشد که امروزه داریم. کلمات زیبای مکاشفه ۷: ۱۶-۱۷ زندگی جاودان ایمانداران را در پادشاهی خدا توصیف می کند:

"و دیگر هرگز گرسنه نخواهند شد و هرگز تشنه نخواهند گردید و دیگر تابش خورشید به رویشان نخواهد بارید و نه تابش هیچ گرمای سوزان دیگر. زیرا که بره از مرکز تخت شبان آنان خواهد بود و آنان را به چشمه های آب حیات رهنمون خواهد شد و خدا هر قطره اشکی را از چشم آنان خواهد سترد" (مکاشفه ۷: ۱۶-۱۷).

عیسی مسیح در مورد کسانی که جاودانه می شوند می گوید:

"زیرا هنگامی که مردگان برخیزند، نه زن می گیرند و نه شوهر اختیار می کنند؛ بلکه همچون فرشتگان آسمان خواهند بود" (مرقس ۱۲: ۲۵).

جسم شان همانند جسم عیسی مسیح، پس از رستاخیز تغییر کرده و فناپذیر می شود. آنها هرگز پیر نشده و هرگز درد و رنج نخواهند کشید و نخواهند مُرد و از سلامتی کامل و انرژی بی حد خود لذت خواهند برد. پولس رسول اینگونه نوشت:

"...با اشتیاق تمام انتظار می کشیم که نجات دهنده، یعنی خداوندمان عیسی مسیح، از آنجا ظهور کند. او با نیرویی که وی را قادر می سازد تا همه چیز را به فرمان خود درآورد، بدنهای حقیر ما را تبدیل خواهد کرد تا به شکل بدن پر جلال او درآید" (فیلیپیان ۳: ۲۰-۲۱).

زندگی جاودان تنها نصیب کسانی خواهد شد که گناهانشان بخشیده شده است. مسیح در طول زندگی اش گناه نکرد، اما همانند ما ذات انسانی داشت. زمانی که برخیزانده شد، تغییر یافته و ذاتی همانند

ذات خدا به او داده شد. این از عجایب زندگی جاودان است. کسانی که این هدیه بزرگ را از خدا دریافت می کنند به دو شکل تغییر خواهند یافت تا ذات خدا را با او شریک شوند (۲ پطرس ۱: ۴):

۱. جسم فانی آنها به جسمی فناپذیر تبدیل خواهد شد - آنها دیگر هرگز نمی میرند.
۲. ذهنشان تغییر خواهد کرد - دیگر هرگز نمی توانند گناه کنند.

چه اتفاقی برای ایمانداران واقعی که هنگام بازگشت مسیح زنده هستند، می افتد؟

پولس در مورد اینکه برای ایمانداران واقعی که هنگام بازگشت مسیح زنده هستند چه اتفاقی می افتد، اینطور توضیح می دهد:

نکات	۱ تسالونیکیان ۴: ۱۴-۱۷
<p>ما می دانیم که مسیح از مردگان برخاست. این امر ضمانتی است که دپگران نیز می توانند از قبر برخیزانده شوند. (به کلمه "خفته اند" توجه کنید).</p>	<p>۱۴) زیرا اگر ایمان داریم که عیسی مرد و برخاست، پس به همین سان خدا آنان را نیز که در عیسی خفته اند، با وی باز خواهد آورد.</p>
<p>زمان بازگشت مسیح، تا زمان برخیزاندن همه مردگان، هیچ انسان زنده ای مسیح را نخواهد دید.</p>	<p>۱۵) این را به واسطه کلام خود خداوند به شما می گوئیم: کسانی از ما که هنوز زنده اند و تا آمدن خداوند باقی می مانند، به یقین از خفتگان پیشی نخواهند گرفت.</p>
<p>عیسی مسیح با قدرت خدا از آسمان به پایین می آید و اولین کاری که انجام می دهد زنده کردن مردگان است.</p>	<p>۱۶) زیرا خداوند، خود با فرمانی بلندآواز و آوای رئیس فرشتگان و نفیر شیپور خدا، از آسمان فرود خواهد آمد. آنگاه نخست مردگان در مسیح، بر خواهند خاست.</p>
<p>کسانی که هنگام بازگشت مسیح زنده اند و مردگانی که برخیزانده شدند به همراه هم به هوا برده شده تا او را ملاقات کنند و پس از آن همیشه با عیسی مسیح خواهند بود.</p>	<p>۱۷) پس از آن، ما که هنوز زنده و باقی مانده ایم، با آنها در ابرها روبرو خواهیم شد تا خداوند را در هوا ملاقات کنیم و بدین گونه همیشه با خداوند خواهیم بود.</p>

آیه ۱۶ در مورد برخیزاندن مردگان صحبت می کند. این درس نشان می دهد که رستاخیز یکی از تعالیم مهم کتاب مقدس است. اما همچنان افرادی به اشتباه بر این باورند که روح انسان های درستکار بعد از مرگشان به آسمان خواهد رفت. اما اگر انسان ها پس از مرگ به آسمان برده می شدند، در این صورت دیگر نیازی به رستاخیز نبود. هر دو تفکر صحیح نیست. کتاب مقدس به ما می آموزد که عیسی مسیح به زمین باز می گردد و مردگان را بر می خیزاند و در پادشاهی خدا به آنها زندگی جاودان خواهد داد.

توجه کنید که در آیه ۱۷ پولس از زندگی با عیسی مسیح در آسمان سخن نمی گوید، بلکه می گوید که با او در هوا ملاقات خواهد کرد. او در مورد نحوه ملاقات ایمانداران واقعی با عیسی مسیح توضیح می دهد. فارغ از اینکه در کجای دنیا زندگی می کنند. اما کسانی که با مسیح ملاقات کردند، در هوا نمی مانند. آیه ۱۶ می گوید که مسیح از آسمان به پایین می آید. ما می دانیم که مسیح به زمین باز می گردد (اعمال رسولان ۱: ۱۱). پس اگر قرار باشد ایمانداران واقعی برای همیشه با او باشند باید بر روی زمین زندگی کنند. کلمه یونانی که در آیه ۱۷ آمده و "ربوده شدن" ترجمه شده است، در کتاب اعمال رسولان ۸: ۳۹ نیز به کار برده شده تا نشان دهد چگونه فیلیپس پس از تعمید دادن خواجه سرای حبشی، برای ادامه کار بشارتی خود به جایی دیگر برده شد.

مهیا کردن خود برای بازگشت دوباره مسیح

اول قرنیتیان ۱۵: ۵۱-۵۸ را دوباره بخوانید. در این قسمت پولس رسول از زمانی سخن می گوید که ایمانداران واقعی در تمامی سنین، عمر جاودانه را دریافت خواهند کرد. همه ایمانداران امیدوار به بازگشت مسیح هستند و برای اینکه این اتفاق زودتر به حقیقت بپیوندد، دائماً در دعا می باشند. همانطور که منتظر آمدن آن روز هستیم، پولس رسول به ما می گوید تا "ثابت و استوار بوده، همواره با تمام وجود به کار خداوند مشغول باشید" (۱ قرنیتیان ۱۵: ۵۸).

خلاصه:

- عیسی مسیح اولین کسی بود که از مردگان برخیزانده شد و زندگی جاودان را دریافت کرد. کتاب مقدس او را "نخست زاده از مردگان" توصیف می کند.
- عیسی مسیح قدرت برخیزاندن مردگان را دارد. زمانیکه او به زمین بازگردد، کسانی که کلام را شنیده اند، اعم از شیریر و نیکوکار، رستاخیز داده خواهند شد.
- در زمان داوری، مسیح به همه کسانی که ایماندار واقعی بودند و در هر سنی که هستند، زندگی جاودان خواهد داد. این اتفاق هم شامل کسانی خواهد شد که در آن زمان زنده اند و هم مردگانی که برخیزانده شده اند.

آیاتی جهت مطالعه:

(یوحنا ۵: ۲۷-۲۸) "از این سخنان در شگفت مباحثید، زیرا زمانی فرا می رسد که همه آنان که در قبرند، صدای او را خواهند شنید و بیرون خواهند آمد. آنان که نیکی کرده باشند، برای قیامتی که به حیات می انجامد، و آنان که بدی کرده باشند، برای قیامتی که مکافات در پی دارد".

(۱ تسالونیکیان باب ۴)، (عبرانیان باب ۱۱)، (یوحنا باب ۱۱)، (متی ۲۲: ۲۳-۳۳).



درس بیست و ششم: روز داوری

مطالعه: متی باب ۲۵

باید از خدا اطاعت شود



وقتی مردم اسرائیل پس از ترک مصر در صحرا بودند، خدا به موسی یاد داد که مذبح و متعلقاتش را بسازد. این مذبح (خیمه ملاقات) مکانی بود که خدا مردمانش را در آنجا ملاقات می کرد. مهمترین وسیله ای که در آن قرار داشت تابوت خدا بود و سینه تابوت از طلا پوشیده شده بود. در تصویر می بینید که احتمالاً به چه شکل بوده است. به عصاها برای جابجایی اش توجه کنید.

حدود ۵۰۰ سال بعد، داوود پادشاه تصمیم گرفت تابوت خدا را به شهر جدیدش، یعنی اورشلیم منتقل کند تا بار دیگر مرکز پرستش اسرائیل شود. تابوت در ازابه ای نو گذاشته و توسط گاو کشیده می شد و شخصی بنام عزه آن را هدایت می کرد. در طول راه گاو لغزید و عزه دست خود را دراز کرد و تابوت را ثابت نگاه داشت:

"اما خشم خداوند بر عژه افروخته شد و خدا او را به خاطر بی حرمتی اش زد و او همان جا کنار صندوق خدا مرد" (۲ سموئیل ۶: ۷).

در صورتی که به نظر می رسید هدف عزه تنها جلوگیری از صدمه دیدن تابوت خدا بود. چرا مجازاتش در این حد شدید بود؟ چون خدا گفته بود که تابوت را همیشه با عصاها بردارند (خروج ۲۵: ۱۴). تابوت سمبلی از حضور خدا بود که هرگز نباید لمس می شد. مجازات لمس تابوت مرگ بود (اعداد ۴: ۱۵). خدا مقدس و خالص است و تنها از راه هایی که خود گفته است قابل دسترس است. عزه با لمس تابوت از خدا سرپیچی کرد. خدا خالق و نگه دارنده زندگی ما می باشد و از ما انتظار دارد که صادق بوده و او را اطاعت کنیم. نمی توانیم راه رسیدن به خدا را به شوخی بگیریم. باید همانطور که خدا از ما خواسته، در پی او باشیم و نه از راههای دلخواه خودمان. کمی بعد داوود در مورد مرگ عزه گفت:

"بهبوه خدایمان بر ما خروشید، چرا که با او درباره شیوه درست انجام این کار مشورت نکردیم" (۱ تواریخ ۱۵: ۱۳).

خدا مقدس و بزرگ است و به حق طلب صداقت و اطاعت دارد

روز داوری

درس مهمی که می شود از مرگ عزه گرفت این است: کسانی که خدا را اطاعت نکرده و صادق نباشند مجازات خواهند شد. به همین خاطر هنگام بازگشت مسیح، روز داوری دقیقاً پس از برخاستن مردگان است. پولس رسول به ایمانداران در قرنتس نوشت:

" زیرا همه ما باید در برابر مسند داوری مسیح حاضر شویم، تا هر کس بنا بر اعمال خوب یا بدی که در ایام سکونت در بدن خود کرده است، سزا یابد" (۲ قرنتیان ۵: ۱۰).

خدا بخشنده و مهربان است اما در عین حال خدای عدالت و حقیقت نیز هست. در خروج ۳۴: ۶-۷ خدا اینگونه توصیف شده است:

"...بیهوه، بیهوه، خدای رحیم و فیاض، دیر خشم و آکنده از محبت و وفا، پایدار در محبت برای هزار پشت و آمرزنده تقصیر و نافرمانی و گناه. اما تقصیرکار را هرگز بی سزا نمی گذارد..." (خروج ۳۴: ۶-۷).

اولین قسمت این متن بخشندگی خدا را توصیف می کند. قسمت دوم نشان می دهد که او گناهکارانی را که توبه نکنند، نمی بخشد. پولس رسول نیز به طور مشابه در مورد "مهربانی و سختی خدا" صحبت می کند (رومان ۱۱: ۲۲). تثنیه ۲۹: ۱۸-۲۰ نشان می دهد انسان هایی وجود دارند که خدا نمی تواند آنها را ببخشد. او بعنوان خدای عادل هرگز گناه را نادیده نگرفته و آن را بی سزا نمی گذارد. او کسانی را که از اطاعت خدا سر باز می زنند را مجازات خواهد کرد. همچنین تنها راهی که برای از بین بردن کامل گناه و مشکلات بوجود آمده توسط آن بر روی زمین وجود دارد، نابودی شیران توسط خداست.

داور عادل

خدا وظیفه قضاوت را به عهده عیسی مسیح گذاشته است (یوحنا ۵: ۲۵-۳۰). نامه دوم تیموتائوس ۴: ۸ عیسی مسیح را بعنوان "داور عادل" توصیف کرده است، زیرا با عقل و خرد خدا داوری خواهد کرد. مردم فقط می توانند بر طبق دیده ها و شنیده های خود داوری کنند. اما عیسی مسیح از افکارشان اطلاع دارد (یوحنا ۲: ۲۴-۲۵) و هرگز خطا نمی کند. اشعیا باب ۱۱ که قبل از میلاد مسیح نوشته شده است، درباره کار آینده مسیح پیشگویی می کند:

"و لذت او در ترس خداوند خواهد بود. بر حسب آنچه به چشم بیند، داوری نخواهد کرد و بر وفق آنچه به گوش شنود، حکم نخواهد داد؛ بلکه بینوایان را به عدالت داوری خواهد کرد و برای ستمدیدگان زمین به انصاف حکم خواهد داد. جهان را به عصای دهانش خواهد زد و شیران را به نَفَس لبهائیش خواهد کشت" (اشعیا ۱۱: ۳-۴).

چه کسانی داوری خواهند شد؟

مسیح تمام کسانی که زندگی کرده اند را داوری نخواهد کرد. این تصمیم بر عهده خداست که چه کسی داوری می شود. کتاب مقدس به ما می گوید کسانی که کلام را شنیده و درک کرده اند و فرصت انجام کاری برای آن داشته اند، در جایگاه داوری توسط مسیح حاضر خواهند شد تا اتفاقات زندگیشان را توصیف کنند. از ۲ تیموتائوس ۴: ۱ متوجه می شویم که این اتفاقات شامل کسانی می شود که:

- مرده بودند و برخیزانده شده اند.
- هنگام بازگشت مسیح زنده اند.

بنابراین عیسی مسیح هنگام بازگشت دوباره اش، افرادی را که کلام را خوانده و درک کرده اند از تمامی سنین برای داوری جمع خواهد کرد. این افراد شامل کسانی می شود که:

- پیام نجات خدا را پذیرفته و او را اطاعت کردند.
- پیام نجات خدا را پذیرفته ولی راه او را نرفته اند.
- با آگاهی کامل پیام نجات خدا را نپذیرفته اند.

این افراد کلام خدا را کامل شنیده اند. بدین معنا که پیام نجات خدا را درک کرده و فرصت انتخاب داشته اند تا پیام مسیح را قبول و یا رد کنند. آنها بر اساس عکس العمل شان در زندگی داوری می شوند. در یوحنا ۳: ۱۷-۱۸ به ما گفته شده است:

"زیرا خدا پسر را به جهان نفرستاد تا جهانیان را محکوم کند، بلکه فرستاد تا به واسطه او نجات یابند. هر که به او ایمان دارد محکوم نمی شود، اما هر که به او ایمان ندارد، هم‌اینک محکوم شده است، زیرا به نام پسر یگانه خدا ایمان نیاورده است" (یوحنا ۳: ۱۷-۱۸).

چه اتفاقی خواهد افتاد؟

حال نگاهی می اندازیم به سرنوشت این ۳ گروه:

(۱) افرادی که پیام نجات را نشنیده اند، (۲) عادلان، (۳) شیران

۱. کسانی که پیام نجات خدا را نشنیده اند:

کسانی که کلام خدا را نشنیدند، برای نپذیرفتن آن محکوم نمی شوند. این بر خلاف عدالت است. پس کسانی که بدون شنیدن پیام خدا مردند برخیزانده نمی شوند:

"و بسیاری از آنان که در خاک زمین خوابیده‌اند بیدار خواهند شد، اما اینان برای زندگی جاودان و آنان برای خجالت و حقارت جاودان" (دانیال ۱۲: ۲).

مردگانی که برخیزانده نشوند، مرده می مانند - آنها هلاک شده و برای همیشه در مرگ باقی می مانند. اشعیا نبی در مورد کسانی که از مردگان برخیزانده نخواهند شد، می گوید:

"ای یهوه خدای ما، اربابانی غیر از تو بر ما حکم راندند، اما ما تنها نام تو را یاد می‌داریم. آنان مرده‌اند و دیگر زنده نخواهند شد، ارواحند و دیگر بر نخواهند خاست. آنان را جزا داده و نابود کرده‌ای و یادشان را از خاطرها زدوده‌ای" (اشعیا ۲۶: ۱۳-۱۴).

باب ۴۹ کتاب مزامیر این انسانها را "بدون فهم" توصیف کرده است. چون نسبت به کلام خدا بی اعتنا هستند و نشان می دهد که همانند بهایم هلاک می شوند:

"چون بینی کسی توانگر شود و شوکتِ خانه‌اش افزون گردد، تو را باکی نباشد زیرا چون بمیرد چیزی با خود نخواهد برد و شوکتش همراه او فرو خواهد رفت. هر چند در زمان حیات، خویشان را مبارک پندارد و هر چند چون کامروا باشی همگان تو را می‌ستایند اما به جرگه پدران خود خواهد پیوست، که روشنایی را دیگر هرگز نخواهند دید! آدمی در توانگری‌اش فهم ندارد، او چارپایان را مانند که از میان می‌روند" (مزامیر ۴۹: ۱۶-۲۰).

البته زمان بازگشت مسیح افراد زیادی وجود دارند که کلام را نمی فهمند. آنها در جایگاه داوری مسیح ظاهر نمی شوند. هنگام حکمرانی مسیح، کسانی که موفق به نجات یافتن از اتفاقات و بلایای زمان آخر هستند، بعنوان افراد فانی در پادشاهی خدا زندگی خواهند کرد. پس به آنها فرصتی داده خواهد شد تا کلام را یاد بگیرند. اگر چه کسانی که نجات نیافته اند هلاک می شوند. آنها می میرند و برای همیشه در قبر می مانند (درس ۷ و ۱۱ را ببینید).

۲. افرادی که مسیح آنها را می پذیرد:

کسانی که در کرسی داوری پذیرفته شده اند، زندگی جاودان را دریافت می کنند. آنها تغییر کرده و ذاتی همانند ذات خدا دریافت می کنند. ذهنشان هرگز برای افکار اشتباه وسوسه نخواهد شد و نبرد با گناه پایان می پذیرد. جسم شان جاودانه خواهد شد و دیگر درد، خستگی و یا هیچ یک از ضعف های انسانی را حس نخواهند کرد. زمان بزرگی برای به هم پیوستن ایمانداران خواهد بود. چون پولس رسول برای اطاعت از خدا بسیار تلاش کرد گفت:

"جنگ نیکو را جنگیده ام، مسابقه را به پایان رسانده و ایمان را محفوظ داشته ام. اکنون تاج پارسایی برایم آماده است، تاجی که خداوند، آن داور عادل، در آن روز به من عطا خواهد کرد - نه تنها به من، بلکه به همه آنان که مشتاق ظهور او بوده اند" (۲ تیموتائوس ۴: ۷-۸).

۳. افرادی که مسیح آنها را رد می کند:

کتاب مقدس در مورد جزئیات مجازات کسانی که در داوری پذیرفته نشده اند به ما چیزی نمی گوید. اما به ما گفته شده آنها متوجه خواهند شد که چقدر نادان بودند که برکات شگفت انگیز خدا را از دست دادند و این باعث عذاب وجدان می شود:

"در آنجا گریه و دندان بر هم ساییدن خواهد بود، زیرا ابراهیم و اسحاق و یعقوب و همه انبیا را در پادشاهی خدا خواهید دید، اما خود را محروم خواهید یافت" (لوقا ۱۳: ۲۸).

از این قسمت در می یابیم که بخشی از مجازات آنها اینگونه خواهد بود که جلال پادشاهی خدا را می بینند و می دانند که قسمتی از آن نخواهند بود و پس از آن برای همیشه می میرند.

عیسی مسیح در یکی از مثل ها، روز داوری را با درو کردن مقایسه می کند که در آن بذره های خوب (که نشان دهنده عدالت است) از بذره های بد (که نشان دهنده شرارت است) جدا می شوند. از بذرها به خوبی مراقبت می شود. اما علف های هرز در آتش نابود خواهد شد (متی ۱۳: ۳۶-۴۳). پولس رسول در نامه دومش به تسالونیکیان درسی مشابه داده است:

"و شما را که رنج می برید با ما آرام بخشد. این زمانی واقع خواهد شد که خداوند عیسی همراه با فرشتگان نیرومند خویش با آتشی فروزان از آسمان ظهور کند. او خدانشناسان و نافرمانان به انجیل خداوند ما عیسی را کیفر خواهد داد. جزای ایشان هلاکت جاودانی از حضور خداوند و از جلال قدرت او خواهد بود" (۲ تسالونیکیان ۱: ۷-۹).

عبرانیان ۱۰: ۲۶-۲۷ به ما هشدار می دهد:

"زیرا اگر پس از بهره‌مندی از شناخت حقیقت، عمداً به گناه کردن ادامه دهیم، دیگر هیچ قربانی برای گناهان باقی نمی‌ماند؛ آنچه می‌ماند، انتظار هولناک مجازات و آتشی مهیب است که دشمنان خدا را فرو خواهد بلعید" (عبرانیان ۱۰: ۲۶-۲۷).

مسیح نیز می گوید:

"اما هر که مرا نزد مردم انکار کند، من نیز در حضور پدر خود که در آسمان است، او را انکار خواهم کرد" (متی ۱۰: ۳۳).

کسانی که نزد عیسی مسیح پذیرفته نشده اند شامل کسانی می شوند که تعمید داشته و به جامعه مسیحیت تعلق دارند اما "اعمالی که لایق توبه" است را بجا نیاوردند. (اعمال رسولان ۲۶: ۲۰). این هشدار برای همه ماست.

مردم مورد قضاوت واقع شده	
رد شده ↓ نابودی	پذیرفته شده ↓ زندگی جاودان

ایمانداران، خادمین مسیح هستند

در زمان عهد جدید، اگر مردی برده ای را می خرید، برده کاملاً از آن او می بود. برده دیگر نمی توانست به فکر خودش باشد. او فقط یک وظیفه در زندگی داشت و آن شاد کردن اربابش بود. ایمانداران تعمیدی باید همانند آن برده در خدمت اربابشان عیسی مسیح باشند. اما دلیل خدمتشان باید تنها اطاعت از خدا باشد. ما مسیح را دوست داریم، نه به این دلیل که از او می ترسیم. مسیح زندگی خود را بر روی صلیب بجهت بخشیده شدن گناهان ما قربانی کرد. پس پولس به ایمانداران نوشت:

"آیا نمی‌دانید که بدن شما معبد روح‌القدس است که در شماست و او را از خدا یافته‌اید و دیگر از آن خود نیستید؟ به بهایی خریده شده‌اید، پس خدا را در بدن خود تجلیل کنید" (۱) (قرنتیان ۶: ۱۹-۲۰).

چون ایمانداران به عیسی مسیح تعلق دارند نمی توانند خود را خشنود کنند. آنها با روش زندگی خود مسئولیت مسیح را بر دوش دارند. زمانیکه عیسی مسیح باز گردد به ایمانداران پاداش داده و کسانی را که گمراه شده اند مجازت خواهد کرد. متی ۲۵: ۱۴-۳۰ شامل مثلی است که مسیح در مورد خادم گفته است. اربابی به غلام وفادارش گفت:

"آفرین، ای خادم نیکو و امین! در چیزهای کم امین بودی، پس تو را بر چیزهای بسیار خواهم گماشت. بیا و در شادی ارباب خود شریک شو" (متی ۲۵: ۲۱).

اما کسی که به ارباب خود بی اعتنایی کرده بود مجازات شد:

"این خادم بی فایده را به تاریکی بیرون افکنید، جایی که گریه و دندان بر هم ساییدن خواهد بود" (متی ۲۵: ۳۰).

متی ۲۴: ۴۵-۵۱ را نیز بخوانید.

ترس یا محبت؟

بعضی از آیات کتاب مقدس به ایمانداران هشدار می دهد که در مورد ظاهر شدن در جایگاه داوری مسیح مطمئن نباشند. بعضی از متون دیگر آنها را به داشتن اعتماد کامل تشویق می کند. هیچ تناقض واقعی وجود ندارد. هیچکس نمی تواند به درستکاری خود مطمئن باشد. اما ایمانداران واقعی عیسی مسیح می توانند به قدرت نجات خدا اعتماد کامل داشته باشند. ایمانداران به تدریج یاد می گیرند که عاشق خدا باشند و به او اعتماد کنند. تا اگر خادمین وفاداری برای مسیح باشند خدا با خشنودی کامل پادشاهی را به آنان می دهد. نامه اول یوحنا ۴: ۱۷-۱۸ می گوید:

"محبت این چنین در میان ما به کمال رسیده است تا در روز داوری اطمینان داشته باشیم، زیرا ما در این دنیا همان گونه ایم که او هست. در محبت ترس نیست، بلکه محبت کامل ترس را بیرون می راند؛ زیرا ترس از مکافات سرچشمه می گیرد و کسی که می ترسد، در محبت به کمال نرسیده است" (۱ یوحنا ۴: ۱۷-۱۸).

خدا آنقدر به ما محبت کرد که ما باید هر کاری می توانیم برای خدمت به او انجام دهیم و مثال هایی که توسط مسیح به ما نشان داده است را پیروی کنیم. اگر عاشق خدا باشیم دیگر از هیچ چیز ترس نخواهیم داشت.

خلاصه:

- پس از بازگشت مسیح، بعد از رستاخیز، روز داوری خواهد بود.
- عیسی مسیح داوری عادل است و با عقل و خرد خدا داوری خواهد کرد.
- مسیح تمام کسانی که کلام را شنیده و درک کرده اند را برای داوری جمع خواهد کرد. اعم از مرده و یا زنده، شریر و یا عادل.
- کسانی که توسط مسیح پذیرفته می شوند، زندگی جاودان دریافت خواهند کرد.
- کسانی که در داوری رد می شوند تا ابد عذاب وجدان را متحمل شده و برای همیشه خواهند مرد.

آیاتی جهت مطالعه:

(۲ قرن‌تیاں ۵: ۱۰) " زیرا همه ما باید در برابر مسند داوری مسیح حاضر شویم، تا هر کس بنا بر اعمال خوب یا بدی که در ایام سکونت در بدن خود کرده است، سزا یابد".

(۲ قرن‌تیاں باب ۵).

درس بیست و هفتم: زندگی جاودان

مطالعه: یوحنا باب ۳

فناپذیری و جاودانگی

خدا آدم را از خاک زمین آفرید و در بینی او نفس حیات دمید و بدین شکل اولین انسان خلق شد. ولی آدم گناه کرد و تبدیل به موجودی فانی شد، چون مجازات گناه مرگ است (رومیان ۶: ۲۳). همه ما موجودات فناپذیری هستیم چون از نوادگان آدم هستیم و ما نیز همانند او گناه کرده ایم (رومیان ۵: ۱۲) خدا به گناهکاران اجازه زندگی جاودان نمی دهد.

زندگی که امروزه از آن لذت می بریم به زودی تمام خواهد شد درست همانند مه و یا بخار:

"شما حتی نمی دانید فردا چه خواهد شد. زندگی شما چیست؟ همچون بخاری هستید که کوتاه زمانی ظاهر می شود و بعد ناپدید می گردد" (یعقوب ۴: ۱۴).

در عوض خدا جاودانه است. مزامیر باب ۹۰ به ما می گوید که خدا "از ازل بوده و تا به ابد خواهد بود". این بدین معناست که خدا همیشه وجود داشته است. اما اگر در قید زمان باشیم این را درک نخواهیم کرد. مزامیر باب ۹۰ ذات خدا را با ذات انسان مقایسه کرده است:

ذات فانی انسان (مزامیر ۹۰: ۱۰)	ذات جاودانه خدا (مزامیر ۹۰: ۲)
"روزهای عمر ما هفتاد سال است و اگر قوی باشیم، هشتاد سال. اما مایه فخری در آنها جز محنت و اندوه نیست زیرا به سرعت می گذرند و پرواز می کنیم".	"پیش از آنکه کوه ها زاده شوند، یا تو زمین و جهان را به وجود آوری، از ازل تا به ابد تو خدایی".

او در اول تیموتائوس ۶: ۱۵-۱۶ می گوید که خدا:

"که خدا این را در وقت خود به انجام خواهد رسانید، همان خدای متبارک که حاکم یکتا و شاه شاهان و رب ارباب است. او را که تنها وجود فناپذیر است و در نوری سکونت دارد که نتوان به آن نزدیک شد، او را که هیچ کس ندیده و نتواند دید، تا ابد حرمت و توانایی باد. آمین" (۱ تیموتائوس ۶: ۱۵-۱۶).

به نظر می رسد هدف این آیه ها این است که خدا تنها وجود جاودان است. ولی می دانیم که مسیح بر

گناه غلبه کرد و اکنون جاودانه است. همچنین فرشته‌ها نمی‌میرند (لوقا ۲۰: ۳۵-۳۶). آیاتی که در بالا ذکر شد بیان می‌کند که خدا تنها منبع جاودانگی است. او تنها کسی است که همیشه وجود داشته است و می‌تواند به دیگران جاودانگی ببخشد. او مسیح را از مردگان برخیزانید و او را جاودانه کرد. فرشتگان نیز جاودانگی خود را از خدا دارند. بنابراین بجز خدا در حال حاضر تنها مسیح و فرشتگان جاودانه‌اند. خبر خوب این است که ما نیز به واسطه نجاتی که مسیح برایمان به ارمغان آورده امکان جاودانه شدن را داریم. ما می‌خوانیم:

"ولی اکنون با ظهور نجات‌دهنده ما مسیح عیسی عیان گشته است - همان که به واسطه انجیل، مرگ را باطل کرد و حیات و فناپذیری را آشکار ساخت" (۲ تیموتائوس ۱: ۱۰).

زندگی جاودان برای همه نیست

وعده زندگی جاودان تنها به کسانی داده شده است که محبت خدا را پذیرفته باشند. همه ما حق انتخاب داریم:

"خدا به هر کس بر حسب اعمالش سزا خواهد داد. او به کسانی که با پایداری در انجام اعمال نیکو، در پی جلال و حرمت و بقا، حیات جاویدان خواهد بخشید؛ اما بر خودخواهان و منکران حقیقت و شرارت‌پیشگان، خشم و غضب خود را فرو خواهد ریخت. هر کس که مرتکب اعمال بد شود دچار رنج و عذاب خواهد شد، نخست یهود و سپس یونانی. اما هر که نیکویی کند، از جلال و حرمت و آرامش برخوردار خواهد شد، نخست یهود و سپس یونانی" (رومیان ۲: ۶-۱۰).

اگر به جای جاودانگی در پی خواسته‌های خود باشیم، دیگر هیچ امیدی به زندگی آینده نیست. زندگی جاودان هدیه خداست.

هیچ یک از ما، هر چقدر هم نیکوکار، لایق آن نیستیم. بعنوان یک گناهکار تنها می‌توانیم برای هفتاد و یا هشتاد سال انتظار لذت بردن از خوشی‌های این دنیا را داشته باشیم. مگر اینکه با امید زندگی جاودان در عیسی مسیح به گور رویم. در غیر این صورت تجزیه شده و به خاک بر می‌گردیم و در برکت زندگی در پادشاهی شریک نمی‌شویم.

تمام شخصیت‌های بزرگ کتاب مقدس که وعده‌های خدا را باور کردند این امید را داشتند. پولس و یوحنا همانند دیگر رسولان نیز به امید زندگی جاودان بودند (تیتوس ۱: ۱-۲ - ۱ یوحنا ۲: ۲۵). عبرانیان باب ۱۱ افراد زیادی از عهد عتیق را نام می‌برد که در انتظار زمان بهتری در آینده بودند.

زندگی جاودان توسط عیسی مسیح به ایماندارانی داده می‌شود که در داوری پس از رستاخیز حضور

دارند. مسیح گفت:

"و اراده فرستنده من این است که از آن کسان که او به من بخشیده، هیچ یک را از دست ندهم، بلکه آنان را در روز بازپسین برخیزانم. زیرا اراده پدر من این است که هر که به پسر بنگرد و به او ایمان آورد، از حیات جاویدان برخوردار شود، و من در روز بازپسین او را بر خواهم خیزانید" (یوحنا ۶: ۳۹-۴۰).

"روز بازپسین" روز بازگشت مسیح خواهد بود:

"زیرا پسر انسان در جلال پدر خود به همراه فرشتگانش خواهد آمد و به هر کس برای اعمالش پاداش خواهد داد" (متی ۱۶: ۲۷).

پولس رسول از امید خود می نویسد:

"اکنون تاج پارسایی برایم آماده است، تاجی که خداوند، آن داور عادل، در آن روز به من عطا خواهد کرد - نه تنها به من، بلکه به همه آنان که مشتاق ظهور او بوده‌اند" (۲ تیموتائوس ۴: ۸).

زندگی جاودان، زندگی ابدی، فناپذیری

عبارات "زندگی جاودان" و "زندگی ابدی" از یک ریشه یونانی می آیند و معنای مشابهی دارند. زندگی جاودان تفاوت کمی با فناپذیری دارد.

- فناپذیری هدیه خدا برای زندگی ابدیست و کاملاً متضاد با وضعیت فانی اکنون ما دارد. (۱ قرن‌تین ۱۵: ۵۳).
- عبارت "زندگی ابدی" به کیفیت زندگی ایمانداران واقعی اشاره دارد که فناپذیر شده اند. ایده "زندگی در آینده" نیز شامل آن می شود.

زمان بازگشت مسیح، ایمانداران واقعی مکانی در پادشاهی خدا دریافت کرده و جاودانه می شوند. ذهن آنها نیز تغییر یافته و از گناه و وسوسه آزاد شده و تنها با اراده و قوانین خدا پر خواهد شد. در آن زمان آنها به واقع خدا را خواهند شناخت و هماهنگ با او زندگی خواهند کرد. منظور کتاب مقدس از زندگی جاودان همین است. کیفیتی از زندگیست که شخصیت شگفت انگیز خدا را نشان می دهد و روشی از زندگی که مسیح به ما نشان می دهد.

اگرچه اکنون ما فناپذیری را دریافت نکرده ایم، اما حسی در ایمانداران واقعی وجود دارد که می توانند زندگی جاودان داشته باشند. مسیح درست قبل از مرگش دعا کرد:

"پس از این سخنان، عیسی به آسمان نگریست و گفت: پدر، ساعت رسیده است. پسر را جلال ده تا پسر نیز تو را جلال دهد. زیرا او را بر هر بشری قدرت داده‌ای تا به همه آنان که به او عطا کرده‌ای، حیات جاویدان بخشد و این است حیات جاویدان، که تو را، تنها خدای حقیقی، و عیسی مسیح را که فرستاده‌ای، بشناسند" (یوحنا ۱۷: ۱-۳).

این آیات نشان می‌دهد کسانی که ذهن خود را با امور خدایی پر می‌کنند، به نوعی در همین دنیا حیات جاودانی را یافته‌اند. پس اگر اکنون هماهنگ با خدا و مسیح زندگی کنیم در مورد ما گفته می‌شود که:

"و آن شهادت این است که خدا به ما حیات جاویدان بخشیده، و این حیات در پسر اوست" (۱ یوحنا ۵: ۱۱).

اگر زندگی خود را در راه خدا ادامه دهیم، خدا به واسطه فیض خود پاداش ما را با زندگی جاودان می‌دهد و همیشه هماهنگ با او خواهیم بود. پس زندگی ما هم جاودانه و هم ابدی خواهد بود. اما اگر در پی زندگی جاودان و مسیح نباشیم، خدا نیز هنگام بازگشت مسیح به ما زندگی جاودان نخواهد داد. این موضوع اهمیت ترک امور دنیوی و پرداختن به راه و روش خدا را بیان می‌کند. تنها با خواندن و تفکر کردن در مورد پیام کتاب مقدس می‌توانیم به شناخت و محبت خدا برسیم. برای داشتن زندگی ابدی، باید این کار را انجام دهیم.

مقدسین

گناه ما را از خدا جدا می‌کند. خدا خالص و درستگار و عادل است و کاملاً از افکار و خواسته‌ها و آرزوها و روش‌های انسانی به دور است. به این نحو خدا مقدس (جدا شده) است. اگر می‌خواهیم فرزند خدا شویم باید خود را از افکار و فعالیت‌های شیرانه دنیای پیرامون جدا کنیم. باید تلاش کنیم همانند خدا مقدس باشیم:

"چون فرزندی مطیع، دیگر مگذارید امیال دوران جهالت به زندگیتان شکل دهد. بلکه همچون آن قدّوس که شما را فرا خوانده است، شما نیز در همه رفتار خویش مقدّس باشید؛ چرا که نوشته شده است: «مقدّس باشید، زیرا من قدّوسم» (۱ پطرس ۱: ۱۴-۱۶).

در اولین روز خلقت خدا نور را از تاریکی جدا کرد. کتاب مقدس از نور برای نشان دادن راه خدا و از تاریکی برای نشان دادن گناه استفاده کرده است (۱ یوحنا ۱: ۵-۷). همانقدر که نور از تاریکی دور است ما نیز باید همان فاصله را با گناه حفظ کنیم:

"شب رو به پایان است و روز نزدیک شده است. پس بیاید اعمال تاریکی را به سوی نهمیم و زره نور را در بر کنیم. بیاید آن گونه رفتار کنیم که شایسته کسانی است که در روشنایی روز به سر می‌برند. پس اوقات خود را در بزمها و میگساری و هرزگی و عیاشی و جدال و حسد سپری نکنیم، بلکه عیسی مسیح خداوند را در بر کنید و در پی ارضای امیال نفس خود مباشید" (رومیان ۱۳: ۱۲-۱۴).

کلمه مقدسین در کتاب مقدس به معنای جدا شده است و برای توصیف ایمانداران واقعی به کار برده شده است و به این دلیل به آن‌ها "مقدسین" گفت شده است زیرا خود را از تاثیرات شیرانه دنیای پیرامون جدا کرده اند و ویژگی های زندگی جاودان را در این دنیا نشان می دهند. پولس رسول آنان را اینگونه توصیف می کند:

"از پولس که به خواست خدا رسول مسیح عیسی است، به مقدسین ساکن در شهر افسس، به آنان که در مسیح عیسی وفادارند" (افسیان ۱: ۱).

همچنین (اعمال رسولان ۹: ۱۳) - (اعمال رسولان ۲۶: ۱۰) و (فیلیپیان ۴: ۲۱) را ببینید. مقدسین سران و رهبرانی نیستند که کلیساها ادعا دارند.

مقدسین ایمانداران واقعی اند

"مقدس" یعنی "جدا شده"، ایمانداران واقعی همانند انسان های دنیا نیستند. در عوض تلاش می کنند همانند خدا و عیسی مسیح باشند.

ایمانداران واقعی مقدسین خطاب می شوند. چون زمان بازگشت مسیح جاودانه می شوند و از جمعیت فانی پادشاهی خدا جدا خواهند بود. مقدسین راه خدا را به افراد فانی آموزش می دهند. آنها همچنین به همراه عیسی مسیح بر جهان حکمرانی کرده و جزئی از دولت او می شوند. آنها با عدالت، خرد و قدرت حکومت کرده و مشکلات دنیا حل خواهد شد. دولتمردان قادر به حل مشکلات نیستند. دلایل زیادی بر آن وجود دارد. برای مثال، رهبران و سران دنیا:

- همیشه صادق و عادل نیستند.
- گاهی علایق خود را بر دیگران ترجیح می دهند.
- به اندازه کافی باهوش نیستند تا مشکلات دنیای امروزی را حل کنند.
- منبع و یا قدرت کافی برای اجرای برنامه ها را ندارند.
- گاهی موفق به پیشرفت می شوند اما پس از مدتی پیر و یا بیمار شده و در نهایت می میرند.

مقدسینی که زندگی جاودان دریافت می کنند قادر به گناه کردن نیستند و هرگز تغییر نکرده و ضعیف نمی شوند. آنها به همراه مسیح در پادشاهی خدا با قدرت و عدالت فرمانروایی خواهند کرد.

مقدسین فناپذیر چه شکلی هستید؟

افراد زیادی می خواهند بدانند که وقتی ایمانداران واقعی فناپذیر می شوند به چه شکل خواهند بود. آیا قابل تشخیص خواهند بود؟ اگر چه تمام جزئیات را نمی دانیم. کتاب مقدس اطلاعاتی در این مورد در اختیار ما قرار می دهد.

عیسی مسیح پس از رستاخیزش دارای جسم بود و شاگردان قادر به لمس او بودند. اگرچه پس از ظهور معجزه آسای او در مقابلشان، برای چند لحظه پنداشتند که مسیح روح است. اما مسیح به آنان گفت:

"دست و پایم را بنگرید. خودم هستم! به من دست بزنید و ببینید؛ شبخ گوشه و استخوان ندارد، اما چنانکه می بینید من دارم" (لوقا ۲۴: ۳۹).

واضح است که عیسی مسیح که اکنون جاودانه است جسمی به همراه "گوشت و استخوان" داشته است. کتاب مقدس نمی گویند که او گوشت و خون داشته است. چون در واژگان کتاب مقدس "جان، جسد در خون است" (لاویان ۱۷: ۱۱). به عبارتی دیگر زندگی معمولی احتیاج به خون دارد. اما عیسی مسیح اکنون با قدرت خدا زندگی می کند.

وقتی که مسیح به مردم زندگی جاودان می دهد، جسم نفسانی آنها به "جسمی روحانی" تبدیل می شود (۱ قرنیتیان ۱۵: ۴۴-۵۳). جسم جدیدشان دیگر به خون نیازی ندارد چون توان و نیروی خود را از خدا خواهد گرفت. هرگز از بیماری و درد زجر نمی کشند و هرگز پیر نمی شوند و نمی میرند:

"او هر اشکی را از چشمان آنها پاک خواهد کرد و دیگر مرگ نخواهد بود؛ و ماتم و شیون و درد وجود نخواهد داشت، زیرا چیزهای اول سپری شد" (مکاشفه ۲۱: ۴).

شگفتی های زندگی جاودان

استفاده از لذت های خدادادی امری شگفت انگیز است و همچنین می توان از برکاتی همانند سلامتی، قدرت، صلح و آرامش، امنیت و دانش بیشتر در مورد خدا بهره مند شد. دیگر لزومی ندارد که مقدسین با گناه دست و پنجه نرم کنند. فرصت زندگی جاودان به شرط ماندن در ایمان، به افراد فانی که امور خدایی و اهداف باشکوهش به آنها آموزش داده شده است، داده خواهد شد.

حتما به خاطر دارید که در قرن اول رسولان برای مدت کوتاهی عطایای روح القدس را دریافت کردند

(درس ۲۱). بعضی از آنها توانستند به زبانهای دیگر کلام را تدریس کنند. بعضی توانستند بیماران را درمان کرده و بیماران ذهنی را معالجه کنند. این عطایا تنها برای "اولین بار" بوده و نمونه ای بود از عطایای روح القدس که در پادشاهی خدا صاحب آن می شوند. چه تصویر بی نظیری از آینده و زمان بازگشت مسیح داریم.

زندگی جاودان هرگز به اتمام نمی رسد. شاید درک این موضوع برای ما سخت باشد چون با زندگی امروزی بسیار متفاوت است. برخی گمان می کنند که زندگی ابدی شاید خسته کننده باشد. اما خدا هرگز وعده بدی نمی دهد.

ما قادر به درک شگفتی های آن زمان نیستیم. وقتی هزاره تمام شود، زمان بهتری فرا خواهد رسید. سپس رابطه کاملی بین خالق و مخلوق برقرار می شود. (۱ قرن تیان ۱۵: ۲۸). این برنامه خدا از آغاز بوده است و همان وعده زندگی جاودان می باشد.

خلاصه

- اکنون تنها خدا، فرشته ها و عیسی مسیح فناپذیرند.
- در داوری، عیسی مسیح به ایمانداران واقعی (مقدسین) زندگی جاودان خواهد داد.
- افرادی که جاودانه شده اند، جسم روحانی خواهند داشت و هرگز متوجه درد و رنج و بیماری نمی شوند و پیر نمی شوند و از قدرت خدا انرژی می گیرند.
- مقدسین ایمانداران واقعی هستند. آنها سرانی نیستند که کلیساها ادعا می کنند.

آیاتی جهت مطالعه:

(یوحنا ۳: ۱۶) "زیرا خدا جهان را آنقدر محبت کرد که پسر یگانه خود را داد تا هر که به او ایمان آورد هلاک نگردد، بلکه حیات جاویدان یابد".

(دانیال ۱۲: ۱-۳)

(یوحنا باب ۱۷)

(۱ قرن تیان ۱۵: ۵۰-۵۷).

پرسش های بخش هفتم

درس ۲۴: فیض عامل نجات

۱-۲۴ توضیح دهید که چگونه می توانیم از گناه و مرگ همیشگی نجات یابیم؟

۲-۲۴ به زبان خود توضیح دهید که منظور کتاب مقدس از فیض چیست؟

۳-۲۴ آیا فکر می کنید که اگر فیض خدا را بپذیرید می توانید بدون بخشیده شدن زندگی کرده و به انسان ها دروغ بگویید و یا از همه متنفر باشید؟

۴-۲۴ آیا می توانیم نجات را دریافت کنیم؟

۵-۲۴ برای ایمان داشتن چه باید کرد؟

۶-۲۴ رومیان ۴: ۱-۵ را بخوانید. آیا خدا ابراهیم را به دلیل اعمالش عادل شمرد یا به دلیل ایمانش؟

درس ۲۵: رستاخیز از مردگان

۱-۲۵ درست ترین راه توصیف ایماندارانی که مرده اند چیست؟ با بله یا خیر پاسخ دهید.

الف) فوت کرده است.

ب) به آسمان رفته است.

پ) خوابیده است.

۵-۲۵ جامعه ۹: ۵-۶ و ۱۰ در مورد مردگان به ما چه می گوید؟

۳-۲۵ منظور از رستاخیز چیست؟

۴-۲۵ الف) با دلیل ثابت کنید که مسیح پس از برخاستن از مردگان روح نبود.

ب) آیا ایمانداران پس از رستاخیز جسم خواهند داشت؟

۵-۲۵ الف) در یوحنا باب ۱۱ مریم پس از دیدن مسیح چه گفت؟

ب) مارتا در آیه ۲۴ در مورد رستاخیز چه گفت؟

پ) تفاوت بین ایلعازر و مسیح زمانی که از مرگ برخاستند چه بود؟

ت) یوحنا ۱۲: ۱۰-۱۱ در مورد کاهن اعظم چه می گوید؟

۶-۲۵ ابراهیم پس از رستاخیزش وارث چه سرزمینی خواهد شد؟ (درس ۱۲ به شما کمک می کند)

۷-۲۵ رستاخیز چه زمانی اتفاق می افتد؟

۸-۲۵ کدام آیات در انجیل یوحنا باب ۵ در مورد مسایل زیر سخن می گوید؟

الف) خدا تمام قضاوت ها را بر عهده پسر خود گذاشته است.

ب) زمانی می آید که تمامی کسانی که در قبر هستند صدای مسیح را می شنوند.

پ) اگر کلام مسیح را بشنویم و به خدا ایمان بیاوریم می توانیم از مرگ گذشته و به سمت زندگی برویم.

درس ۲۶: روز داوری

۱-۲۶ اتفاقات زیر را به ترتیب بنویسید:

رستاخیز / بازگشت مسیح / داوری

۱. _____ ۲. _____ ۳. _____

۲-۲۶ متی ۲۵: ۳۱-۴۶ را بخوانید.

الف) در آیه ۳۱ منظور از پسر انسان کیست؟

ب) پادشاهی او کجا خواهد بود؟ (درس ۹ کمک می کند).

پ) آیه ۳۲ چه می گوید؟

ت) پاداش عدالت چیست؟ (آیه ۳۴).

ث) این مثل در مورد اهمیت دادن به نیازهای دیگران است. باید از آن چه درسی بگیریم؟

۳-۲۶ چه کسانی مرده باقی می مانند و داوری نمی شوند؟

۴-۲۶ آیا منتظر هستید که عیسی مسیح در زمان بازگشتش شما را نیز برای داوری فرا خواند؟

۵-۲۶ چرا عیسی مسیح می تواند داور بهتری نسبت به داوران انسانی باشد؟

۶-۲۶ مجازات کسانی که مسیح آنها را نمی پذیرد چیست؟

۷-۲۶ از مرگ عزه چه می آموزیم؟

درس ۲۷: زندگی جاودان

۱-۲۷ فهرستی از کسانی که توسط خدا وعده مکانی برای پادشاهی را دریافت کرده اند را بنویسید؟

۲-۲۷ آیا افراد زیر فانی هستند (گناهکارند و می میرند) یا جاودانه (فناناپذیر و بی گناه)؟

الف) خدا

ب) مسیح زمانی که بر روی زمین زندگی می کرد (قبل از مرگش)

پ) مسیح هم اکنون

ت) فرشتگان

ث) ایمانداران هم اکنون

ج) افرادی که از مرگ برخیزانده شده اند و منتظر داوری هستند.

چ) افرادی که در داوری به هنگام بازگشت مسیح عادل شمرده می شوند.

ح) افرادی که در هزاره کلام را می آموزند.

۳-۲۷ الف) افرادی که توسط مسیح پذیرفته شده اند در طول هزار سال چه می کنند؟

ب) آیا قادر به گناه هستند؟

ج) آیا درد و رنج را حس می کنند؟

۴-۲۷ معنای واژه های زیر چیست؟

الف) قدوس

ب) زندگی جاودان

ج) جسم روحانی

۵-۲۷ آیا می خواهید در پادشاهی خدا حضور داشته باشید؟ چرا؟

درس بیست و هشتم: فرشتگان

مطالعه: عبرانیان باب ۱

فرشتگان چه کسانی هستند؟

کلمه "فرشته" در کتاب مقدس به معنای "پیام آور" است. فرشتگان پیام آوران خدا هستند. آنها به هنگام پیدایش زمین حاضر بودند و برای خدا در زمین کار می کردند. فرشتگان موجوداتی فناپذیر هستند و قابلیت گناه را ندارند. ما از تعداد آنها اطلاعی نداریم ولی می دانیم که بسیارند. روزی مسیح گفت که می توانست "دوازده فوج از ملائکه را درخواست کند" تا به او کمک کنند که دوازده فوج برابر با ۷۲۰۰۰ فرشته است (متی ۲۶: ۵۳). فرشتگان نماینده های خدا هستند و با قدرت خدا در جهت اجرای خواسته های او عمل می کنند.

اعمال فرشتگان

کتاب مقدس به ما می گوید که فرشتگان:

- پیغام خدا را می رسانند.
- راهنمای مردم هستند.
- حمایت و تحویل مردم به خداوند.
- مجازات مردم.

به مثالهای هر بخش توجه کنید.

(۱) مثالهایی از رساندن پیغام خدا توسط فرشتگان

مثالهای زیادی در مورد رساندن پیغام خدا توسط فرشتگان وجود دارد. در این قسمت بخشی از آن را می بینید.

جزئیات	آیات
<p>خدا به ابراهیم گفت که او و ساره صاحب پسری می شوند. سه فرشته ای که ظاهر شده و این پیغام را به ابراهیم دادند درست همانند مردم عادی بودند. در شرایط مختلف آنها متفاوت هستند. به ویژه زمانی که در حال نشان دادن شکوه خدا هستند. هیچ فردی نمی تواند خدا را ببیند (۱ تیموتائوس ۶: ۱۶). هر وقت که هدف خدا نیاز به یک وجود قابل رویت داشته باشد، پس او فرشتگانش را می فرستد.</p>	پیدایش باب ۱۸
<p>دو فرشته ای که با ابراهیم سخن گفته بودند، به دیدار لوط برادر زاده او رفتند تا به او هشدار دهند که خدا قصد نابودی سدوم را دارد. مردم سدوم پنداشتند که فرشتگان انسانند.</p>	پیدایش ۱۹: ۱-۵
<p>فرشته ای از آسمان ابراهیم را متوقف کرد تا فرزندش اسحاق را قربانی نکند و بعد فرشتگان ابراهیم را به خاطر ایمان و اطاعتش برکت دادند.</p>	پیدایش ۲۲: ۱۱ و ۱۵
<p>خدا به موسی گفت که باید مردم اسرائیل را از بردگی مصر خارج کرده و به سرزمین کنعان برساند. فرشته ای که این پیام را رساند در بوته ای مشتعل بود. بعداً فرشته دیگری احکام خداوند را به موسی داد (خروج باب ۱۹ - اعمال رسولان ۷: ۳۸).</p>	خروج باب ۳
<p>فرشته ای به جدعون گفت که خدا به او کمک می کند تا با دشمنان اسرائیل بجنگد و بعد فرشته در آتش قربانی که جدعون محیا کرده بود ناپدید شد.</p>	داوران ۶: ۱۱-۲۴
<p>فرشته جبرئیل به زکریا گفت که او و همسرش الیزابت صاحب پسری خواهند شد. این فرزند بعدها یحیی تعمید دهنده خوانده شد.</p>	لوقا ۱: ۱۱-۱۹
<p>فرشته جبرئیل به مریم گفت که مادر مسیح خواهد بود.</p>	لوقا ۱: ۲۶-۳۳

۲) مثالهایی از هدایت مردم توسط فرشتگان

- ابراهیم نمی خواست که فرزندش با دختری از قوم های نافرمان دیگر که به خدا ایمان نداشتند، ازدواج کند. پس از خدمتکارش خواست تا زنی ایماندار برایش پیدا کند. خدا از طریق فرشته ای، خدمتکار را به سمت رفقه هدایت کرد (پیدایش ۲۴: ۷).
- زمانی که موسی مردم اسرائیل را درون صحرا هدایت می کرد ستونی از ابر در روز و ستونی از آتش در شب به همراه آنها بود. فرشته خدا در آن ستون بود تا مردم را حمایت و هدایت کند. در خروج ۱۳: ۲۱ می خوانیم: "خداوند پیش روی قوم می رفت". چون فرشته نمایانگر خود خدا بود (خروج ۱۴: ۱۹ - خروج ۲۳: ۲۰-۲۱ را نیز ببینید). علی رغم وجود خدا در صحرا به همراه مردم اسرائیل، آنها باز هم علیه او سرکشی می کردند. فرشته آنها را از گناه باز نمی داشت.
- فرشته ای فیلیپس را هدایت کرد تا خواجه سرای حبشی را ملاقات کند تا مرد بتواند به واسطه او عیسی مسیح را بشناسد (اعمال رسولان ۸: ۲۶-۳۹).

۳) مثالهایی از حمایت مردم خدا و محافظت آنان توسط فرشتگان

- دوستان دانیال پرستش مجسمه ای که پادشاه بابل ساخته بود را نپذیرفتند و به کوره آتش افکنده شدند. فرشته ای آنان را محافظت کرد (دانیال ۳: ۲۸).
- دانیال به دلیل ادامه پرستش خدا و با وجود قانونی که او را منع کرده بود، به چاه شیران افکنده شد. فرشته ای دهان شیران را بست و دانیال سالم خارج شد (دانیال ۶: ۱۹-۲۲).
- فرشته ای رسولان را از زندان رهایی داد (اعمال رسولان ۵: ۱۷-۱۹). در جایی دیگر فرشته ای پطرس را از زندان نجات داد (اعمال رسولان ۱۲: ۶-۱۷).

۴) مثالهایی از مجازات مردم توسط فرشتگان

- زمانی که آشوریان، اورشلیم را محاصره کرده بودند، پادشاه صادقیاً برای کمک نزد خدا دعا کرد. خدا فرشته ای فرستاد تا تمام آشوریان را بکشد و شهر را نجات دهد - آشوریان به خود جرأت تحقیر کردن خدا را داده بودند (۲ پادشاهان ۱۹: ۳۵).
- خدا فرشته ای فرستاد تا هیروودیس پادشاه را بخاطر غرور بیش از حدش نابود کند (اعمال رسولان ۱۲: ۲۳).

فرشتگان به چه شکل هستند؟

فرشتگان معمولاً اعمالشان را بدون دیده شدن انجام می دهند. الیشع، زمانی که ارتش سوریه قصد حمله به آنان را داشت، ترسیده بود. اما می دانست که خدا کمکش می کند. وقتی از خدا خواست تا چشمان بنده خود را باز کند، ناگهان دید که تعداد زیادی از فرشتگان دور او ایستاده تا از او محافظت کنند (۲ پادشاهان ۶: ۱۷)، اما شخص دیگری قادر به دیدن فرشتگان نبود.

از قبل دیدیم که فرشتگان ظاهر شده بر ابراهیم و لوط شبیه انسانها بودند، پس بال نداشتند. همچنین مشاهده کردیم که فرشتگان می توانستند در ابر و آتش نیز حضور داشته باشند. همانند بوته مشتعل و ستون ابر در صحرا. با این تفاسیر واضح است که فرشتگان هیچ صورت مشخصی نداشته و می توانند به انتخاب خود ظاهر و یا ناپدید شوند، همانند کسی که جدعون را ملاقات کرد.

موضوع رستاخیز مسیح نشان می دهد که فرشتگان زمانی که جلال خدا را نشان می دهند می توانند ترسناک باشند:

"ناگاه زمین لرزه‌ای شدید رخ داد، زیرا فرشته خداوند از آسمان نازل شد و به سوی مقبره رفت و سنگ را از برابر آن به کناری غلتانید و بر آن بنشست. چهره آن فرشته همچون برقی آسمان می درخشید و جامه‌اش چون برف، سفید بود. نگهبانان از هراس دیدن او به لرزه افتاده، چون مردگان شدند" (متی ۲۸: ۲-۴).

فرشته ای که به فیلیپس گفت تا خواجه سرای حبشی را ملاقات کند همانند یک "روح" تشبیه شده است (اعمال رسولان ۸: ۲۶ و ۲۹). عبرانیان ۱: ۱۴ نیز فرشتگان را بعنوان "روح" توصیف می کند. کلمه روح نشان می داد که آنها همانند ما، موجودات فانی نیستند. از لوقا ۲۰: ۳۴-۳۶ در می یابیم که فرشتگان نه گناه می کنند، نه می میرند و نه می توانند ازدواج کنند.

مسیح و فرشتگان

فرشتگان بطور جداگانه بر مریم، یوسف و چوپانان ظاهر شدند تا از میلاد مسیح خبر دهند. هیرودیس قصد کشتن مسیح را داشت اما فرشته به یوسف گفت تا مریم و بچه را به مصر ببرد و کمی بعد که اوضاع بهتر شد، فرشته خبر بازگشت شان را داد.

مزامیر ۹۱: ۱۱ پیش گویی کرده بود که فرشتگان در زندگی مسیح نقش خواهند داشت. در متی ۴: ۱۱ می خوانیم که پس از آزمایش شدن در صحرا، فرشتگان "آمده، خدمتش کردند". ممکن بود که فرشته ها پس از روزه گرفتن طولانی مسیح برای وی غذا نیز آورده باشند.

در باغ جتسیمانی زمانی که مسیح دریافت که مصلوب شدنش نزدیک است، برای اجرای اهداف خدا دعا کرد و خدا فرشته ای فرستاد تا او را تقویت کند (لوقا ۲۲: ۴۳). مسیح می توانست با درخواست هزاران فرشته از خدا برای نجات او، مانع دستگیری خود شود. اما او می خواست برای ما بمیرد و این تنها راهی بود که ما را از زندگی آلوده به گناه خود نجات می داد.

شاید از خدا توقع داشتیم که فرزندش را همانند فرشته خلق کند اما او در عوض همانند ما خلق شد. مسیح تنها بعنوان یک انسان می توانست وسوسه شده و رنج و مرگ را تجربه کند. اما فرشته ها نه گناه می کنند و نه می میرند. متون زیر در مورد مسیح قبل از مرگش است:

"از همین رو، لازم بود از هر حیث همانند برادران خود شود تا بتواند در مقام کاهن اعظمی رحیم و امین، در خدمت خدا باشد و برای گناهان قوم کفاره کند" (عبرانیان ۲: ۱۷).

"اما عیسی را می بینیم که اندک زمانی پایینتر از فرشتگان قرار گرفت، ولی اکنون تاج جلال و اکرام بر سرش نهاده شده است، چرا که از رنج مرگ گذشت تا بر حسب فیض خدا برای همه طعم مرگ را بچشد" (عبرانیان ۲: ۹).

هنگام برخاستن مسیح از مردگان فرشته ها حضور داشتند. شادی آنها را تصور کنید! مسیح بر گناه و مرگ پیروز شده بود. پس به جلال و شکوه رسید و از فرشتگان نیز بالاتر رفت. او دیگر ذات انسانی نداشت:

"او فروغ جلال خدا و مظهر کامل ذات اوست، و همه چیز را با کلام نیرومند خود نگاه می دارد. او پس از پاک کردن گناهان، به دست راست مقام کبریا در عرش برین بنشست. پس به همان اندازه که نامی برتر از فرشتگان به میراث بُرد، از مقامی والاتر از آنها نیز برخوردار شد" (عبرانیان ۱: ۳-۴).

افتخار نشستن بر دست راست خدا تنها برای عیسی مسیح است و هیچ فرشته ای تا کنون چنین سعادت را نداشته است (عبرانیان ۱: ۱۳). با این تفاوت که فرشته ها خادمان خدا نامیده می شوند:

"حال آنکه درباره فرشتگان می گوید فرشتگانش را بادها می سازد و خادمانش را شعله های آتش" (عبرانیان ۱: ۷).

فرشته ها گناه نمی کنند – آنها اراده خدا را بجا می آورند

هیچ فرشته ای وجود ندارد که گناه کند. مزامیر ۱۰۳: ۲۰-۲۱ نشان می دهد که همه فرشته ها اراده خدا را اجرا می کنند:

"ای فرشتگان خداوند، او را متبارک خوانید، ای زورآورانی که کلام او را به جا می‌آورید و فرمانبردار اوید. ای جمیع لشکریان او و ای خادمان او که اراده‌اش را به جا می‌آورید، خداوند را متبارک خوانید" (مزامیر ۱۰۳: ۲۰-۲۱).

فرشته‌ها می‌توانند وارد درگاه مقدس خدا شوند که ثابت می‌کند اجازه گناه کردن ندارند، چون هیچ گناهکاری نمی‌تواند زنده بماند. خدا مردم اسرائیل را به رهبری موسی از مصر خارج کرد. در ابتدا مصریان با آزادی موافقت نمی‌کردند و خدا با بلاهای مختلف آنان را مجازات کرد. نویسنده مزامیر با شرح اوضاع می‌گوید که خدا:

"خشم سوزان خود را بر ایشان گسیل داشت، غضب و غیظ و تنگی را، با فرستادن فرشتگان نابودی" (مزامیر ۷۸: ۴۹).

فرشته‌ها شیرین نبودند و گناه نمی‌کردند و تنها اعمال خدا را اجرا می‌کردند. خدا از آنها خواست تا بلاهایی را بر مردم بیاورند تا مصریان را مجازات کرده و نشان دهد که کنترل همه چیز دست اوست. اما نامه دوم پطرس ۲: ۴ می‌گوید:

"زیرا اگر خدا بر فرشتگانی که گناه ورزیدند رحم نکرد، بلکه ایشان را به تَه‌هاویه افکند و در سیاه چال‌های تاریک محبوس کرد تا برای داوری نگاه داشته شوند" (۲ پطرس ۲: ۴).

کلمه "فرشته" در کتاب مقدس به معنای پیام آور است. همچنین می‌تواند هم به پیام آوران آسمانی (فرشته‌ها) اشاره داشته باشد و هم پیام آوران زمینی (انسان‌هایی که پیامی داشتند). کلمه مشخص نمی‌کند که دقیقا به کدامیک اشاره دارد و برای تصمیم باید از کل متن استفاده کرد. متن نامه دوم پطرس ۲: ۴ هیچ نشانه‌ای ندارد و باعث سردرگمی شده است. ما بر این باوریم که این آیات به اتفاقات آیه ۱۶ اشاره دارد. زمانی که عده‌ای از سران اسرائیل گناه کرده و در نتیجه مردند، پس این پیام آوران انسان‌هایی هستند که باید آگاهی داشته و بهتر رفتار می‌کردند.

ملک (کلمه عبرانی) = آنجلس (کلمه یونانی) = پیام آور

اشاره به:

پیام آوران آسمانی (فرشته) یا پیام آوران زمینی (انسان‌ها) دارد.

فرشتگان و ایمانداران حقیقی

با اینکه فرشته ها را نمی بینیم، اما آنها همیشه محافظ ایمانداران واقعی هستند:

"مگر آنها جملگی روح هایی خدمتگزار نیستند که برای خدمت به وارثان آینده نجات فرستاده می شوند؟" (عبرانیان ۱: ۱۴).

این آیه به طور واضح نشان می دهد که فرشته ها از همه محافظت نمی کنند و تنها این امر شامل حال کسانی می شود که از خدا می ترسند. مزامیر ۳۴: ۷ این پیام شیرین را دارد:

"فرشته خداوند گرداگرد ترسندگان او اردو می زند، و آنان را می رهاند" (مزامیر ۳۴: ۷).

به ما گفته شده است که وقتی یک گناهکار توبه می کند، فرشته ها شادی می کنند (لوقا ۱۵: ۱۰). اگرچه فرشته ها در زندگی ایمانداران واقعی نقشی ایفا می کنند اما این بدین معنا نیست که ایمانداران هرگز لحظات سخت نخواهند داشت. زیرا آزمایش ها به ما درس می آموزند و ما را به خدا نزدیکتر می کنند. فرشته ها مانع گناه کردن ایمانداران نمی شوند، همانطور که فرشته ها در صحرا مانع مردم از گناه نشدند. آنها معمولا از راه هایی که متوجه نمی شویم به ما کمک می کنند.

کارهای آینده فرشتگان

عیسی مسیح به زودی به زمین باز خواهد گشت. اما زمان آن را کسی نمی داند. حتی فرشته ها در آسمان (مرقس ۱۳: ۳۲). وقتی او بازگردد فرشتگان نیز به همراه او می آیند. ۲ تسالونیکیان ۱: ۷ در مورد آن زمان به ما می گوید:

"بدین گونه شما برای همه ایمانداران مقدونیه و آخائیه سرمشقی بر جای گذاشتید" (۲ تسالونیکیان ۱: ۷).

بر طبق مثل هایی که مسیح گفت، فرشتگان مردم را برای حاضر شدن در محضر عیسی مسیح برای داوری جمع می کنند. در آن زمان قدوسین (ایمانداران واقعی) همانند فرشتگان خواهند بود. فرشتگان فنا ناپذیرند. ایمانداران مسیح نیز می توانند همانند آنها باشند. همانطور که مسیح گفت:

"عیسی پاسخ داد: مردم این عصر زن می گیرند و شوهر می کنند. اما آنان که شایسته رسیدن به عصر آینده و قیامت مردگان محسوب شوند، نه زن خواهند گرفت و نه شوهر خواهند کرد و نه دیگر خواهند مرد؛ زیرا مانند فرشتگان خواهند بود. آنان فرزندان خدایند، چرا که فرزندان قیامتند" (لوقا ۲۰: ۳۴-۳۶).

خلاصه:

- ۱- فرشتگان پیام آوران خدا هستند. آنها اراده خدا را توسط قدرتش اجرا می کنند. فرشتگان راهنمایی می کنند، مجازات می کنند و حمایت می کنند.
- ۲- فرشتگان از ایمانداران واقعی حمایت می کنند اما جلو گناه آنان را نمی گیرند.
- ۳- فرشتگان معمولاً اعمال خود را به گونه ای انجام می دهند که قابل رویت نباشد. هنگامی که دیده شدند به اشکال مختلفی بودند.
- ۴- فرشتگان فناپذیرند و قادر به گناه نیستند. ازدواج نمی کنند. در پادشاهی خدا، ایمانداران اینگونه خواهند بود.
- ۵- عیسی مسیح بعنوان انسان از فرشته ها پایین تر بود. اما پس از رستاخیزش جلال یافته و از آنها بالاتر رفت.
- ۶- فرشتگان هنگام بازگشت مسیح همراه او خواهند بود.
- ۷- کلمه فرشته در کتاب مقدس به معنای پیام آور انسانی نیز است.

آیاتی جهت مطالعه:

(عبرانیان ۱: ۱۴) "مگر آنها جملگی روحهایی خدمتگزار نیستند که برای خدمت به وارثان آینده نجات فرستاده می شوند؟"

مطالعه تمامی آیات این درس به یادگیری شما در مورد فرشتگان و اعمالی که برای خدا انجام می دهند، کمک می کند.

درس بیست و نهم: دیو و شیطان

مطالعه: متی ۸: ۱۴-۳۴

دیو

در کتاب مقدس کلمات "ابلیس" و "دیو" متفاوت هستند و در نسخه جدید کتاب مقدس این امر به طور واضح دیده شده است. اما در نسخه قدیمی کمی مبهم است. در درس بعد به ابلیس خواهیم پرداخت.

خدا قادر مطلق است و همه چیز را خلق کرده است. هیچ موجود نامرئی به نام دیو که انسان ها را به دردسر بیندازد وجود ندارد. در بعضی از متون کتاب مقدس کلمه "دیو" اشاره به "بت ها" دارد و در بعضی دیگر به "بیماری ها" اشاره می کند. ما به هر دو نگاهی می اندازیم، تا به ارتباطشان پی ببریم.

دیو بعنوان بت ها

مزامیر ۱۰۶: ۳۶-۳۸ "بتهای ایشان را عبادت کردند، که برایشان دام گردید. پسران خود را برای دیوها قربانی کردند و دختران خود را نیز. خون بی گناه را ریختند، خون پسران و دختران خود را؛ که ایشان را برای بتهای کنعان قربانی کردند، و زمین به خون آلوده شد."

مزامیر باب ۱۰۶ در مورد گناه اسرائیل و رحمت و محبت خدا به آنها سخن می گوید. امت اسرائیل خود را از دیگر امت ها جدا نکردند و همچنین اعمال شریرانه آنها را نیز تکرار کرده و بت ها را می پرستیدند. آنها بر این باور بودند که خدایان دروغین بر آنها حکومت می کردند و زندگی شان را تحت تاثیر قرار می دادند. در آیات ۳۶ تا ۳۸ می خوانیم که بنی اسرائیل فرزندان خود را برای بت ها قربانی می کردند. توجه داشته باشید که این آیات در مورد قربانی "برای دیوها" و "برای بت ها" صحبت می کند. بنابراین "دیو" واژه دیگری برای "بت" بود. دیوهای اشاره شده در این قسمت بت های ملت های اطراف بودند. تثنیه ۳۲: ۱۷ نیز دیوها و بت ها (خدایان دروغین) را به هم مرتبط می کند.

اول قرن نهم تا ۱۰: ۱۸-۲۱ باز به این موضوع اشاره دارد که دیوها همان بت ها بودند. مسیحیان قرن نهم تا دوازدهم و حقیقی را می پرستیدند. خدایان دیگر بت ها بودند که در این قسمت دیو خوانده شده است - اشیای بی جانی که مردم به پوچی آن را می پرستند.

دیوها بعنوان بیماری

مسیح انسان های زیادی را با بیماری های مختلف درمان کرد. برای مثال کوران بینا شدند، کران شنوا شدند و شلان راه رفتند. او بیماران زیادی که از امراض مغزی و روحی رنج می بردند را نیز درمان کرد که از میان آنها می توان به بیماری صرع نیز اشاره کرد.

در آن زمان مردم دانش کمی در مورد علم پزشکی داشتند. درک این موضوع که شخصی با مچی ورم کرده نمی تواند راحت راه برود، آسان بود. اما برای بیماری هایی همانند صرع، شیزوفرنی و دیگر بیماری های از این قبیل هیچ دلیلی نمی یافتند. این بیماری ها باعث می شد که با این افراد برخورد عجیبی داشته باشند. پس مردم گمان می کردند که این امراض توسط دیوهایی به وجود آمده که به درون بدن بیماران رفته و زندگی آنها را تغییر داده و کنترل می کند. وقتی مسیح این انسان ها را درمان می کرد مردم اینگونه می پنداشتند که او دیوها را از وجود بیماران خارج کرده است (مرقس ۱: ۳۴-۳۹).

آیات زیر در مورد شفا دادن مسیح است:

"هنگام غروب، بسیاری از دیوزدگان را نزدش آوردند و او با کلام خود ارواح را از آنان به در کرد و همهٔ بیماران را شفا داد، تا بدین سان، پیشگویی اِشعیای نبی به حقیقت پیوندد که: او ضعف های ما را برگرفت و بیماری های ما را حمل کرد" (متی ۸: ۱۶-۱۷).

این متن می گوید افرادی که دیو در وجودشان بود نزد مسیح می آمدند و او ارواح را از وجودشان خارج می کرد و همینطور ذکر می کند که اشعیای نبی این واقعه را پیشگویی کرده بود. اما اشعیای در مورد بیماری ها سخن گفته بود و هیچ حرفی از ارواح پلید و دیوها نزد. ارواح پلید و دیوها نیز نوعی از بیماری ها بودند.

لوقا ۹: ۴۲ نشان می دهند که دیوها و روح پلید برابرند و قابل درمان هستند:

"در همان هنگام که پسر می آمد، دیو او را بر زمین زد و به تشنج افکند. اما عیسی بر آن روح پلید نهیب زد و پسر را شفا داد و به پدرش سپرد" (لوقا ۹: ۴۲).

متی ۱۷ نیز معجزه مشابهی را توضیح می دهد. اما هیچ اشاره ای به دیو نمی کند. در عوض در آیه ۱۵ پسر را مصروع معرفی می کند. در این قسمت واژه یونانی "آسیب دیدن از ماه" به کار رفته است. اما نویسنده به نشانه های بیماری دقت کرد و دریافت که پسر از صرع رنج می برد. در زمان مسیح، مردم نمی دانستند که صرع یک بیماری مغزی است. اگر مسیح این واقعیت را به آنها می گفت طبیعتا درک نمی کردند و می پنداشتند که او حرف های عجیب می زند. امروزه صرع با داروهای پزشکی کنترل

می شود. وقتی که لوقا در مورد دیو و ارواح ناپاک سخن می گوید، تنها قصد او استفاده از زبانی است که برای مردم قابل درک باشد.

متی ۹: ۳۲-۳۳ نیز در مورد مسیح که شخصی گنگ را شفا داد، سخن می گوید. مردم می پنداشتند که او دیوی در وجود خود دارد. برای آنها قابل درک نبود که چگونه انسانی با دهان و زبان قادر به سخن گفتن نیست.

زمانی که مسیح کور و گنگی را که همه دیو در وجود دارند شفا داد (متی ۱۲: ۲۲-۲۳)، افراد زیادی متوجه قدرت او شدند اما فریسیان از روی شرارت گفتند که این کار به یاری بعلزبول یا رئیس دیوها انجام می شود. مسیح ثابت کرد که تفکرشان احمقانه بود.

دیوها، بت ها و بیماری ها

اول پادشاهان باب ۱۸ نشان می دهد که مردم چگونه خدایان دروغین را می پرستیدند. بت پرستان (دیو پرستان) کنترل اعمال خود را از دست داده بودند. چون تحت تاثیر هیجانان قرار گرفته و ساعت های طولانی را در حضور خدایان دروغین فریاد می زدند. اول پادشاهان ۱۸: ۲۸-۲۹ می گوید:

"پس ایشان به صدای بلند فریاد می کردند و مطابق رسم خود، خویشان را با شمشیرها و نیزه ها مجروح می ساختند، چندان که خون بر بدنشان جاری می شد. نیمروز سپری شد و ایشان تا هنگام قربانی شامگاهی همچنان عربده می کشیدند، اما نه صدایی بود، نه کسی که پاسخ دهد یا توجه کند" (۱ پادشاهان ۱۸: ۲۸-۲۹).

شخصی که مبتلا به صرع و یا جنون است ممکن است همانند همین بت پرستان رفتار کند. به همین دلیل است که پنداشته می شد مردم با بیماری های عجیب توسط خدایان دروغین (دیوها) تسخیر شده اند. از آنجایی که بت ها و دیوها وجود واقعی ندارند (۱ قرنتیان ۸: ۴)، ارواح پلیدی وجود ندارد. هیچ ارواح پلیدی باعث مشکلات و بیماری نمی شوند.

مسیح با اجسام بی جان سخن می گفت

از آنجایی که مسیح با دیوها سخن می گفت برخی از افراد می پنداشتند که آنها موجودات زنده هستند. اما وقتی یکی از خویشاوندان پطرس مریض شد و تب داشت، مسیح با تب نیز سخن گفت. او همچنین با باد و دریا (مرقس ۴: ۳۹-۴۱) و درخت انجیر (متی ۲۱: ۱۹-۲۱) سخن می گفت. می دانیم که مردگان قادر به شنیدن نیستند.

لوقا ۴: ۳۸-۳۹ "آنگاه عیسی کنیسه را ترک گفت و به خانه شمعون رفت. و اما مادرزن شمعون را تبی سخت عارض گشته بود. پس، از عیسی خواستند یاری اش کند. او نیز بر بالین وی خم شد و تب را نهیب زد، و تبش قطع شد. او بی درنگ برخاست و مشغول پذیرایی از آنها شد."

اما مسیح با دختر یایرس و ایلعازر زمانی که مرده بودند سخن گفت. سخن گفتن مسیح با این موجودات بی جان، همانند سخن گفتن او با دیوهایی بود که زنده نبودند. با این نوع از سخن گفتن مسیح ثابت کرد که توانایی اجرای معجزات را دارد (اعداد ۲۰: ۸ را ببینید - در این آیات به موسی توسط خدا تعلیم داده شد که با صخره سخن گوید).

شخصی که دیو در وجود او بود تنها مشکل پزشکی داشت که در آن زمان قابل درک نبود.

شیطان

"شیطان" کلمه ای عبری به معنای "مخالفت کننده" است. در عهد عتیق ۱۸ بار از واژه شیطان استفاده شده که ۷ بار آن "مخالفت کننده" ترجمه شده است. "مخالفت کننده" شخصی است که سعی در مخالفت (ممانعت) با شخصی برای انجام کاری دارد. در بعضی از متون می بینیم که مترجم کلمه "مخالفت کننده" را استفاده کرده است. این امر به ما کمک می کند که معنی کلمه شیطان را درک کنیم.

۱. داوود همراه فلسطینیان ماند تا از شائول که اولین پادشاه اسرائیل بود و قصد کشتن او را داشت، فرار کند. زمانی که رهبران فلسطینی آماده می شدند به جنگ علیه اسرائیلی ها بروند گمان کردند که ممکن است داوود دشمن باشد و بر علیه آنها بجنگد. آنها گفتند:

"اما فرماندهان فلسطینیان بر او خشم گرفتند و گفتند: این مرد را بازپس بفرست تا به مکانی که برایش تعیین کرده ای، بازگردد. او نباید با ما به جنگ بیاید، مبادا در حین نبرد دشمن ما شود. زیرا او چگونه می تواند با سرور خود، شائول آشتی کند؟ آیا نه با سرهای این مردان؟" (۱ سموئیل ۲۹: ۴).

کلمه "دشمن" در این آیه همان کلمه عبری "شیطان" است و این نشان می دهد که یک انسان نیز می تواند شیطان باشد. این اسم یک انسان نیست.

۲. سلیمان پادشاه عادل بود که خدا را دوست داشت اگر چه درگیر بت پرستی شد. خدا از او عصبانی شد و دشمنانی را علیه او فرستاد. کلمه "دشمن" در اول پادشاهان ۱۱: ۱۴ همان کلمه "شیطان" است:

"پس خداوند دشمنی بر ضد سلیمان برانگیخت. او هَدَدِ آدومی، از تبار پادشاهان آدوم بود" (۱) پادشاهان ۱۱: ۱۴).

اول پادشاهان ۱۱: ۲۳-۲۵ می گوید که خدا دشمن دوم، یعنی رزون را فرستاد. هدد و رزون، هر دو همانند شیطان عمل کردند و برای سلیمان و اسرائیل مشکلات زیادی به وجود آوردند و موجب شدند تا سلیمان متوجه اشتباهاتش بشود و به سوی خدا باز گردد.

۳. کتاب اعداد باب ۲۲ در مورد یک نبی به نام بلعام به ما گفته شده که به سفری می رفت که خدا نمی خواست. در آیه ۲۲ می گوید:

"اما خشم خدا به سبب رفتن بلعام برافروخته شد و فرشته خداوند بر سر راه برای مقابله با وی موضع گرفت. بلعام بر الاغ خویش سوار بود و دو نوکر او نیز همراهش بودند" (اعداد ۲۲: ۲۲).

در اینجا کلمه "مقاومت کننده" به معنای "شیطان" است. خدا فرشته ای را فرستاد تا سد راه بلعام شود و با او مخالفت کند و او را از ادامه سفر و انجام کار اشتباه منع کند. فرشته ای که اراده خدا را انجام می داد "شیطان" و یا "مخالفت کننده با بلعام" بود. این فرشته در اینجا، یک شیطان خوب بود!

۴. متی ۱۶: ۲۳ کلمه عبری "شیطان" را استفاده می کند، چون پطرس نمی خواست عیسی به اورشلیم برود و عذاب کشیده و بمیرد. او سعی کرد مسیح را متوقف کند، بنابراین به او گفته شد: "دور شو از من ای شیطان"، چون پطرس قصد مخالفت با اراده خدا را داشت. پطرس می خواست جلوی مرگ مسیح را برای ما بگیرد و بنابراین برای مسیح، "شیطان" محسوب می شد.

کلمه شیطان به معنای دشمنی است که در حال مخالفت است. این کلمه می تواند خوب و یا بد باشد. اگر کسی شخص دیگری را از انجام کار اشتباه منع کند، شیطان خوب است، همانند کاری که فرشتگان برای بلعام کردند.

هیچ قدرت شریری به نام شیطان وجود ندارد. خدا هرگز در راستای اهداف خود شرارت این چینی را خلق نمی کند. عیسی برای درک بهتر کلمه شیطان، شاگردش پطرس را زمانی که با خواسته خدا مخالفت می کرد شیطان خطاب کرد.

شیطان یعنی "دشمن" یا "کسی که مخالفت می کند". هر کسی با مخالفت با شخص دیگری می تواند شیطان باشد. شیطان می تواند مانع شما در انجام کار خوب و یا بد باشد.

ما بدترین دشمنان خود هستیم

بزرگترین دشمن ما ذات گناهکار خودمان است. ما تسلیم خواسته های خود می شویم که مانع پیروی از مسیح می شود. این خواسته ها مغایر با روش الهی زندگی می باشند و همانند یک شیطان برای ما عمل می کنند. به این طریق کلمه شیطان برای خواسته های گناه آلود ما نیز به کار می رود. این امر را در مقایسه با اعمال رسولان ۵: ۳-۴ می بینید:

<p>آیه ۴: "چه چیز تو را بر آن داشت که چنین کنی؟ تو نه به انسان، بلکه به خدا دروغ گفתי"</p>	<p>آیه ۳: "ای حَنانیا، چرا گذاشتی شیطان دلت را چنین پر سازد که به روح القدس دروغ بگویی ..."</p>
--	---

در آیه ۳ کلمه "شیطان" برای نشان دادن افکار گناه آلود بیان شده است. خواسته های گناه آلود او با خدا مخالفت می کرد. آیه ۴ کاملاً نشان می دهد که همه افکار خودش بود و توسط شیطان قرار داده نشده بود. خدا حنانیا را بخاطر گناهانش با مرگ مجازات کرد. اگر واقعا شیطان دل او را پر کرده بود پس مجازاتش ناعدالتی بود. ما باید بر خواسته های شیرانه خود غلبه کنیم.

زهره (لوسیفر) که بود؟

اشعیا ۱۴: ۱۲-۱۶ آیاتی است که معمولاً توسط انسان هایی که به وجود موجودات شریر اعتقاد دارند نقل قول می شود. با مقایسه دو نسخه از کتاب مقدس در می یابیم که زهره تنها نام ستاره روز و یا سیاره ونوس است.

نسخه اول	نسخه دوم
<p>ای ستاره صبح، ای پسر فجر، چگونه از آسمان فرو افتاده ای. ای که ملتها را ذلیل می ساختی، چگونه خود بر زمین افکنده شده ای.</p>	<p>ای زهره، ای پسر فجر، چگونه از آسمان فرو افتاده ای. ای که ملتها را ذلیل می ساختی، چگونه خود بر زمین افکنده شده ای.</p>

اگر کل باب را مطالعه کنیم متوجه می شویم که زهره به پادشاه بابل اشاره دارد (آیات ۴ و ۱۶ را به دقت نگاه کنید). این پیشگویی در مورد پادشاه متکبر بابل است که از قدرت خواهد افتاد. این امر به اندازه افتادن سیاره ونوس از آسمان خاص است. مسیح از زبان تصویری مشابهی برای شهر کفرناحوم نیز استفاده کرد (متی ۱۱: ۲۳).

به طور مشابه حزقیال ۲۸: ۱۴-۱۶ به رئیس صور اشاره دارد و منظورش تمام قدرت های شریر نیست.

شیطان در کتاب ایوب

"در دیار عوص مردی بود ایوب نام. آن مرد بی عیب و صالح بود؛ از خدا می ترسید و از بدی اجتناب می کرد" (ایوب ۱: ۱). او بسیار ثروتمند بود. شیطان به خدا گفت که ایوب تنها به سبب برکاتش خدا را پرستش می کند. پس خدا موافقت کرد تا ایوب با دارایی هایش آزمایش شود تا مشخص شود که اگر برکات از او گرفته شوند او همچنان ایماندار می ماند.

این شیطان چه کسی بود؟ مهم است ذکر شود که خدا این مشکلات را برای ایوب به وجود آورد، نه شیطان (ایوب ۴۲: ۱۱). ایوب و همسرش این را می دانستند (ایوب ۲: ۹-۱۰ و ۱۹: ۲۱). ما می دانیم که خدا با یک قدرت شریر همکاری نخواهد کرد (مزامیر ۵: ۴ و حقوق ۱: ۱۳).

کلمه "شیطان" تنها در دو باب اول کتاب ایوب استفاده شده و اولین مرجع این است:

"روزی پسران خدا آمدند تا به حضور خداوند شرفیاب شوند. شیطان نیز در میان ایشان آمد" (ایوب ۱: ۶).

این آیه بسیاری از افراد را به اشتباه می اندازد و می پندارند که شیطان در اینجا یک فرشته بد است. اما در درس ۲۸ دیدیم که فرشته ها گناه نمی کنند. عبارت "پسران خدا" (گاهی فرزندان خدا) در کتاب مقدس خطاب به ایمانداران استفاده شده است (مانند ۱ یوحنا ۳: ۲) و "به حضور خداوند حاضر شوند" به مردمی که خدا را ستایش می کنند اشاره دارد (تثنیه ۳۱: ۱۴ و یوشع ۲۴: ۱ و ۱ سموئیل ۱۰: ۱۹). به نظر می رسد وقتی سه دوست ایوب برای پرستش خدا آمدند، ممکن بود حسادت و تفکرات شریرانه در مورد او در سر می داشتند. کلمه شیطان در این قسمت استفاده شده که بیانگر افکار آنها باشد. چون آنها مخالف ایوب بودند. آن سه دوست هیچ تسکینی برای ایوب نبودند و در عوض به اشتباه به او گفتند که مشکلات او بدلیل شرارتش است. جالب است بدانیم که در بین این افراد خدا فقط شیطان را محکوم نکرد و در نهایت از هر سه دوست خشمگین شد (ایوب ۴۲: ۷). آنها شریر بودند نه خود ایوب.

خلاصه:

- در برخی از متون کتاب مقدس کلمه دیو اشاره به بت‌ها (خدایان دروغین) دارد و در برخی دیگر به بیماری‌ها.
- در زمان کتاب مقدس بیماری‌هایی که قابل توضیح نبودند علی‌الخصوص آنهایی که تغییراتی در رفتار به همراه داشتند، همانند بیماری‌های روانی، دیو تلقی می‌شدند. امروزه می‌دانیم افراد مبتلا به این بیماری‌ها تنها بیمارند و با دارو درمان می‌شوند.
- هیچ موجود نامرئی به اسم دیو که موجب دردسر شود، وجود ندارد.
- کلمه شیطان به معنای دشمن و یا کسی است که مخالفت می‌کند. مخالفت‌کننده می‌تواند بد و یا خوب باشد.
- هیچ موجود خارق‌العاده شریری به اسم شیطان وجود ندارد.

آیاتی جهت مطالعه:

(متی ۸: ۱۶-۱۷) "هنگام غروب، بسیاری از دیوزدگان را نزدش آوردند و او با کلام خود ارواح را از آنان به در کرد و همهٔ بیماران را شفا داد، تا بدین‌سان، پیشگویی‌ی‌اشعیای نبی به حقیقت پیوندد که: او ضعف‌های ما را برگرفت و بیماری‌های ما را حمل کرد."

(اعداد باب ۲۲)

(۱ پادشاهان باب ۱۸)

(متی ۱۶: ۲۱-۲۸).

درس سی ام: ابلیس و گناه

مطالعه: عبرانیان ۲: ۸-۹

گناه و وسوسه

گناه از ذهن ما می آید. ما توسط امیال طبیعی خود برای گناه کردن وسوسه می شویم. اما خود وسوسه گناه نیست و بخشی از ذات انسانی است. این امر زمانی واقع می شود که ما تسلیم امیال اشتباه خود شده و به آنها اجازه داده که به افکار شریر تبدیل شوند و باعث رفتاری شوند که منجر به گناه است:

"هنگامی که کسی وسوسه می شود، هوای نفس خود اوست که او را می فریبد و به دام می افکند. هوای نفس که آبستن شود، گناه می زاید و گناه نیز چون به ثمر رسد، مرگ به بار می آورد" (یعقوب ۱: ۱۴-۱۵).

مسیح از گناه سخن گفت و نشان داد که از ذهن ما می آید:

"زیرا این هاست آنچه از درون و دل انسان بیرون می آید: افکار پلید، بی عفتی، دزدی، قتل، زنا، طمع، بدخواهی، حيله، هرزگی، حسادت، تهمت، تکبر و حماقت. این بدیها همه از درون سرچشمه می گیرد و آدمی را نجس می سازد" (مرقس ۷: ۲۱-۲۳).

مسیح همچنین نشان می دهد که افکار پلید می تواند همانند اعمال اشتباه باشد:

"شنیده اید که گفته شده، زنا مکن. اما من به شما می گویم، هر که با شهوت به زنی بنگرد، همان دم در دل خود با او زنا کرده است" (متی ۵: ۲۷-۲۸).

گناه نتیجه شکست ما در کنترل امیال غلط است. یعقوب اهمیت کنترل امیال را نشان می دهد:

"از کجا در میان شما جنگ و جدال پدید می آید؟ آیا نه از امیالتان که درون اعضای شما به ستیزه مشغولند؟ حسرت چیزی را می خورید، اما آن را به دست نمی آورید. از طمع مرتکب قتل می شوید، اما باز به آنچه می خواهید نمی رسید. جنگ و جدال بر پا می کنید، اما به دست نمی آورید، از آن رو که درخواست نمی کنید" (یعقوب ۴: ۱-۲).

حتی بهترین انسان نیز در کنترل امیال خود شکست می خورد. پولس نشان داد که انجام کارهای خوب سخت و اشتباه کردن بسیار آسان است (رومیان ۷: ۱۸-۱۹). ذهن ما طبیعتاً خودپسند است نه خدا پسند. پس در نتیجه گناه می کنیم. چون به جای خواسته های خدا در پی خواسته های خود هستیم.

غلبه بر گناه

مسیح نیز همانند ما ذات انسانی داشت و همانند ما وسوسه می شد. او هم امیالی داشت که اگر کنترل نمی شد او را به گناه می کشاند. او بی گناه ماند چون هرگز تسلیم امیالش نشد. وسوسه هایش در بیابان نشان می دهند که عیسی به محض شنیدن آنها، متوجه شد که اشتباه است و ترجیح داد که فوراً آنها را از ذهن خود پاک کند تا قبل از اینکه به آنها فرصت رشد داده تا به افکار و اعمال گناه آلود تبدیل شود. مثال او به ما نشان می دهد که منظور کتاب مقدس از غلبه بر گناه چیست. غلبه بر گناه یعنی غلبه بر خواسته های درونی خود.

آیاتی که در بالا ذکر شد نشان می دهد که گناه از درون ما و از ذهن ما می آید. هیچ قدرت ماورای طبیعی وجود ندارد که ما را به سمت شرارت سوق دهد. گناه کردن اشتباه ماست. چون در کنترل خواسته خود شکست خورده ایم. گفتن واژه "اشتباه می کنیم" برای هیچ یک از ما خوشایند نیست و سرزنش کردن دیگران آسانتر است. انجام این کار فریفتن خود است:

"دل از همه چیز فریبنده تر است، و بسیار بیمار؛ کیست که آن را بشناسد؟" (ارمیا ۱۷: ۹).

تعالیم اشتباه درباره شیطان و ابلیس به این دلیل به وجود آمده است تا نشان دهد ما نیاز داریم دیگران را برای گناهانشان سرزنش کرده و مقصر بدانیم.

وقتی خدا آدم را صدا زد (پیدایش باب ۳) و از او پرسید که آیا از درخت معرفت نیک و بد خورده است؟ آدم پاسخ داد:

"این زن که به من بخشیدی تا با من باشد، او از آن درخت به من داد و من خوردم" (پیدایش ۳: ۱۲).

آدم سعی داشت تا خدا را به خاطر زنی که برایش خلق کرده بود سرزنش کند. زیرا آن زن میوه را به آدم داده بود و آدم نیز از میوه خورد. اما این اشتباه خود آدم بود. انتخاب آدم اشتباه بود. حوا ما را سرزنش کرد. آم و حوا نمی خواستند سرزنش سرپیچی از خداوند برای آنان باشد. اولین قدم برای غلبه بر گناه قبول این واقعیت است که مشکلات از درون ما می آید.

معنی کلمه "ابلیس"

جالب است بدانیم که کلمه ابلیس اولین بار در عهد جدید، جایی که در مورد وسوسه مسیح در صحرا به ما گفته می شود، استفاده شد. اگر ابلیس یک موجود با قدرت های شریانه است پس در زمان عهد عتیق کجا بود؟

کلمه ابلیس و شیطان هر دو در وسوسه مسیح به کار رفته اند. در درس ۱۷ دیدیم که وسوسه کننده مسیح، نمی توانست یک قدرت شریانه باشد. جهان متعلق به خداست و هیچ شخص دیگری نمی توانست پیشنهاد مالکیت آنرا به عیسی بدهد. اگر عیسی می دانست که او ابلیس است هرگز دنبال او به اورشلیم و یا هیچ جای دیگری نمی رفت.

کلمه "ابلیس" یک واژه یونانی (دیابولوس) است که به معنی "غیبت گو" و یا "تهمت زننده" می باشد. این واژه معمولا در مورد کسانی به کار می رود که در مورد افراد دیگر غیبت گوئی می کنند:

"به همین سان، زنان سالخورده باید شیوه زندگی محترمانه ای داشته باشند. نباید غیبت گو یا بنده شراب باشند، بلکه باید آنچه را که نیکوست تعلیم دهند" (تیتوس ۲: ۳).

(۱ تیموتائوس ۳: ۱۱)، (۲ تیموتائوس ۳: ۳) را نیز ببینید. این کلمه برای یهودا اسخریوطی که به مسیح خیانت کرد نیز استفاده شده است:

"عیسی به آنان پاسخ داد: مگر شما دوازده تن را من برگزیده ام؟ با این حال، یکی از شما ابلیسی است. او به یهودا، پسر شمعون اسخریوطی، اشاره می کرد، زیرا او که یکی از آن دوازده تن بود، پس از چندی عیسی را تسلیم دشمن می کرد" (یوحنا ۶: ۷۰-۷۱).

اما همین کلمه ابلیس برای گناهان انسان نیز در عهد جدید استفاده شده است.

ابلیس در کتاب مقدس برای توصیف گناهان به کار برده شده است

اول یوحنا ۳: ۴-۷ و ۸-۱۰ نظرات مشابهی دارند. مقایسه زیر برای فهم بهتر استفاده کلمه ابلیس در کتاب مقدس به ما کمک می کند.

اول یوحنا ۳: ۸	اول یوحنا ۳: ۵
"آن که در گناه زندگی می کند از ابلیس است، زیرا ابلیس از همان آغاز گناه کرده و می کند. از همین رو پسر خدا ظهور کرد تا کارهای ابلیس را باطل سازد".	"شما می دانید که او ظهور کرد تا گناهان را از میان بردارد. در او هیچ گناهی نیست".

می بینیم که "گناهان را بر دارد" و "اعمال ابلیس را باطل سازد" معنای مشابهی دارند.

عبرانیان ۲: ۱۴ می گوید که ابلیس "قدرت مرگ را دارد". این گناه است که ما را به مرگ می کشاند:

"پس، همان گونه که گناه به واسطه یک انسان وارد جهان شد، و به واسطه گناه، مرگ آمد، و بدین سان مرگ دامن گیر همه آدمیان گردید، از آنجا که همه گناه کردند" (رومیان ۵: ۱۲).

"مزد گناه مرگ است" (رومیان ۶: ۲۳).

بنابراین ابلیس نمایانگر گناه است. آیات زیر نشان می دهد که کتاب مقدس در مورد ابلیس و گناه چه می گوید. همچنین نشان می دهد که گناه و ابلیس برابرند.

با ابلیس مقاومت کنید چون دشمن خداست (یعقوب ۴: ۷)	... پس گناه است (رومیان ۶: ۱۳)
ابلیس وسوسه کننده انسان است (متی ۴: ۱)	... پس همان امیال گناه آلود است (یعقوب ۱: ۱۳-۱۵)
ابلیس فریبنده است (مکاشفه ۱۲: ۹)	... پس گناه است (رومیان ۷: ۱۱)
ابلیس موجب مرگ می شود (عبرانیان ۲: ۱۴)	... و همانطور گناه (رومیان ۵: ۱۲)
ابلیس توسط مرگ مسیح نابود شد (عبرانیان ۲: ۱۴)	... و همینطور گناه (رومیان ۶: ۶)

کلمه ابلیس در عهد جدید نمایانگر گناه است

نگاهی دقیق تر به عبرانیان ۲: ۱۴

اول یوحنا باب ۳ به ما گفت که مسیح آمد تا "اعمال ابلیس" را نابود کند. عبرانیان ۲: ۱۴ به ما می گوید که مسیح آمد که ابلیس و گناهانش را نابود کند.

معنا	عبرانیان ۲: ۱۴
ایمانداران در ذات انسانی شریک اند و مسیح نیز ذات انسانی داشت تا به وساطت مرگ خود گناه را نابود کند.	"از آنجا که فرزندان از جسم و خون برخوردارند، او نیز در اینها سهیم شد تا با مرگ خود، صاحب قدرت مرگ یعنی ابلیس را به زیر کشد".

این آیه به ما می گوید که عیسی مسیح بعنوان یک انسان متولد شد تا ابلیس را با مرگش نابود کند. این بدین معناست که مسیح بر امیال طبیعی خود غلبه کرده و بر گناه پیروز شد.

این آیه مساله ای را برای کسانی که می پندارند ابلیس یک قدرت شریر است ایجاد می کند.

- می گوید که مسیح ابلیس را نابود کرده است. پس چطور مردم به اشتباه هنوز می پندارند که ابلیس بعنوان یک روح شریر ماورای طبیعی وجود دارد؟
- اگر ابلیس یک موجود شریر است، پس چرا این آیه تاکید می کند که مسیح می بایست ذات انسانی می داشت تا ابلیس را نابود کند؟
- اگر او یک موجود ماورای طبیعی بود چطور مسیح توسط مرگش توانست آن را نابود کند؟ مطمئناً برای مسیح بهتر بود که یک موجود جاودان همانند فرشته ها باشد. انسان فانی سخت می تواند در این نبرد پیروز شود.

ابلیسی که مسیح نابود کرد میل به گناه در خودش بود

همانطور که ذات انسانی درون همه انسان ها وجود دارد، مسیح نیز ذات انسانی را با تمام تمایلاتش از مادرش به ارث برد. ضروری بود که او همانند ما باشد تا بتواند وسوسه گناه را تجربه کرده و بر آنها پیروز شود. به همین دلیل این آیات در شباهت ذات مسیح به ما تاکید می کند. آخرین وسوسه ای که مسیح باید از آن می گذشت وسوسه مقابله با مرگ بر روی صلیب بود. با غلبه بر این وسوسه او گناه را کاملا از بین برد. به همین دلیل این آیه به ما می گوید که مسیح با مرگش ابلیس را از بین برد و همینطور به همین دلیل است که ۱ یوحنا ۳: ۸ به ما می گوید که او ظاهر شد "تا اعمال ابلیس را نابود کند". مسیح گناه را کاملا از بین برد. چون با مرگش ذات قابل وسوسه را از بین برد. اکنون او دیگر وسوسه نمی شود.

"... یک بار برای همیشه در نقطه اوج تمامی اعصار ظاهر شد تا با قربانی خود، گناه را از میان بردارد" (عبرانیان ۹: ۲۶).

مسیح ابلیس را با مرگش از بین برد مسیح بر گناه غلبه کرد

مسیح زندگی کاملی داشت. او "از هر حیث همچون ما وسوسه شده است، بدون اینکه گناه کند" (عبرانیان ۴: ۱۵). مسیح با غلبه بر گناه، این امر را برای ما نیز امکان پذیر ساخت تا گناهانمان بخشیده شود.

چرا کتاب مقدس کلمه ابلیس را استفاده می کند؟

کلمه ابلیس در کتاب مقدس برای نشان دادن گناه به کار رفته است. این مثال نوعی شخصیت دادن به چیزهاست. یعنی زمانیکه طوری درباره تفکر انسان صحبت کنیم که گویی یک انسان است. اما چرا کتاب مقدس بجای گفتن گناه از کلمه ابلیس نیز استفاده کرده است و چرا به گونه ای ابلیس را توصیف می کند که انگار در مورد یک شخص با قدرت صحبت می کند؟ به این خاطر است که ما متوجه قدرت و فریبندگی گناه بشویم و همینطور درک کنیم که تا چه اندازه هر روزه با گناه جنگ

داریم. در وسوسه مسیح از زبان تصویری برای توصیف نبرد بین ابلیس و مسیح که در ذهن ما اتفاق افتاد استفاده شد.

این نبرد علیه خواسته هایش، به تمام قدرت او نیاز داشت. به همین خاطر است که وسوسه گناه همانند قدرت بزرگ ابلیس تشبیه شده است. این امر به ما نشان می دهد که تا چه اندازه باید با گناه مبارزه کنیم و به ما کمک می کند که قدر کاری را که عیسی مسیح برای ما انجام داد تا بر گناه پیروز شود بدانیم.

یک خالق قدرتمند

خدا خالق قدرتمند همه چیز است. هیچ قدرت ماورای طبیعی دیگری که مخالف با او باشد در کار نیست. خدا هرگز چنین موجودی را خلق نمی کند. اگرچه در طول ایام مردم می پنداشتند که قدرت بزرگی است که با خدا مخالفت می کند. پارسیان قدیم بر دو قدرت بزرگ اعتقاد داشتند. یکی خالق نور و خوبی و دیگری خالق تاریکی و بدی. در جواب به این اعتقاد غلط، خدا این پیام را فرستاد.

"من یهوه هستم و دیگری نیست؛ به جز من خدایی نیست. اگرچه مرا نمی شناسی، تو را تجهیز خواهم کرد، تا از محل طلوع آفتاب تا محل غروب آن، بدانند که غیر از من کسی نیست؛ من یهوه هستم و دیگری نیست؛ پدید آورنده روشنایی و خالق تاریکی، موجد سعادت و آفریننده مصیبت؛ آری من، یهوه، تمام اینها را به جا می آورم" (اشعیا ۴۵: ۵-۷).

خالق بزرگ تنها قدرت جهان است و همه چیز را کنترل می کند. تنها چیزی که مخالف خدا است، گناه می باشد که از ذهن مردان و زنان می آید.

هیچ قدرت شریری که بعضی آن را ابلیس و بعضی آن را شیطان می خوانند وجود ندارد. تفکر موجود شریر، ابلیس و یا شیطان که قرن ها وجود داشته با آموزه های کتاب مقدس که تنها خدا را جاودانه می داند، مغایرت دارد. خدا هرگز به موجودی که هدفش را به چالش بکشد جاودانگی نمی دهد (۱ تیموتائوس ۶: ۱۶). برخی به اشتباه بر این باورند که فرشته ای گناه کرد و تبدیل به ابلیس و یا شیطان شد. اما فرشتگان نه گناه می کنند و نه می میرند (درس ۲۸) و به ما گفته شد که با مرگ مسیح ابلیس از بین رفت.

نمادهای گناه

مار یک حیوان بود (پیدایش ۳: ۱۴). خدا به او اجازه حرف زدن داد. همانطور که به الاغ بلعام اجازه حرف زدن داد (اعداد ۲۲: ۲۸). خدا از مار استفاده کرد تا آدم و حوا را بیازماید و آنها شکست خوردند. مار آنها را مجبور به خوردن میوه نکرد. تنها آزمایش را فراهم کرد و آدم و حوا خود تصمیم گرفتند.

بعد از آن مار نمادی از گناه شد، همانند ابلیس که نمادی از گناه است. در درس قبل دیدیم که شیطان به معنای دشمن و یا مخالفت کننده است. اما می توان بعنوان یک نماد از هر چیزی که همانند گناه مخالف خداست، نیز استفاده کرد. به همین خاطر است که شیطان و یا ابلیس در وسوسه مسیح استفاده شده است. چون خواسته های مسیح با خواسته های خدا مغایرت داشتند. مکاشفه کتابی است پر از نمادهای مختلف و مار و شیطان و ابلیس که همه کنار هم قرار گرفته اند. در مکاشفه ۱۲: ۹ آخرین نابودی گناه از روی زمین را به زبانی تصویری می بینیم.

ما نمی توانیم به خود کمک کنیم، پس چه باید کرد؟

فهم این امر که گناه در نزد خدا پذیرفته نمی شود بسیار مهم است. گناه از ذهن ما می آید، پس مشکل از درون ماست. ما خود مسئول گناهانمان هستیم و نمی توانیم شخص دیگری را سرزنش کنیم. تنها زمانی که این امر را پذیرفتیم در می یابیم که به بخشش و فیض و رحمت خدا نیازمندیم. پس برای روی آوردن به خدا آماده می شویم و توبه می کنیم (برای گناهانمان عمیقاً متاسف شده و بخشش می طلبیم) و با تعמיד زندگی جدیدی را آغاز می کنیم. تنها از طریق توبه و تعמיד است که گناهانمان کاملاً بخشیده می شود. در مورد این امر در درس بعد بیشتر توضیح داده می شود.

خلاصه:

گناه از ذهن ما می آید. ما توسط امیال طبیعی خودمان وسوسه می شویم. واژه ابلیس به معنای غیبت گو و تهمت زننده است. در کتاب مقدس بعنوان نمادی برای گناه به کار برده شده است. هیچ قدرت ماورا طبیعی شریری وجود ندارد. مسیح در خود بر گناه پیروز شد و با مرگش ابلیس را نابود کرد. تنها در صورتی گناهان ما بخشیده می شود که توبه کرده و تعمید بگیریم.

آیاتی جهت مطالعه:

(یعقوب ۱: ۱۴-۱۵) "هنگامی که کسی وسوسه می شود، هوای نَفَسِ خودِ اوست که او را می فریبد و به دام می افکند. هوای نَفَسِ که آبتن شود، گناه می زاید و گناه نیز چون به ثمر رسد، مرگ به بار می آورد."

(مزامیر ۱۴: ۲-۳)

(یعقوب ۱: ۱۲-۲۷)

(رومیان باب ۶)

(رومیان ۷: ۱۴-۲۵)

(غلاطیان ۵: ۱۶-۲۴).

درس سی و یکم: تعمید

مطالعه: یوحنا باب ۳

تعمید، شروعی تازه



گناه ما را از خدا جدا کرده و مرگ را به همراه دارد. اگر می خواهیم به خدا بازگردیم باید از راه خود برگشته و به راه او برویم. تعمید راهی است که خدا برای ما بوجود آورد تا شروعی تازه داشته باشیم.

تعمید برای نجات ضروری است.

۱. تعالیم مسیح و شاگردانش: عیسی مسیح درست قبل از عروجش به آسمان به شاگردانش گفت:

"به سرتاسر جهان بروید و خبر خوش را به همهٔ خلائق موعظه کنید. هر که ایمان آورد و تعمید گیرد، نجات خواهد یافت. اما هر که ایمان نیاورد، محکوم خواهد شد" (مرقس ۱۶: ۱۵-۱۶).

پطرس رسول در روز پنتیکاست به یهودیان آموخت:

"توبه کنید و هر یک از شما به نام عیسی مسیح برای آمرزش گناهان خود تعمید بگیرید که عطا ی روح القدس را خواهید یافت" (اعمال رسولان ۲: ۳۸).

تعمید حکم عیسی مسیح و شاگردانش است و برای بخشش گناهان و نجات ضروری است.

۲. مثال کرنیلیوس: کرنیلیوس "و اهل خانه اش همگی پرهیزگار و خداترس بودند. کرنیلیوس سخاوتمندانه به مستمندان صدقه می داد و پیوسته به درگاه خدا دعا می کرد" (اعمال رسولان ۱۰: ۲). شاید فکر کنید که خدمت او به خدا کامل بود و او به هیچ چیز دیگری نیاز نداشت اما پطرس رسول به او دستور داد تا تعمید بگیرد. پند این قسمت آشکار است. حتی انسان های متقی و خدا ترس نیز تنها به واسطه تعمید نجات می یابند.

۳. تعمید در عهد جدید نیز تکرار می شد

نکات	آیات
<p>مسیح خود تعمید گرفته بود. او به تعمید برای بخشیده شدن گناهانش نیازی نداشت. یکی از خویشان عیسی، یعنی یحیی تعمید دهنده بر این امر آگاه بود و نمی خواست او را تعمید دهد. اما مسیح به او گفت: "بگذار اکنون چنین شود، زیرا شایسته است که ما پارسایی را به کمال تحقق بخشیم". مسیح مثالی را برای پیروی بقیه نشان داد.</p>	<p>متی ۳: ۱۳-۱۷</p>
<p>مسیح در تعمید دیگران نیز مداخله کرد.</p>	<p>یوحنا ۳: ۲۲ یوحنا ۴: ۱-۳</p>
<p>در نتیجه تعالیم رسولان در روز پنتیکاست ۳۰۰۰ نفر تعمید گرفتند.</p>	<p>اعمال رسولان ۲: ۴۱</p>
<p>فیلیپس مردم سامری را نیز تعمید داد.</p>	<p>اعمال رسولان ۸: ۲۶-۴۰</p>
<p>فیلیپس خواجه سرای حبشی را نیز تعمید داد.</p>	<p>اعمال رسولان ۸: ۲۶-۴۰</p>
<p>سولس (که بعدا به اسم پولس رسول معرفی شد) تعمید گرفت. او در راه رفتن به دمشق برای قتل مسیحیان بود که عیسی مسیح از آسمان با او سخن گفت و بعد سولس متوجه شد که عیسی مسیح واقعا پسر خداست و او در صدد انجام کار اشتباهی بود. پس تعمید گرفته و شخص دیگری شد.</p>	<p>اعمال رسولان ۹: ۱-۹</p>
<p>پطرس رسول، کرنیلیوس را بعنوان اولین غیر یهودی ایماندار تعمید داد.</p>	<p>اعمال رسولان باب ۱۰</p>
<p>یک خانواده و یک داروغه در فیلیپی تعمید یافتند.</p>	<p>اعمال رسولان ۱۶: ۲۵-۳۳</p>
<p>پولس رسول کرسپس و قایوس و استیفان و خانواده اش را تعمید داد.</p>	<p>۱ قرنطیان ۱: ۱۲-۱۶</p>

مردم چگونه تعمید یافتند

یونانی ها از واژه "Baptizo" برای توصیف رنگ کردن لباس ها استفاده می کردند. لباس کامل در رنگ غوطه ور می شد. هیچ قسمتی از پارچه نباید بیرون از مایع می ماند وگرنه عملیات رنگرزی کامل انجام نمی شد. در راستای همین عمل تعمید نیز غوطه ور شدن کامل در آب است. شخص تعمید گیرنده کاملاً به زیر آب می رود.

بعضی از کلیساها با پاشیدن آب تعمید می دهند که این از تعالیم کتاب مقدس نیست. تعمیدهایی که در کتاب از آنها می خوانیم مقدار زیادی آب در آن مداخله دارد چون شخص تعمید گیرنده کامل به زیر آب می رفت.

- یحیی تعمید دهند در عینون تعمید می داد "زیرا که در آنجا آب فراوان بود" (یوحنا ۳: ۲۳).
- مسیح در رودخانه تعمید گرفت بعد از آن او "از آب بر آمد" (مرقس ۱: ۹-۱۰).
- فیلیپس به خواجه حبشی کمک کرد تا کار بزرگ مسیح را در یابد. به ما گفته شده است:

"همچنان که در راه پیش می رانند، به آبی رسیدند. خواجه سرا گفت: بنگر، اینک آب مهیاست! آیا تعمید گرفتن مرا مانعی است؟ فیلیپس گفت: اگر با تمام دل ایمان آورده ای، مانعی نیست. خواجه سرا گفت: ایمان دارم که عیسی مسیح پسر خداست. پس خواجه سرا دستور داد ارابه را نگاه دارند، و فیلیپس و خواجه سرا، هر دو به آب درآمدند و فیلیپس او را تعمید داد. چون از آب بیرون آمدند، ناگاه روح خداوند فیلیپس را برگرفت و برد و خواجه سرا دیگر او را ندید، ولی با شادی راه خود را در پیش گرفت" (اعمال رسولان ۸: ۳۶-۳۹).

تعمید لازمه نجات است و به معنای غوطه ور شدن کامل در آب می باشد.

معنای تعمید

تعمید نمادی از شستن گناهان گذشته است. چون در تعمید همه گناهان بخشیده می شود و به ما اجازه یک شروع تازه را می دهد:

"حال منتظر چه هستی؟ برخیز و تعمید بگیر و نام او را خوانده، از گناهانت پاک شو" (اعمال رسولان ۲۲: ۱۶).

اما تعمید چیزی فراتر از شستن گناهانمان است. همانطور که در قسمت هایی از رومیان باب ۶ می بینیم:

نکات	رومیان ۶: ۳-۴
<p>پولس با ایمانداران تعمیدی سخن می گوید که در عیسی مسیح تعمید گرفتند - در مرگ او با رفتن کامل به زیر آب دفن می شویم و این امر ما را به مرگ مسیح مرتبط می سازد</p> <p>همانگونه که مسیح از مردگان برخاست تا زندگی جدیدی را آغاز کند پس ما نیز پس از تعمید آغازی نو داریم.</p>	<p>آیا نمی دانید همه ما که در مسیح عیسی تعمید یافتیم، در مرگ او تعمید یافتیم؟</p> <p>پس با تعمید یافتن در مرگ، با او دفن شدیم</p> <p>تا همان گونه که مسیح به وسیله جلال پدر، از مردگان برخیزانیده شد، ما نیز در زندگی نوینی گام برداریم.</p>

تعمید نمادی از مرگ، تدفین و رستاخیز مسیح است. همانطور که بدن مسیح در قبر دفن شد، بدن ما نیز در تعمید در آب دفن می شود. رفتن کامل به زیر آب نمادی از مرگ مسیح است. از این طریق اعتراف می کنیم که به خاطر گناهان خود می میریم و همینطور نشانه ای از پایان زندگی است که در آن برده گناه بودیم. سپس زمانی که مسیح از قبر برخاست ما نیز از آب بیرون می آییم. از گناهان گذشته رها شده و زندگی جدیدی را در مسیح آغاز می کنیم. زندگی که وقف عیسی مسیح می شود.

از آنجایی که تعمید نمادی از مرگ و رستاخیز به همراه مسیح است، بدیهی است که شخص نیاز دارد که کامل به زیر آب برود تا تعمید گردد نه اینکه قطراتی بر او پاشیده شود. مسیح به نیکودیموس یکی از سران یهودی گفت:

"آمین، آمین، به تو می گویم تا کسی از آب و روح زاده نشود، نمی تواند به پادشاهی خدا راه یابد" (یوحنا ۳: ۵).

مسیح در مورد تولد در زندگی تازه ای که بعد از تعمید آغاز می شود سخن می گفت و توضیح داد که یک شخص نمی تواند در پادشاهی آینده خدا جایی داشته باشد، مگر اینکه تعمید گرفته باشد. کلمه "روح" نشان می دهد که تعمید فراتر از تنها غوطه ور شدن فیزیکی در آب است و یک تولد روحانی

است. "تولدی تازه" با تاثیر کلام خدا بر ذهن و قلب ماست (۱ پطرس ۱: ۲۳). تعمید زمانی تاثیر گذار است که همراه با رفتاری صادقانه باشد:

"و آن آب نمونه تعمیدی است که اکنون نیز شما را نجات می بخشد، تعمیدی که نه زدودن آلودگی تن، بلکه تعهد وجدانی پاک است به خدا. این تعمید به واسطه رستاخیز عیسی مسیح شما را نجات می بخشد" (۱ پطرس ۳: ۲۱).

رومیان ۶: ۵-۸ و ۱۱ پس اگر در مرگی همچون مرگ او، با وی یگانه شده ایم، به یقین در رستاخیزی همچون رستاخیز او نیز با او یگانه خواهیم بود. زیرا می دانیم آن انسان قدیم که ما بودیم، با او بر صلیب شد تا پیکر گناه در گذرد و دیگر گناه را بندگی نکنیم. چون آن که مرده است، از گناه آزاد شده است. حال اگر با مسیح مرده ایم، ایمان داریم که با او زندگی نیز خواهیم کرد... به همین سان، شما نیز خود را نسبت به گناه مرده نگارید، اما در مسیح عیسی نسبت به خدا، زنده."

تعمید نشانه ظاهری عکس العمل ما به خداست که از قلبمان می آید. بیانی است به خدا که معتقدیم گناهانمان بخشیده می شود و آرزو می کنیم که زندگی جدیدی را در عیسی مسیح آغاز کنیم و تنها به این دلیل نیست که به واسطه آن عضو یک کلیسا شویم.

قدم هایی به سوی زندگی تازه

گرفتن تعمید و شروع زندگی در عیسی مسیح مهمترین تصمیمی است که می توانیم بگیریم. تصمیمی برای زندگی است و باید با جدیت گرفته شود. راه تعمید و زندگی تازه در مسیح در مراتب زیر خلاصه می شود:

۱. شناخت و ایمان به آموزه های صحیح کتاب مقدس: شخص باید قبل از تعمید پیغام خوش را درک کرده و ایمان بیاورد (مرقس ۱۶: ۱۵)، (همینطور اعمال رسولان ۱۶: ۳۱ و ۱۸: ۸ را نیز ببینید). قبل از تعمید سامری ها پیام انجیل به آنها تعلیم داده شد و ایمان آوردند:

"اما چون به بشارت فیلیپس درباره پادشاهی خدا و نام عیسی مسیح ایمان آوردند، همگی، مرد و زن، تعمید یافتند" (اعمال رسولان ۸: ۱۲).

کرنیلیوس و خواجه سرای حبشی نیز قبل از تعمید پیام انجیل به آنها آموزش داده شد.

۲. توبه: یحیی تعمید دهنده آموخت: "توبه کنید زیرا پادشاهی آسمان نزدیک شده است" (متی ۳: ۲). پطرس گفت: "توبه کنید و هر یک از شما به نام عیسی مسیح برای آمرزش گناهان خود تعمید گیرید که عطای روح القدس را خواهید یافت" (اعمال رسولان ۲: ۳۸)، (و همچنین اعمال رسولان ۲: ۱۹ را نیز مطالعه کنید). توبه قبل از تعمید ضروری است. کلمه توبه در کتاب مقدس به معنای تغییری در ذهن است. وقتی کسی پیغام انجیل را می شنود و در می یابد چقدر در نظر خدا گناهکار است، برای گناهان خود متاسف شده و در پی رحمت و بخشش خدا می رود. آشکارا گناهان خود را نزد خدا بازگو کرده و اعتراف می کند که دیگر اینچنین گناه نخواهد کرد. این امر شامل تغییر کامل قلب و امیال در جهت ساختن زندگی تازه است.

۳. بازگشت: برگشتن و تغییر مسیر. پطرس رسول گفت: "پس توبه کنید و به سوی خدا بازگردید تا گناهانتان پاک شود" (اعمال رسولان ۳: ۱۹). شخصی که به راستی توبه می کند (ذهنش را عوض می کند)، پس در پی تغییر زندگی خود برای شروعی جدید می شود. این پروسه تغییر از خودبین بودن به خدا بین بودن آسان نیست و تا پایان زندگی ادامه خواهد داشت.

۴. تعمید: شستن گناهان گذشته که مرتبط با مرگ مسیح می شود. در این نماد ما با مسیح می میریم و اقرار می کنیم که لایق مرگ هستیم چون گناهکاریم. به همین شکل با مسیح برخاسته و زندگی جدید را در راستای کلام او ادامه می دهیم.

۵. زندگی تازه در مسیح: در تعمید گناهان گذشته کاملاً بخشیده می شود. این پایان انسانیت گذشته ما است. ما باید خود را به شکل مسیح تغییر دهیم. این امر در عرض یک شب اتفاق نمی افتد و تا پایان زندگی ادامه دارد. این تغییر تا آمدن پادشاهی خدا کامل نخواهد شد. زیرا ما هنوز ذات انسانی داریم پس از تعمید نباید برده گناه شویم (رومیان ۶: ۶). اگرچه پس از تعمید برای بخشش گناهی که انجام داده ایم دعا می کنیم. در مورد زندگی تازه در درس ۳۶ بیشتر توضیح خواهیم داد.

تعمید برای کودکان نیست

کتاب مقدس به طور واضح نشان داده است که یک شخص باید به کلام ایمان بیاورد. متوجه گناهکار بودنش بشود و احتیاج خود را به نجات درک کند. پس توبه کرده و تغییر زندگی را قبل از تعمید آغاز کند. یک نوزاد چگونه می تواند این کار را انجام بدهد؟ نوزاد توانایی تشخیص گناه در زندگی را ندارد و تغییر را احساس نمی کند. تعمید یک تصمیم برای انسان های بالغ است. هیچ مثالی از تعمید کودکان در کتاب مقدس وجود ندارد.

تعمید برای بزرگسالان است، تعمید کودکان در کتاب مقدس آموزش داده نشده است.

وارث ابراهیم از طریق تعمید

تعمید ما را وارد رابطه جدیدی با خدا و پسرش می کند. به واسطه تعمید در مسیح، ما عضوی از خانواده خدا می شویم. غلاطیان باب ۳ نشان می دهد که با تعمید از نوادگان ابراهیم خواهیم شد (اسرائیل معنوی). پس در نتیجه وارث وعده هایی که خدا به ابراهیم داد نیز می شویم (درس ۱۲ را ببینید). به همین خاطر است که می توانیم امیدوار به زندگی در پادشاهی خدا بر روی زمین باشیم:

"زیرا در مسیح عیسی، شما همه به واسطه ایمان، پسران خدایید. چرا که همگی شما که در مسیح تعمید یافتید، مسیح را در بر کردید. دیگر نه یهودی معنی دارد نه یونانی، نه غلام نه آزاد، نه مرد نه زن، زیرا شما همگی در مسیح عیسی یکی هستید. و حال اگر شما از آن مسیح هستید، پس نسل ابراهیم اید و بنا بر وعده، وارثان نیز هستید" (غلاطیان ۳: ۲۶-۲۹).

مردمان عهد عتیق

افرادی که قبل از مسیح زندگی می کردند نمی توانستند در مرگ او تعمید یابند. بنابراین افرادی همانند ابراهیم تعمید نگرفتند. اما همانطور که در درس ۲۴ نشان دادیم خدا به واسطه ایمان ابراهیم، او را عادل شمرد.

احکامی که خدا به موسی داد گناهکار بودن مردم اسرائیل را نشان می داد. قربانی کردن حیوانات نشانه قربانی شدن مسیح بی گناه بود. اگر مردم در زمان عهد عتیق واقعا می خواستند که بخشیده شوند و ایمان داشتند که خدا کمکشان می کند، خدا واقعا آنها را می بخشید:

"خوشا به حال آن که عصیانش آمرزیده شد، و گناهش پوشانیده گردید. خوشا به حال آن که خداوند خطایی به حسابش نگذارد و در روحش فریبی نباشد" (مزامیر ۳۲: ۱-۲).

به واسطه مسیح دیگر نیازی نیست که احکام موسی را نگاه داریم و قربانی بگذرانیم. چون یک قربانی بی نقص برای ما مرد. ایمانداران اکنون می توانند با تعمید شریک در قربانی شدن او شوند.

خلاصه:

- تعمید برای بخشیده شدن گناهان و نجات ضروری است.
- غوطه ور شدن کامل در آب نمادی از شسته شدن گناهان گذشته ماست.
- تعمید نمادی از مرگ و برخاستن مسیح نیز می باشد. تعمید پایان زندگی قدیمی که در آن برده گناه بودیم و شروع زندگی جدید در مسیح را نشان می دهد.
- ما به واسطه تعمید وارد رابطه تازه ای با خدا و پسرش می شویم و عضوی از خانواده خدا خواهیم بود.
- تعمید برای بزرگسالانی می باشد که گناهکار بودن خود را دریافته و توبه می کنند.

آیاتی جهت مطالعه:

(رومیان ۶: ۳-۴) "آیا نمی دانید همه ما که در مسیح عیسی تعمید یافتیم، در مرگ او تعمید یافتیم؟ پس با تعمید یافتن در مرگ، با او دفن شدیم تا همان گونه که مسیح به وسیله جلال پدر، از مردگان برخیزانیده شد، ما نیز در زندگی نوینی گام برداریم."

(اعمال رسولان باب های ۸ و ۹ و ۱۰)

(رومیان باب ۶).

پرسش های بخش هشتم

درس ۲۸: فرشتگان

۱-۲۸ کلمه "فرشته" به چه معناست؟

۲-۲۸ آیا جملات زیر در مورد فرشتگان آسمانی خدا صحیح است؟

الف) آنها می توانند در درگاه خدا حضور یابند.

ب) بعضی از فرشتگان گناه می کنند.

پ) فرشتگان گاهی شبیه انسانها هستند.

ت) فرشتگان قادر به سخن گفتن نمی باشند.

ث) فرشتگان گاهی همانند روح توصیف می شوند.

ج) فرشتگان نمی میرند.

چ) ما می توانیم به فرشتگان اعتماد کنیم چون مانع گناه کردن ما می شوند.

ح) بعضی از فرشتگان ازدواج می کنند.

۳-۲۸ آیا صحیح است که کلمه فرشته گاهی به پیام آور آسمانی خدا و گاهی به پیام آور زمینی اشاره دارد؟

۴-۲۸ نشان دهید که در کدام قسمت از کتاب مقدس می توانیم جملات زیر را بیابیم. همه جوابها در درس موجود است:

الف) فرشته شبیه انسان بود

ب) فرشته پیامی داد.

پ) فرشتگان زیادی وجود دارند.

ت) فرشتگان می توانند انسان را نابود کنند.

ث) فرشته ای از شخصی حمایت کرد.

۵-۲۸ فرشتگان هم اکنون چه می کنند؟

۶-۲۸ چرا خداوند مسیح را همانند انسان خلق کرد و نه همانند فرشته ها؟

۷-۲۸ چه زمانی ایمانداران شبیه فرشته ها می شوند؟

درس ۲۹: دیو و شیطان

۱-۲۹ مثالی از کتاب نشان دهید که فرشته ها بت بوده اند.

۲-۲۹ در متون زیر گفته شده که مردم در جسم خود دیو دارند. با دانش پزشکی امروزی ما بیماری ها را اینگونه توصیف نمی کنیم. در مورد مشکل آنها چه می توان گفت؟

الف) متی ۹: ۳۲-۳۴

ب) متی ۱۲: ۲۲-۲۳

ج) متی ۱۷: ۱۴-۲۱

۳-۲۹ الف) آیا معتقدید که دیو (روح پلید) موجوداتی نامریی هستند؟

ب) آیا معتقدید که دیوها قادر به ایجاد بیماری هستند؟

۴-۲۹ کلمه شیطان به چه معناست؟

۵-۲۹ چرا مسیح پطرس را شیطان خواند؟

۶-۲۹ برخی بر این باورند که شیطان فرشته ای رانده شده است. نظر شما چیست؟

۷-۲۹ مثالی از شیطان خوب از کتاب مقدس بزنید؟

۸-۲۹ شیطان در اعمال رسولان ۵: ۳-۴ چه چیزی را نشان می دهد؟

۹-۲۹ آیا شیطان یک موجود ماورای طبیعی شریر است؟

۱۰-۲۹ زهره (لوسیفر) چه کسی بود؟

درس ۳۰: ابلیس و گناه

۱-۳۰ ابلیس کیست؟

۲-۳۰ مسیح چگونه اعمال ابلیس را از بین برد؟

۳-۳۰ متی ۱۵: ۱۰-۲۰ را بخوانید. آیه ۱۹ در مورد ما چه می گوید؟

۴-۳۰ کدام متن از کتاب مقدس به ما نشان می دهد که گناه از درون ما می آید؟

۵-۳۰ یعقوب ۱: ۱۴-۱۵ در مورد وسوسه به ما چه می آموزد؟

۶-۳۰ زمانی که مسیح در بیابان وسوسه شد، چه اتفاقی افتاد؟ آیا موجود ماورای طبیعی شریری وجود داشت؟ و یا توسط امیال خودش وسوسه شده بود؟

۷-۳۰ آیا موجود شریری وجود دارد که با خدا مخالفت کند؟

۸-۳۰ چرا کتاب مقدس به گونه ای در مورد ابلیس سخن می گوید که گویی موجودی شریر است؟

۹-۳۰ توبه به چه معناست؟

۱۰-۳۰ برای اینکه توبه ما صادقانه باشد، به چه چیزی نیاز داریم؟

۱۱-۳۰ چرا ایمانداران باید در زندگی با گناه بجنگند؟

درس ۳۱: تعمید

۱-۳۱ داستان کرنیلیوس در کتاب مقدس چه چیزی را به ما در مورد تعمید می آموزد؟

۲-۳۱ یک شخص قبل از تعمیم باید به درک کاملی از کلام برسد. علاوه بر این به چه چیز دیگری نیاز است؟

۳-۳۱ با ذکر دلیل توضیح دهید که چرا پاشیدن آب بر سر کودک، تعمیم مورد قبول کتاب مقدس نیست؟

۴-۳۱ چگونه تعمیم نشانی از مرگ محسوب می شود؟

۵-۳۱ چگونه تعمیم نشانی از تولد محسوب می شود؟

۶-۳۱ رومیان ۶: ۶ به چه معناست؟

۷-۳۱ کولسیان باب ۳ در مورد زندگی جدید یک ایماندار توضیح می دهد.

الف) با توجه به آیات ۵ تا ۹ فهرستی از اعمالی که ایمانداران پس از تعمیم نباید انجام دهید تهیه کنید.

ب) با توجه به آیات ۱۰ تا ۱۷ فهرستی از ویژگی های ایمانداران و روش رفتار آنها تهیه کنید.

۸-۳۱ غلاطیان ۳: ۲۷-۲۹ به ما چه می آموزد؟

درس سی و دوم: ازدواج مسیحی

مطالعه: ۱ قرن‌تین باب ۷

اولین ازدواج

ازدواج رابطه ای است که خدا فراهم کرده است. ازدواج یعنی پیوستن یک زن و یک مرد تا زمانی که زنده هستند. ازدواج نزدیک ترین رابطه هر انسانی است. در ازدواج شوهر و همسرش می توانند به همراه هم، همانطور که با گذشت در کنار هم زندگی می کنند، معنای واقعی عشق مسیحی و بخشش را یاد بگیرند.

خدا حوا را بعنوان همسر برای آدم خلق کرد. بنابراین آدم و حوا اولین زوج بودند. پس قانون ازدواج از همان آغاز در پیدایش باب های ۱ و ۲ گذاشته شده است.

قوانین ازدواج

از پیدایش ۲: ۱۸ و پیدایش ۲: ۲۱-۲۴ یاد می گیریم که ازدواج یک تعهد جدی و رسمی است. پس از آفرینش زن خدا او را نزد مرد آورد (پیدایش ۲: ۲۲). مسیح در متی ۱۹: ۵ به طور واضح بیان می کند که خدا کلمات متی ۲: ۲۴ را به آدم و حوا گفت. قطعاً خدا کسی بود که اولین ازدواج را رسمی کرد.

پیدایش ۲: ۱۸ و ۲۱-۲۴ "یهوه خدا فرمود: نیکو نیست آدم تنها باشد، پس یآوری مناسب برای او می‌سازم... پس یهوه خدا خوابی گران بر آدم مستولی کرد و در همان حال که آدم خفته بود یکی از دنده‌هایش را گرفت و جای آن را با گوشت پر کرد. آنگاه یهوه خدا از همان دنده که از آدم گرفته بود زنی ساخت و او را نزد آدم آورد. آدم گفت: این است اکنون استخوانی از استخوان هایم، و گوشتی از گوشتم؛ او زن نامیده شود، زیرا که از مرد گرفته شد از همین رو، مرد پدر و مادر خود را ترک کرده، به زن خویش خواهد پیوست و یک تن خواهند شد."

ترتیب کلمات خدا به آدم و حوا در "آیه ۲۴" بسیار مهم است. او گفت:

۱. مرد پدر و مادر خود را ترک می کند.

۲. به همسر خود می پیوندد.

۳. مرد و زن باید یک تن شوند.

حال به هر یک از این موارد با دقت بیشتری نگاه می‌کنیم.

۱. خدا گفت زمانی که یک مرد و زن تصمیم به ازدواج می‌گیرند، مرد باید والدین خود را ترک کرده و با همسر خود زندگی کند. این بدین معنی نیست که باید والدین را نادیده بگیرند. بلکه نشان می‌دهد که همسر اکنون مهمترین شخص خانواده اش است و در درجه اول باید به او اهمیت داده شود. اگر چه این امر در مورد زنان نیز صدق می‌کند. ولی در مورد آدم و حوا که پدر و مادری نداشتند صادق نیست. پس کاملاً واضح است که پیدایش باب های ۱ و ۲ قوانینی است که خدا برای ازدواج و برای همیشه نهاده است.

۲. مرد باید به همسر خود ببیوندد. منظور از این جمله رابطه جنسی نیست. بلکه نزدیکی در افکار، اهداف و تمام کارهایی است که می‌خواهند انجام دهند و باید چنان جدایی ناپذیر باشند که انگار به هم چسبیده اند. خدا زن را آفرید تا معاونی موافق مرد باشد. آنها قرار بود شریک زندگی هم شوند، به هم اهمیت داده و به خدا خدمت کنند. یک مرد و شریک زندگی آینده اش باید اولویت های خود را قبل از متعهد شدن در قالب ازدواج درک کنند.

۳. مرد و زن قرار بود یک تن باشند. این امر مربوط به یگانگی جنسی است و در آخر می‌آید (۱ قرنیتان ۶: ۱۶). تنها زمانی که آنها برای زندگی مشترک با یکدیگر متعهد شده و به هم پیوستند می‌توانند رابطه جنسی داشته باشند. حوا از دنده آدم خلق شده بود و به معنای واقعی کلمه یک تن بودند و حال با رابطه جنسی این نزدیکی تازه می‌شود. راه خاصی است که یک مرد و زن می‌توانند نزدیکی مطلق و وحدانیت در عشق را احساس کنند. این امر نشان می‌دهد که رابطه آنها باید آنقدر نزدیک باشد که احساس کنند بخشی از یکدیگر هستند. این تعالیم مستقیم خدا کاملاً مغایرت با روابط جنسی مردان و زنان امروزه می‌باشد. چون آنها حقیقتاً همسر خود را نشناخته و هیچ تعهدی به زندگی و رابطه طولانی ندارند.

در پیدایش ۱: ۲۸ خدا به آدم و حوا برکت داد و به ایشان گفت: "بارور و کثیر شوید." ازدواج سرشار از عشق و امنیت در بین دو ایماندار بهترین محیط را برای یک کودک فراهم می‌سازد تا بتواند در آن رشد کرده و خدمت به خدا را فرا گیرد (ملاکی ۲: ۱۵).

بنابراین از همان آغاز خدا هدفش را برای ازدواج گذاشت. او می‌خواهد که مرد و زن با یکدیگر زندگی کرده و در تمام مراحل زندگی به همدیگر کمک کنند. او می‌خواهد که هر دو بعنوان شریکان معنوی در خدمت به خدا با یکدیگر تلاش کنند. اگر برکت فرزندان به آنها داده شود، آنها را نیز به راه عشق و خدمت به خدا بیاورند. ازدواج راه مناسبی جهت پیدا کردن یک همسر خانه دار بی‌مزد و یا مردی که

مراقب شما باشد نیست. ازدواج بسیار فراتر از زندگی یک زن و مرد با یکدیگر است.

ازدواج پیوند یک مرد و یک زن برای زندگی است (متی ۱۹: ۴-۶).

ازدواج مسیحی

همانطور که خدا ازدواج آدم و حوا را هدایت کرد، یک زوج مسیحی نیز باید در حضور خدا به هم پیوندند. عهد ازدواج آنها باید در حضور خدا و شاهدان انسانی (اقوام و دوستان) باشد. عهد آنها باید منعکس کننده آرمان خدا باشد. خداوند هر شخصی که قصد شکستن وحدانیت ازدواجی که او برکت داده است را داشته باشد، منع می کند:

"آنچه را خدا پیوست انسان جدا نسازد" (متی ۱۹: ۶).

۱ قرنیتیان ۷: ۳۹ می گوید: "زن تا زمانی که شوهرش زنده است، به او بسته است". البته زمانی که یکی از شریکان ازدواج بمیرد، شریک باقی مانده می تواند دوباره ازدواج کند (رومیان ۷: ۲-۳).

یافتن زن یا شوهر

کتاب مقدس یک دستور کاملا واضح داده است که وقتی یک پیرو مسیح شریکی برای ازدواج انتخاب می کند باید از او پیروی کند.

ایمانداران تعمیدی بهتر است با ایمانداران تعمیدی ازدواج کنند.

هدف راستین ازدواج تنها زمانی بدست می آید که هر دو شخص متعلق به خدا باشند. برای زندگی در کنار هم بعنوان شریکان معنوی و همانند "وارث هدیه فیض آمیز حیات" باشند (۱ پطرس ۳: ۷). زن و شوهر باید ایمان و عشق مشابهی را نسبت به خدا با هم داشته باشند. پولس این امر را بطور واضح بیان می کند که یک ایماندار نباید با غیر ایماندار ازدواج کند:

"زیر یوغ ناموافق با بی ایمانان مروید، زیرا پارسایی و شرارت را چه پیوندی است و نور و ظلمت را چه رفاقتی؟ مسیح و بلیعال را چه توافقی است و مؤمن و بی ایمان را چه شباهتی؟" (۲ قرنیتیان ۶: ۱۴-۱۵).

"زن تا زمانی که شوهرش زنده است، به او بسته است. اما اگر شوهرش درگذشت، آزاد است تا با هر که می خواهد ازدواج کند، البته فقط در خداوند" (۱ قرنیتیان ۷: ۳۹).

یک شریک بی ایمان می تواند ما را از خدا دور کند همانند اتفاقی که برای سلیمان افتاد (۱ پادشاهان

۱۱: ۱-۱۱). گاهی پیدا کردن شریکی که ایمان مشابه داشته باشد سخت است.

برخی از افراد که در این شرایط هستند توان مجرد ماندن را دارند (متی ۱۹: ۱۰-۱۲) و هیچ ایرادی هم بر آن نیست (مسیح نیز مجرد ماند). برخی دیگر شاید بخواهند شخصی را پیدا کنند که آمادگی یادگیری حقیقت انجیل را داشته باشد. اما زمانی می توانند ازدواج کنند که آن شخص نجات خدا را پذیرفته و تعمیم گرفته باشد. انتخاب یک شریک باید بعنوان موضوعی در دعاها به آن پرداخته شود.

ازدواج ایمانداران با هم باید نشانگر مسیح و کلیسای راستین باشد

همانطور که تعمیم نمادی از اتفاق بزرگتری است (مرگ و رستاخیز مسیح)، ازدواج نیز یک نماد است. رابطه بین زن و مرد باید نشان دهنده رابطه بین مسیح و کلیسا باشد:

"ای شوهران، زنان خود را محبت کنید، آن گونه که مسیح نیز کلیسا را محبت کرد و جان خویش را فدای آن نمود، تا آن را به آب کلام بشوید و این گونه کلیسا را طاهر ساخته، تقدیس نماید و کلیسای درخشان را نزد خود حاضر سازد که هیچ لک و چین و نقصی دیگر نداشته، بلکه مقدس و بی عیب باشد. به همین سان، شوهران باید همسران خود را همچون بدن خویش محبت کنند. آن که زن خود را محبت می کند، خویشتن را محبت می نماید. زیرا هرگز کسی از بدن خود نفرت ندارد، بلکه به آن خوراک می دهد و از آن نگاهداری می کند، همچنانکه مسیح نیز از کلیسا مراقبت می نماید؛ زیرا اعضای بدن اویم. از این رو مرد، پدر و مادر خود را ترک گفته، به زن خویش خواهد پیوست، و آن دو یک تن خواهند شد. این راز، بس عظیم است - اما من درباره مسیح و کلیسا سخن می گویم باری، هر یک از شما نیز باید زن خود را همچون خویشتن محبت کند، و زن باید شوهر خویش را حرمت نهد" (افسیان ۵: ۲۵-۳۳).

همانگونه که عیسی مسیح عاشق ایمانداران بود و به آنها اهمیت می داد، شوهر نیز باید عاشق همسر خود باشد و به او اهمیت بدهد. به طور مشابه زن نیز باید عشق بورزد، احترام بگذارد و همانند ایمانداران واقعی که از عیسی مسیح و نجات دهنده خود اطاعت می کنند، از شوهر خود اطاعت کند. آیه ۲۳ می گوید:

"زیرا شوهر سر زن است، چنانکه مسیح نیز سر کلیسا، بدن خویش، و نجات دهنده آن است" (افسیان ۵: ۲۳).

این نمادها به ما کمک می کند که نقش متفاوت زن و شوهر را درک کنیم.

نقش شوهر در زندگی

یک شوهر مسیحی و یک زن وفادار مسیحی برکت های بزرگی برای یکدیگر و خانواده هستند و همینطور برای کسی که او را پرستش می کنند. شوهر باید در عشق و فارغ از خود باشد. همانند مثال مسیح برای کلیسا (ایمانداران واقعی).

همانطور که عیسی مسیح سر کلیساست، شوهر نیز باید سر همسرش باشد. این بدین معنا نیست که شوهر اجازه دستور به زن را داشته باشد و یا انتظار انجام هر کاری به میل خود را داشته باشد. مسیح اینگونه با ایمانداران برخورد نمی کرد. اگر چه سرورشان بود و سر شاگردان بود همانند یک خدمتگزار رفتار می کرد تا به آنها درس فروتنی دهد (لوقا ۲۲: ۲۷). او احتیاجات دیگران را بر احتیاجات خود مقدم می شمرد. این نصیحت پطرس بود:

"به همین سان، شما نیز ای شوهران، در زندگی با همسرانتان باملاحظه باشید و با آنان چون جنس ظریفتر با احترام رفتار کنید، چرا که همپای شما وارث هدیه فیض آمیز حیاتند، تا دعاهایتان بازداشته نشود" (۱ پطرس ۳: ۷).

و سر خانواده بودن به این معناست که شوهر باید هدایت گری مثبت باشد. اما در عین حال در تمامی تصمیمات مهم با همسر خویش مشورت کند. شوهر باید بیشتر از همه خانواده را برای پرستش و آموزش هدایت کند. ابراهیم نیز همین کار را کرد (پیدایش ۱۸: ۱۹). بدین طریق شوهر ایماندار باید خود را سر خانواده بداند و مسئولیت زندگی در حضور خدا بر شانه های او باشد. او باید خانه خود را همانند کلیسا، جایی که خدا جلال یافته، بسازد.

در بعضی از کشور ها زنان اکثر کارهای سخت خانواده را انجام می دهند. ازدواج مسیحی شراکت است و همسر نیز باید شریک کارهای زن و خانواده باشد. او باید همچون "ظروف ظریف تر" او را محترم شمارد (۱ پطرس ۳: ۷). او باید همان قدر که به خودش محبت می کند به زوجه خود نیز محبت کند (افسیان ۵: ۲۸). این شراکت معنوی و کاربردی تجربه شیرینی برای تمام اعضای خانواده می شود. همکاری و شراکت در امور مثال عالی از مسیحیت حقیقی و تشویق دیگران فراهم می کند.

یک زن مسیحی

به وظایف و مسئولیت های یک مرد مسیحی نگاه کردیم. اما زن مسیحی نیز باید نقش خود را درست ایفا کند. همانگونه که کلیسا باید عاشق مسیح باشد و به او احترام بگذارد، او نیز باید عاشق همسر خود بوده و به او احترام بگذارد. در امثال ۳۱: ۱۰-۳۱ تصویر زیبایی از "همسر شایسته" داده شده است. او کسی است که شوهرش می تواند به او کاملاً اعتماد کند. او کسی است که "در همه روزهای زندگی

خویش به شوهرش نیکی خواهد کرد، نه بدی" (آیه ۱۲). او برای خود و خانواده اش سخت کار می کند. مهربان و فهیم و خدا ترس است (آیه ۳۰). کتاب مقدس مثال های زیادی از زنان وفاداری آورده است که از همسرانشان حمایت کردند و در عین حال او را رهبر می دانستند. ساره به ابراهیم احترام می گذاشت و او را همانند سرور خود می دانست (۱ پطرس ۳: ۱-۶) و از او اطاعت می کرد.

پولس رسول نشان می دهد که چون شوهر نمایانگر مسیح است، زن نمایانگر کلیسای حقیقی مسیح است و نباید نقش رهبری در ازدواج داشته باشد:

"ای زنان، تسلیم شوهران خود باشید، همان گونه که تسلیم خداوند هستید" (افسیسیان ۵: ۲۲).

تیطس ۲: ۴-۵ شامل دستورات پولس در مورد زنان جوان است:

"تا بتوانند زنان جوانتر را خرد بیاموزند که شوهر دوست و فرزند دوست باشند و خویشتندار و عفیف و کدبانو و مهربان و تسلیم شوهر، تا کلام خدا بد گفته نشود" (تیتوس ۲: ۴-۵).

از آنجایی که زندگی خانواده مسیحی با خدا شریک است، مادران نقش مهمی در اهمیت به خانواده و راهنمایی و آموزش فرزندان در امور خدایی دارند. البته والدین هر یک نقش خاصی در بزرگ کردن بچه ها با تعالیم الهی ایفا می کنند. صحف می گوید که والدین باید:

"جوان را در رفتن به راهی که درخور اوست تربیت کن، که تا پیری هم از آن منحرف نخواهد شد" (امثال ۲۲: ۶).

روابط جنسی خارج از ازدواج

وحدانیت جنسی خصلتی است که اجازه می دهد زن و شوهر عشق خود را به یکدیگر از طریق خاصی بیان کنند (۱ قرنتیان ۷: ۳-۵). همچنین این امر برکتی است که توسط آن فرزندان وارد خانواده ای پر محبت می شوند. خدا این هدیه را بعنوان بخشی از ازدواج خلق کرد. پس باید خالص نگاه داشته شده و با بی ایمانی این رابطه به فساد کشیده نشود (عبرانیان ۱۳: ۴). مناسب ترین و تنها مکان رابطه جنسی درون ازدواج است. رابطه جنسی باید تنها میان زن و شوهر اتفاق بیافتد. وقتی دو نفر با هم رابطه جنسی دارند یک تن خواهند شد. بی بند و باری در رابطه جنسی اشتباه است:

"آیا نمی دانید کسی که با فاحشه ای می پیوندد، با او یک تن می شود؟ زیرا نوشته شده است: آن دو یک تن خواهند شد" (۱ قرنتیان ۶: ۱۶).

کتاب مقدس تمام روابط جنسی اشتباه را محکوم می کند. ۱ قرنتیان ۶: ۹-۱۰ و ۱۸ می گویند:

"آیا نمی‌دانید که ظالمان وارث پادشاهی خدا نخواهند شد؟ فریب نخورید! بی‌عفتان، بت‌پرستان، زناکاران، لواط‌گران - چه فاعل و چه مفعول، دزدان، طمع‌ورزان، میگساران، ناسزاگویان و شیادان وارث پادشاهی خدا نخواهند شد... از بی‌عفتی بگریزید! هر گناه دیگر که انسان مرتکب شود بیرون از بدن اوست، اما کسی که مرتکب بی‌عفتی می‌شود، نسبت به بدن خود گناه می‌کند" (۱ قرن‌تین ۶: ۹-۱۰ و ۱۸).

عهد عتیق نیز در مورد روابط جنسی غیر اخلاقی هشدار داده است، برای مثال (امثال ۶: ۲۳-۳۵ و امثال ۷: ۴-۲۷ و تثنیه باب ۲۲). زمانی که ایمانداران تعمید می‌گیرند گناهان گذشته آنها بخشیده خواهد شد. بعضی از ایمانداران قرن‌تس چنین گناهانی داشتند. پولس برای آنها توضیح داد:

"بعضی از شما در گذشته چنین بودید، اما در نام عیسی مسیح خداوند و توسط روح خدای ما شسته شده، تقدیس گشته و پارسا شمرده شده‌اید" (۱ قرن‌تین ۶: ۱۱).

خلاصه

- ازدواج رابطه ای است که خدا فراهم کرده است و به هم پیوستن یک مرد و یک زن تا آخر عمرشان می باشد.
- رابطه جنسی برکتی است از جانب خدا و تنها باید بین مرد و همسرش اتفاق بیافتد. رابطه جنسی بیرون از قالب ازدواج یا قبل از آن اشتباه است.
- یک ایماندار تعمیدی تنها باید با یک ایماندار تعمیدی ازدواج کند.
- همانگونه که مسیح عاشق ایمانداران بود، مرد نیز باید همانگونه عاشق زن خود بوده و به او اهمیت دهد.
- زن باید همانند ایمانداران واقعی نسبت به کلیسا، نسبت به همسر خود عشق و احترام و پیروی نشان دهد.
- مرد و زن باید فرزندان خود را در عشق و خدمت به خدا بزرگ کنند. مرد خانواده را به خصوص در پرستش خدا هدایت و رهبری می کند.

آیاتی جهت مطالعه:

(متی ۱۹: ۶) "بنابراین، از آن پس دیگر دو نیستند بلکه یک تن می‌باشند. پس آنچه را خدا پیوست، انسان جدا نسازد".

(افسیان باب ۵)

(امثال ۳۱: ۱۰-۳۱)

(۱ تیموتائوس باب ۳)

(کولسیان ۳: ۱۲-۲۵).

درس سی و سوم: رویارویی با مشکلات در ازدواج

مطالعه: متی باب ۱۹

هدف خدا برای ازدواج

در درس گذشته دیدیم که خدا می خواهد یک مرد و زن ایماندار با هم از نظر معنوی شریک شوند و تا پادشاهی خدا به یکدیگر کمک کنند. در نام خدا با هم همکاری کرده و در همه مراحل زندگی برای هم اهمیت قائل شوند. این آرمانی الهی برای ازدواج است. عشق واقعی باید منعکس کننده عشق مسیح به ایمانداران و همینطور خواست ایمانداران برای جلال دادن به او باشد. زندگی مشترک در مسیح به دیگران نشان می دهد که از چه برکتی لذت می برند. پس خدا نیز از همه سو جلال را دریافت می کند.

آرمان الهی در ازدواج مسیحی برای دو ایماندار در زندگی مشترک در جهت جلال بخشیدن به خدا می باشد.

اگرچه همیشه دسترسی به این آرمان آسان نیست. سختی های زیادی در زندگی اتفاق می افتد و در این درس به تعدادی از این مشکلات می پردازیم. شاید این درس راهنمای خوبی در زمینه مشکلات موجود در ازدواج برای شما باشد.

یکی از زوجین تغییر دین دهد

ایمانداران تعمیدی باید با ایمانداران تعمیدی ازدواج کنند (۲ قرننیاں ۶: ۱۴)، (۱ قرننیاں ۷: ۳۹). اما کسانی که پس از ازدواج کلام را در می یابند چطور؟ آیا باید جدا شوند و یا در کنار شریک بی ایمان خود ادامه دهند؟ این یکی از مشکلات رایج در زمان رسولان بود. زمانی که کلام خدا پخش شد افراد زیادی ایمان آورده و تعمید گرفتند. اما اغلب همسرانشان بی ایمان باقی ماندند. آنها باید چه می کردند؟ جدا شده و هر کسی راه خود را برود و یا با هم مانده و مشکلات را حل کنند؟

پولس در این شرایط ایمانداران را به با هم ماندن تشویق می کرد:

"به بقیه می گویم - من می گویم نه خداوند - که اگر برادری همسر بی ایمان دارد و آن زن حاضر است با او زندگی کند، آن برادر نباید زن خود را طلاق گوید. همچنین اگر زنی شوهر بی ایمان دارد و آن مرد حاضر است با او زندگی کند، آن زن نباید شوهر خود را طلاق گوید" (۱ قرننیاں ۷: ۱۲-۱۳).

یک شخص متاهل مسئولیت هایی در قبال زوج خود و بچه ها دارد و بعنوان شاگرد مسیح باید بسیار با ملاحظه تر از همیشه رفتار کند. در جهت برقرار ماندن ازدواج باید بسیار تلاش کند. اما اگر شریک بی ایمان خواست که جدا شود، شریک ایماندار باید قبول کند:

"همچنین اگر زنی شوهر بی ایمان دارد و آن مرد حاضر است با او زندگی کند، آن زن نباید شوهر خود را طلاق گوید. زیرا شوهر بی ایمان به واسطه همسرش تقدیس می شود و زن بی ایمان به واسطه شوهرش. در غیر این صورت، فرزندان شما ناپاک می بودند؛ اما چنین نیست، بلکه آنان مقدّسند. اما اگر آن که بی ایمان است بخواهد جدا شود، بگذار چنین کند. در چنین وضعی شوهر یا زن مؤمن اجباری ندارد با او زندگی کند. ولی خدا ما را به صلح و آشتی خوانده است" (۱ قرنتیان ۷: ۱۳-۱۵).

پطرس رسول نوشت:

"به همین سان، شما ای زنان، تسلیم شوهران خود باشید تا چنانچه برخی کلام را اطاعت نکنند، بی آنکه سخنی بر زبان آرید، در اثر رفتار همسرانشان جذب شوند، زیرا زندگی پاک و خداترسانه شما را مشاهده خواهند کرد" (۱ پطرس ۳: ۱-۲).

در اینجا پطرس در مورد زن ایماندار گفت که با مردی بی ایمان ازدواج کرده باشد. اما این نصیحت در مورد مردان ایماندار نیز صدق می کند. با ادامه زندگی با یکدیگر، ممکن است طرز زندگی مسیحی گونه شخص ایماندار بر روی شریک بی ایمانش تاثیر گذاشته و او را تشویق به پذیرش کلام کند.

بطور مشابه ایمانداران نباید بی ایمانان را از خانواده خود حذف کنند، همانند والدین، برادران و یا خواهران خود. ایمانداران یک فرصت و مسئولیتی دارند تا به آنها تعلیم داده و حقیقت مسیحیت را گسترش دهند.

کتاب مقدس تعلیم می دهد که هر کار ممکن برای نگاه داشتن دو زوج کنار هم و برقراری ازدواج باید انجام شود.

ناباروری در یکی از شریکان

متأسفانه بعضی نمی‌توانند بچه دار شوند. این امر ممکن است به دلیل برخی از مشکلات پزشکی باشد. این شرایط ممکن است به شدت پریشان کننده باشد. اما ایمانداران باید قبول کنند که خدا زندگی‌شان را کنترل می‌کند و خدا می‌داند که چه چیزی برای آنها بهتر است تا آنها را برای پادشاهی خود آماده کند (رومیان ۸: ۲۸). در بعضی از کشورها بعضی از مردان از همسران خود که توانایی بچه دار شدن ندارند، جدا می‌شوند. اما ایماندار واقعی این کار را نمی‌کند. همانطور که کتاب مقدس می‌آموزد، ازدواج برای یک عمر است. بچه دار نشدن نباید منجر به شکست ازدواج شود. خدا آنها را زن و شوهر در نظر گرفت و آنها نیز باید در نام او با هم همکاری کنند.

از طرفی دیگر گاهی زوجین تشویق می‌شوند که با وجود استطاعت مالی فرزندان زیادی داشته باشند. داشتن فرزندان و بزرگ کردن آنها مسئولیتی بزرگ است. بنابراین همانند دیگر مسائل در یک خانواده هماهنگ زن و شوهر باید با هم در این امر موافق باشند و شرایط خانواده را در نظر بگیرند.

مشکلات بین زنان و شوهران

ابیحایل نمونه ای از همسری وفادار در عهد عتیق بود که مشکلات زیادی در ازدواجش داشت. یکی از خدمتکارانش شوهر او نابال را اینگونه توصیف کرد:

"خود او چنان فرومایه است که نمی‌توان با او سخن گفت" (۱ سموئیل ۲۵: ۱۷).

با وجود این امر ابیحایل همسری عاشق و وفادار بود که سعی در انجام کارهای خوب و ماندن نزد همسرش را داشت. اول سموئیل باب ۲۵ را بخوانید تا ببینید خدا چگونه به او برکت داد.

حتی اگر دو مسیحی با هم ازدواج کرده باشند، می‌توانند ناراضی باشند. این بدین خاطر است که همه ما دارای ذات انسانی بوده و به راحتی گناه می‌کنیم. پس ممکن است گاهی حرفهایی زده و یا اعمالی انجام دهیم که هیچ کمکی به طرف مقابلمان نکند. ممکن است خودخواه باشیم و همه چیز را از نظر خود بسنجیم. ممکن است در مقابل همسر خود عیب جو باشیم و زمانی که خود چیز زیادی برای عرضه نداریم، توقع ما بالا باشد. همیشه دیدن خطاهای دیگران از دیدن خطاهای خودمان آسان تر است (متی ۷: ۱-۵).

اگر یک ازدواج مسیحی شباهتش را به مسیح و کلیسا از دست دهد، زوجین باید مشکلات را مورد بحث قرار داده و برای آنها دعا کنند. زمانی که یک و یا هر دو زوج خودبین باشند و خدا را در مرکز زندگی خود نبینند، ازدواجشان با شکست روبرو خواهد شد. پس باید با خود صادق بوده و صراحتاً با

هم سخن گویند و اشتباهات یکدیگر را ببخشند. یک ایماندار تعمیدی اگر اشتباهات شریکش را نبخشد از خدا نیز نمی تواند انتظار بخشش گناهان خود را داشته باشد. شاگردان مسیح باید تمام تلاش خود را در جهت برقرار ماندن ازدواج انجام دهند چون این اراده و خواست خداست. طلاق راه آسانی نیست و خدا از آن نفرت دارد. پولس نوشت:

"حکم من برای متأهلان این است - نه حکم من، بلکه حکم خداوند - که زن نباید از شوهر خود جدا شود. اما اگر چنین کرد، دیگر نباید شوهر اختیار کند و یا اینکه باید با شوهر خود آشتی نماید. مرد نیز نباید زن خود را طلاق گوید" (۱ قرن تیان ۷: ۱۰-۱۱).

بی وفایی در ازدواج

تنها استثنا در قانون ازدواج در بین ایمانداران، به شرایطی اختصاص دارد که یکی از زوجین خیانت کند. از مسیح پرسیده شد که در یهودیان چه چیز دید که با طلاق موافقت کرد (در آن زمان مسئولین برگه ای جهت پایان ازدواج می دادند). مسیح گفت:

"مگر نخوانده‌اید که آفریننده جهان در آغاز ایشان را مرد و زن آفرید و گفت از همین رو، مرد پدر و مادر خود را ترک کرده، به زن خویش خواهد پیوست و آن دو یک تن خواهند شد؟ بنابراین، از آن پس دیگر دو نیستند بلکه یک تن می‌باشند. پس آنچه را خدا پیوست، انسان جدا نسازد" (متی ۱۹: ۴-۶).

مسیح از باب های ۲۱ و ۲۰ پیدایش نقل قول می کرد که در مورد اولین ازدواج بود. او نشان داد که خدا ازدواج را به هم پیوستن تلقی کرده است. چون در ادامه گفت: "پس آنچه را خدا پیوست انسان جدا نسازد". مسیح گفت طلاق ممنوع است و تنها استثنا در ازدواج زمانی است که رابطه جنسی خارج از آن برقرار شود:

"به شما می‌گویم، هر که زن خود را به علتی غیر از خیانت در زناشویی طلاق دهد و زنی دیگر اختیار کند، زنا کرده است" (متی ۱۹: ۹).

و همچنین متی ۵: ۲۳ را نیز ببینید. بنابراین ازدواج مسیحی برای تمام عمر است.

اگر یکی از زوجین زنا کند، ازدواج تحت فشار زیادی قرار می گیرد. اما زوجین باید سعی در حل کردن آن داشته باشند. اگر می‌خواهیم خدا نیز گناهانمان را ببخشد پس باید آمادگی بخشش اشتباه شریک مان را داشته باشیم. اگرچه زوج زناکار سعی در حل کردن مشکل نداشته باشد و زوجین مجبور به جدایی و طلاق شوند باید بسیار دقت کنند تا کمترین آسیب به اعضای خانواده برسد.

چند همسری

چند همسری گاهی در کتاب مقدس دیده شد. داوود پادشاه چندین همسر داشت. سلیمان پادشاه سدها همسر و معشوقه داشت. اما آرمان الهی همیشه مشخص بود و خدا گفت که یک مرد و یک زن بعنوان زن و شوهر با یکدیگر زندگی می کنند.

چند همسری مشکلات زیادی را برای خانواده های عهد عتیق به وجود آورد. حسادت بین دو زن یعقوب، خانواده را به دردهای زیادی انداخت. مسیح نیت خدا را بطور شفاف از آغاز بیان کرده است و گفت:

"و گفت از همین رو، مرد پدر و مادر خود را ترک کرده، به زن خویش خواهد پیوست و آن دو یک تن خواهند شد؟" (متی ۱۹: ۵).

بنابراین هیچکس نباید بیشتر از یک زن داشته باشد. ممکن است بسیاری از مردانی که کلام را می آموزند از قبل چندین همسر داشته باشند، آنها چه کنند؟ یکی را نگاه داشته و از دیگری جدا شوند و یا به همان شکل ادامه دهند؟

یاد گرفتیم که یک ایماندار تعمیدی مسئولیت بزرگی در قبال خانواده اش دارد. بنابراین نصیحت ما این است شخصی که چندین همسر دارد باید در قبال همه آنها احساس مسئولیت کند. باید شوهری خوب و پدری با محبت برای تمامی فرزندانش باشد. ما به شما نصیحت می کنیم که ایمانداران تعمیدی که چندین همسر دارند، ارشد کلیسا نشوند. چون شرایطی که آنها دارند مطابق با تعالیم مسیح نیست. پولس می گوید:

"از این رو، ناظر کلیسا باید به دور از ملامت، شوهر وفادار یک زن، معتدل، خویشتندار، آبرومند، میهمان نواز و قادر به تعلیم باشد" (۱ تیموتائوس ۳: ۲).

همسریابی

آموختیم که ازدواج یک هدیه بزرگ و رسمی از جانب خداست و همینطور به برخی از مشکلات رایج در ازدواج پرداختیم. واضح است که انتخاب همسر باید موضوع دعاها باشد. ابراهیم بسیار تلاش کرد تا همسری مناسب برای پسرش اسحاق بیابد و ما نیز باید همان شرایط را پیروی کرده و هدف خدا، نماد مسیح و کلیسا را در ذهن نگاه داریم.

ایمانداران واقعی بهتر است تنها با کسی ازدواج کنند که باورشان مشترک است. اگرچه گاهی یافتن همسری مناسب سخت است. طبیعی است که همسری زیبا بخواهیم. اما مسئله ای که بسیار حائز

اهمیت است و ویژگی های معنوی یک شخص است (امثال ۳۱: ۳۰). خدا به قلب می نگرد نه به ظاهر (۱ سموئیل ۱۶: ۷). ما نیز باید این چنین باشیم. ازدواج واقعی، شراکت ذهن است و هر دو طرف باید یکدیگر را کامل شناخته و قبل از ازدواج درک درستی از اولویت هایشان داشته باشند. این است هدف عشق ورزیدن. گاهی کسانی که در ازدواج تصمیم عجولانه گرفته اند سالیان زیادی را در پشیمانی تصمیم خود گذرانیده اند. مخصوصا اگر با یک بی ایمان ازدواج کرده باشند. کتاب مقدس بی پرده به ما در مورد عواقب انتخاب اشتباه هشدار می دهد (امثال ۲۱: ۹ و ۱۹).

مراسم عروسی

در درس ۳۲ آموختیم که یک زوج ایماندار باید در حضور خدا به هم بپیوندند. عهد ازدواج آنها باید در حضور خدا و در مقابل شاهدان انسانی (اقوام و دوستان) باشد. یک ازدواج ساده مد نظر است. لازم نیست که سالن و غذای تهیه شده گران باشد. مهم ترین عامل این است که زوجین در ازدواج خود به دنبال برکت خدا باشند و در محضر خدا متعهد شوند که تا پایان زندگی با یکدیگر بمانند. عهدهای ازدواج بسیار مهم هستند و نباید سطحی گرفته شوند. اگر قوانین کشور اجازه دهد ایده خوبی است که ازدواج ثبت شده و گواهی برای آن صادر شود تا همه به آسانی آن را تشخیص دهند. این کار می تواند اشاره به این امر داشته باشد که ازدواج برای تمام عمر است.

افراد زیادی می خواهند در کلیسا ازدواج کنند اما به ایمان شخصی که این کار را انجام می دهد اهمیتی نمی دهند. ایمانداران تعمیدی نباید به کلیساهای دیگر رفته و توسط کسی مزدوج شوند که آموزه های درست کتاب مقدس را نمی داند.

بعضی از زوجین بر این باورند که مراسم ازدواج باید بسیار مجلل باشد اما توانایی برآورده کردن آن را نداشته، پس با هم زندگی را آغاز می کنند تا بعد ازدواج کنند. اما در اکثر موارد هیچ ازدواجی صورت نمی گیرد. با تمام نا امنی هایش کودکان نیز خارج از قالب ازدواج به زندگی اضافه می شوند.

گاهی هزینه های بالا وجود دارد و برای یک مرد جوان زمان زیادی لازم است تا هزینه لازم برای ازدواج با دختری که دوستش دارد را جمع آوری کند. اگر هزینه ازدواج خیلی زیاد بود، مرد تا زمانی که پول کافی ندارد باید منتظر بماند. تا زمان ازدواج این دو نفر نمی توانند با هم رابطه جنسی داشته باشند. البته والدین مسیحی زوجین جوان را تشویق به شروع زندگی خود در عیسی مسیح و بدون این مشکلات می کنند.

شاگردان مسیح باید قبل از زندگی با یکدیگر با هم ازدواج کنند. رابطه جنسی قبل از ازدواج گناه است. کتاب مقدس می گوید:

"زناشویی باید در نظر همگان محترم باشد و بسترش پاک نگاه داشته شود، زیرا خدا بی‌عفتان و زناکاران را مجازات خواهد کرد" (عبرانیان ۱۳: ۴).

برکتی از خدا

ازدواج مسیحی برکت بزرگی از خداست که باید با هم در طول زندگی از آن لذت ببرند. اگرچه مسیح هرگز نمی‌گوید که چون هر دو ایماندار هستند زندگیشان مشکلی نخواهد داشت. حل کردن مشکلات در ازدواج روابط را محکمتر کرده و شادی عظیم و خرسندی به همراه دارد. زندگی خانوادگی وقتی که درست درک و انجام شود موجب شادمانی می‌شود. همانند شادمانی در زمان بازگشت عیسی مسیح. کتاب مقدس زمانی را که عیسی مسیح باز می‌گردد تا به ایمانداران واقعی زندگی جاودان عطا کند را با شروع یک ازدواج مسیحی مقایسه کرده است:

"به وجد آییم و شادی کنیم، و او را جلال دهیم، زیرا زمان عروسی آن بره فرا رسیده و عروسی او خود را آماده ساخته است" (مکاشفه ۱۹: ۷).

خلاصه

- ایماندارانی که در زمان یادگیری کلام، ازدواج کرده اند باید با همسر بی ایمان خود بمانند و سعی کنند که راه خدا را به او نشان دهند.
- برای کسانی که ازدواج می کنند تنها یک همسر جایز است. اگر مردی از قبل چندین همسر دارد و بعد از آن تصمیم می گیرد باید سعی کند همسر خوبی برای همسرانش بوده و به همه بچه ها اهمیت دهد و دیگر نباید ازدواج کند.
- ازدواج باید قانونی باشد و عهدهای آن در حضور خدا بسته شود. عهدهای ازدواج جدی هستند و نباید سطحی گرفته شوند.

آیاتی جهت مطالعه:

(عبرانیان ۱۳: ۴) "زناشویی باید در نظر همگان محترم باشد و بسترش پاک نگاه داشته شود، زیرا خدا بی عفتان و زناکاران را مجازات خواهد کرد."

(پیدایش باب ۲۴)

(نحمیا ۱۳: ۲۳-۲۷)

(مزامیر باب ۱۲۸)

(۱ تیموتائوس باب ۲).

درس سی و چهارم: وظایف ما در قبال قوانین کشور

مطالعه: ۱ پطرس باب ۲

نکته: کشور مکانی است که ما در آن زندگی می کنیم و قوانین و مقررات دولتی دارد. امروزه ایمانداران واقعی مسیح در کشورهای مختلف با قوانین مختلف زندگی می کنند که برخی از آنها با قوانین خدا مغایرت دارد. این درس در مورد وظایف مسیحیان در قبال کشور و به خصوص اینکه آیا مسیحیان اجازه شرکت در سیاست و جنگ را دارند می باشد. درس ۹ و ۱۳ به شما کمک می کند تا این بخش را خوب متوجه شوید.

مردم خدا در عهد عتیق

حدود ۳۵۰۰ سال پیش زمانی که بنی اسرائیل از مصر خارج شدند، خداوند آنان را در کوه سینا جمع کرد و با آنها عهدی بست. قرار بود او خدای آنها باشد و آنها امت او. قوانینی که خدا به آنها داد شامل قوانینی برای پرستش و زندگی روزانه بود. از آنجا که خدا باورها و قوانین را مشخص کرده بود، هیچ تضادی بین آنها وجود نداشت.

کمی بعد خدا پادشاهانی برای مردم اسرائیل انتخاب کرد که همان پادشاهی خدا بر روی زمین بود و سربازان پادشاه، سربازان خدا بودند. پادشاه می بایست تمام دستورات خدا را اجرا می کرد. اما مردم اسرائیل به قوانین خدا بی اعتنا بوده و روش های شریانه اقوام دیگر را پیروی می کردند. پس خدا پادشاهی خود را به اتمام رساند. ابتدا قوم آشور به پادشاهی شمالی (اسرائیل) حمله کرده و مردم را به اسارت برده و بعد آنها را پراکنده کردند و پس از آن بابلی ها پادشاهی جنوبی (یهودا) را به اسارت بردند. پس مردم خدا در کشورهایی زندگی می کردند که خدایان دروغین پرستش می شد و برخی از قوانین با قوانین خدا مغایرت داشت.

رفتار برخی از یهودیان خدا ترس در آن شرایط سخت، به ما نشان می دهد چگونه در کشور هایی که قوانین آنها با قوانین خدا مغایرت دارد، زندگی کنیم.

آیا آنها باید از خدا پیروی کنند یا از حاکمان بیگانه؟

دانیال و دوستانش جزو کسانی بودند که توسط نبوکدنصر به اسارت بابل برده شدند. این اتفاق زمانی افتاد که پادشاهی جنوبی (یهودا) به پایان خود نزدیک بود. گاهی آنها می بایست بین اطاعت از قوانین خدا و یا بابلی ها یکی را انتخاب می کردند. مثال های زیر مفید است:

آیات	مشکلات	کاری که دانیال و دوستانش کردند	در نهایت چه اتفاقی افتاد
دانیال ۱: ۸-۱۶	به دانیال و دوستانش گوشتی برای خوردن داده شد که قربانی بت ها شده بود. آنها نمی خواستند گوشت را بخورند اما می دانستند که این کار پادشاه را ناراحت می کند.	آنها گوشت را نخوردند و به جای آن درخواست سبزیجات کردند.	خدا مراقب آنها بود و آنها سالم تر به نظر می آمدند.
دانیال باب ۳	نبوکدنصر دستور داد که همه بر زانو های خود نشسته و مجسمه طلایی که بر پا کرده بود را پرستش کنند.	سه دوست دانیال چیزی غیر از خدا را پرستش نکردند.	آنها در گودال عمیق افکنده شدند ولی خدا نجاتشان داد و هیچ آسیبی به آنها نرسید.
دانیال باب ۶	دشمنان دانیال قصد کشتن او را داشتند. پس پادشاه جدید داریوش را راضی کردند که اجازه دعا فقط برای پادشاه داده شود.	دانیال به دعا در درگاه خدا ادامه داد در حالی که همه او را می شنیدند.	درون چاه شیران انداخته شد. اما فرشته خداوند از او حمایت کرد.

این مثال ها به ما می آموزند که :

- خدا را در رأس زندگیمان قرار دهیم.
- تنها خدا پرستش شود.
- قوانین را نگاه داریم و همیشه قوانین خدا را به جا آوریم.
- به خدا اعتماد کنیم.

دانیال و دوستانش از بهترین خادمان پادشاه بودند و به مامورین دولتی مهمی تبدیل شده بودند. آنها هرگز دردسر ساز نبودند و هرگز در پی فرصتی برای شکستن قوانین پادشاه نبودند. تنها زمانی از فرمان پادشاه سرپیچی می کردند که با قوانین خدا مغایرت داشت.

این برای تمام پیروان عیسی مسیح قانون مهمی است. آنها باید تمام قوانین کشوری را که هماهنگ با قوانین خداست به جا آورند. دشمنان دانیال هیچ ایرادی بر رفتار او نمی توانستند بگیرند (دانیال ۶: ۴-۵). این امر باید برای ما نیز صدق کند.

**مسیحیان باید از قوانین کشورشان پیروی کنند، مگر اینکه این قوانین با قوانین خدا
مغایرت داشته باشد.**

مردمان خدا، امروزه

خدا تمامی ایمانداران واقعی را مردم خود می داند و امروزه این افراد عبارتند از یهودی و غیریهودی. درست همانند بنی اسرائیل در عهد عتیق که مردمان خاص خدا بودند و امت مقدس نامیده شدند. امروزه ایمانداران تعمیدی نیز همینگونه معرفی می شوند. این امر با مقایسه متنی از عهد عتیق و عهد جدید در جدول زیر قابل رویت است. با اینکه شاگردان مسیح در کشور های مختلفی زندگی می کنند، کتاب مقدس آنها را امت خاص و مردمان خدا می داند.

مردم اسرائیل (اسرائیل حقیقی)	مردمان خدا امروزه (اسرائیل معنوی)
(خروج ۱۹: ۵-۶) "حال اگر واقعاً صدای مرا بشنوید و عهد مرا نگاه دارید، از میان جمیع قومها، ملک خاص من خواهید بود، زیرا تمامی زمین از آن من است. شما برای من مملکتی از کاهنان، و امتی مقدس خواهید بود. این است آنچه باید به بنی اسرائیل بگویید."	(۱ پطرس ۲: ۹-۱۰) "اما شما ملتی برگزیده و مملکتی از کاهنان و امتی مقدس و قومی که ملک خاص خداست هستید، تا فضایل او را اعلام کنید که شما را از تاریکی به نور حیرت‌انگیز خود فرا خوانده است. یش از این قومی نبودید، اما اکنون قوم خدایید؛ زمانی از رحمت محروم بودید، اما اکنون رحمت یافته‌اید."

ایماندارانی که امروزه قسمتی از امت مقدس خدا هستند قسمتی از پادشاهی آینده خدا نیز خواهند بود و منتظر بازگشت پادشاه خود به اورشلیم هستند. پس هنگام انتظارشان نباید کاری کنند که به رابطه آنها با خدا آسیب رساند. خدا باید در همه کارها در ارجعیت باشد. پس در زمان بازگشت مسیح همه آنها فرا خوانده شده تا با هم به او خدمت کنند.

عقیده مسیحیان نسبت به حاکمان کشورشان

عیسی زمانی در اسرائیل زندگی می کرد که امت تحت فرمان رومیان بود. او از قوانین آنها زجر کشید و مرد. اما هرگز یک دردسر ساز سیاسی نبود. با اینکه بسیاری از یهودیان بر این امید بودند تا او بتواند آنها را از رومیان آزاد کند. وقتی از مسیح پرسیدند که آیا یهودیان باید به رومیانی که از آنها متنفر بودند مالیات بپردازند، او قانون مهمی را با تصویر یک سکه رومی، یا قیصر بنا کرد:

"پس مال قیصر را به قیصر بدهید و مال خدا را به خدا" (متی ۲۲: ۲۱).

این بدین معنی است که همانطور که قوانین ایجاب می کند باید مالیات را پرداخت (پولس در رومیان ۱۳: ۷ این موضوع را به وضوح بیان کرده است) و همینطور نشان می دهد که ما باید به قوانین و حاکمان خود، همانند خدا احترام بگذاریم.

نه تنها مسیح قوانین رومیان را قبول کرد، بلکه حتی سعی نکرد که سران مذهبی یهود را تغییر دهد، یعنی کسانی که از موقعیت خود در معبد سوء استفاده می کردند و مردم را منحرف می ساختند. سران مذهبی سعی در متوقف کردن مسیح در تعالیم و معجزاتش داشتند. اما در تمام شرایطی که او آزار می دید و زندگی اش در خطر بود به ماموریت خود ادامه می داد. او می دانست که این کار خداست و بسیار مهم است.

این مثال وفاداری مسیح توسط شاگردان او نیز پیروی می شد. آنها نیز صادق بودند و از قوانین پیروی می کردند و هرگز در سیاست کشورهایی که در آن زندگی می کردند، دخالتی نداشتند. آنها هرگز سعی در تغییر دنیا به واسطه سیاست نبودند. وقتی مشکلی از سوی یهودیان و یا رومیان رخ می داد آنها قوانین خدا را در رأس می گذاشتند. پس زمانی که به آنها گفته شد تا نبوت را متوقف کنند، آنها پاسخ دادند:

"خدا را باید بیش از انسان اطاعت کرد" (اعمال رسولان ۵: ۲۹).

اعمال رسولان ۴: ۱۷-۲۰ را نیز ببینید. پولس به ما می گوید که باید مطیع قوانین خدا باشیم چون تمامی حاکمان توسط خدا انتخاب شدند (اگر چه بسیاری این را درک نمی کنند). توجه داشته باشید که پولس این کلمات را به ایماندارانی نوشت که در جامعه ای سخت زندگی می کردند. جایی که برده های زیادی با ناعدالتی روبرو بودند:

"هر کس باید تسلیمِ قدرتهای حاکم باشد، زیرا هیچ قدرتی جز از سوی خدا نیست. قدرتهایی که وجود دارند، از جانب خدا مقرر شده‌اند. پس آن که بر علیه قدرتی عصیان کند، در حقیقت علیه آنچه خدا مقرر کرده، عصیان ورزیده است؛ و آنان که چنین می‌کنند، مجازات را برای خود می‌خرند" (رومیان ۱۳: ۱-۲).

پس اگر از قوانین کشورمان سرپیچی کنیم، از خدا سرپیچی کرده ایم. در اول تیموتائوس ۲: ۱-۲ پولس ایمانداران را تشویق به دعا برای حاکمان کشورها کرد:

"بنابراین، پیش از هر چیز، سفارش می‌کنم که درخواستها، دعاها، شفاعتها و شکرگزاری‌ها برای همهٔ مردم به جا آورده شود، از آن جمله برای حاکمان و همهٔ صاحب منصبان، تا بتوانیم زندگی آرام و آسوده‌ای را در کمال دینداری و وقار بگذرانیم" (۱ تیموتائوس ۲: ۱-۲).

قوانین یک کشور معمولاً نشان می‌دهد که آنجا مکان امنی برای زندگی است. اغلب مشکلی میان وظایف یک مسیحی در قبال کشور و در قبال خدا وجود ندارد. پس وقتی از قوانین کشور اطاعت می‌کند، از خدا اطاعت کرده است. برای مثال یک قاتل هم در قوانین کشور و هم در قوانین خدا اشتباه کرده است. اگر چه حکومت گاهی از شهروندانش انتظار دارد کارهایی انجام دهند که موافق تعالیم کتاب مقدس نیست، همانند رفتن به جنگ. شاگردان مسیح باید بین اطاعت از حکومت و یا خدا یکی را انتخاب کنند. مثال پطرس رسول جمله خوبی برای پیروی است:

"خدا را باید بیش از انسان اطاعت کرد" (اعمال رسولان ۵: ۲۹).

شغل‌ها و علایق زیادی هستند که پیروان باید از آنها اجتناب کنند که شامل ساختن سلاح‌های منفجره و نابود کننده و شغل‌های نظامی همانند نیروهای ارتش و یا پلیس می‌شود. ایمانداران همچنین باید از قبول هر نوع تعهدی خودداری کنند زیرا عیسی مسیح تنها سرپرست ایمانداران واقعی است و ما باید تنها مطیع فرامین او باشیم. کسانی که متوجه می‌شوند شغل آنها مناسب یک مسیحی نیست باید برای کمک و راهنمایی دعا کنند. خدا می‌تواند به آنها کمک کند.

مسیحیان و سیاست

اگرچه خدا در حال اجرای اهدافش بر روی زمین است (دانیال ۴: ۳۲)، واضح نیست که چگونه این کار را انجام می‌دهد و حتی معلوم نیست که چه افراد و ملت‌هایی در آن دخیل خواهند بود.

از آنجایی که مسیحیان نمی‌دانند خواست خدا در رأس کدام گروه سیاسی است، انتخاب را بر عهده خدا گذاشته و رأی نمی‌دهند. آنها هرگز در سیاست مداخله نمی‌کنند. زیرا ممکن است ناخودآگاه در

گرفتن تصمیم بر ضد خدا مداخله کرده باشند. بنابراین مداخله در دولت های انسانی اشتباه است، چه محلی چه ملی. چون مردمان خدا به نظام او تعلق دارند و تنها یک پادشاه، یعنی عیسی مسیح را دارند. از آنجایی که ایمانداران واقعی پیروی از مسیح را انتخاب کرده اند، چگونه می توانند گروه سیاسی را که در خدمت مسیح نیست برگزینند؟ ایمانداران جهت ساختن دنیایی بهتر نباید در سیاست مداخله کنند. چون سران انسانی قادر به این کار نیستند. ایمانداران می دانند که مسیح هنگام بازگشت خود این کار را انجام خواهد داد. پس ایمانداران واقعی از سیاست دور بوده، چه بعنوان یک فعال و چه بعنوان کسی که رأی می دهد و زمان خود را صرف مطلع ساختن مردم از پادشاهی خدا می کنند.

نیاز به دور ماندن از سیاست مثل شغل های نامناسب هیچ ربطی به قوانین یک حکومت ندارد و مربوط به همه خادمین خدا می شود. آنها اکنون باید تحت قوانین مسیح زندگی کنند (۱ قرنتیان ۹: ۲۱) و خود را از دولت های انسانی و سیاست جدا کنند:

"از میان ایشان بیرون آیید و جدا شوید. هیچ چیز نجس را لمس نکنید و من شما را خواهم پذیرفت" (۲ قرنتیان ۶: ۱۷).

"و دیگر همشکل این عصر مشوید، بلکه با نو شدن ذهن خود دگرگون شوید. آنگاه قادر به تشخیص اراده خدا خواهید بود؛ اراده نیکو، پسندیده و کامل او" (رومیان ۱۲: ۲).

مسیحیان و جنگ

در عهد عتیق خدا از بنی اسرائیل انتظار داشت که با زندگی در سرزمین کنعان دشمنان خود را نابود کنند تا وسوسه نشوند که راه های شیرانه آنها را پیروی کنند (خروج ۲۳: ۳۱-۳۲). خدا به آنها یاد داد که بجنگند. پس وظیفه آنها اطاعت بود. اما مسیح که بعد از پادشاهی خدا بر زمین زندگی می کرد گفت:

"شنیده‌اید که گفته شده، همسایهات را محبت نما و با دشمنت دشمنی کن. اما من به شما می‌گویم دشمنان خود را محبت نمایید و برای آنان که به شما آزار می‌رسانند، دعای خیر کنید" (متی ۵: ۴۳-۴۴).

عهد جدید نیز مثال های این چنینی دارد:

"اما من به شما می‌گویم، در برابر شخص شریر ایستادگی نکنید. اگر کسی به گونه راست تو سیلی زند، گونه دیگر را نیز به سوی او بگردان" (متی ۵: ۳۹).

"برای کسانی که به شما آزار می‌رسانند، برکت بطلبید؛ برکت بطلبید و لعن نکنید... اگر امکان دارد، تا آنجا که به شما مربوط می‌شود، با همه در صلح و صفا زندگی کنید. ای عزیزان، انتقام مگیرید، بلکه آن را به غضب خدا واگذارید. زیرا نوشته شده که خداوند می‌گوید: "انتقام از آن من است؛ من هستم که سزا خواهم داد. برعکس، اگر دشمنت گرسنه است، به او خوراک بده! و اگر تشنه است، به او آب بنوشان! اگر چنین کنی، اخگرهای سوزان بر سرش خواهی انباشت" (رومیان ۱۲: ۱۴ و ۱۸-۲۰).

زمانی که مسیح دستگیر شد به پطرس گفت که شمشیرش را کنار بگذارد و در ادامه گفت: "هر که شمشیر گیرد به شمشیر هلاک گردد" (متی ۲۶: ۵۲). مسیح به پیلاتس که حاکم روم بود توضیح داد که او اگر چه پادشاه است اما پادشاهی هنوز نیامده:

"پادشاهی من از این جهان نیست. اگر پادشاهی من از این جهان بود، خادمانم می‌جنگیدند تا به دست یهودیان گرفتار نیایم. اما پادشاهی من از این جهان نیست" (یوحنا ۱۸: ۳۶).

مسیح توضیح داد که چون پادشاهی او در آن زمان بر زمین نبود، خادمانش جنگ نمی‌کردند. پادشاهی او خواهد آمد. پس ایمانداران نمی‌توانند درگیر جنگ برای کشورهای خود شوند. اگر این کار را کنند ممکن است برادران خود را در مسیح در کشورهای دیگر بکشند. با نپذیرفتن جنگ، مسیح یک ترسو و یا صلح‌جو نبود. او انگیزه بالای خود را در رویارویی با مرگ بر روی صلیب نشان داد تا گناهان ما بخشیده شود. اگرچه مردمان خدا در عهد عتیق کاملاً آگاه بودند که خدا از آنها می‌خواهد که در چه جنگی شرکت کنند. مسیحیان امروزه نمی‌دانند که خدا چگونه اهدافش را با امتها به روی زمین اجرا می‌کند. اگر برای کشورشان به جنگ بروند، ممکن است با اهداف خدا بجنگند. به همین خاطر ایمانداران واقعی خواستار معاف شدن از سربازی هستند.

خلاصه:

ایمانداران باید :

- مطیع قوانین کشورشان باشند، غیر از مواقعی که با قوانین خدا مغایرت داشته باشد.
- از هر شغلی و فعالیتی که ممکن است آنها را به تضاد با قوانین خدا و قوانین انسان بکشانند دوری کنند.

آیاتی جهت مطالعه:

(۱ پطرس ۲: ۹-۱۱) "اما شما ملتی برگزیده و مملکتی از کاهنان و امتی مقدس و قومی که ملک خاص خداست هستید، تا فضایل او را اعلام کنید که شما را از تاریکی به نور حیرت‌انگیز خود فرا خوانده است. پیش از این قومی نبودید، اما اکنون قوم خدایید؛ زمانی از رحمت محروم بودید، اما اکنون رحمت یافته‌اید. ای عزیزان، از شما تمنا دارم چون کسانی که در این جهان بیگانه و غریبند، از امیال نفسانی که با روح شما در ستیزند، بپرهیزید."

(دانیال باب های ۳ و ۶)

(متی ۲۲: ۱۵-۲۲)

(رومیان باب ۱۳)

(۱ پطرس ۲: ۱۳-۱۷).

درس سی و پنجم: دعا

مطالعه: مزامیر باب ۱۰۷

افتخار دعا

خداوند قادر مطلق از آسمان و زمین به واسطه کتاب مقدس با ما سخن می گوید. دعا راهی است که ما می توانیم با او ارتباط برقرار کنیم و قسمت مهمی از ارتباط شخصی یک ایماندار با خداست. توانایی دعا کردن نزد خدا در آسمان افتخاری است که او به انسانهای فروتن و قدردان داده است:

"خداوند چنین می فرماید: آسمان تخت پادشاهی من است و زمین کرسی زیر پایم! چه خانه ای برای من بنا می کنید و مکان آرمیدنم کجاست؟ این همه را دست من ساخته است و بدین گونه همه آنها به وجود آمده؛ خداوند این را می فرماید. اما این است آن که بر وی نظر خواهیم کرد: آن که فروتن است و روح توبه کار دارد و از کلام من می لرزد" (اشعیا ۶۶: ۱-۲).

ما باید با احترام کامل با خدا سخن گوییم.

چرا به دعا نیاز داریم؟

خدا همه چیز را در مورد ما می داند. او هر کاری که انجام می دهیم را می بیند و از افکار ما آگاه است (مزامیر ۱۳۹: ۱-۴). ما احتیاج نداریم که در مورد خود چیزی به او بگوییم. مسیح به شاگردانش گفت:

"... پدر شما پیش از آنکه از او درخواست کنید، نیازهای شما را می داند" (متی ۶: ۸).

اما خدا از ما می خواهد که در درگاه او دعا کنیم. در ادامه مسیح به شاگردانش می آموزد که چگونه دعا کنند. دعا ما را قادر می سازد که خارج از زندگی خود را ببینیم و در مورد آفریننده خود تفکر کنیم. افکارمان را به درجه معنوی بالا می کشاند و کمک می کند که خودمان را همانطور که خدا می بیند ببینیم. دعا بخشی از پرستش ماست و به ما این موقعیت را می دهد که در حضور خدایی که بهترین را برای ما می خواهد و عاشق ماست به کارهای خود فکر کنیم. تفکر و دعا برای احتیاجات دیگران به ما کمک می کند تا قدر برکت های خود را بدانیم. پس دعا و در کنار آن سپاسگزاری از خالق برای محبت او به نفع خودمان است. یکی از دلایل دعا این است که خدا از مردم می خواهد که به جای خود و یا دیگران به او اعتماد کنند.

در چه مورد باید دعا کنیم؟

متی باب ۶ مثالی از دعا که مسیح به شاگردانش یاد داد را نشان می دهد. او نمی خواست که مردم هر بار که دعا می کنند دقیقا از همین کلمات استفاده کنند. اما برایشان راهنمایی فراهم کرد. دعا باید خالصانه باشد اما اگر زیاد تکرار شود بی معنا می شود (متی ۶: ۷).

"پس شما این گونه دعا کنید: ای پدر ما که در آسمانی، نام تو مقدس باد. پادشاهی تو بیاید. اراده تو، چنانکه در آسمان انجام می شود، بر زمین نیز به انجام رسد. نان روزانه ما را امروز به ما عطا فرما. و قرضهای ما را ببخش، چنانکه ما نیز قرضداران خود را می بخشیم. و ما را در آزمایش میاور، بلکه از آن شریر رهاییمان ده. زیرا پادشاهی و قدرت و جلال، تا ابد از آن توست. آمین" (متی ۶: ۹-۱۳).

دعا با پرستش خدا و جلال دادن به او آغاز می شود. ما باید بزرگی خدا را بخاطر داشته باشیم.

مسیح نشان داد که ما باید برای برقراری پادشاهی خدا بر روی زمین و برای اجرای اراده او دعا کنیم. باید مشتاقانه برای پادشاهی آینده امیدوار باشیم. اما می دانیم که ما به شرطی بخشی از پادشاهی آینده خواهیم بود که امروزه خواسته های خدا را در زندگی مان بپذیریم.

احتیاجات مان بعد از پرستش خدا باید ما را به یاد هدف او بیندازد. باید آگاه باشیم که "نان روزانه" ما به غذای معنوی اشاره دارد که از کتاب مقدس می گیریم، در کنار چیزی که می خوریم. باید با فهم کلام خدا از او درخواست کمک کنیم. نویسنده کتاب مقدس و نویسنده مزامیر هم این کار را کرده اند (مزامیر ۱۱۹: ۱۲۵).

این آیه به ما یادآوری می کند کسانی که بخشش خدا را می خواهند باید دیگران را ببخشند. (اما خدا فقط از راهی که خود مشخص کرده گناه را خواهد بخشید که آن هم از طریق قربانی شدن مسیح است که برای جزئی از آن بودن، ایمانداران باید اول تعمید بگیرند. پس از تعمید، خدا تنها زمانی ایمانداران را می بخشد که آنها نیز برای بخشش دیگران آماده باشند). دعایی که مسیح به شاگردانش داد در مورد خطر وسوسه نیز هشدار می دهد.

نکات دیگری نیز هست که می توانیم وارد دعاهایمان کنیم. پولس رسول می گوید:

"برای هیچ چیز نگران نباشید، بلکه در هر چیز با دعا و استغاثه، همراه با شکرگزاری، درخواستهای خود را به خدا ابراز کنید" (فیلیپیان ۴: ۶).

برای مثال، قبل از شروع یک سفر باید دعا کنیم که خدا توسط فرشتگانش ما را در امنیت نگاه دارد. مسیح قبل از انتخاب دوازده شاگردش تمام شب را دعا کرد (لوقا ۶: ۱۲-۱۳). پس مهم ترین تصمیمات زندگی را باید در قالب دعا و در نزد خدا بگیریم. در باغ جتسیمانی مسیح نزد خدا برای قدرت و تحمل سختی ها دعا کرد و توسط فرشته ای آرام گرفت. ما باید نگرانی ها، غمها و شادی های خود را در قالب دعا نزد خدا بیاوریم. تمامی زندگی ما به واسطه دعا برکت خواهد گرفت.

چگونه دعا کنیم؟

مهم است بدانیم اگر از خدا پیروی نکنیم، نمی توانیم انتظار داشته باشیم که دعاهای ما را بشنود. یعقوب ۵: ۱۶ به ما می گوید: "دعایِ شخص پارسا، با قدرت بسیار عمل می کند". باید نزد خدا عادل باشیم اگر می خواهیم که به دعاهایمان گوش دهد. امثال ۲۸: ۹ توضیح می دهد خدا دعای کسانی که به او اهمیت نمی دهند را نمی شنود:

"آن که از گوش فرا دادن به شریعت سر باز زند، حتی دعایش کراهت آور است" (امثال ۲۸: ۹).

زمانی بود که خدا دعاهای مردم اسرائیل را به خاطر شرارت آنها نشنید:

"آنگاه که دستانتان را به دعا دراز می کنید، چشمانم را از شما خواهم پوشانید؛ حتی اگر دعای بسیار کنید، نخواهم شنید؛ زیرا دستانتان شما مملو از خون است" (اشعیا ۱: ۱۵).

ما باید طریقه صحیح دعا کردن را بیاموزیم.

۱. **باید بر طبق اراده خدا دعا کنیم.** دعاهای ما نباید طلبکارانه باشد و از خدا بخواهیم هر چه انتظار داریم به ما بدهد. در باغ جتسیمانی مسیح دعا کرد "نه به خواهش من، بلکه به اراده تو" (لوقا ۲۲: ۴۲). این قانون زندگی او بود و ما نیز باید اینگونه دعا کنیم. ما با مطالعه کلام در مورد اراده خدا می آموزیم که این امر ما را قادر می سازد که جلوی دعاهایی را که خدا از ما نخواستہ بگیریم. یوحنا رسول نوشت:

"این است اطمینانی که در حضور او داریم که هرگاه چیزی بر طبق اراده وی درخواست کنیم، ما را می شنود" (۱ یوحنا ۵: ۱۴)

۲. **باید با ایمان دعا کنیم.** باید ایمان داشته باشیم که خدا دعاهای ما را می شنود و قدرت پاسخگویی به آن را دارد. یعقوب ۱: ۵-۶ می گوید:

"اگر از شما کسی بی بهره از حکمت است، درخواست کند از خدایی که سخاوتمندانه و بدون ملامت به همه عطا می کند، و به وی عطا خواهد شد. اما با ایمان درخواست کند و هیچ تردید به خود راه ندهد، زیرا کسی که تردید دارد، چون موج دریاست که با وزش باد به هر سو رانده می شود" (یعقوب ۱: ۵-۶).

اگرچه این بدان معنا نیست که هر چه از خدا بخواهیم به ما بدهد. خدا تمام مشکلات ما را در این دنیا برطرف نمی کند. اما پیشنهاد مکانی در پادشاهی خود را می دهد. اگر درست دعا کنیم خدا نیز ما را خواهد شنید و به نوعی به ما جواب خواهد داد که به ما کمک کند تا رشد معنوی داشته و شخصیتی مسیح گونه یابیم و ما را برای پادشاهی آماده سازد. خدا می داند چه برای ما بهتر است. به همین خاطر هر چه را که بخواهیم همیشه به ما نمی دهد. گاهی باید مدت زمانی انتظار بکشیم و سپس خدا پاسخ درخواست ما را می دهد. اسحاق دعا کرد و مدت زیادی را منتظر تولد پسرانش ماند (پیدایش ۲۵: ۲۰-۲۶). گاهی خدا ما را با شرایط زندگی تادیب می کند اما باز می توانیم از او درخواست کمک نماییم، مشکلات را قبول کرده و از آنها پند گیریم.

"می دانیم در حق آنان که خدا را دوست می دارند و بر طبق اراده او فرا خوانده شده اند، همه چیزها با هم برای خیریت در کار است" (رومیان ۸: ۲۸).

خدا کسانی را که صادقانه در پی او هستند دوست دارد و ما باید ایمان داشته باشیم که هر اتفاقی که برای ما امروزه می افتد بخاطر کارهایی است که خدا برای ما انجام می دهد. بنابراین باید با ایمان کامل در دعاها ایمان بخواهیم که اراده خود، نه اراده ما، اجرا شود و بدانیم که تنها خداست که می تواند در زندگی به ما کمک کند.

"چشمان خداوند، بر پارسایان است و گوش هایش به فریاد کمک ایشان" (مزمیر ۳۴: ۱۵).

خداوند در شرایطی که تحت کنترل دارد می تواند ایمانداران را هدایت کند. گاهی اگر به گذشته خود نگاهی بیندازیم در می یابیم که خداوند چگونه به دعاها ایمان پاسخ داده است.

۳. طرز تفکر صحیح. وقتی در دعا به درگاه خدا می رویم باید فروتن باشیم. باید درک کنیم که خدا چقدر بزرگ و ما چقدر کوچک هستیم. باید کاملاً با خود رو راست بوده و با درکی عمیق از گناهان خود و نیاز بخشش از او به درگاه او برویم. مسیح مثلی از یک باجگیر و فریسی را گفت. باجگیری که حقیر شمرده شده بود سر خود را نزد خدا خم کرده و دعا کرد "خدایا بر من گناهکار رحم کن" (لوقا ۱۸: ۱۳). مسیح گفت که دعاها یا توسط خدا شنیده خواهد شد چون بسیار فروتن است. بر عکس

فریسی که بر زندگی خود بسیار مغرور بود دعا‌های او شنیده نخواهد شد. مزامیر ۱۳۸: ۶ نشان می‌دهد که خدا زمانی که مغروریم به ما توجهی نمی‌کند:

"اگرچه خداوند متعال است، بر افتادگان نظر می‌کند، ولی متکبران را از دور می‌شناسد"
(مزامیر ۱۳۸: ۶).

برخی گمان می‌کنند که بدون خدا از زندگی لذت خواهند برد و تنها قبل از مرگ به خدا روی می‌آورند. اما خدا انگیزه و افکارشان را می‌داند و می‌داند که توبه آنها واقعی نیست. به هر حال اگر ناگهان بمیرند و یا تا بازگشت مسیح زنده بمانند نقشه آنها خراب خواهد شد. خدا فریب داده نمی‌شود. کتاب مقدس پر از دعا است. مانند کتاب مزامیر که ۱۵۰ دعا دارد که می‌شود از آن یاد گرفت. همچنین دعا‌های مسیح و شاگردانش را نیز در اختیار داریم. اگر هر روز کتاب را مطالعه کنیم، ذهنی پرورش خواهیم داد که خدا را خشنود خواهد کرد. طرز فکر ما ساخته خواهد شد و به همین نسبت درست تر با خدا صحبت خواهیم کرد. کم کم متوجه می‌شویم که باید بطور کامل به او اطمینان کرده و تنها به ایده‌ها و اعمال خودمان فکر نکنیم.

چه زمانی باید دعا کنیم؟

ما می‌توانیم در هر زمان و در هر شرایطی دعا کنیم، دقیقا همانند آرزوهایمان. فرقی نمی‌کند که در خانه باشیم، در سفر یا سر کار. مسیح دوست داشت که برای دعا کردن به جای خلوتی برود و تنها باشد. اما ما می‌توانیم وسط یک شرایط اورژانسی نیز دعا کنیم. همانطور که نحمیا نیز این کار را انجام داد (نحمیا ۲: ۴). برخی افراد دوست دارند در ساعات مشخصی دعا کنند، معمولا آغاز و پایان روز (مزامیر ۹۲: ۲). نویسنده مزامیر ۵۵: ۱۷ و دانیال هر دو ۳ بار در روز دعا می‌کردند (دانیال ۶: ۱۰). پولس گفت: "همیشه دعا کنید". این بدین معنا نیست که هر دقیقه در روز با خدا صحبت کنیم، بلکه نشان می‌دهد که تمام زندگی را باید با دعا و صحبت با خدا بگذرانیم.

مسیح بعنوان کاهن اعظم و میانجی ما

وقتی خیمه در صحرا بعنوان مکانی برای عبادت ساخته شد، جلال خدا بر تابوت عهد می‌درخشید. هیچکس بجز کاهن اعظم اجازه ورود به درگاه خدا را نداشت و آن هم فقط یک بار در سال یعنی در روز کیپور (روزی جهت بخشایش گناهان) بود. در آن روز او تمام گناهان مردم اسرائیل را نزد خدا اقرار می‌کرد. او میانجی و تنها راه امت برای صحبت با خدا بود و این امر تا نسل‌ها طول کشید. قانون میانجی‌گری برای مردم، برای عیسی مسیح گذاشته شد و او میانجی ایمانداران است. او با مرگش راهی "تازه و زنده" را بسوی خدا گشود (عبرانیان ۱۰: ۲۰).

خدا مقدس و عادل است. پس انسانهای گناهکار نمی توانند بطور مستقیم با او در ارتباط باشند. اما عیسی مسیح راهی را گشوده است تا کسانی که تعمید گرفته اند بتوانند به درگاه او بیایند و در پی بخشش باشند، با علم بر این واقعیت که: "اگر به گناهانمان اعتراف کنیم، او امین و عادل است تا گناهان ما را بیامرزد و ما را از هر ناراستی پاک سازد" (۱ یوحنا ۱: ۹). بنابراین ایمانداران تعمیدی بواسطه عیسی مسیح نزد خدا دعا می کنند چون او دعاهای ما را به حضور خدا می برد. به همین خاطر است که در آغاز و یا پایان دعاهای خود از عبارت "در نام عیسی مسیح" استفاده می کنیم. عیسی مسیح نیز ذاتی انسانی همانند ما داشت. پس ما را درک می کند و می تواند "هم درد ضعف های ما شود" (عبرانیان ۴: ۱۵).

مسیح برخیزانده شده، بر دست راست پدر است و برای کسانی که در نام او دعا می کنند میانجی گری می کند:

"... مسیح عیسی که مرد، بلکه برخیزانیده نیز شد و به دست راست خداست، اوست که برای ما شفاعت می کند" (رومیان ۸: ۳۴).

مسیح کاری فراتر از رساندن دعاهای ما به خدا را انجام می دهد و همه اینها بخاطر عشق او به ما و قدرتی است که به او داده شده است (متی ۲۸: ۱۸). او تمام خواسته ها و احتیاجات ما را نزد خدا می برد:

"پس او قادر است آنان را که از طریق وی نزد خدا می آیند، جاودانه نجات بخشد زیرا همیشه زنده است تا برایشان شفاعت کند" (عبرانیان ۷: ۲۵).

وعده او به شاگردانش را قبل از مرگش به یاد آورید:

"آمین، آمین، به شما می گویم، هر چه از پدر به نام من بخواهید، آن را به شما خواهد داد" (یوحنا ۱۶: ۲۳).

عیسی مسیح شفاعت پیروانش را کرده و دعاهای آنان را نزد خدا آورده و در زندگی آنها در جواب دعاهایشان دخالت دارد.

"او که پسر خود را دریغ نداشت، بلکه او را در راه همه ما فدا ساخت، آیا همراه با او همه چیز را به ما نخواهد بخشید؟" (رومیان ۸: ۳۲).

عیسی مسیح کاهن اعظم ایمانداران تعمیدی است. او میانجی گری دعا‌های ما را نزد خدا می‌کند و برای گناهان ما نزد خدا شفاعت می‌طلبد.

اگر در برکت خدا تعمید یافتید رابطه‌ای خاص با خدا از طریق پسرش خواهید داشت که موجب خوشحالیست. در تعمید گناهان شما بخشیده خواهد شد و خدا برای همیشه آنها را از بین خواهد برد و پس از آن اگر عمیقاً متأسف شده و در پی بخشش باشید، گناهان هر روز شما را نیز خواهد بخشید.

آیا خدا دعای غیر تعمیدی‌ها را نیز می‌شنود؟

اگر چه بدون تعمید در مسیح هیچ گناهی بخشیده نمی‌شود. مهم است بدانیم که خدا دعای کسانی را که در پی شناخت او و راهپایش هستند را می‌شنود. برای مثال خدا دعای کرنیلیوس و لیپیا را قبل از تعمیدشان شنید (اعمال رسولان ۱۰: ۱-۶ و ۱۶: ۱۳-۱۴). وقتی مردم از خدا بخاطر برکاتش تشکر می‌کنند و از او کمک می‌خواهند او نیز خشنود می‌شود.

اما کسانی که پیام نجات خدا را نمی‌پذیرند، نمی‌توانند از خدا انتظار شنیدن دعا‌هایشان را داشته باشند. گناهانشان تنها زمانی بخشیده خواهد شد که توسط تعمید به عیسی مسیح مرتبط شوند. این روشی است که خدا بنا کرده و هیچکس در مورد روشی که او برای جلال خود انتخاب کرده نمی‌تواند بحث کند. خدا به همه مخلوقاتش توجه داشته و دعای هر شخص عادل را می‌شنود اما ممکن است فوراً پاسخ ندهد و یا ممکن است پاسخ دعا‌هایمان را طوری دریافت کنیم که انتظار آن را نداریم.

خلاصه:

- خدا دعای همه کسانی که فروتن و عادل هستند را خواهد شنید.
- باید یاد بگیریم که درست و برای چیزهای صحیح دعا کنیم.
- پس از تعמיד، برای بخشایش گناهان به واسطه مسیح دعا می کنیم.
- دعاهايمان بايد شامل اين موارد باشند:
 - پرستش و احترام برای خدا و عیسی مسیح
 - درخواست برای بازگشت سریع مسیح جهت برقراری پادشاهی خدا
 - درخواست کمک برای خواندن کتاب مقدس، خدمت به خدا و تعلیم کلام
 - اعتراف به گناه نزد خدا
 - شکر خدا برای برکتی که هر روزه از او می گیریم
 - درخواست کمک از خدا برای کسانی که می دانیم محتاج هستند
 - درخواست از خدا برای حمایت از خانواده خود و کمک برای آمدن آنها به سمت او

آیاتی جهت مطالعه:

(فیلیپیان ۴: ۶) "برای هیچ چیز نگران نباشید، بلکه در هر چیز با دعا و استغاثه، همراه با شکرگزاری، درخواستهای خود را به خدا ابراز کنید".

(اعمال رسولان باب ۱۰)

(مزامیر باب های ۵۱ و ۱۰۲)

(لوقا ۱۸: ۱-۱۴)

(۱ تیموتائوس ۲: ۵)

(عبرانیان ۴: ۱۴ و ۹: ۲۴).

پرسش های بخش نهم

درس های ۳۲ و ۳۳: ازدواج مسیحی و رویارویی با مشکلات در ازدواج

۱-۳۳/۳۲ لطفا با بله و خیر پاسخ دهید:

الف) آیا همه مسیحیان باید ازدواج کنند؟

ب) آیا یک ایماندار می تواند با یک غیر ایماندار ازدواج کند؟

پ) اگر مرتکب زنا شویم، آیا بخشیده می شویم و می توانیم تعمید می گیریم؟

ت) اگر قصد ازدواج با کسی را داریم، آیا خارج از قالب ازدواج می توانیم رابطه جنسی برقرار کنیم؟

ث) آیا ازدواج باید برای تمام عمر باشد؟

ج) آیا زوجین باید فرزند داشته باشند؟

چ) آیا خدا از طلاق متنفر است؟

ح) اگر یک ایماندار و غیر ایماندار با هم ازدواج کردند، آیا بهتر است که ازدواجشان پا برجا بماند یا اینکه باید جدا شوند؟

خ) آیا شخصی که زنا کرده است باید او را طلاق داد؟

د) آیا ایماندار می تواند در صورت زنده بودن همسر اول باز هم ازدواج کند؟

ذ) در صورت دوست نداشتن یکدیگر آیا دو طرف می توانند به ازدواج ادامه ندهند؟

ر) اگر همسر شخصی فوت کند، آیا آن شخص می تواند دوباره ازدواج کند؟

۲-۳۳/۳۲ ازدواج رابطه ای است که خدا فراهم کرده است.

الف) چرا خدا حوا را آفرید؟

ب) خدا حوا را چگونه خلق کرد؟

پ) پیدایش ۲: ۲۴ در مورد ازدواج به ما چه می آموزد؟

۳-۳۳/۳۲ دوم قرن‌تین ۶: ۱۴-۱۵ را بخوانید. چرا ازدواج یک ایماندار و یک غیرایماندار منطقی نیست؟

۴-۳۳/۳۲ اول قرن‌تین ۶: ۹-۱۰ به ما چه می آموزد؟

۵-۳۳/۳۲ یک مرد چگونه می تواند خانواده خود را هدایت کند؟

۶-۳۳/۳۲ افسسیان ۵: ۲۲-۲۳ را بخوانید. ازدواج مسیحی باید نمادی از رابطه مسیح و کلیسا باشد.

الف) این امر در مورد مسئولیت مرد نسبت به همسرش چه می آموزد؟

ب) و همینطور در مورد رفتار زن نسبت به شوهرش چه می آموزد؟

۷-۳۳/۳۲ در اول پطرس ۳: ۱-۲ به زنانی که همسر بی ایمان دارند چه نصیحتی شده است؟

درس ۳۴: وظایف ما در قبال امور کشور

۱-۳۴ چند شغل که ایمانداران باید از آن خودداری کنند را نام ببرید؟

۲-۳۴ چرا ایمانداران واقعی رای نمی دهند و در سیاست شرکت نمی کنند؟

۳-۳۴ منظور مسیح در یوحنا ۱۸: ۳۶ چیست؟

۴-۳۴ مسیحیان باید همیشه از قوانین کشور مطابعت کنند. تنها دلیلی که سرپیچی از فرامین را امکان پذیر می سازد چیست؟

۵-۳۴ فهرستی از مطالب آموزنده اول پطرس ۲: ۱۱-۱۷ را بنویسید.

۶-۳۴ از دانیال باب های ۱ و ۳ و ۶ در مورد او و دوستانش چه می آموزیم؟

۷-۳۶ مسیح در متی ۲۲: ۲۱ چه چیزی را تعلیم می دهد؟

درس ۳۵: دعا

۱-۳۵ اگر می خواهیم خدا دعاهايمان را بشنود طرز تفكرمان باید چگونه باشد؟

۲-۳۵ برای چه اتفاقی در آینده باید دعا کنیم؟

۳-۳۵ فهرستی از مواردی که باید در دعاهايمان باشد تهیه کنید.

۴-۳۵ خدا همیشه سریعاً جواب دعاهايمان را نمی دهد و همین طور همه خواسته هايمان را همیشه بر آورده نمی کند.

الف) چرا؟

ب) این امر در مورد دعاهايمان به ما چه می آموزد؟

۵-۳۵ میانجی چه کسی است؟

۶-۳۵ عبرانیان ۴: ۱۴-۱۶ توضیح می دهد که چرا مسیح کاهن اعظم ما است. این آیه در این مورد چه می گوید؟

۷-۳۵ عبرانیان ۱۰: ۱-۴ قربانی کردن حیوانات طبق شریعت موسی را تعریف می کند. چرا قربانی مسیح بهتر است؟

۸-۳۵ الف) دوم سموئیل ۱۱: ۱-۷ را بخوانید. بطور مختصر توضیح دهید که داوود چگونه گناه کرد؟

ب) مزامیر باب ۵۱ پس از گناه داوود نوشته شده است. این آیه چه چیزی را نشان می دهد؟

پ) گناهانمان چگونه بخشیده می شود؟

ت) آیا ایمانداران پس از تعمید گناه می کنند؟ اگر اینگونه است پس گناهان چگونه بخشیده می شوند؟

درس سی و ششم: زندگی تازه در مسیح

مطالعه: افسسیان باب ۴

شروعی تازه

در تعمیم زندگی روحانی جدیدی آغاز می شود. زندگی قدیمی ما زمانی پایان می پذیرد که دفن می شویم: "در مرگ او تعمیم یافتیم". سپس همانند مسیح که "به وسیله جلال پدر، از مردگان برخیزانیده شد" ما نیز از آب برخاسته و زندگی جدیدی را در مسیح آغاز می کنیم (رومیان ۶: ۴). در تعمیم با خدا پیمان می بندیم که زندگی خود را در راه خدمت به او تغییر دهیم. این تصمیمی است برای وقف زندگی خود به خدا. این تغییر بزرگ در زندگی، نیازمند عزم و تلاش زیادی است و تنها با کمک خدا امکان پذیر می باشد. اما این تغییرات همه با هم و در یک لحظه انجام نمی شود و معمولاً با شکست نیز مواجه می شویم. وقتی از خدا طلب بخشش می کنیم، خدا ما را بخاطر مسیح می شنود:

"پس آزادانه به تخت فیض نزدیک شویم تا رحمت بیابیم و فیضی را حاصل کنیم که به هنگام نیاز یاریمان دهد" (عبرانیان ۴: ۱۶).

طرز فکری تازه

در درس ۲۷ آموختیم که خدا خالص و عادل است و همینطور از افکار، امیال، آرزوها و روش های انسانی کاملاً به دور است. بنابراین وقتی خود را وقف خدا کنیم او از ما می خواهد که از راه دنیا جدا شده و خود را در اختیار قوانین و روش های او قرار دهیم. پس روش جدید زندگی به طرز فکری جدید نیز نیاز دارد:

"پس چون با مسیح برخیزانیده شده‌اید، آنچه را که در بالاست بجوید، آنجا که مسیح به دست راست خدا نشسته است. به آنچه در بالاست بیندیشید، نه به آنچه بر زمین است. زیرا مُردید و زندگی شما اکنون با مسیح در خدا پنهان است. چون مسیح که زندگی شماست، ظهور کند، آنگاه شما نیز همراه او با جلال ظاهر خواهید شد. پس، هرآنچه را در وجود شما زمینی است، بکشید، یعنی بی عفتی، ناپاکی، هوی و هوس، امیال زشت و شهوت پرستی را که همان بت پرستی است" (کولسیان ۳: ۱-۵).

در غلاطیان ۵: ۱۶-۲۴ پولس باز نشان می دهد که چگونه افکار ما باید تغییر کند. "جسم" نشان دهنده افکار گناه آلود ماست و "روح" افکار خدایست. پولس نشان می دهد که این دو با یکدیگر در مغایرت هستند:

"زیرا خواهش جسم به خلاف روح است و خواهش روح به خلاف جسم و این دو با یکدیگر منازعه می کنند بطوری که آنچه می خواهید نمی کنید" (غلاطیان ۵: ۱۷).

غلاطیان ۵: ۲۲-۲۳ ثمره روح	غلاطیان ۵: ۱۹-۲۱ اعمال جسم
"اما ثمره روح، محبت، شادی، آرامش، صبر، مهربانی، نیکویی، وفاداری، فروتنی و خویشتنداری است. هیچ شریعتی مخالف اینها نیست."	"اعمال نفس روشن است: بی‌عفتی، ناپاکی، و هرزگی؛ بت‌پرستی و جادوگری؛ دشمنی، ستیزه‌جویی، رشک، خشم؛ جاه‌طلبی، نفاق، دسته‌بندی، حسد؛ مستی، عیاشی و مانند اینها. چنانکه پیشتر به شما هشدار دادم، باز می‌گویم که کنندگان چنین کارها پادشاهی خدا را به میراث نخواهند برد."

این بدین معناست که همیشه در زندگی روحانی ما کشمکش‌هایی وجود خواهد داشت، چون اعمال روح به نسبت اعمال جسم (روشهای دنیا) بسیار متفاوت هستند.

پولس رسول این تغییر را همانند در آوردن لباسی کهنه و پوشیدن لباسی نو تشبیه کرد. او در افسسیان ۴: ۲۲ و ۲۴ به ما می گوید:

"شما آموختید که باید به لحاظ شیوه زندگی پیشین خود، آن انسان قدیم را که تحت تأثیر امیال فریبنده دستخوش فساد بود، از تن به در آورید ... و انسان جدید را در بر کنید، که آفریده شده است تا در پارسایی و قدوسیت حقیقی، شبیه خدا باشد" (افسسیان ۴: ۲۲ و ۲۴).

جدول زیر انسانیت کهنه که باید دور انداخته و انسانیت جدیدی که باید بپوشیم را نشان می دهد:

افسیان ۴: ۲۵ تا ۵: ۲۱

چیزهایی که باید بیوشیم	چیزهایی که باید دور بیاندازیم
راست بگویید	دروغ را ترک کنید
به دست های خود کار نیکو کرده، زحمت بکشد تا بتواند نیازمندی را چیزی دهد	دزد دیگر دزدی نکند
آنچه بحسب حاجت و برای بنا نیکو باشد تا شنوندگان را فیض رساند	دهانتان به هیچ سخن بد گشوده نشود
با یکدیگر مهربان باشید و رحیم و همدیگر را عفو نمایید چنانکه خدا در مسیح شما را هم آمرزیده است	هر گونه تلخی، خشم، عصبانیت، فریاد، ناسزاگویی و هر نوع بدخواهی را از خود دور کنید
پس چون فرزندان عزیز به خدا اقتدار کنید و در محبت رفتار نمایید چنانکه مسیح هم ما را محبت نمود و خویشتن را برای ما به خدا هدیه داد	مباد که در میان شما از بی عفتی یا هر گونه ناپاکی یا شهوت پرستی حتی سخن به میان آید، زیرا اینها شایستهٔ مقدسین نیست
بلکه شکرگزاری	گفتار زشت و بیهوده گویی و سخنان مبتذل نیز به هیچ روی زیبنده نیست
الحال در خداوند نور می باشید، پس چون فرزندان نور رفتار کنید زیرا که میوه نور در کمال، نیکویی و عدالت و راستی است و تحقیق نمایید که پسندیده خداوند چیست	شما زمانی تاریکی بودید
بلکه وقت را دریابید و بفهمید که اراده خداوند چیست	نادان نباشید
با یکدیگر به مزامیر و تسبیحات و سرودهای روحانی گفتگو کنید و در دلهای خود به خداوند بسرایید و ترنم نمایید	مست شراب مشوید

اراده خدا و یا اراده ما

پرستش خدا در روزهای یکشنبه و بی اعتنایی به او در روزهای دیگر آسان است اما قابل قبول نیست. پرستش های ما زمانی قابل قبول است که صادقانه باشد. افرادی که در مسیح عیسی هستند برخورد بسیار متفاوتی نسبت به دیگر انسانهای اطرافشان دارند. درک کتاب مقدس زمانی ارزشمند است که به آنها عمل کنیم.

در متی ۷: ۱۵-۲۳ مسیح می گوید که درخت بیمار نمی تواند میوه بیاورد و همچنین بوته خار نمی تواند انگور داشته باشد. با این مثال او نشان می دهد کسانی که از درون پر از شرارت هستند هرگز نمی توانند یک مسیحی واقعی باشند و توسط خدا پذیرفته نمی شوند:

"نه هر که مرا 'سرورم، سرورم' خطاب کند به پادشاهی آسمان راه یابد، بلکه تنها آن که اراده پدر مرا که در آسمان است، به جا آورد" (متی ۷: ۲۱).

مسیح انتخاب کرد که اراده پدر را بجا آورد و این بسیار سخت بود. کسانی که اراده خدا را بجا می آورند جایگاهی در پادشاهی خدا هنگام برقرار شدن آن بر روی زمین به آنها داده خواهد شد.

گاهی شاید در درستی انجام کاری شک کنید. برای آن دعا می کنید اما باز هم اطمینان نمی یابید. چون کتاب مقدس هم به نظر می آید که چیزی درباره آن نگفته است. برای کمک به خود می توانیم از خودمان بپرسیم که اگر مسیح بر روی زمین بود این کار را انجام می داد؟ اگر مسیح آن کار را انجام نمی داد پس شاگردانش نیز نباید آن را انجام دهند.

عضوی از خانواده جهانی بودن

به واسطه فیض خدا در تعمیم ما دختران و پسران خدا می شویم (۲ قرنیتیان ۶: ۱۸). این یک امر شگفت انگیز است که خدای عادل مطلق چنین رابطه نزدیکی را با ما می خواهد. ولی ما زمانی می توانیم به این رابطه با خدا و عیسی مسیح ادامه دهیم که "در نور قدم برداریم" و از تاریکی گناه خودداری کنیم (۱ یوحنا ۱: ۶-۷).

کریستادلفینی ها روابطی جهانی دارند. همه آنها عیسی مسیح را بعنوان سر خود و کتاب مقدس را بعنوان راهنما و تنها قدرت پذیرفته اند. به همین خاطر خواندن روزانه آن مهم است. در درس بعد بیشتر در مورد آن توضیح خواهیم داد. دعاهای شخصی و در جمع نیز ضروریست.

مسیح می دانست که شاگردانش به راحتی کاری را که او بواسطه مرگش برای آنها انجام داده را فراموش می کنند. در شام آخر سخنانی را با آنها در میان گذاشت. به آنها گفت که مرگش را چگونه

یادآوری کنند. (لوقا ۲۲: ۱۴-۲۰). نان و شراب نمادی است تا پیروان تعمیدی بخاطر آورند که مسیح چگونه زندگی خود را برای آنها قربانی کرد. نان نشانی از بدن عیسی و شراب نشانی از خون اوست. به پیروان مسیح دستور داده شده که با این نمادها همیشه مرگ او را یادآوری کنند. کریستادلفینی ها یک بار در هفته برای انجام این کار دور هم جمع می شوند.

محبت و خدمت به یکدیگر

در شام آخر مسیح "از شام برخاست و ردا از تن به در آورد و حوله‌ای برگرفته، به کمر بست. سپس آب در لگنی ریخت و شروع کرد به شستن پاهای شاگردان و خشک کردن آنها با حوله‌ای که به کمر داشت" (یوحنا ۱۳: ۴-۵).

شستن پا کار خدمتکاران بود اما مسیح این کار را انجام داد. پس از آن گفت:

"من با این کار، سرمشقی به شما دادم تا شما نیز همان گونه رفتار کنید که من با شما کردم" (یوحنا ۱۳: ۱۵).

او با محبت و فروتنی به شاگردانش خدمت کرد. پس ما نیز باید به یکدیگر خدمت کرده و شبیه انسان هایی شویم که خدا می خواهد در پادشاهی خود داشته باشد.

"خوشا به حال حلیمان، زیرا آنان زمین را به میراث خواهند برد" (متی ۵: ۵).

مسیح قبل از مرگش به شاگردانش گفت و امروزه نیز به پیروانش می گوید:

"حکم من این است که یکدیگر را محبت کنید، چنانکه من شما را محبت کرده‌ام" (یوحنا ۱۵: ۱۲).

او آنقدر ما را دوست داشت که بخاطر ما زیر بار مرگی دردناک و شرم آور رفت. او زندگی خود را به جهت ما داد. یوحنا رسول می گوید:

"محبت را از آنجا شناخته‌ایم که او جان خود را در راه ما نهاد، و ما نیز باید جان خود را در راه برادران بنهیم" (۱ یوحنا ۳: ۱۶).

محبت به یکدیگر، همانطور که مسیح به ما محبت کرد یک چالش بزرگ است. همه ما می دانیم که باید چگونه با هم رفتار کنیم اما عمل به آن بسیار دشوار است. بسیار زمان می برد که انسانیت کهنه ما از بین برود. بعضی از ما مغروریم، یعنی زود خشم هستیم، یعنی دمدمی مزاج و حساس هستیم. هر کدام از ما خطاهایی داریم. اینها مواردی هستند که باید با آنها بجنگیم. در عین حال محبت مسیح را نیز باید به دیگران نشان دهیم. تصویری از محبت مسیحی در اول قرن‌تینان باب ۱۳ وجود دارد. آیات ۴

تا ۷ را می بینید:

"محبت بردبار و مهربان است؛ محبت حسد نمی برد؛ محبت فخر نمی فروشد و کبر و غرور ندارد. رفتار ناشایسته ندارد و نفع خود را نمی جوید؛ به آسانی خشمگین نمی شود و کینه به دل نمی گیرد؛ محبت از بدی مسرور نمی شود، اما با حقیقت شادی می کند. محبت با همه چیز مدارا می کند، همواره ایمان دارد، همیشه امیدوار است و در همه حال پایداری می کند" (۱ قرنیتیان ۱۳: ۴-۷).

محبت به همسایه و دشمنان

امروزه افراد زیادی به دنبال حق خود هستند و کسانی که بر پاهای خود ایستاده اند مورد ستایش قرار می گیرند. انسانها بهترین را برای خود می خواهند، حتی اگر به قیمت عذاب دادن دیگران باشد. اما مسیحیان باید به دیگران کمک کنند، حتی اگر باعث عذاب کشیدن خودشان باشد. روزی فقیهی نزد مسیح آمد و از او پرسید حکم اعظم کدام است؟ مسیح به او گفت:

"عیسی پاسخ داد: خداوند: خدای خود را با تمامی دل و با تمامی جان و با تمامی فکر خود محبت نما. این نخستین و بزرگترین حکم است. دومین حکم نیز همچون حکم نخستین است: همسایهات را همچون خویشتن محبت نما" (متی ۲۲: ۳۷-۳۹).

داستانی که مسیح در مورد همسایه خوب در لوقا ۱۰: ۳۰-۳۷ گفت را بخوانید. اگر کسی محتاج است باید به او کمک کنیم، حتی اگر آن شخص دشمن ماست. نباید تعلق کرده و تفکر کنیم که آیا از او خوشمان می آید یا خیر و یا آیا او واقعا نیازمند کمک است و یا نه. مسیح نیز گفته است:

"پس با مردم همان گونه رفتار کنید که می خواهید با شما رفتار کنند. این است خلاصه تورات و نوشته های انبیا" (متی ۷: ۱۲).

"شنیده اید که گفته شده، همسایهات را محبت نما و با دشمنت دشمنی کن. اما من به شما می گویم دشمنان خود را محبت نمایید و برای آنان که به شما آزار می رسانند، دعای خیر کنید" (متی ۵: ۴۳-۴۴).

بزرگترین کاری که می توانیم برای دیگران انجام دهیم دادن خبر خوب پادشاهی خداست. همانطور که خدا ما را دعوت کرده که راه او را حفظ کنیم و شادی پادشاهی را با دیگران سهیم شویم، پس ما نیز باید دیگران را برای سهیم شدن دعوت کنیم.

رفتار مسیحی و پول و سلامتی و زمان

مسیح هشدار داد: "هیچ کس دو ارباب را خدمت نتواند کرد، زیرا یا از یکی نفرت خواهد داشت و به دیگری مهر خواهد ورزید، و یا سرسپرده یکی خواهد بود و دیگری را خوار خواهد شمرد. نمی‌توانید هم بنده خدا باشید، هم بنده پول" (متی ۶: ۲۴).

پولس نشان داد که ما باید از آنچه که داریم راضی و خشنود باشیم (۱ تیموتائوس ۶: ۶-۱۰). پس پیروان واقعی مسیح قمار نمی‌کنند (۱ تیموتائوس ۶: ۱۷) و یا رشوه نمی‌گیرند (خروج ۲۳: ۸). پول و امکانات توسط خدا به ما داده می‌شود (۱ تواریخ ۲۹: ۱۴-۱۶) و ما نباید از آنها سوءاستفاده کنیم. باید برای زندگی بهتر و خدمت به خدا از آن استفاده کنیم.

به طور مشابه سلامتی و قدرت ما نیز از سوی خداست. پس کسانی که در مسیح اند نمی‌توانند در فعالیت‌هایی شرکت کنند که به سلامتی آنها آسیب زده و یا زندگی عزیزانشان را تحت تأثیر می‌گذارد. پس برای مثال از سیگار کشیدن، نوشیدن الکل و زیاده روی در آن و مصرف مواد مخدر باید دوری کنند. کسانی که درگیر این اتفاقات هستند می‌دانند که ترک آن تا چه اندازه سخت است. اما با عزمی راسخ و کمک گرفتن از عیسی مسیح می‌توان آن را بدست آورد. زمان ما نیز توسط خدا به ما داده شده است و باید به درستی از آن استفاده شود (افسیان ۵: ۱۶). پولس می‌گوید:

"و به خاطر همه مرد تا زندگان دیگر نه برای خود، بلکه برای آن کس زیست کنند که به خاطرشان مرد و برخاست" (۲ قرنتیان ۵: ۱۵).

رومیان ۱۴: ۷-۸ و اول پطرس ۴: ۱-۹ را نیز ببینید.

عیسی مسیح، راهنمای ما

زندگی تازه یک چالش بزرگ است. اما مسیح راهنمای ما در طول آن خواهد بود. همانطور که نجات دهنده ما بود و به واسطه او گناهانمان بخشیده شد. او همراه ماست و هرگز نمی‌گذارد تنها به سراغ مشکلات برویم. او دعای ایمانداران واقعی را به درگاه خدا می‌برد و اینگونه در زندگی ما سهیم خواهد بود و در تمامی غمها و شادی‌های ما خواهد بود و ما را برای زندگی با او در پادشاهی خدا آماده می‌کند.

خلاصه:

زندگی تازه در مسیح یعنی:

- خواندن هر روزه کلام خدا
- دعا و ستایش خدا و پسرش
- یاد آوری مرگ مسیح بواسطه نان و شراب
- پیروی از مثال های مسیح، تا بتوانیم:
 - به برادران و خواهران خود در مسیح محبت کنیم
 - به دیگران هر وقت که می توانیم کمک کرده، بخصوص به واسطه تدریس کلام
 - شرکت نکردن در فعالیت هایی که در این دنیا ما را از خدا دور می کند
 - مهمتر از همه با تمام وجود به خدا محبت کنیم

آیاتی جهت مطالعه:

(۲ قرننیاں ۵: ۱۷) "پس اگر کسی در مسیح باشد، خلقتی تازه است. چیزهای کهنه درگذشت؛ هان، همه چیز تازه شده است."

(لوقا ۱۰: ۳۰-۳۷)

(لوقا ۲۲: ۱۴-۲۰)

(رومیان باب ۶)

(۱ قرننیاں باب ۱۳)

(۱ قرننیاں ۱۱: ۲۳-۲۸).

درس سی و هفتم: مطالعه روزانه کتاب مقدس

مطالعه: مزامیر ۱۱۹: ۸۹-۱۱۲

کتاب مقدس - متفاوت از کتابهای دیگر

کتاب مقدس چشمه ای عمیق از آبی شفاف است. چشمه ای آنقدر عمیق که هرگز به کف آن نمی رسید. هر چه بیشتر بخوانید، بیشتر می یابید. هرگز به آنجایی نمی رسید که همه چیز را بدانید و دیگر احتیاج به خواندن نداشته باشید. ببینید مردم کلام را چگونه یافته اند:

۱ تسالونیکیان ۲: ۱۳	اعمال رسولان ۱۷: ۱۱-۱۲
<p>"نیز ما خدا را پیوسته شکر می‌گوییم که شما به هنگام پذیرفتن کلام خدا، که از ما شنیدید، آن را نه چون سخنان انسان، بلکه چون کلام خدا پذیرفتید، چنانکه برآستی نیز چنین است؛ همان کلام اکنون در میان شما که ایمان دارید، عمل می‌کند."</p>	<p>"اینان از مردمان تسالونیکی نجیب‌تر بودند، زیرا پیام را با اشتیاق پذیرفتند و هر روز کتب مقدس را بررسی می‌کردند تا ببینند آیا برآستی چنین است. بدین‌گونه، بسیاری از یهودیان و نیز شماری کثیر از زنان و مردان سرشناس یونانی ایمان آوردند."</p>

چرا باید کتاب مقدس را بخوانیم؟

- چطور می توانیم در مورد خدا بدانیم، مگر اینکه کلامش را خوانده باشیم؟
- راه های خدا با راه های ما بسیار متفاوت است. چگونه می توانیم درست و غلط را در زندگی از هم تشخیص دهیم و اینکه چگونه می توانیم بدانیم که خدا از ما چه می خواهد مگر اینکه راهنمایی کتاب را بخوانیم؟
- چگونه می توانیم از مثال های عیسی مسیح پیروی کنیم، مگر اینکه در مورد زندگی بخوانیم؟
- خدا دعاهای کسی که کلامش را نمی خواند، نمی شنود (امثال ۲۸: ۹). پس باید به کلام احترام گذاشته و آن را بخوانیم.
- ایمان برای نجات ما ضروری است. مطالعه روزانه کتاب مقدس ایمان ما را افزایش می دهد و ما را روحا بنا می کند. ما نیاز داریم "در فیض و شناخت خداوند و نجات‌دهنده ما عیسی مسیح نمو کنید، که او را از حال تا ابدالآباد جلال باد! آمین" (۲ پطرس ۳: ۱۸).

- مطالعه کتاب مقدس به ما کمک می کند تا دریابیم که چه اندازه گناهکاریم و باید بر ضد امیال اشتباه خود بجنگیم.
- مطالعات به یادمان می آورد که خدا و عیسی مسیح برای ما چه کردند که این امر ما را قادر می سازد به دیگران محبت کنیم.
- از انجیل امید زندگی به ما می رسد.
- به ما کمک می کند تا ذهن خود را با امور خوب و معنوی و سودمند پر کنیم و ما را به خدا نزدیک تر می کند (فیلیپیان ۴: ۸-۹).

تثنیه ۶: ۱-۹ نشان می دهد که کتاب مقدس باید بخشی از زندگی هر روزه ما باشد. در قسمتی که در کادر آورده شده می بینید که کلام خدا می بایست همیشه با مردم باشد. باید در طول روز در مورد آن با یکدیگر صحبت کنند و مطمئن شوند که کودکان نیز آنها را می آموزند. این آیات به ما نشان می دهد که ما هر کجا که هستیم و هر کاری که می کنیم به خرد خدا برای راهنمایی خود نیازمندیم. این امر ما را از شرارت اطرافمان جدا می کند. اگر به قضاوت خود اطمینان داشته باشیم شکست می خوریم:

"با تمام دل خود بر خداوند توکل کن، و بر عقل خویش تکیه منما؛ در همه راههای خود او را در نظر داشته باش، و او طریق هایت را راست خواهد گردانید. خویشتن را حکیم مپندار؛ از خداوند بترس و از شرارت دوری کن". (امثال ۳: ۵-۷)

(تثنیه ۶: ۴-۹) "بشنو، ای اسرائیل: یهوه، خدای ما، خداوند یکتاست. یهوه خدای خود را با تمامی دل و با تمامی جان و با تمامی قوت خود محبت کن و این سخنان که من امروز تو را امر می فرمایم، بر دل تو باشد. آنها را به دقت به فرزندان بیاموز، و حین نشستن در خانه و رفتن به راه، و هنگام خوابیدن و برخاستن، از آنها گفتگو کن. آنها را چون نشان بر دست خود ببند و چون علامت بر پیشانییت بگذار. آنها را بر چارچوب در خانه خود و بر دروازه های خویش بنگار".

پولس اهمیت خواندن کلام خدا را در زندگیمان به ما می گوید:

"تمامی کتب مقدس الهام خداست و برای تعلیم و تأدیب و اصلاح و تربیت در پارسایی سودمند است، تا مرد خدا به کمال برای هر کار نیکو تجهیز گردد" (۲ تیموتائوس ۳: ۱۶-۱۷).

پس کتاب مقدس به ما می آموزد و ما را اصلاح کرده و با عدالت تربیت می کند. حتی مسیح هم به درک کاملی از صفح نیاز داشت (البته او فقط عهد عتیق را داشت) اما چقدر خوب آنرا می دانست.

کلام خدا راه حل تمام مشکلاتش بود. مسیح عهد عتیق را می خواند. پس ما نیز باید آن را بخوانیم.

خواندن تمامی کتاب

از اولین آیه پیدایش تا آخرین آیه مکاشفه کتاب مقدس الهامات خداست. بخشی از آن مانند مزامیر و اناجیل برای خواندن جالب هستند و برخی از افراد تا زمانی که کتاب هایی مثل روت و یا استر را تمام نکرده اند نمی توانند کتاب را زمین بگذارند. زندگی داوود پر از ماجرا بود. اما بخش های دیگر شرارت و جنگها را توضیح می دهد و ما از خواندن آنها زیاد لذت نمی بریم. بعضی از باب ها فهرستی از اسامی و مکانها دارند. اگر به انتخاب خودمان بود تنها باب های جذاب را می خواندیم. بعضی از ما فقط عهد جدید را می خوانیم و به همین خاطر متوجه مهمترین تعالیم کتاب مقدس همانند وجود شرارت در درون ما، قدوسیت عظیم خدا و احترام و اطاعت از او نمی شویم.

دوم تیموتائوس ۳: ۱۶ می گوید که تمامی کتب مفید هستند. افراد نیاز های متفاوتی دارند. روحیات و شرایط و تجربیات متفاوتی نیز دارند و کتاب مقدس همه را خشنود می سازد. ما بدون درک عهد عتیق نمی توانیم عهد جدید را به خوبی درک کنیم. اولین آیه عهد جدید در مورد "عیسی مسیح پسر داوود، پسر ابراهیم" سخن می گوید. عهد عتیق است که به ما جزئیات وعده های ابراهیم و داوود را نشان می دهد و عهد جدید تنها به آن وعده ها مراجعه کرده و ارتباط آنها را به عیسی مسیح و به ما نشان می دهد.

نیاز مطالعه هر روزه کتاب مقدس

خدا برای جسم ما غذایی که بدان محتاجیم را فراهم می کند. اما ذهن ما نیز به غذا نیاز دارد. غذای روح، همان کلام خداست. ما به این غذا هر روزه نیازمندیم و گرنه جسم ما بلافاصله از جهان تغذیه می کند. اگر همراه با دعا و تمرکز پیغام کتاب مقدس را بخوانیم، موجب می شود که درک ما از روش های خدا بیشتر شده و باعث خشنودی بیشتر خدا می شویم. نویسنده مزامیر گفت:

"شریعت تو را چقدر دوست می دارم. تمامی روز تفکر من است" (مزامیر ۱۱۹: ۹۷).

برای اینکه مطمئن شویم که تمام کتاب را می خوانیم، باید برای آن برنامه ریزی کنیم. همراه کتاب مقدس، کریستادلفینی ها تقویم مطالعه ای دارند که شما را هر سال یک بار به عهد عتیق و دو بار به عهد جدید می برد. کریستادلفینی های تمام دنیا از این برنامه استفاده کرده و کلام را هر روز می خوانند. اما اگر شما هنوز مطالعه هر روزه را آغاز نکرده اید پس تقویم مطالعه کتاب مقدس کریستادلفین این برنامه را به شما معرفی می کند.

شگفتی های کلام خدا

وقتی کلام را می خوانیم اکتشافات جالبی از آن به عمل می آید. در اینجا چند مثال را می بینید:

۱. زمانی که از ابراهیم خواسته شد تا پسرش اسحاق را قربانی کند (پیدایش باب ۲۲)، این واقعه قربانی شدن تنها پسر خدا را به یاد ما می آورد. همانطور که اسحاق چوب های جایگاه قربانی را خودش حمل کرد، مسیح نیز صلیب خود را بر دوش خود آورد. مسیح بره خدا بود که برای ما قربانی شد و ابراهیم در نهایت قوچی را قربانی کرد. ارتباطات دیگری نیز وجود دارد تا بتوانیم درک کنیم که چقدر قربانی کردن پسر برای ابراهیم سخت بود. پس می توانیم درک کنیم دیدن مرگ پسر چقدر برای خدا سخت بود.

۲. اسحاق در کوه موریا به ابراهیم برگردانده شد. کوهی که بعدها قسمتی از اورشلیم شد و معبد بزرگی که سلیمان ساخت بر آن واقع شد (۲ تواریخ ۳: ۱).

۳. شباهت های زیادی بین زندگی یوسف و عیسی مسیح وجود دارد. به همین خاطر می گوئیم که یوسف نیز نوعی مسیح بود. برای مثال هر دو پسران عادل بودند و برادران خود را که آنها را نپذیرفته بودند بخشیدند. یوسف در زندان انداخته شد و مسیح در قبر گذاشته شد. پس از آن یوسف نجات دهنده بزرگی برای برادران و تمام مردم سرزمینی که برای غذا به مصر آمده بودند شد. بدون او آنها می مردند. مسیح نیز نجات دهنده یهودیان و غیر یهودیان است.

۴. همانطور که ایلیا قبل از الیشع نبی آمد، یحیی تعمید دهنده نیز قبل از مسیح آمد. ایلیا و یحیی خصوصیات ظاهری مشابه و روش های زندگی مشابهی داشتند و هر دو راه را برای انبیاپی بزرگتر که پس از آنها می آمد، آماده می کردند (متی ۱۱: ۱۴). الیشع نیز نوعی مسیح بود چون معجزات زیادی از قبیل غذا دادن به انسانها و زنده کردن پسر مرده انجام داد.

۵. هزاران سال طول کشید تا مردم نیاز به بهداشت را درک کنند. اما احکامی که خدا به موسی برای مردم داد، قوانین بهداشتی زیادی را شامل می شد. آنها به کمک آن قوانین از دیگر امتهای سالم تر ماندند (تثنیه ۷: ۱۵).

۶. فهرست اسامی، اطلاعاتی را برای درک بهتر فراهم می کند. برای مثال فهرستی طولانی از اسامی در باب ۱ متی به ما نشان می دهد که عیسی مسیح از نسل زنان زیادی است که شامل راحاب (زن بدکاره غیر یهودی)، روت (یک غیر یهودی دیگر) و بتشبع کسی که داوود با او زنا کرد نیز می شود. آیا می توانستیم چنین کسانی را در نسل پسر گرانبها انتخاب کنیم؟ خدا با خرد خود ایمان زنان غیر

یهودی را به ما نشان می دهد که از سرگذشت آنها بسیار مهم تر بود. فهرستی که در لوقا باب ۳ آمده از نسل مسیح تا آدم را نشان می دهد و ثابت می کند که آدم یک انسان واقعی بود.

۷. دوم سموئیل ۱۲: ۱۳ نشان می دهد که داوود با بتشیع زنا کرد و چگونه نقشه مرگ همسر او را کشید. درک این موضوع که چطور داوود به سادگی بخشیده شد برای ما سخت است اما مزامیر باب های ۳۲ و ۵۱، تأسف عمیق او را نشان می دهد.

درس هایی برای زندگی

در اول قرنیتیان باب ۱۰ پولس به زمان موسی اشاره دارد. زمانی که مردم در صحرا بودند و حضور خدا با آنها بود و می خواست آنها را به سرزمین وعده برساند. اما در خصوص مردم گفت:

"با این همه، خدا از بیشتر آنان خرسند نبود، پس اجسادشان در سرتاسر بیابان پراکنده شد.

حال، این رویدادها به وقوع پیوست تا نمونه هایی باشد برای ما، تا ما همچون آنان در پی بدی

نباشیم" (۱ قرنیتیان ۱۰: ۵-۶).

پس ما از این مثال ها یاد می گیریم که نباید:

- امیال شریرانه داشته باشیم (آیه ۶)
- به دنبال لهو و لعب باشیم (آیه ۷)
- زناکار باشیم (آیه ۸)
- مسیح و همچنین خرد خدا را آزمایش کنیم (آیه ۹)
- گله مند باشیم (آیه ۱۰)

اطمینان از اینکه هرگز خدایان سنگ و چوب را نخواهیم پرستید برای ما آسان است. اما عهد جدید آزمندی را نیز نوعی بت پرستی می داند. هر چیزی که زندگی ما را بیشتر از خدا پر کند، برای ما به بت تبدیل خواهد شد. پولس رسول این نکته را تکرار می کند:

"این امور چون نمونه بر آنان واقع گردید و نوشته شد تا عبرتی باشد برای ما که در زمانی به سر می بریم که غایت همه اعصار تحقق یافته است. پس آن که گمان می کند استوار است، به هوش باشد که نیفتد" (۱ قرنیتیان ۱۰: ۱۱-۱۲).

درس های زیاد دیگری را می توانیم از رفتار نادرست بنی اسرائیل در زمان موسی یاد بگیریم. اما متنی که علاقه آنها را به پرستش خدا و جزئیات جالبی که منتهی به زندگی مسیح می شود و ۱۵۰۰ سال

بعد را نشان می دهد موجود است. درس های این چینی در کتاب مقدس بسیار زیاد است.

روش هایی که به مطالعه کتاب مقدس کمک می کند

۱. **نشانه گذاری و حروف بزرگ:** وقتی کتاب برای اولین بار نوشته شد، هیچ نشانه گذاری و حروف بزرگی نداشت. گاهی مترجمان اشتباهاتی داشتند. لوقا ۲۳: ۴۳ مثالی از این قبیل است. این آیه شامل کلماتی است که مسیح به دزدی که با او مصلوب می شد گفت. چون آن مرد درک بالایی از کلام را نشان داد مسیح به او گفت که در فردوس با او خواهد بود. این بدان معنا بود که در پادشاهی خدا خواهد بود. این آیه سوء تفاهم زیادی به وجود آورد. چون مترجمان گمان کردند که آن دزد به بهشت می رود. به همین خاطر نوشته است:

"عیسی پاسخ داد: آمین، به تو می گویم، امروز با من در فردوس خواهی بود" (لوقا ۲۳: ۴۳).

با گذاشتن ویرگول بعد از کلمه "امروز" حس کاملاً تغییر می کند. مسیح نمی توانست به آن مرد قول بهشت را در آن روز داده باشد. چون می دانست که برای ۳ روز به قبر می رود و همچنین مترجم با بزرگ نوشتن کلمه فردوس، خوانندگان را به اشتباه انداخته است. آن کلمه صرفاً به معنای باغ بود. ما می دانیم که مسیح زندگی را در آینده و بر روی زمین به او وعده داد که همان باغ عدنی خواهد بود که آدم و حوا در آن گناه کردند.

۲. **به متن دقت کنید:** همیشه ایده خویست که به کل متن (آیه های قبل و بعد) دقت کنید. این امر به شما نشانه هایی برای درک بهتر می دهد. مثلاً می توانید راحت تر درک کنید که چرا مسیح مثلی را در بخشی گفته است.

۳. **پاورقی ها:** بعضی از کتاب ها پاورقی و یا حاشیه نویس دارند. زیر کلمه شماره کوچکی وجود دارد و بعد در مورد آن شماره در پاورقی و یا در حاشیه توضیح داده شده است. در این قسمت می توانید باب و یا آیات مرتبط با آنچه که خوانده اید را ببینید.

۴. **از نقشه استفاده کنید:** بعضی از کتاب های مقدس نقشه مرجع به همراه دارند. اگر در حین خواندن مکان ها را در نقشه پیدا کنید باعث می شود سرزمین اسرائیل را بهتر شناخته و داستان را نیز بهتر درک کنید.

چگونه کتاب خود را بخوانیم؟

- **کتابتان را با دعا بخوانید:** ما به کمک خدا برای فهم کلامش نیازمندیم و او همیشه آماده کمک است. پس درخواست آن را فراموش نکنیم.
 - **خواندن و عمل کردن:** خدا توسط کلامش به ما آموزش می دهد. اما تنها خواندنش کافی نیست. یوحنا می گوید که "باید به جای آورنده کلام باشید، نه فقط شنونده آن؛ خود را فریب مدهید" (یعقوب ۱: ۲۲). مسیح از کسانی حرف می زند که او را سرور می خوانند، اما به فرمانش عمل نمی کنند (متی ۲۵: ۳۱-۴۶ را بخوانید).
 - **کتاب را با ذهنی فروتن بخوانیم:** خدا به کسی که با ذهنی فروتن و آماده نزد او می آید یاد می دهد. او با کسانی که فکر می کنند همه چیز را می دانند، کاری ندارد.
- "این همه را دست من ساخته است، و بدین گونه همه آنها به وجود آمده؛ خداوند این را می فرماید. اما این است آن که بر وی نظر خواهیم کرد: آن که فروتن است و روح توبه کار دارد، و از کلام من می لرزد" (اشعیا ۶۶: ۲).
- خدا این کلام را برای ما نوشته است. چطور به خود جرأت بی اعتنایی می دهیم؟

خلاصه:

کتاب مقدس را باید به این صورت بخوانیم:

- با دعا، از خدا بخواهید برای درک آنچه می خوانید کمکتان کند و به درسهایش عمل کنید.
- باید هر روز مطالعه کنید و مطمئن شوید که مطالعه شما همه بخش های کتاب را در بر می گیرد.
- با ذهن باز بخوانید و اجازه دهید که به شما آموزش دهد.
- در مورد آیات با دقت تأمل کرده و مطمئن شوید که آنرا درک کرده اید.
- با ذهنی فروتن در پی راه های زندگی که خدا از شما خواسته باشید.

آیاتی جهت مطالعه:

(مزامیر ۱۱۹: ۱۸) "چشمانم را بگشا تا از شریعت تو شگفتی ها ببینم".

(مزامیر باب ۱۹)

(مزامیر ۱۱۹: ۱-۴۰)

(مرقس ۸: ۳۴-۳۸).

درس سی و هشتم: مشارکت با هم ایمانان

مطالعه: اول قرن‌تینان باب ۳

مشارکت چیست؟

چون عیسی مسیح زندگیش را با کلام خدا پر کرد و هرگز گناه نکرد، از مشارکت با پدرش لذت برد. آنها از یک ذهن و یک هدف بودند. به همین خاطر است که مسیح می گوید من و پدر یک هستیم (یوحنا ۱۷: ۱۱). آنها یکی بودند زیرا یک طرز فکر داشتند، نه بخاطر اینکه بخشی از تثلیث بودند (درس ۱۶). آنها یکی بودند چون مسیح اراده خدا را کاملاً بجا آورد.

مسیح دعا کرد و در مورد پیروانش گفت: "بیش از این در جهان نمی مانم، اما آنها هنوز در جهانند؛ من نزد تو می آیم. ای پدرِ قدّوس، آنان را به قدرت نام خود که به من بخشیده‌ای حفظ کن، تا یک باشند، چنانکه ما هستیم" (یوحنا ۱۷: ۱۱). او می خواست که ایمانداران با او و پدر یکی باشند. وقتی تعمیم می گیریم به پسران و دختران خدا تبدیل می شویم. او رابطه ای نزدیک با ما در زندگی می خواهد. اکنون ایمانداران تعمیمی می توانند با خدا و پسرش مشارکت کنند چون سعی در اجرای اراده خدا دارند. اما هنوز مرتکب گناه می شوند. مشارکت کامل زمانی پدید می آید که جاودانه شده باشند و دیگر قادر به گناه کردن نباشند و تنها زمانی که با خدا یکی شده باشند.

اعضای خانواده خدا یک وجه مشترک دارند، آنها بخاطر خدا و پسرش با هم مشارکت می کنند. ما با تفکر در زندگی روزمره به این درک می رسیم و می بینیم که مردم بخاطر علایق و تجربیات مشترک با هم دوست می شوند. بطور مشابه ایمانداران واقعی با یکدیگر بخاطر ایمان و امید مشترک و روش زندگی که متفاوت از بقیه است با هم مشارکت دارند. مشارکت مسیحی بر پایه ایمان در کلام خداست و از آنجایی که این امر برای ایمانداران واقعی بسیار حائز اهمیت است، بر آنها بسیار تأثیر گذاشته و به سبب آن با دیگر ایمانداران نیز مشارکت مستحکمی دارند.

بنابراین مشارکت کتاب مقدسی رابطه ای خاص با خدا و عیسی مسیح به واسطه ایمان و تعمیم است و به رابطه ای مستحکم با وجه مشترک پسران و دختران خدا بودن می انجامد. بنابراین هدفی مشترک و راه زندگی خواهد بود. در تمام دنیا مردان و زنان وقتی عضو خانواده خدا هستند با هم مشارکت می کنند. مشارکت مسیحی تنها به معنای کنار آمدن با یکدیگر نیست بلکه رابطه ایست روحانی که بر پایه ایمان مشترک بر خداست.

مشارکت یعنی اشتراک. مشارکت کتاب مقدسی یعنی مشترک بودن در ایمان، امید و پرستش خدا با هم.

مقدس بودن

یوحنا ی رسول در مورد مشارکت در اولین نامه اش نوشته است. او توضیح می دهد که ایمانداران واقعی کسانی هستند که حقیقت را در مورد عیسی مسیح باور داشته و سعی دارند که به آن عمل کنند. مشارکت مسیحی تنها زمانی بین مردم وجود دارد که آنها رابطه ای نزدیک با خدا داشته باشند.

نکات	۱ یوحنا ۱: ۳-۷
<p>خوانندگان یوحنا می توانند به واسطه آنچه از مسیح آموخته اند با او و دیگر ایمانداران مشارکت داشته باشند.</p> <p>مشارکت با خدا و عیسی مسیح اساس مشارکت ایمانداران با یکدیگر است.</p> <p>چون خدا عادل مطلق است نمی توانیم هم با او در مشارکت بوده و هم خود را خشنود سازیم. ما باید تلاش کنیم تا بر طبق اصول صحیح زندگی کنیم.</p> <p>در پی روش های خدا می توانیم مشارکت با کسانی که در نور هستند را بیاموزیم و از بخشش گناهان لذت خواهیم برد</p>	<p>ما آنچه را دیده و شنیده ایم به شما نیز اعلام می کنیم تا شما نیز با ما رفاقت داشته باشید</p> <p>رفاقت ما با پدر و با پسرش عیسی مسیح است. ما این را به شما می نویسیم تا شادی مان کامل گردد</p> <p>خدا نور است و هیچ تاریکی در او نیست. اگر بگوییم با او رفاقت داریم، حال آنکه در تاریکی گام می زنیم، دروغ می گوئیم و به راستی عمل نمی کنیم.</p> <p>اما اگر در نور گام برداریم، چنانکه او در نور است، با یکدیگر رفاقت داریم</p> <p>و خون پسر او عیسی ما را از هر گناه پاک می سازد</p>

برای لذت بردن از مشارکت با خدا و پسر او می بایست از دنیا جدا باشیم. عهد جدید به پیروان مسیح دستور می دهد که جدا از دنیا زندگی کنند. این به معنای ترک دنیا نیست، این کار غیر ممکن است. بلکه به معنای متفاوت بودن از دنیاست و اینکه باید از روش های غیر خدایی دوری کنیم، همانند ابراهیم (عبرانیان ۱۱: ۸-۱۳). مسیح برای پیروانش دعا کرد که توسط خدا از شریر حفظ شوند. در ادامه می گوید:

"آنها به این دنیا تعلق ندارند، چنانکه من نیز تعلق ندارم. آنان را در حقیقت تقدیس کن. کلام تو حقیقت است" (یوحنا ۱۷: ۱۶-۱۷).

مسیح و شاگردانش دنیا را مکانی برای شرارت تلقی کرده بودند (۱ یوحنا ۲: ۱۵-۱۷). مکانی شده بود پر از انسانهایی که هیچ میلی در راستای امور خدایی نداشتند و کارهایی انجام می دادند که زندگی را برای یک مسیحی واقعی که فرامین خدا را انجام می دهد، سخت می کرد. یعقوب ۴: ۴ می گوید: "هر که در پی دوستی با دنیاست، خود را دشمن خدا می سازد". مردم دنیا معیارها و روش های زندگی متفاوتی دارند. آن چیز که برای ما حایز اهمیت است توجه آنها را جلب نمی کند. ما هرگز وقایع زندگی خود را برای مردم دنیا بازگو نمی کنیم. پس داشتن برادران و خواهران در مسیح که در عشق به کلام خدا با هم شریک هستند در معیارهای ما به ما کمک می کند. افرادی که باورهای مذهبی اشتباهی دارند و همینطور کسانی که به خدا احترام نمی گذارند می توانند باعث منحرف شدن ایمانداران واقعی از خدا شوند.

آدم و حوا

آدم و حوا برای هم ساخته شده بودند و قرار بود به یکدیگر کمک و از هم حمایت کنند (پیدایش ۲: ۱۸ را ببینید). ازدواج آنها مشارکت را نشان می داد. شراکت در تمام نعمات خدا و لذت بردن از کنار هم بودن و همکاری و شکر برای برکات خدا. این مشارکت بدین خاطر وجود داشت که هر دوی آنها با خدا یکی بودند. زن، مرد و خدا با هم هماهنگ بودند.

وقتی آدم و حوا قانون خدا را شکستند (پیدایش باب ۳)، مشارکت آنها با خدا نیز شکسته شد. خداوند مقدس است و گناه را نمی پذیرد و همینطور گناهکاران نیز نمی توانند به درگاه خدا حضور یابند. آدم و حوا باید باغ عدن و همینطور رابطه نزدیک خود با خدا را ترک می کردند. گناه آنها بر روابط انسانی نیز تأثیر گذاشت. آدم، حوا را برای اتفاقی که افتاده بود سرزنش می کرد. این درسی برای ماست. تنها زمانی که ما "در روشنایی راه می رویم چون او در روشنایی است با یکدیگر مشارکت داریم". گناهان ما را از مشارکت با خدا باز داشته (اشعیا ۵۹: ۲) و تأثیر زیادی بر مشارکت ما با خواهران و برادران دارد.

مشارکت در پنتیکاست

عکس العمل شگفت انگیزی در مقابل تعالیم رسولان وجود داشت. بسیاری به مرگ، رستاخیز و تعالیم مسیح ایمان آورده و تعمید گرفتند. آنها از مشارکت با یکدیگر لذت بردند. چون همگی آموزه های رسولان را پذیرفته بودند و اکنون هدف و روش زندگی متفاوتی داشتند. آنها مشارکت خود را با شریک کردن در اموال خود و پاره کردن نان در خانه های خود نشان دادند.

"آنان خود را وقف تعلیم یافتن از رسولان و رفاقت و پاره کردن نان و دعا کردند... مؤمنان همه با هم به سر می بردند و در همه چیز شریک بودند. املاک و اموال خود را می فروختند و بهای آن را بر حسب نیاز هر کس بین همه تقسیم می کردند. ایشان هر روز، یکدل در معبد گرد می آمدند و در خانه های خود نیز نان را پاره می کردند و با خوشی و صفای دل با هم خوراک می خوردند" (اعمال رسولان ۲: ۴۲ و ۴۴-۴۶).

این مثال ایمانداران قرن اول در مشارکت، پاره کردن نان و دعا امری است که کریستادلفینی ها امروزه باید از آن پیروی کنند. آنها معیارهای متفاوتی از مردم دنیا داشته، بنابراین به دنبال کسانی با اهداف مشترک هستند. هر هفته اعضا در مکانی مشترک همدیگر را ملاقات کرده تا خدا را پرستش کنند و همانطور که مسیح از آنها خواسته بود، فداکاری او را با اجرای مراسم نان و شراب یاد آور شوند.

پاره کردن نان

پیروان مسیح اگر می خواهند در حقیقت و عشق رشد کنند باید با هم در تماس باشند (عبرانیان ۱۰: ۲۴-۲۵). پاره کردن نان برای به خاطر آوردن عیسی مسیح و نجات بزرگ او در مرکز مشارکت مسیحیان قرار دارد. با خوردن تکه ای از نان و نوشیدن جرعه ای از شراب ما بهای سنگینی را که مسیح با مرگش بر روی صلیب برای نجات ما پرداخت کرد به یاد می آوریم. این امر ما را تشویق می کند تا عهدی را که در تعمید خود بستیم به یاد آوریم، یعنی خدمت به خدا و نه خشنودی خود. اکنون زمانی است که باید از خود بپرسیم آیا واقعا در نور راه می رویم؟ اجرای این مراسم ساده بسیار ضروری است. در این مورد در اول قرن نهم ۱۱: ۲۶-۲۹ نیز می خوانیم.

وقتی با طلب بخشش از پسر خدا در فداکاری او تمرکز می کنیم، با شرکت در این مراسم به خدا نزدیکتر می شویم. نان و شراب نماد بدن و خون مسیح است. هیچ جادو و رمزی در نان و شراب نیست. برای مثال بر طبق باور غلط بعضی ایمانداران نان به بدن واقعی مسیح تبدیل نمی شود.

(۱ قرن‌تیاں ۱۱: ۲۶-۲۹) "زیرا هر گاه این نان را بخورید و از این جام بنوشید، مرگ خداوند را اعلام می‌کنید تا زمانی که بازآید. پس هر که به شیوه‌ای ناشایسته نان را بخورد و از جام خداوند بنوشد، مجرم نسبت به بدن و خون خداوند خواهد بود. ما هر کس پیش از آنکه از نان بخورد و از جام بنوشد، خود را بیازماید. زیرا هر که بدون تشخیص بدن بخورد و بنوشد، در واقع محکومیت خود را خورده و نوشیده است."

مسیح به یارانش گفت: "این را به یاد من به جا آرید" (لوقا ۲۲: ۱۹) که تنها به ایمانداران واقعی اجازه می‌دهد که این کار را برای یادآوری انجام دهند. بنابراین کریستادلفینی‌ها تنها با دیگر اعضای تعمیدی این کار را انجام می‌دهند (۲ قرن‌تیاں ۶: ۱۴-۱۸). آنها درک کرده‌اند که مشارکت با افرادی که ایمان مشترک به کتاب مقدس داشته و اهداف را همانگونه که هست قبول کرده‌اند، بسیار حایز اهمیت است (۱ تیموتائوس ۱: ۱۳-۱۴ و تیطس ۲: ۱ را ببینید). اگر با تعمید در مسیح یک کریستادلفینی شوید کریستادلفینی‌های دیگر، برادران و خواهران شما خواهند شد (بیاد آرید که کریستادلفین به معنای برادران در مسیح است). عضوی از این خانواده شدن لذتی بزرگ است. کریستادلفینی‌ها در مسیح یکی هستند (غلاطیان ۳: ۲۷-۲۸).

ما در مورد پاره کردن نان با مسیحیان قرن اول در روز اول هفته هم نظر هستیم (اعمال رسولان ۲۰: ۷ و اول قرن‌تیاں ۱۶: ۲). پس کریستادلفینی‌ها نیز معمولاً در روز یکشنبه‌ها این امر را انجام می‌دهند. این واقعه با سبت (شنبه) متفاوت است.

روح و راستی

زنی سامری از مسیح پرسید که آیا مردم باید برای پرستش به کوه جرزیم بروند (نزدیک مکانی که صحبت می‌کردند) و یا باید به اورشلیم بروند. مسیح به او جوابی داد که برایش غافلگیر کننده بود او گفت: "مکان هیچ اهمیتی ندارد" و در ادامه افزود:

"اما زمانی می‌رسد، و هم‌اکنون فرا رسیده است، که پرستندگان راستین، پدر را در روح و راستی پرستش خواهند کرد، زیرا پدر جویای چنین پرستدگانی است" (یوحنا ۴: ۲۳).

هفتاد سال پس از میلاد مسیح، حدود چهل سال بعد از به صلیب کشیدن مسیح اورشلیم و کوه جرزیم نمی‌توانستند مکانی برای پرستش استفاده شوند. چون ارتش روم سرزمین اسرائیل را از بین برده و

تمام مکانهای مذهبی را نابود کرده بودند. آن دسته از یهودیانی که از جنگ نجات یافته بودند و فرار نکرده بودند به اسارت برده شده و بعنوان برده فروخته شدند. پس اگر مذهب آنها بر پایه مکان های مقدس و معبدها می بود می بایست عبادت خدا برای همیشه فراموش می شد. مسیح نشان داد که پرستش واقعی هیچ ارتباطی به مکانها و معابد ندارد. در عوض بر پایه ایمان، راستی و احترام است.

"روح و راستی" این نقل قول ترکیب بسیار مهمی است. افرادی امروزه ادعا می کنند که روح را داشته و یا توسط آن هدایت می شوند. اما وقتی با آنها صحبت می کنید به زودی در می یابید که آنها اطلاعی از تعالیم حقیقی کتاب مقدس ندارند. ممکن است بر این باور باشند که پس از مرگ به بهشت می روند. در صورتی که کتاب مقدس به طور واضح نشان می دهد که پادشاهی خدا بر روی زمین برقرار خواهد شد و یا ممکن است بر این باور باشند که عیسی مسیح بخشی از تثلیث است. در صورتی که کتاب مقدس می آموزد که زندگی مسیح با تولد او و توسط قدرت خدا یعنی "روح القدس" بر مریم آغاز شد. افرادی که ادعا بر مالکیت این روح دارند و حقیقت کتاب را نمی دانند حتما در اشتباه هستند.

پرستندگان واقعی امروزه توسط مکان های بزرگ پرستش و کلیسا ها متحیر نمی شوند. کلیسای واقعی نه به ساختمان، بلکه به مردم اهمیت می دهد و تعداد آنها اصلا مهم نیست. آنچه حائز اهمیت است این است که آنها بر چه باوری هستند و چگونه خدا را می پرستند. داشتن روحی پاک و درست بسیار خوب است، اما این روح از ایمان به حقیقت کتاب و انجام دستورات خدا بدست می آید.

مکان زندگی خدا

ایمانداران واقعی مکانی برای زندگی خدا هستند. او می خواهد هر روز در آنها زندگی کند. پولس به کلیسای قرنتس گفت:

"آیا نمی دانید که معبد خدایید و روح خدا در شما ساکن است؟" (۱ قرن بیان ۳: ۱۶).

(همچنین افسسیان ۲: ۱۹-۲۲ را نیز ببینید). مکان کلیساها اهمیتی ندارد. مسیح هرگز کلیسایی ساخت و معبد عظیم در اورشلیم را لانه دزدان توصیف کرد. او می خواست که شاگردانش از او پیروی کنند و نه از کاهن معبد. شام آخر او در اتاقی در اورشلیم برگزار شد و رسولان پس از آن برای پرستش آنجا جمع می شدند (اعمال رسولان ۱: ۱۳). خدمت های شاگردان در کلیسای اولیه در خانه ها (کولسیان ۴: ۱۵) و یا اتاق های اجاره ای (اعمال رسولان ۲۸: ۲۳-۳۱) صورت می گرفت.

پرستش با هم و یا جدا

بجای کلمه کلیسا، کریستادلفینی ها از کلمه اکلثیا استفاده می کنند (کلمه ای یونانی برای کلیسا در کتاب مقدس که به معنای افراد فراخوانده شده است). کلمه کلیسا در کتاب مقدس به ساختمان اشاره نمی کند بلکه به افرادی که از سرتاسر دنیا فرا خوانده شده اند. آنها با یکدیگر ملاقات کرده تا نان را پاره کنند، کلام خدا را مطالعه کنند و همینطور در جلساتی برای آموزش کلام به افراد غیر تعمیدی شرکت کنند. بعضی از اکلثیا ها فعالیت هایی برای کودکان نیز دارند.

همانند ایمانداران قرن اول هیچ کشیشی وجود ندارد. چون عیسی مسیح کاهن اعظم ماست. مردان ایماندار (برادران در مسیح) در مسئولیت خدمت با هم شریک می شوند. در مراسم نان و شراب یکی از برادران جلسه را هدایت می کند، سرود را آماده کرده و مطالعات و دعاها را مشخص کرده و به دیگران نیز برای کمک در این خدمت مسئولیت هایی محول می کنند. برادر دیگر سخنرانی کوتاهی برای تشویق حضار انجام داده که به آن "موعظه" می گویند. وقتی افراد حاضر در شرایط کاملاً مناسبی برای یادآوری مسیح قرار گرفتند، مراسم نان و شراب با هم انجام می شود. دقیقاً همانگونه که سالیان پیش مسیح در شام آخر آن را بجا آورد (لوقا ۲۲: ۱۴-۳۰ را بخوانید).

معمولاً در زمان مراسم نان و شراب پول هایی نیز جمع آوری می شود و این فرصتی است برای افرادی که می خواهند کمک کنند (۱ قرن ۱۶: ۱-۳). هیچکس نمی داند که هر فرد چه مقدار کمک می کند. این امر همانند عمل مشارکت و یا تشکر از خدا برای محبت او که عیسی مسیح را برای ما فرستاد، حائز اهمیت است. از پول های جمع آوری شده به روش های مختلفی استفاده می شود که شامل پشتیبانی از آموزش و یا حمایت از اعضای که تنها و یا بیمار هستند، می شود.

اگر کریستادلفینی ها تنها باشند، در تنهایی خود مراسم نان و شراب را بجا می آورند. اما همچنان با تمام کریستادلفینی های دنیا که در همان روز این مراسم را بجا می آورند در مشارکت هستند. اینگونه اگر تمامی ایمانداران را فرا خوانیم و با هم مشارکت داشته باشیم، موجب خشنودی خدا شده و به طبع باعث رشد اکلثیایی جدید از پرستندگان می باشیم.

خلاصه:

- مشارکت رابطه ای خاص است که یک ایماندار به واسطه ایمان و تعمیم خود از خدا و مسیح لذت می برد. این امر منجر به رابطه بین افرادی می شود که ایمان و روش زندگی مشابهی دارند.
- ایمانداران واقعی نمی توانند با کسانی که حقیقت کلام را نپذیرفته اند در مشارکت باشند.
- ما باید به وسیله تمرکز، دعا و مطالعه کتاب مقدس در پی مشارکت با خدا و عیسی مسیح باشیم.
- نزدیکترین مشارکت با خدا، مسیح و دیگر ایمانداران زمانی برقرار می شود که ما نان و شراب را در مراسم عشاء ربانی با هم اجرا کنیم.
- مشارکت کاملی با خدا در پادشاهی او بر روی زمین برگزار خواهد شد.

آیاتی جهت مطالعه:

(۲ قرن تیان ۶: ۱۶) "و معبد خدا و بتها را چه سازگاری است؟ زیرا ما معبد خدای زنده ایم. چنانکه خدا می گوید: بین آنها سکونت خواهم گزید و در میانشان راه خواهم رفت، و من خدای ایشان خواهم بود و آنان قوم من خواهند بود."

(۱ یوحنا باب ۱)

(۱ قرن تیان باب ۱۰).

پرسش های بخش دهم

درس ۳۶: زندگی تازه در مسیح

۱-۳۶ از اول قرن‌تین باب ۱۳ استفاده کرده چند مثال زده و بگویید که چگونه می توانیم عشق مسیحی را در زندگی هر روزه نشان دهیم؟

۲-۳۶ الف) مسیح برای شاگردانش چه کرد؟ (یوحنا باب ۱۳)

ب) معمولا چه کسی این کار را انجام می دهد؟

پ) دو چیزی که می شود از این اتفاق آموخت را بگویید.

۳-۳۶ چه درسی می توان از مثل سامری نیکو گرفت؟ (لوقا ۱۰: ۲۵-۳۷)

۴-۳۶ چرا بشارت به بی ایمانان بهترین راه کمک به آنهاست؟

۵-۳۶ لوقا ۹: ۲۳-۲۶ را بخوانید.

الف) منظور از اینکه هر روز باید صلیب خود را بر دوش بکشیم چیست؟

ب) آیه ۲۶ به ما چه می آموزد؟

۶-۳۶ متی ۱۸: ۲۱-۳۵ را بخوانید.

الف) مسیح به خاطر سوال پطرس در آیه ی ۲۱ این مثال را زد. سوال او چه بود؟

ب) در آیه ۲۴ آن مرد بدهی زیاد خود را نمی توانست بپردازد. پادشاه با مهربانی قرض او را بخشید. پادشاه نشان دهنده خداست که تمام گناهان ما را در تعمیم می بخشد. سپس آن مرد چه کرد؟

پ) چگونه می توانیم همانند او رفتار کنیم؟

ت) مهمترین پندی که در این مَثَل وجود دارد چیست؟

درس ۳۷: مطالعه روزانه کتاب مقدس

۱-۳۷ دوم پطرس ۱: ۲۰-۲۱ به ما چه می آموزد؟

۲-۳۷ چرا خواندن تمام کتاب مقدس (که شامل تمام عهد عتیق نیز می شود) مهم است؟

۳-۳۷ به اشعیا ۶۶: ۱-۲ نگاه کنید. اگر می خواهیم که خدا در تمام زندگی در کنارمان باشد باید چگونه برخورد کنیم؟

۴-۳۷ یعقوب ۱: ۲۲-۲۵ چه پیغامی به ما می دهد؟

۵-۳۷ الف) کتاب مقدس در مورد ذات ما چه می گوید؟ آیا ما ذاتا خوب هستیم یا گناهکار؟

ب) چه پیغام امیدوار کننده ای به ما می دهد؟

پ) سه شخصیت در کتاب مقدس نام برده که روش صحیح زندگی آنها، مثال خوبی است که بخواهیم از آنها الگوبرداری کنیم.

ج) چرا خواندن هر روزه کتاب مقدس مهم است؟

۶-۳۷ اشعیا باب ۵۵ را بخوانید.

الف) با توجه به آیات ابتدایی این باب، یادگیری در مورد خدا و رستگاریش برای ما به چه قیمتی تمام خواهد شد؟

ب) چه زمانی باید به دنبال خدا باشیم؟ (آیه ۶)

پ) اگر به سمت خدا برویم چه اتفاقی می افتد؟ (آیه ۷)

ج) آیات ۸ و ۹ به ما چه می آموزد؟

درس ۳۸: مشارکت با هم ایمانان

۱-۳۸ درستی یا نادرستی جملات زیر را مشخص کنید.

الف) کلمه مشارکت به معنای دوستی است.

ب) گناه مشارکت با خدا را از بین می برد.

پ) مسیحیان واقعی تنها می توانند با کسانی مشارکت داشته باشند که آنها نیز آموزه های مشترکی از کتاب مقدس داشته و راه خدا را پیروی می کنند.

ت) کریستادلفینی ها همراه با افراد غیر تعمیدی مراسم عشای ربانی را به جا می آورند.

ث) ایمانداران باید پرستش را در ساختمان کلیسا انجام دهند.

ج) مسیحیان واقعی با رفتار خود نشان می دهند که روح خدا را در خود دارند.

چ) در صورتی که ایمانداران نتوانند هم ایمانان خود را بیابند باید به تنهایی عشای ربانی را به جا بیاورند.

ح) عشای ربانی در راس مشارکت کتاب مقدس قرار دارد.

۲-۳۸ مسیحیان از چه طریقی می توانند با این اشخاص مشارکت داشته باشند:

الف) با خدا و عیسی مسیح؟

ب) با یکدیگر؟

۳-۳۸ چگونه می توانیم خدا را در روح و راستی پرستش کنیم؟

۳-۳۸ اول قرنهای ۱۲: ۱۲-۲۷ توضیح می دهد که چگونه ایمانداران واقعی (بخصوص در کلیسا)

همانند اعضای مختلف یک بدن با هم کار می کنند. حداقل دو درسی که از این آیات می

گیرید را بیان کنید.

۴-۳۸ افسسیان ۴: ۱۷-۲۳ به ایمانداران در مورد برخورد با یکدیگر می آموزد. بگویید که در آیات زیر چه نصیحت هایی برای ما وجود دارد:

الف) آیه ۲۵

ب) آیه ۲۸

پ) آیه ۲۹

ت) آیه ۳۱

ث) آیه ۳۲

۵-۳۸ از افسسیان ۵: ۳-۵ کمک گرفته و فهرستی تهیه کنید از رفتارهایی که باید از آنها خودداری کرد.

۶-۳۸ اول قرنیتیان ۱۱: ۲۳-۲۶ را بخوانید.

الف) در عشای ربانی نان نماد چیست؟

ب) شراب نماد چیست؟

پ) هدف از خوردن نان و نوشیدن شراب چیست؟

ت) ایمانداران تعمیدی چه زمانی باید این مراسم را بجا آورند؟

درس سی و نهم: خلاصه ای از تعالیم کتاب مقدس

درس	آیات کتاب	تعالیم
۳ و ۲۰ و ۳۷	مزامیر ۱۱۹: ۸۹-۱۱۲ اعمال رسولان ۱۷: ۱۱-۱۲ ۲ تیموتائوس ۳: ۱۶-۱۷ ۲ پطرس ۱: ۲۱	۱. کتاب مقدس کلام خداست کتاب مقدس تنها راه یادگیری در مورد خداست. خدا را به ما شناسانده و به ما می گوید که او چه انتظاراتی از ما دارد. نویسندگان این ۶۶ کتاب تحت الهام او این کلام را نوشتند. بنابراین خدا نویسنده حقیقی کتاب مقدس است. ما باید کتاب را هر روز بخوانیم.
۴	پیدایش ۲۲: ۱۷-۱۸ دانیال ۲: ۴۴ متی ۴: ۲۳ متی ۶: ۱۲-۱۵ متی ۲۴: ۱۴	۲. انجیل انجیل خبر خوش پادشاهی خداست که بر زمین برقرار خواهد شد و همینطور بخشش گناهان به واسطه عیسی مسیح است. این پیام هم در عهد عتیق و هم در عهد جدید دیده می شود.
۵ و ۱۶	پیدایش باب ۱ اعمال رسولان ۱۷: ۲۴-۲۹ مزامیر باب ۱۰۴	۳. خدا خالق جهان است هر آنچه در آسمان ها و زمین وجود دارد، توسط خدای حقیقی که همیشه وجود داشته و خواهد داشت ساخته شده است. او خالص و عادل است و از همه چیز آگاه است.
۴ و ۸ و ۹	متی ۲۵: ۳۱-۳۴ اعمال رسولان ۱: ۱۰-۱۱ اعمال رسولان ۳: ۲۰-۲۱ مکاشفه ۲۲: ۲۰	۴. مسیح به زمین باز خواهد گشت تولد مسیح حدود ۲۰۰۰ سال پیش بود و زندگی او از همان موقع آغاز شد. او با اراده خود زندگی خویش را قربانی گناهان کرد. چون بی گناه بود خدا او را از مردگان برخیزانید و او هم اکنون در آسمان نزد پدر خویش است. او بعنوان پادشاه دنیا باز خواهد گشت.

<p>۷ و ۸</p>	<p>دانیال ۱۲: ۱-۲ حزقیال ۳۷: ۱-۴ و ۱۱ لوقا ۲۱: ۲۴-۳۳ ۲ تیموتائوس ۳: ۱-۵</p>	<p>۵. بازگشت مسیح بسیار نزدیک است</p> <p>پیشگویی کتاب مقدس در حال به حقیقت پیوستن است و نشانه های بسیاری دال بر نزدیک بودن بازگشت مسیح دیده می شود که شامل بازگشت یهودیان به سرزمین خویش و به رسمیت شناختن دولت اسرائیل، شکست معیارهای اخلاقی، بی توجهی مردم به خدا و دیگر مشکلات دنیا می شود.</p>
<p>۹ و ۱۱</p>	<p>۱ تواریخ ۲۹: ۲۳ ارمیا ۳: ۱۷ میکاه ۴: ۱-۸ مکاشفه ۱۱: ۱۵</p>	<p>۶. پادشاهی خدا بر زمین خواهد بود</p> <p>پادشاهی اسرائیل در عهد عتیق، همان پادشاهی خدا بر زمین در گذشته بود و هنگام بازگشت مسیح دوباره برقرار خواهد شد. او تا زمان نابودی کامل دشمنان خدا پادشاهی خواهد کرد. سپس دنیا بی نقص شده و مسیح پادشاهی را به پدر تحویل خواهد داد.</p>
<p>۱۲</p>	<p>پیدایش ۱۳: ۱۴-۱۵ پیدایش ۱۵: ۵-۶ پیدایش ۲۲: ۱۵-۱۸ غلاطیان ۳: ۸ و ۱۶ و ۲۹</p>	<p>۷. وعده های خدا به ابراهیم</p> <p>ابراهیم (پدر قوم یهود) به خدا اعتماد کرد. پس به او وعده داده شد که برای همیشه مالک سرزمین اسرائیل می شود و نسل او امت عظیمی خواهد شد. به او همچنین نسلی وعده داده شد (یعنی عیسی مسیح) که برکت و بخشش گناهان را می آورد. ما با تعمیم می توانیم در این وعده ها شریک شویم.</p>
<p>۱۰ و ۱۳ و ۱۴</p>	<p>اشعیا ۱۱: ۱۱-۱۲ اشعیا ۴۴: ۸ حزقیال ۳۶: ۱۶-۲۴ حزقیال ۳۷: ۲۱-۲۲ رومیان ۹: ۳-۵</p>	<p>۸. یهودیان مردمان خدا هستند</p> <p>یهودیان قوم خاص و شاهدان خدا هستند. چون از خدا سرپیچی کردند، در میان امت های جهان پراکنده شدند. امروزه خدا آنها را همانطور که وعده داده بود در سرزمین اسرائیل جمع می کند.</p>

<p>۹ و ۱۱</p>	<p>ارمیا ۳: ۱۷ میکاه ۴: ۱-۲ زکریا ۱۲: ۱۰ زکریا ۱۴: ۱۶ متی ۵: ۳۴-۳۵</p>	<p>۹. اورشلیم مرکز زمین خواهد بود پادشاهی خدا در اسرائیل خواهد بود. اما تمام زمین را در بر خواهد گرفت. اورشلیم پایتخت دنیا خواهد شد. یهودیانی که مسیح را هنگام بازگشت او می پذیرند بعنوان افراد فانی در پادشاهی زندگی کرده و سران امت ها می شوند. افراد فانی از دیگر امت ها برای پرستش خدا و درک تعالیم او به ملاقات اورشلیم خواهند آمد.</p>
<p>۹ و ۱۰ و ۱۳ و ۱۵</p>	<p>۲ سموئیل ۷: ۱۲-۱۶ ۱ تواریخ ۱۷: ۱۰-۱۴ مزامیر ۸۹: ۳۵-۳۶ لوقا ۱: ۳۰-۳۳</p>	<p>۱۰. وعده های خدا به داوود به پادشاه داوود نسلی وعده داده شد که تا ابد بر کرسی او بنشیند. این پیشگویی در ارتباط با مسیح است که زمان بازگشتش برای برپایی پادشاهی خدا بر زمین از اورشلیم حکمرانی خواهد کرد.</p>
<p>۱۶ و ۱۷</p>	<p>متی ۱: ۲۰-۲۵ یوحنا ۱۴: ۲۸ رومیان ۱: ۳-۴ غلاطیان ۴: ۴ ۱ پطرس ۱: ۲۰</p>	<p>۱۱. عیسی پسر خداست عیسی قبل از تولدش وجود نداشته است. چون او بدون مداخله هیچ مردی و توسط روح القدس از مریم متولد شد، بنابراین پسر خداست. خدا همیشه از عیسی مسیح بزرگتر بوده و خواهد بود.</p>
<p>۶ و ۱۶ و ۱۷ و ۱۸</p>	<p>اشعیا ۵۳: ۵ و ۱۲ ۲ قرنتیان ۵: ۲۱ عبرانیان ۴: ۱۵ ۱ پطرس ۲: ۲۲</p>	<p>۱۲. مسیح بدون گناه زندگی کرد مسیح قبل از مرگش همانند ما ذات انسانی داشت. اما چون خدا پدر او بود، از یک انسان معمولی فراتر بود. مسیح بر تمامی وسوسه ها غلبه کرد و در زندگی کاملا مطیع پدر بود. او شخصیت خدا را به ما نشان داد و برای ما مثالی بود تا از آن پیروی کنیم.</p>

<p>۶ و ۱۷ و ۱۸ و ۳۱</p>	<p>یوحنا ۱: ۲۹ یوحنا ۳: ۱۶ ۱ قرنتیان ۵: ۷ غلاطیان ۱: ۴</p>	<p>۱۳. مسیح بر روی صلیب برای ما مرد عیسی مسیح مرکز هدف خداست. او از نوادگان آدم بود، پس همانند ما فانی بود. چون بی گناه بود و با اراده خود بعنوان قربانی به روی صلیب مرد، بنابراین قادر است گناهان افرادی که در نام او تعمید می گیرند را از بین ببرد.</p>
<p>۱۶ و ۱۸ و ۱۹ و ۲۵</p>	<p>لوقا ۲۴: ۳۶-۴۳ اعمال رسولان ۲: ۲۴ اعمال رسولان ۱۷: ۳۱ ۱ قرنتیان ۱۵: ۲۲-۲۳</p>	<p>۱۴. مسیح از قبر برخیزانده شد چون مسیح گناه نکرد، خدا او را از مردگان برخیزانید و به او زندگی جاودان داد. او اکنون ذاتی همانند خدا دارد و از فرشتگان فراتر است. کسانی که در مسیح می میرند نیز زمان بازگشت او از مردگان برخیزانده شده، زندگی جاویدان را بر روی زمین دریافت خواهند کرد.</p>
<p>۲۰</p>	<p>لوقا ۱: ۳۵ اعمال رسولان ۱۰: ۳۸ ۲ پطرس ۱: ۲۱</p>	<p>۱۵. روح القدس، قدرت خداست روح القدس قدرت خداست و شخصی جدا نیست. او وجود جداگانه ندارد. خدا توسط روح خود همه چیز را خلق کرده و از آنها حمایت می کند. خدا توسط روح خود همه جا حضور دارد و از همه چیز آگاه است.</p>
<p>۲۱</p>	<p>مرقس ۱۶: ۱۵-۱۸ اعمال رسولان باب ۲ اعمال رسولان ۸: ۹-۲۴ ۱ قرنتیان ۱۳: ۸</p>	<p>۱۶. عطایای روح القدس برای اهدافی خاص بودند در بعضی از شرایط خاص خدا توانایی های خاصی به افراد مشخصی داد. شاگردان برای تدریس آن را دریافت کردند. زمانی که نوشتن کلام کامل شد و کلیساها به رسمیت شناخته شدند، دیگر نیازی به عطایا نبود. امروزه هیچ کسی عطایای روح القدس را ندارد.</p>

<p>۶ و ۱۸ و ۲۲ و ۲۳ و ۳۰</p>	<p>پیدایش ۳: ۱۷-۱۹ جامعه ۹: ۵-۱۰ رومیان ۵: ۱۲ رومیان ۶: ۲۳</p>	<p>۱۷. مزد گناه مرگ است آدم از خاک آفریده شد. مرگ مجازات گناه است پس آدم به خاک بازگردانده شد و همه (غیر از مسیح) گناه کردند و می میرند. هیچ قسمتی از یک شخص پس از مرگش زنده نمی ماند مگر اینکه مردم کلام را شناخته و آن را درک کنند و در غیر اینصورت هلاک خواهند شد.</p>
<p>۲۳</p>	<p>مزامیر ۶: ۵ اعمال رسولان ۲: ۲۷ مرقس ۹: ۴۳-۴۸</p>	<p>۱۸. جهنم در کتاب مقدس اشاره به قبر دارد جهنم (گرفته شده از شئول یا حدس) اشاره به قبر دارد. جهنما مکانی بود در نزدیکی اورشلیم که زباله ها در آنجا سوزانده می شد و بعنوان نمادی برای نابودی کامل شرارت یاد می شود. مزد گناه مرگ است، نه عذاب همیشگی پس از مرگ.</p>
<p>۲۴</p>	<p>یوحنا ۱۷: ۱-۳ رومیان ۲: ۶-۸ رومیان ۶: ۲۳</p>	<p>۱۹. هدیه خدا، زندگی جاودانه است ما نمی توانیم خود را نجات دهیم. اما توسط فیض خدا می توانیم زندگی جاودان یابیم، به شرطی که ایمان آورده و سخت تلاش کنیم که اراده خدا را به جا آوریم.</p>
<p>۱۹ و ۲۵</p>	<p>مزامیر ۴۹: ۲۰ یوحنا ۵: ۲۸-۲۹ ۱ قرنیتیان ۱۵: ۱۲-۲۱ ۲ تیموتائوس ۴: ۱</p>	<p>۲۰. رستاخیز از مردگان زمان بازگشت عیسی مسیح او تمامی کسانی را که کلام را شناختند، هم ایماندار و هم غیر ایماندار، از قبر رستاخیز خواهد داد. اما کسانی که کلام را نشنیده اند برخیزانده نمی شوند.</p>

<p>۲۶ و ۲۷</p>	<p>دانیال ۱۲: ۱-۲ یوحنا ۵: ۲۸-۲۹ ۲ قرنتیان ۵: ۱۰ ۲ تسالونیکیان ۱: ۷-۹</p>	<p>۲۱. زمان داوری کسانی که کلام را شناخته و درک کرده اند در داوری عادلانه عیسی در هنگام بازگشت او ظاهر خواهند شد. آنها توسط مرگ مجازات شده و یا زندگی جاودان دریافت خواهند کرد. امت هایی که با مسیح مخالفت کردند هنگام بازگشت او مجازات خواهند شد.</p>
<p>۶ و ۲۵ و ۲۶ و ۲۷</p>	<p>مزامیر ۳۷: ۹-۱۱ و ۲۲ اشعیا باب ۳۵ دانیال ۷: ۲۷ مکاشفه ۲۰: ۴</p>	<p>۲۲. زندگی جاودان برای ایمانداران واقعی ایماندارانی که فناپذیر شدند بر روی زمین به مسیح خدمت کرده و تحت نظارت او بر مردمان فانی حکمرانی می کنند. این مقدسین زندگی کامل و همراه با شادی و سلامتی را تجربه کرده و به مردمان فانی در مورد خدا آموزش می دهند و زمین را به مکانی شگفت انگیز تبدیل کرده و آن را برای زندگی خدا کنار مردم آماده می کنند.</p>
<p>۲۸</p>	<p>خروج ۲۳: ۲۰-۲۱ مزامیر ۳۴: ۷ مزامیر ۱۰۳: ۲۰ لوقا ۲۰: ۳۴-۳۶ عبرانیان ۱: ۱۳-۱۴</p>	<p>۲۳. فرشتگان پیام آوران خدا هستند خدا فرشته ها را تا ابد خادمین خودش ساخت. آنها هرگز گناه نمی کنند و نمی میرند و ازدواج نمی کنند. همیشه اراده خدا را اجرا کرده و مواظب ایمانداران حقیقی (مقدسین) هستند.</p>
<p>۲۹ و ۳۰</p>	<p>متی ۱۶: ۲۳ یوحنا ۸: ۴۴ اعمال رسولان ۱۰: ۳۸ یعقوب ۱: ۱۴</p>	<p>۲۴. ابلیس و شیطان ما توسط امیال خود وسوسه می شویم. کلمه ابلیس به معنای گناه انسانی است. کلمه شیطان به معنای دشمن است که می تواند مخالفت کننده ای خوب و یا بد باشد. از کلمه شیطان می توان برای توصیف هر چیزی که با خدا مخالفت می کند، همانند گناه، استفاده کرد. هیچ فرشته شریر و یا موجودی وجود ندارد که مردم را به گناه وا دارد.</p>

۲۹	مزامیر ۱۰۶: ۳۶-۳۸ ۱ قرن تیان ۱۰: ۲۱-۱۸ متی ۸: ۱۶-۱۷	۲۵. دیو و روح پلید دیو کلمه ایست که برای توصیف خدایان دروغین و یا بت ها بکار برده می شد و به افرادی نسبت داده می شد که بیماری های شناخته نشده ای داشتند. امروزه این شرایط پزشکی توسط دارو کنترل می شود. هیچ روح شریری که باعث به وجود آمدن این مشکلات شود وجود ندارد.
۳۰ و ۳۱	مزامیر ۵۱: ۱-۱۰ متی ۴: ۱۷ لوقا ۱۳: ۱-۵ اعمال رسولان ۳: ۱۹ اعمال رسولان ۱۷: ۳۰	۲۶. همه ما باید توبه کنیم باید درک کنیم که تا چه اندازه گناهکاریم و برای همه اعمال و افکار اشتباه خود متاسف باشیم. توبه به معنای تغییر کامل قلب است.
۶ و ۱۸ و ۳۱	متی ۲۸: ۱۹-۲۰ مرقس ۱۶: ۱۶ اعمال رسولان ۲: ۳۸ رومیان ۶: ۱-۱۱	۲۷. تعمید بزرگسالان در آب ایمان به تعالیم کتاب، توبه از گناهان و پس از این ها، تعمید ضروری است. تعمید به معنای فرو رفتن کامل در آب (دفن شدن در آب) است. نمادی از مرگ در مسیح و برخاستن دوباره برای زندگی جدید است.
۳۴	متی ۵: ۳۹-۴۸ متی ۲۶: ۵۲ لوقا ۶: ۲۷-۲۹	۲۸. مسیحیان نمی جنگند شخصی که پیرو مسیح است نباید در ارتش شرکت کرده و یا به سربازی و یا نیرو های پلیس برود. او باید دشمنان خود را همانند دوستانش دوست بدارد.

<p>۳۳ و ۳۲</p>	<p>پیدایش ۲: ۲۱-۲۴ متی ۱۹: ۳-۶ عبرانیان ۱۳: ۴ افسسیان ۵: ۲۵-۳۲</p>	<p>۲۹. ازدواج مسیحی خدا خواست که مرد تنها یک زن داشته باشد. یک ایماندار تعمیدی نباید با یک بی ایمان ازدواج کند. هیچ رابطه جنسی در خارج از قالب ازدواج نباید وجود داشته باشد و مسیحیان نباید در پی طلاق باشند. ازدواج نمادی از مسیح و کلیسای واقعی است.</p>
<p>۳۴</p>	<p>متی ۲۲: ۲۱ رومیان ۱۳: ۱-۷ ۱ پطرس ۲: ۱۷</p>	<p>۳۰. وظیفه ما در قبال کشور مسیحیان باید تمام قوانین کشور را تا زمانی که با قوانین خدا مغایرت نداشته باشد، رعایت کنند. چون آنها شهروندان پادشاهی خدا هستند و نمی توانند وقت و انرژی خود را صرف سیاست و دولت های دنیوی کنند. زیرا ممکن است مخالف اهداف خدا باشد.</p>
<p>۳۵</p>	<p>فیلیپیان ۴: ۶ ۱ تیموتائوس ۲: ۵ عبرانیان ۷: ۲۴-۲۶ ۱ یوحنا ۱-۹</p>	<p>۳۱. مسیحیان می توانند برای بخشش گناهان دعا کنند دعا فرصتی است برای ستایش و تشکر از خدا. توسط دعا می توانیم از خدا بخواهیم که ما را در زندگی راهنمایی کند. عیسی مسیح همانند یک کاهن برای پیروانش است و در آسمان و نزد پدرش زندگی می کند. این افتخار بودن در مسیح است و ما دیگر نیازی به کاهنان دیگری نداریم.</p>
<p>۳۸ و ۳۶</p>	<p>مرقس ۱۴: ۲۲-۲۵ لوقا ۲۲: ۱۴-۲۰ ۱ قرنتیان ۱۱: ۲۳-۲۸</p>	<p>۳۲. گردهمایی با مرگ عیسی مسیح مسیحیان واقعی هفته ای یکبار برای یادآوری مرگ مسیح همدیگر را ملاقات می کنند. در این مراسم آنها با هم نان خورده و شراب می نوشند. نان و شرابی که مسیح آن را نمادی از خود اعلام کرد و از ما خواست تا آن را برای یادآوری قربانی شدن او به جا آوریم.</p>

۳۸	اعمال رسولان ۲: ۴۱-۴۲ عبرانیان ۱۰: ۲۴-۲۵ ۱ یوحنا ۱: ۳-۷	۳۳. مشارکت حقیقی مشارکت با خدا و عیسی مسیح تنها توسط ایماندارانی امکان پذیر است که اصول کتاب مقدس را که توسط مسیح و پیروانش در قرن اول آموزش داده شد، قبول دارند. کریستادلفین ها از مشارکتی شگفت انگیز با هزاران برادر و خواهر مسیحی در کشورهای مختلف لذت می بردند.
۳۶	متی باب ۵ رومیان باب ۱۲ کولسیان ۳: ۱-۱۷	۳۴. زندگی مسیحی ایمانداران تعمیدی باید از عیسی مسیح در زندگی پیروی کنند و در هر کاری که انجام می دهند باید به خدا شکوه و جلال بخشند.
۳۶ و ۴۰	متی ۱۶: ۲۴-۲۶ اعمال رسولان ۱۵: ۱۴ ۱ قرنتیان ۱: ۲۶-۲۷	۳۵. دعوت انجیل خدا مردمان را از تمامی ملت ها فراخوانده تا عیسی مسیح را پیروی کرده و برای آمدن پادشاهی آماده شوند. آیا شما به این دعوت پاسخ می دهید؟

آخرین آیات جهت مطالعه:

(اعمال رسولان ۱۷: ۳۰-۳۱) "در گذشته، خدا از چنین جهالتی چشم می پوشید. اما اکنون به همه مردمان در هر جا حکم می کند که توبه کنند. زیرا روزی را مقرر کرده که در آن به واسطه مردی که تعیین کرده است، جهان را عادلانه داوری خواهد کرد، و با برخیزانیدنش از مردگان، همه را از این امر مطمئن ساخته است."

درس چهارم: قدم بعدی

مطالعه: اعمال رسولان باب ۲

پیام خدا

اکنون به انتهای دوره آموزش کتاب مقدس رسیده ایم. امیدواریم که استفاده از آن به یادگیری هرچه بیشتر شما از کتاب مقدس کمک کرده باشد. بدین خاطر پیام شگفت انگیز کتاب مقدس را با شما در میان گذاشتیم چون شامل پیام رستگاریست. اگرچه حتی با چهل درس نمی توانیم پیام خدا به بشر را پوشش دهیم، پس واجب است شما به خواندن کتاب مقدس ادامه داده و به درگاه خدا برای فهم بهتر دعا کنید.

همین طور مهم است که شما این درس ها را همانند درس های مدرسه و دانشگاه نینید. کتاب مقدس کتابی است که می تواند زندگی شما را تغییر دهد، تنها کافیست که بخواهید. پولس رسول نوشت:

"زیرا در دل است که شخص ایمان می آورد و پارسا شمرده می شود، و با زبان است که اعتراف می کند و نجات می یابد" (رومیان ۱۰: ۱۰)

اگر کتاب مقدس را بعنوان کلام خدا قبول کنیم، بر دل های ما تأثیر می گذارد. اعتقاد عمیقی در وجودمان ایجاد می شود که بیانگر پیرو مسیح بودن است. این امر بسیار ضروری است. چون تنها به واسطه عیسی مسیح از گناهانمان نجات می یابیم. همانطور که پطرس رسول توضیح می دهد:

"در هیچ کس جز او نجات نیست، زیرا زیر آسمان نامی دیگر به آدمیان داده نشده تا بدان نجات یابیم" (اعمال رسولان ۴: ۱۲).

اهمیت ایمان به حقیقت خدا

به ما گفته شده که خدا:

"می خواهد همگان نجات یابند و به معرفت حقیقت نایل گردند" (۱ تیموتائوس ۲: ۴).

این بدین معناست که خدا می خواهد شما نجات را دریافت کنید و همین طور نشان می دهد که شما تنها زمانی نجات می یابید که به حقیقت ایمان بیاورید. حقیقت پیامی است که خدا از طریق کتاب مقدس گفته است. ایمان بر تعالیم غلطی که در کتاب مقدس نمی بینید به شما کمکی نمی کند و باعث سردرگمی شما و تمام کسانی که با آنها صحبت می کنید می شود. ایمانداران واقعی باید فهم

درستی از حقیقت کلام داشته باشند. اگر می خواهیم زندگیمان نزد خدا درست باشد، این امر ضروریست. پس باید اطمینان یابیم که درک درستی از کلام داریم و این امر با مقایسه باورهای خود با تعالیم کتاب امکان پذیر است. پولس رسول در تیموتائوس گفت:

"سخت بکوش که مقبول خدا باشی، همچون خدمتکاری که او را سببی برای شرمساری نیست و کلام حقیقت را به درستی به کار می بندد" (۲ تیموتائوس ۲: ۱۵).

"به دقت، مراقب شیوه زندگی و تعلیم خود باش. در آنها پایداری کن، که اگر چنین کنی خویشتن و شنوندگانت را نجات خواهی داد" (۱ تیموتائوس ۴: ۱۶).

این آیات اهمیت تعالیم حقیقی کلام را نشان می دهد. تیموتائوس باید مطمئن می شد که پیام صحیح انجیل را دریافته و آن را منتقل می کند. در ادامه پولس هشدار داد:

"زیرا زمانی خواهد آمد که مردم به تعلیم صحیح گوش فرا نخواهند داد، بلکه بنا به میل خویش، معلّمان بسیار گرد خود خواهند آورد تا آنچه را که گوشه‌هایشان طالب شنیدن آن است، از آنان بشنوند؛ و از گوش فرا دادن به حقیقت رویگردان شده، به سوی افسانه‌ها منحرف خواهند گشت" (۲ تیموتائوس ۴: ۳-۴).

ما نباید هیچ کاری به کار کسانی که آموزه های اشتباهی از کتاب را تعلیم می دهند داشته باشیم.

تعالیم مسیح

مسیح تقریباً ۶ هفته پس از رستاخیزش از مردگان به آسمان عروج کرد. در آن چهل روز او به آموزش شاگردان پرداخت. پس می توانید اهمیت درک صحیح از هدف خدا را دریافت کنید. مسیح به آنان یاد داد که صحف در مورد بازگشت و نجات او چه می گوید. به شاگردانش گفت:

"آنگاه به ایشان گفت: این همان است که وقتی با شما بودم، می گفتم؛ اینکه تمام آنچه در تورات موسی و کتب انبیا و مزامیر درباره من نوشته شده است، باید به حقیقت پیوندد. سپس، ذهن ایشان را روشن ساخت تا بتوانند کتب مقدّس را درک کنند. و به ایشان گفت: نوشته شده است که مسیح رنج خواهد کشید و در روز سوّم از مردگان بر خواهد خاست، و به نام او توبه و آمرزش گناهان به همه قومها موعظه خواهد شد و شروع آن از اورشلیم خواهد بود. شما شاهدان این امور هستید. من موعود پدر خود را بر شما خواهم فرستاد؛ پس در شهر بمانید تا آنگاه که از اعلی با قدرت آراسته شوید" (لوقا ۲۴: ۴۴-۴۸).

"او پس از رنج کشیدن، خویشتن را بر آنان ظاهر ساخت و با دلایل بسیار ثابت کرد که زنده شده است. پس به مدت چهل روز بر آنان ظاهر می‌شد و دربارهٔ پادشاهی خدا با ایشان سخن می‌گفت. یک بار در حین صرف غذا بدیشان امر فرمود که: اورشلیم را ترک نکنید، بلکه منتظر آن وعدهٔ پدر باشید که از من شنیده‌اید. زیرا یحیی با آب تعمید می‌داد، اما چند روزی بیش نخواهد گذشت که شما با روح‌القدس تعمید خواهید یافت. پس چون گرد هم آمده بودند، از او پرسیدند: خداوندا، آیا در این زمان است که پادشاهی را به اسرائیل باز خواهی گردانیدی؟ عیسی پاسخ داد: بر شما نیست که ایام و زمانهایی را که پدر در اختیار خود نگاه داشته است بدانید؛ اما چون روح‌القدس بر شما آید، قدرت خواهید یافت و شاهدان من خواهید بود، در اورشلیم و تمامی یهودیه و سامره و تا دورترین نقاط جهان" (اعمال رسولان ۱: ۸-۳).

به نکاتی که از این آیات می‌آموزیم توجه کنید:

- شاگردان از قبل آماده تدریس انجیل بودند و می‌دانستند که باید شاهدان مسیح باشند. آنها باید درک می‌کردند که کلام در مورد عیسی مسیح، بخشش گناهان از طریق نام او و پادشاهی خدا چه می‌آموزد.
- عیسی مسیح به آنها تعالیم بسیاری از عهد عتیق و نکات جدید دیگری که بعدها در عهد جدید نوشته شد، داد. پس کل کتاب مقدس اهمیت دارد.
- شاگردان ۳ سال بود که از معلم خود می‌آموختند. با این حال باز احتیاج به آموزش داشتند. درک پیام خدا زمان می‌برد.

تعالیم مسیح به پایه و اساسی برای ایمان اعضای کلیسا در قرن اول تبدیل شد.

تعالیم کلیسا ها در قرن اول

اعمال رسولان باب ۲ به ما می‌گوید که پطرس رسول در روز پنتیکاست به یهودیان چه چیزی یاد داد. او در مورد برنامه خدا برای رستگاری، مرگ مسیح، رستاخیز و صعود او به آسمان و دیگر اصول مهم صحبت کرد. شنوندگان زیادی ایمان آورده و تعمید گرفتند:

"پس پیام او را پذیرفتند و تعمید گرفتند. در همان روز حدود سه هزار تن بدیشان پیوستند آنان خود را وقف تعلیم یافتن از رسولان و رفاقت و پاره کردن نان و دعا کردند" (اعمال رسولان ۲: ۴۱-۴۲).

به اهمیت تعالیم رسولان توجه کنید:

- آموزه ها قبل از تعمید بودند، تنها کسانی که تعالیم پطرس را دریافت کردند، تعمید گرفتند.
- پس از تعمید با همان اعتقاد ادامه دادند و خود را صرف تعلیمات کردند.
- این اصول شراکت آنها بود.

این شروع کلیساهای مسیحی حقیقی بود. توجه کنید کسانی که آموزش هایی که مسیح به شاگردان خود داده بود را پذیرفتند، خود را وقف کلیسا کردند. مشارکت آنها بر پایه اعتقادی مشترک از تعالیم بود. آنان همچنان با هم به پرستش پرداخته و با هم نان را پاره می کنند.

در اعمال رسولان باب ۸ در مورد فیلیپس که در سامره آموزش می داد می خوانیم. او معجزات زیادی انجام داد که توجه افراد زیادی را به خود جلب کرده و نشان داد که از سوی خداست. اما تنها زمانی که به این درک و باور رسیدند، تعمید گرفتند:

"اما چون به بشارت فیلیپس درباره پادشاهی خدا و نام عیسی مسیح ایمان آوردند، همگی، مرد و زن، تعمید یافتند" (اعمال رسولان ۸: ۱۲).

توجه کنید که فیلیپس به مردم خبر خوش پادشاهی خدا و نام عیسی مسیح را داد. این درسی بود که مسیح پس از رستاخیزش به شاگردان داده بود. به همین خاطر شخصی که در کریستادلفین تعمید می گیرد قبل از در آب رفتن از او این سوال پرسیده می شود:

آیا به امور مرتبط با پادشاهی خدا و نام عیسی مسیح ایمان دارید؟

بدین طریق شخص تعمید گیرنده تایید می کند که به تعالیم صحیح کتاب مقدس که توسط مسیح و شاگردانش تعلیم داده شد، ایمان دارد.

زمانیکه کلیساهای مسیحی شکل گرفت، تنها کسانی که تعالیم صحیح کتاب مقدس را پذیرفته و به درستی در مسیح تعمید یافته بودند، در کلیسا پذیرفته می شدند. به همین خاطر است که کریستادلفین از دیگر کلیساها جداست. به این دلیل نیست که ما از آنها برتر بوده و یا می خواهیم آنها را محکوم کنیم. ما این امر را به این خاطر انجام می دهیم چون ایمان داشته و پیام انجیل را دقیقاً همانطور که مسیح و شاگردانش آموزش دادند تدریس می کنیم و می پذیریم که باید از کسانی که آموزه های غلط و ایمان اشتباه دارند جدا باشیم. این بدین معنا نیست که نباید با اعضای دیگر کلیساها در مورد کتاب مقدس صحبت کنیم. این واقعیت بزرگی در زندگی کریستادلفینی هاست که آماده حرف زدن در مورد کتاب مقدس هستند و تنها بدین معنی است که نباید با آنها در پرستش و مراسم عشاء ربانی شرکت کنیم.

قدم بعدی؟

وقتی این دوره آموزشی را تمام کردید برای شما چهار انتخاب وجود دارد:

۱. می توانید اینطور تصمیم بگیرید که این آموزش ها چیزی نیست که شما در زندگی می خواهید و ارتباط خود را با ما قطع کنید.
۲. می توانید اینگونه تصمیم بگیرید که علاقمند به آموزش های کتاب هستید و می خواهید بیشتر بدانید اما هنوز آماده تعمیم نیستید.
۳. اگر تا بحال بصورت کاملا غوطه ور در آب تعمیم گرفته اید، ممکن است تصمیم بگیرید که احتیاج به تعمیم دوباره ندارید.
۴. ممکن است تصمیم بگیرید که آموزه های مسیح را ادامه داده و بخواهید که تعمیم بگیرید.

حال به هریک از این انتخاب ها نگاهی می اندازیم:

۱.. اگر می خواهید ارتباط خود را با کریستادلفین قطع کنید در این صورت ما به تصمیم شما احترام می گذاریم. اگر چه همیشه منتظر برقراری ارتباط دوباره با شما در آینده هستیم. اگر چه تصمیم شما جدی است اما باز هم در مورد آن از شما سوال می پرسیم. زمانی که مسیح برای داوری باز می گردد، تمام کسانی که کلام را آموخته اند اعتباری را دریافت می کنند و شما نباید تصمیم اشتباه بگیرید (عبرانیان ۱۰: ۳۰-۳۱ را ببینید).

ممکن است تصمیم بگیرید که دیگر ادامه ندهید چون از آموزه های کلیسای خود راضی هستید. در این صورت شما بهترین تصمیم را خواهید گرفت. بخاطر داشته باشید که کتاب مقدس تنها منبع قدرت است. تحت تاثیر حرف های دیگران قرار نگیرید. بلکه از آنها بخواهید تا نظر هایشان را با توجه به کتاب ثابت کرده و خودتان قضاوت کنید. شما باید آموزه های خود را در مقابل آنچه از قبل می دانستید و مخصوصا آنچه کتاب مقدس به شما می آموزد بیازمایید. درس ۳۹ به شما کمک خواهد کرد.

۲. اگر برای پیام کتاب مشتاق هستید اما حس می کنید هنوز برای تعمیم آماده نیستید، نگران نباشید. ما شما را برای گرفتن تصمیمی عجولانه تحت فشار نمی گذاریم. مهم است که قبل از گرفتن تعمیم خود بطور کامل قانع شده باشید. در اینجا چند پیشنهاد را می بینید که به شما کمک خواهد کرد:

- به درسهای ۱ تا ۳۹ بازگشته و دوباره آنها را بخوانید. هر کجا که شک و یا مشکلی دارید آن را

گوشه ای نوشته و با مربی خود تماس بگیرید.

- برای مربی خود درباره وضعیت تان توضیح دهید. آنها باز با شما در ارتباط خواهند بود. ممکن است اگر مایل باشید برای شما درس های آموزشی دیگری بفرستند و یا شما را در فهم قسمت های سخت یاری کند.

- کتاب مقدس خود را هر روز بخوانید (تقویم مطالعه کتاب مقدس به شما کمک خواهد کرد).

- اگر مایل باشید می توانیم شما را با کریستادلفینی های کشور خودتان ارتباط دهیم. ممکن است آنها قادر باشند که شما را ببینید و در مورد کتاب با شما صحبت کنند.

- از همه مهمتر لطفا هر روز برای شرایط خود نزد خدا دعا کنید.

۳. اگر از قبل در کلیسا دیگری تعمید گرفته اید، ممکن است احساس کنید که احتیاج به تعمید دوباره ندارید. مهم است بدانید که این درسها از شما می خواهد در نام عیسی مسیح تعمید بگیرید. در درسهای قبل دیدیم که این به چه معناست. مردمان در قرن اول تنها زمانی تعمید گرفتند که پیام انجیل را درک کرده و ایمان آوردند.

در اعمال رسولان باب ۱۹ می خوانیم که برخی افراد پس از اینکه از یاران یحیی تعمید دهنده آموزش دیدند، تعمید گرفتند. فهم آنها از کلام ناقص بود. پس پولس رسول آنها را دوباره در نام عیسی مسیح تعمید داد و آنها نزد خدا پذیرفته شدند. به همین شکل امروزه افراد دیگری نیز دوباره تعمید می شوند چون تعمید اولیه آنها تأثیرگذار نبود. پولس در افسسیان ۴: ۵ می گوید که تنها "یک تعمید" وجود دارد. برخی از این آیه گمان می برند که باید تنها یک بار تعمید گرفت. اما این درست نیست. پولس می آموزد که تنها یک تعمید حقیقی وجود دارد.

۴. لازم است که ایمانداران درک کنند که تنها یک پیام حقیقی برای نجات وجود دارد و باید قبل از فرو رفتن در آب به آن ایمان بیاورند. لطفا در این خصوص خوب فکر کرده و با مربی خود صحبت کنید.

اگر می خواهید تعمید بگیرید یک خبر فوق العاده است. در آسمانها و زمین برای این خبر، وجد و سرور به وجود می آید. اولین کار دعا و در میان گذاشتن تصمیم خودتان با خداست. بعد با مربی خود تماس گرفته تا شما را بیشتر راهنمایی کند. اگر واقعا برای این مرحله آماده هستید، پس باید مطمئن شوید تا با تمام وجود امور مرتبط با پادشاهی خدا و نام عیسی مسیح همانطور که در کتاب و در این دروس از آن صحبت شد را باور دارید. قبل از اینکه شما را تعمید دهیم بحث دوستانه ای را ایجاد خواهیم کرد تا شما بتوانید در مورد درک و ایمان خود صحبت کنید. تعمید مهمترین تصمیمی است که شما خواهید گرفت و ما می خواهیم مطمئن شویم که شما در مورد آن خوب فکر کرده اید.

پس از تعمید عضوی از کریستادلفین در شهر خود خواهید شد و می توانید با دیگر برادران و خواهران برای پرستش و عشای ربانی در مراسم شرکت کنید. اگر هیچ کریستادلفینی اطراف شما نیست ما برای شما حمایت هایی در نظر خواهیم گرفت. مهم است به یاد داشته باشید که چه عضو یک اکلیزایی بزرگ باشید و چه تنها باشید، شما باز هم به خانواده جهانی برادران و خواهران در مسیح تعلق دارید، خانواده ای که مراقب شما بوده و از شما می خواهد که ارتباط برقرار کنید.

در نهایت

برای مطالعه این دروس از شما تشکر می کنیم. امیدواریم که از آن لذت برده و برای شما مفید بوده باشد. خالصانه امیدواریم که زمان بازگشت عیسی مسیح مکانی در پادشاهی خدا پیدا کنید. به همین خاطر است که دعا می کنیم تعالیم حقیقی انجیل را بپذیرید و در نام نجات دهنده خود یعنی مسیح تعمید بگیرید و از مشارکت با خدا، پسرش و خانواده جهانی ایمانداران لذت ببرید. لطفاً به خواندن کتاب مقدس خود ادامه داده و نزد خدای قادر مطلق دعا کنید تا شما را در همه امور زندگی راهنمایی کند.

آیاتی جهت مطالعه:

(اعمال رسولان ۲۰: ۲۸-۳۲)

(۱ تیموتائوس ۶: ۲-۴).



پرسش های بخش یازدهم

سوالات نهایی

بخش اول - پاسخ های یک کلمه ای: چه کسی؟

- ۱ چه کسی جهان را خلق کرد؟
- ۲ چه کسی از خاک زمین آفریده شد؟
- ۳ چه کسی وعده به ارث بردن سرزمین کنعان (اسرائیل) را دریافت کرد؟
- ۴ چه کسی دستورالعمل ساخت خیمه را دریافت کرد؟
- ۵ چه کسی این وعده را دریافت کرد که پسری خواهد داشت که تا ابد بر روی تخت او فرمانروایی خواهد کرد؟
- ۶ پسری که در سوال قبل ذکر شده است، کیست؟
- ۷ عیسی مسیح چه کسی را "شیطان" خطاب کرد؟
- ۸ چه کسی عیسی را از مردگان برخیزانید؟
- ۹ چه کسی جهان را داوری خواهد کرد؟
- ۱۰ نویسندگان کتاب مقدس از الهام چه کسی توانستند آن را بنویسند؟

بخش دوم - پاسخ های یک کلمه ای: کجا؟

- ۱ ابراهیم در ابتدا کجا زندگی می کرد؟
- ۲ یوسف در کجا به یک حاکم تبدیل شد؟
- ۳ موسی در کجا قوانینی که خدا برای مردم فرستاده بود را دریافت کرد؟

- ۴ تخت پادشاهی داوود کجا بود؟
- ۵ دانیال در کجا به اسارت برده شد؟
- ۶ کوه صهیون کجاست؟
- ۷ عیسی کجا به دنیا آمد؟
- ۸ عیسی کجا تعمید گرفت؟
- ۹ جهنم کجاست؟
- ۱۰ مرکز پادشاهی آینده خدا کجا خواهد بود؟

بخش سوم - پاسخ های کوتاه: چه؟

- ۱ خدا چه قومی را بعنوان مردم خاص خود برگزید؟
- ۲ کلمه "انجیل" به چه معناست؟
- ۳ فیض چیست؟
- ۴ بازگشت یهودیان به سرزمینشان نشان دهنده چه چیزی است؟
- ۵ کلمه "روح" به چه معناست؟

۶ زمانیکه عیسی مسیح به آسمان رفت، فرشتگان چه وعده ای دادند؟

۷ تعمید چیست؟

۸ ابلیس چیست؟

۹ دیو چیست؟

۱۰ روح القدس چیست؟

بخش چهارم - پاسخ های کوتاه: چرا؟

۱ چرا خدا جهان را خلق کرد؟

۲ چرا خدا در زمان نوح توفانی فرستاد؟

۳ چرا ابراهیم توسط خدا برکت یافت؟

-
- ۴ چرا خدا به عیسی اجازه داد تا بر روی صلیب بمیرد؟
- ۵ چرا عیسی از مرگ برخیزانده شد؟
- ۶ چرا ما گناه می‌کنیم؟
- ۷ چرا مهم است که راستگو و صادق باشیم؟
- ۸ چرا زمانیکه کار خطایی انجام می‌دهیم، مهم است که بگوییم خطا کرده ایم و عذرخواهی کنیم؟
- ۹ چرا عطایای روح القدس داده شد؟
- ۱۰ چرا مسیحیان باید با مسیحیان ازدواج کنند؟

بخش پنجم - پاسخ‌های کوتاه: چگونه؟

- ۱ خدا چگونه محبت خود را به ما نشان داد؟

۲ چگونه می توانیم برای آنچه که خدا و عیسی مسیح برای ما انجام داده اند قدردانی کنیم؟

۳ چگونه باید روز خود را شروع کرده و آن را به پایان برسانیم؟

۴ چگونه می توانیم از نظر روحانی رشد کنیم؟

۵ چگونه ابراهیم ایمانش را در زندگی خود نشان داد؟

۶ چگونه باید از این دنیا جدا باشیم؟

۷ چگونه وسوسه می شویم؟

۸ دعای ایمانداران چگونه به خدا می رسد؟

۹ چگونه باید با افرادی که در حق ما بدی کرده اند رفتار کنیم؟

۱۰ چگونه پیروی از عیسی مسیح ازدواج را تحت تاثیر خود قرار می دهد؟

بخش ششم - بلی یا خیر؟

- ۱ آیا عیسی در زمان عهد عتیق زندگی می کرد؟
- ۲ آیا مسیحیان می توانند در سیاست شرکت کنند؟
- ۳ آیا مسیحیان می توانند برای کشور خود بجنگند؟
- ۴ آیا کلمه "شیطان" می تواند برای انسان های خوب استفاده شود؟
- ۵ آیا پادشاهی خدا در عهد عتیق وجود داشته است؟
- ۶ آیا عطایای روح القدس (مانند سخن گفتن به زبان های دیگر) امروزه وجود دارد؟
- ۷ آیا خدا و سرورمان عیسی مسیح با هم برابرند؟
- ۸ آیا مسیحیان باید روز هفتم هفته (سبت) را برای پرستش خدا به جا آورند؟
- ۹ آیا کلمه "مقدس" به معنای جدا شده است؟
- ۱۰ آیا مسیحیان می توانند قبل از ازدواج رابطه جنسی داشته باشند؟

بخش هفتم - پاسخ طولانی

- ۱ چرا تعمید برای نجات ضروری است؟

۲ پس از مرگ چه اتفاقی برای ما می افتد؟

۳ پس از بازگشت عیسی مسیح چه کسانی از مردگان برخیزانده می شوند؟

۴ در روز داوری چه اتفاقی می افتد؟

۵ چرا عیسی می بایست بمیرد؟

۶ چرا کتاب مقدس از کلمه ابلیس استفاده کرده است؟

۷ پادشاهی آینده خدا چگونه خواهد بود؟

۸ چرا مهم است ایماندارانی که تعمید دارند مراسم عشای ربانی را به طور مرتب اجرا کنند؟

۹ چرا ایمانداران حقیقی تنها باید با ایمانداران حقیقی دیگر نان و شراب را به اشتراک بگذارند؟

۱۰ پس از تعمید گناهان چگونه بخشیده می شود؟

